

نفت من

فساد در
صنعت
نفت و
گاز ایران

کجاست؟



خسرو سمنانی

اردیبهشت ۱۳۹۸

مؤسسه علوم سیاسی هینکلی با همکاری
دانشگاه یوتا

نفت من

فساد در
صنعت
نفت و
گاز ایران

کجاست؟



خسرو سمنانی

اردیبهشت ۱۳۹۸



مجوز این اثر تحت مجوز بین‌المللی غیرتجاری و غیرانشعابی ۴.۰
شرکت کرییتیو کامنز (Creative Commons) صادر شده است.
سپتامبر ۲۰۱۸ (چاپ پنجم ژانویه ۲۰۱۹).
جهت مشاهده مجوز این اثر به آدرس اینترنتی زیر مراجعه فرمایید:
<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>
حقوق این اثر متعلق به «امید برای ایران» است.
«نفت من کجاست؟ فساد در بخش نفت و گاز ایران» به صورت ویژه
توسط مؤسسه علوم سیاسی هینکلی و «امید برای ایران»
منتشر شده است.
آراء و عقاید منتشرشده در این اثر لزوماً بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های
دانشگاه یوتا یا مؤسسه علوم سیاسی هینکلی نیستند.

برای اطلاعات بیشتر به این نشانی مراجعه فرمایید:
www.wheremyoil.org

جهت دریافت اجازه ویژه برای مواردی که در این مجوز قید نشده و برای
هرگونه استعلام درباره این نوشته و محتوای آن لطفاً از طریق نشانی
ایمیل wheremyoil@omidforiran.org
یا شماره تلفن ۵۰۰-۷۴۶-۸۰۱ با مؤسسه «امید برای ایران» تماس بگیرید.

این پژوهش را می‌توانید به صورت رایگان از طریق وبسایت‌های زیر
دانلود کنید:

www.omidforiran.org

www.wheremyoil.org

جهت مشاهده اطلاعات بیشتر درباره کپی‌رایت این اثر به بخش
«استفاده منصفانه» در پایان اثر مراجعه نمایید.

فهرست

۷. اتاق تاریک: مقدمه‌ای بر نسخه فارسی نفت من کجاست؟
۳. تقدیر و تشکر
۵. پیش‌گفتار
۱. نامه رئیس مؤسسه: چه کسی مالک نفت ایران است؟
۲. نفت و فرصت‌های شغلی: معادله میلیارد دلاری
۳. فساد هدفمند: مافیای نفت و گاز
۲۱. بازپس‌گیری مالکیت: اعلان جنگ علیه فساد
۲۶. هزینه برنامه هسته‌ای ایران: پروژه پرخرج و کم بازده ۱۰۰ میلیارد دلاری
۲۸. سیاست‌گذاری بخش انرژی: تولید برق در ایران. نیروگاه هسته‌ای در برابر نیروگاه گازی
۲۹. دزدسالاری در صنعت نفت: پرونده بابک زنجانی
۳۱. دزدسالاری در صنایع گاز: پرونده کرسنت
۳۲. دزدسالاری در بانک مرکزی: پرونده شرکت بازرگانی نفتیران و موارد دیگر
۳۴.
۴. نهادهای فساد: سپاه پاسداران و ستاد [اجرایی فرمان امام]
۳۷. دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد: سپاه پاسداران و صنعت نفت
۴۲. نقطه تلاقی. جزیره لیبون: زنجانی. شرکت بازرگانی نفتیران و بانک استاندارد چارترد
۵۰. حلقه آیت‌الله: ستاد. وسیله دزدی
۵۴.
۵. عواید حاصل از لغو تحریم‌ها: چه بر سر پول‌ها آمد؟
۵۷. افتتاح حسابداری بانک مرکزی
۵۹. حساب‌های فراساحلی (خارج از ایران) شرکت نفت - ۲۴,۵ میلیارد دلار یا ۶,۳ میلیون فرصت شغلی
۶۰. چین - ۲۲,۵ میلیارد دلار یا ۵,۶ میلیون فرصت شغلی
۶۲. بانک‌ها - ۱۰ میلیارد دلار یا ۲,۵ میلیون فرصت شغلی
۶۳. حکم دادگاه و اقدامات قانونی - ۳,۵ میلیارد دلار یا ۸۶۰ هزار فرصت شغلی
۶۴. صندوق توسعه ملی ایران: رسوایی فیش‌های حقوقی نجومی. مشت نمونه خروار
۶۵.

۶	تعیین کمیت فساد: شکاف تریلیون دلاری	۷۱
	ماتریس حسابداری اجتماعی: توضیحی در باب متدولوژی	۷۱
	جمع کل: یک تریلیون دلار خسارت	۷۳
	شش سناریو: اندازه‌گیری سود و زیان	۷۵
	حسابرسی اجمالی: جزیه و تحلیل	۷۶
	تأثیر بر خانوارها	۷۸
	فساد به منزله واگذاری سرمایه	۷۹
۷	میلیاردها دلار زبانی که به چشم نمی‌آید: هزینه انسانی فساد	۸۱
	بیکاری: بر باد دادن فرصت‌های شغلی	۸۱
	بهداشت و درمان: بحران پزشکی ۲ میلیارد دلاری	۸۶
	مواد مخدر: دینی دیگر	۸۹
	آموزش و پرورش: فریب معلمان با نفتکش	۹۲
۸	پیشگیری از فساد: زنجیره ارزش صنایع استخراجی	۹۵
	بازپس گیری بخش نفت و گاز ایران	۱۰۱
۹	جمع‌بندی یافته‌ها	۱۰۳
	الف- هزینه اقتصادی فساد و خربم‌ها	۱۰۳
	ب- سرقت نفت و ناهمخوانی حساب‌ها: عایدات حاصل از رفع خربم‌ها و صندوق توسعه ملی	۱۰۴
	پ- اداره بخش نفت و گاز	۱۰۵
	ت- مخاطرات سیاسی ناشی از فساد	۱۰۶
	ث- از خارج کردن نفت از حالت ملی تا احیای صنعت نفت	۱۰۷
	ج- فساد هدفمند	۱۰۷
۱۰	نتیجه‌گیری	۱۰۹
	فراخوان برای انجام اقدامات عملی: اتحاد ملی در برابر فساد	۱۱۶
	ضمیمه ۱: تحلیل فنی ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM)	۱۱۹
	مدل ضریب فزاینده بر مبنای ماتریس حسابداری اجتماعی برای ایران	۱۱۹
	روش شناسی	۱۲۰
	ضمیمه ۲: تاریخچه تولید نفت در ایران	۱۲۳
	ضمیمه ۳: شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران (NIOC)	۱۲۷
	ضمیمه ۴: شبکه مالی رضا ضراب	۱۲۹
	ضمیمه ۵: نامه نروزی از زندان اوین	۱۳۳
	پی‌نوشت	۱۳۵

اتاق تاریک:

مقدمه‌ای بر نسخه فارسی نفت من کجاست؟

اردیبهشت ۱۳۹۸، مارس ۲۰۱۹

اخیرا، در ۲۰ فوریه ۲۰۱۸، آیت الله جنتی، روحانی با نفوذ، به دنبال حمایت از رهبری علیه ناآرامی‌های رو به رشد در زمینه اقتصادی ایران، سخنرانی‌هایی کرده است. با توجه به اصول دین در اعطای خیر و رعایت اخلاق، او از تمام کارمندان دولتی و مقامات قضایی خواسته است تا علیه "روسای فاسد" و در تلف کردن و غارت "بیت المال" بایستند. در حالی که خود رهبران مذهبی از جمله جنتی و رئیسی، رئیس قوه قضاییه، منبع فساد و سوء مدیریت هستند.

با این حال، همانگونه که اخبار به وضوح نشان می‌دهد، اکنون بیش از هر زمان دیگری، مردم ایران باید توجه خود را به فساد سیستماتیک و ساختاری بخش نفت و گاز که مهمترین بخش اقتصاد ایران را شامل می‌شود، جلب کنند.

در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸ یک دادگاه فرانسوی، شرکت توتال (Total) را به مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ یورو (معادل ۵۷۵,۰۰۰ دلار) برای پرداخت رشوه به واسطه‌های ایرانی برای تأمین سهام در میدان گازی پارس جنوبی جریمه کرد. اما قابل توجه است که با وجود این آشکارسازی‌ها، بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران که در زمان رشوه‌دادن شرکت توتال هم وزیر نفت ایران بوده است، برای حسابرسی دقیق و کامل از نقش خود در کل رسوایی رشوه شرکت توتال، به مردم ایران توضیحی نداده است. لازم به ذکر است، علیرغم شواهد و اظهار نظرهای دقیق علیه شرکت توتال برای رشوه دادن به مقامات ایرانی، اقدامات رییس جمهور روحانی با سخنان ضد فساد او یکسان نیست.

در حالی که رسوایی فساد زنجانی - از دست دادن ۲,۷ میلیارد دلار درآمد نفتی ایران - نشان داده است که چگونه در زمان ریاست احمدی نژاد یک "بسیج اقتصادی" برای تخریب خرم‌ها بهانه ای شد ا به منظور غارت میلیاردها دلار در درآمد نفت و گاز ایران در بازار سیاه، پرونده زنجانی گستردگی فساد اقتصادی در ایران را آشکار

پس از انتشار نسخه انگلیسی «نفت من کجاست؟» در سپتامبر سال ۲۰۱۸، ما یک کمپین رسانه‌ای برای دخیل کردن مردم ایران در گفتگو درباره مقیاس، منابع، علل، هزینه‌ها و پیامدهای فساد ساختاری و سیستماتیک در جمهوری اسلامی ایران راه اندازی کردیم.

از زمان انتشار نسخه انگلیسی این گزارش و راه اندازی کمپین رسانه‌ای ما، بسیار تحت تاثیر تاکید شدید مردم ایران بر معضل فساد در صنعت نفت و گاز ایران قرار گرفته‌ایم. چنانکه، در زمانی که بیکاری و تورم میلیون‌ها نفر را به سقوط به زیر خط فقر تهدید می‌کند، رهبران بخش‌های مختلف، از اتحادیه‌های کارگری تا انجمن‌های معلمان و غیره، فساد ساختاری، که در مقیاس نجومی در ایران اتفاق می‌افتد، را باعث و بانی کاهش مشاغل و استانداردهای زندگی می‌بینند. در نتیجه بدتر شدن زندگی روزمره مردم ایران، چنین بیداری و هوشیاری مردم، و بعضی از نمایندگان مجلس، اگر چه هنوز نوپا است، ولی برای مبارزه با فساد و پیدا کردن پاسخ قطعی به این سوال مهم "نفت من کجاست؟"، بسیار مهم و الزامی است.

آیت الله خامنه‌ای، رهبر ایران، بارها ماهیت فساد را در ساختار اداری جمهوری اسلامی انکار کرده است و ادعا می‌کند که چنین گونه‌هایی از فساد، ویژگی‌های حکومت شاه است. اما چیزی که مهم است، این است که مردم ایران به دنبال افراد فاسد و پرونده های فساد هستند - مردم ایران طوری نقطه‌ها را به هم متصل می‌کنند که حتی حاکمان رژیم هم دیگر نمی‌توانند حقایق را پنهان و یا انکار کنند. مردم ایران نه تنها شاهد ارتباط مستقیم بین وضعیت اقتصادی خراب و فساد اداری جمهوری اسلامی هستند، بلکه رهبران ایران را مسئول چهل سال حکمرانی ناکام و سوء مدیریت اقتصادی می‌دانند، که سی سال از این حکمرانی تحت رهبری خامنه‌ای بوده است.

کرده است و سولاتی در مورد چگونگی دریافت، حمل و فروش نفت ایران توسط باند زنجانی مطرح کرده است.

در ماه مارس ۲۰۱۹ - پس از انتشار گزارش انگلیسی ما - دادگاه های ایران محاکمه ۱۳ تن از مدیران را در یکی از بزرگترین پرونده‌های اختلاس پتروشیمی، به مبلغ ۷ میلیارد دلار، که در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد رخ داده است، آغاز کردند. این اختلاس همزمان با تحریم های زمان احمدی نژاد رخ داد: توافق دولت و صنعت پتروشیمی در ایجاد شرکت‌های خارج از کشور و هدایت درآمدها به حسابهای خصوصی. هم زمان با انتشار این گزارش، کارمندان آقای زنگنه در مورد پرونده کرسنت (Crescent) مشغول به کار هستند و مبلغ هنگفتی به وکیل‌های بین‌المللی و کارشناسان فنی برای نجات ایران از پرداخت ضرر و زیان در دادگاه های بین‌المللی می‌پردازند. فراموش نکنید که پرونده اختلاس نفتی کرسنت در دوران وزارت آقای زنگنه و ریاست جمهوری خاتمی در سال ۲۰۰۱ آغاز شد.

در حالیکه ۷۲ تن از اعضای مجلس، به دلیل اینکه آقای زنگنه به اندازه کافی برای خنثی کردن تحریم‌های اعمال شده توسط دولت ترامپ اقدام نکرده است، خواستار استعفای او شدند، برنامه‌های زنگنه برای ایجاد یک "اتاق تاریک" در وزارت نفت برای مبارزه با تحریم علیه ایران در بخش نفت و گاز، این صنعت را به یک دهه دیگری از فساد و غارت محکوم خواهد کرد. تکرار حماقت‌ها و اشتباهات

دوران احمدی نژاد نه تنها موجب آسیب برگشت ناپذیر به بخش نفت و گاز ایران می‌شود، بلکه صحنه را برای فروپاشی اقتصاد ایران فراهم می‌کند.

در حال حاضر میلیون‌ها نفر از ایرانیان هزینه "اقتصاد منهای نفت" را پرداخت می‌کنند. در حالی که، بازگشت ثروت مردم ایران مشروط به برگشت "اقتصاد منهای فساد" است. ایرانیان برای حفظ امنیت، سلامتی و ثروت خود باید سیاست‌هایی را که خطر افزایش تحریم‌ها را زیاد می‌کنند، رد بکنند. در غیر این صورت افراد داخل حکومت می‌توانند میلیاردها دلار در "اتاق‌های تاریک" و دیگر طرح‌های مشکوک، غارت کنند.

به عنوان وزیر ناظر بر وزارت نفت برای بیش از ۱۴ سال، زنگنه باید مسئولیت رسیدگی به رشوه خواری و رسوایی‌های فساد اداری در بخش نفت و گاز ایران را از موارد شرکت توتال و کرسنت تا شرکت بازرگانی نفت ایران (NICO) به عهده بگیرد. بیژن زنگنه نباید مجاز باشد که بخش نفت و گاز را به یک "اتاق تاریک" تبدیل کند. در عوض، ما خواستار شفافیت و پاسخگویی هستیم.

صنایع نفت و گاز ایران در تاریکی می‌میرند. آنچه لازم است نور است، نوری که در دست مردم ایران است.

خسرو سمنانی

رئیس «امید برای ایران»

تقدیم به مردان و زنان شاغل
در صنایع نفت
و گاز ایران که پیشرفت
و رفاه ایران را بنیاد نهادند

www.whereismyoil.org

تقدیر و تشکر

از همکارانی که در نگرانی ما نسبت به فساد در صنایع نفت و گاز ایران سهیم بودند و همفکری و کمک شخصی و حرفه ای آنان منبع الهام و فراهم آورنده اطلاعات «نفت من کجاست؟ فساد در بخش نفت و گاز ایران» بوده است سپاسگزاریم.

پیش از هر چیز لازم است از دو بزرگمرد عرصه ایران شناسی، دکتر احسان یارشاطر و دکتر جهانگیر آموزگار که در سال ۲۰۱۸ چشم از جهان فرو بستند و تعلق خاطر آنان به ایران در تمامی جنبه‌های آثار علمی و پژوهشی آنها مشهود است، قدردانی به عمل آوریم. این دو از اساتید ایران پژوهی و ایران شناسی بودند. میهن‌دوستی و دانش‌پژوهی آنان سرمشق ما و موهبتی پاینده است.

به خاطر مطالعات اساسی و پایه در باب شیوه اداره و اقتصاد سیاسی بخش نفت و گاز ایران، عمیقاً مدیون دکتر سوزان مالونی (Dr. Suzanne Maloney) و دکتر پاشا مهدوی هستیم.

ما همچنین فرصت آن را داشتیم که از گفت‌وگو با تعدادی از دولتمردان و کنشگران برجسته، با تجربه طولانی در شرکت ملی نفت ایران بهره مند شویم که از جمله شاخص‌ترین آنان می‌توان به فرخ نجم‌آبادی و حسین سلطانی اشاره کرد. آقای نجم‌آبادی که زمانی عهده‌دار سمت مدیر کلی امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران بود، اطلاعات دقیقی از سیستم نظارتی که به منظور استخراج و صادرات سالم نفت ایجاد شده بود ارائه داد. آقای سلطانی که پیشتر بازرس کل شرکت ملی نفت ایران بود، پیش از درگذشت، مطالعات دامنه‌دار خود درباره فساد در بخش نفت و گاز ایران را در اختیار ما گذاشت. به این امید که به تلاش‌های آیندگان برای مبارزه با فساد در ایران کمک کند.

سارا چیز (Sarah Chayes)، نویسنده «سارقان حکومتی»، که کتاب او درباره دزدسالاری (کلپتوکراسی) چارچوبی مفهومی و مقایسه‌ای جهت بررسی مسأله فساد در ایران ارائه می‌دهد، همچون گذشته، با شفافیت اخلاقی و سنجیدگی فکری روشنگر مسیر نگارش ما بود. راهنمای دیگر ما در انجام این مطالعه، افشین مولوی، عضو ارشد «مؤسسه سیاست خارجی» بخش مطالعات

پیشرفته بین‌المللی دانشگاه جان هاپکینز بود. عشق عمیق و پایدار او به مردم ایران به همراه دید جهانشمول او نسبت به اقتصاد سیاسی ایران تمام جنبه‌های کار ما را تحت‌الشعاع قرار داد. در انجام پژوهش حاضر نیز مانند کتاب «قهار هسته‌ای آیت‌الله» از تخصص کریم سجادیپور، عضو ارشد «بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل» بهره فراوان بردیم.

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز مطالعات درخشانی در زمینه موانع ساختاری پیش روی کشورهای نفت‌خیز انجام داده‌اند و تحلیل‌های آنان از بخش نفت و گاز ایران، به ویژه درباره مسائل مربوط به سیاست‌گذاری، عملیات، داده‌ها و گزارش‌دهی بسیار ارزشمند است. ما همچنین به دلیل تلاش‌های سازمان ملل متحد، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، وزارت دادگستری و وزارت خزانه‌داری ایالات متحده و کمیسیون بورس و اوراق بهادار در راه مبارزه با فساد، عمیقاً مدیون این نهادها هستیم. اقدام این نهادها چارچوب قانونی و اصولی برای واکنش‌های سازمانی و بین‌المللی در مواجهه با موارد فساد سنگین فراهم آورده است.

بسیاری از نتیجه‌گیری‌ها و توصیه‌های ما برای اداره بخش نفت و گاز ایران متأثر از تلاش «برنامه شفافیت صنایع استخراجی» (EITI) در جهت ایجاد یک استاندارد بین‌المللی برای مسائل مربوط به اداره بخش نفت و گاز و معادن بود. در حسابرسی صنایع نفت و گاز نیجریه، استانداردهای EITI به عنوان اساس و مرجع اقدامات این کشور به کار گرفته شد. امیدواریم مردم و مجلس ایران نیز از نیجریه سرمشق بگیرند و حسابرسی مشابهی را برای صنایع نفت و گاز ایران اجباری سازند.

در حیطه سازمان‌های جامعه مدنی، سازمان‌هایی چون شفافیت بین‌الملل، شاهد جهانی (Global Witness)، عفو بین‌الملل و مرکز عبدالرحمان برومند (ABC) به دلیل پرده برداشتن از رابطه میان فساد و نقض حقوق بشر از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از دکتر حمید اکبری، رئیس دانشکده بازرگانی دانشگاه دولتی وینونا و دکتر رویا برومند، مدیر اجرایی ABC به دلیل خوانش دقیق متن

می‌شود. نمی‌توان نقش جماعت بی‌شمار کارمندان، نمایندگان مجلس، کارگران، معلمان، دانشجویان و روزنامه‌نگاران را که به جهاد طاقت‌فرسا و بی‌وقفه خود برای دستیابی به پاسخگویی و شفافیت در بخش نفت و گاز ایران ادامه می‌دهند نادیده گرفت. تلاش‌های آنان برای بازآفرینی خودآگاهی ملی مردم ایران بایستی‌گیری بخشی نفت و گاز و بازگرداندن رفاه اقتصادی به ایران از اهمیت حیاتی برخوردار است. جرأت و عزم راسخ آنان برای پایان دادن به غصب اقتصاد ایران توسط سارقان حکومتی برای همه ما الهام‌بخش است.

در پایان باید یادآور شد که اگر به خاطر از خودگذشتگی و فداکاری چند نسل از دولتمردان، نمایندگان مجلس، مدیران، اقتصاددانان، حسابداران، مهندسان، کارگران، سربازان و دریانوردان نبود، صنعت نفت و گاز ایران وجود نمی‌داشت. شرکت ملی نفت ایران ثمره عشق و تلاش این افراد است. هیچ قدردانی و سپاسی بدون صحنه گذاشتن بر میراث فوق‌العاده آنان و بزرگداشت این میراث، کامل و معنی‌دار نخواهد بود. این امانتی است که باید به خاطر نسل‌های آینده حفظ شود.

در پایان به خانواده و دوستان همه سرنشینان نفتکش سانچی ایران که در تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۹۶ (۱۴ ژانویه ۲۰۱۸) در دریای شرق چین غرق شد تسلیت می‌گوییم. آنان سزاوار پایانی بهتر بودند.

کتاب و ارائه نظراتشان به صورت ویژه قدردانی می‌کنیم.

دوستان ما در ایالت یوتا، از جمله ژنرال اموس ای. جردن (Amos A. Jordan) رئیس پیشین «مرکز مطالعات راهبردی»، دریاسالار ریچارد کی. گالاگر (Richard K. Gallagher)، بازنشسته نیروی دریایی ایالات متحده و نماینده کنگره، کریس استوارت (Chris Stewart) این نوشته را در مراحل مختلف مطالعه کردند و به ویژه در زمینه ارتباط بین فساد و افراط‌گرایی نکاتی ارزشمند را یادآور شدند.

در نگارش این پژوهش نیز همچون پژوهش پیشین، از مشارکت «مؤسسه علوم سیاسی هینکلی» دانشگاه یوتا برخوردار شدیم. از دکتر جیسون پری (Jason Perry) و گروه او به خاطر همکاری بی‌شائبه و حمایتشان از این پروژه قدردانی می‌نماییم و از پروژه‌های آینده استقبال می‌کنیم. از کرک جاورز (Kirk Jowers)، مدیر پیشین مؤسسه علوم سیاسی هینکلی نیز به دلیل راه‌اندازی این مجموعه و حمایت از همکاری مداوم مؤسسه هینکلی با ما تشکر می‌کنیم.

امیر سلطانی از گروه ما در «امید برای ایران»، با هدایت پژوهش‌ها و آماده ساختن مقدمات تهیه این مطالعه در پیشبرد میراث پدر خود، حسین سلطانی، نقشی مؤثر ایفا کرد. از دکتر زین رشید صدیقی به دلیل کمک او در تعیین کمیت هزینه‌های فساد با استفاده از تحلیل ماتریس حسابداری اجتماعی به صورت ویژه سپاسگزاری می‌کنیم. درحالی که جامعه مدنی ایران هنوز پدیده ای نوپا محسوب

پیشگفتار

به عنوان مدیر «مؤسسه علوم سیاسی هینکلی» خرسندم که این گزارش ویژه را با عنوان *نفت من کجاست؟* به شما تقدیم کنم. جناب خسرو سمنانی و همکاران ایشان در «امید برای ایران» به منظور تهیه این مطالعه پیشرو درباره صنعت نفت ایران پژوهش‌های دامنه‌داری انجام داده‌اند و منابع قابل‌توجهی صرف کرده‌اند. *نفت من کجاست؟* با تعیین کمیت هزینه‌ها و پیامدهای فساد حقایق جدیدی را درباره آینده اقتصاد ایران بر ملا می‌کند. این مطالعه به ما گوشزد می‌کند که کلید دست یافتن به امنیت و رفاه هر کشور نه تنها به حجم منابع آن کشور، بلکه به میزان دسترسی به منابع آن کشور وابسته است.

رویدادهای سیاسی سراسر جهان همچنان باعث شگفتی و حتی شوک ما می‌شوند و می‌توانند تأثیری ژرف بر جوامع و زندگی افراد داشته باشند. خواه سیاست‌های نفتی در ایران را در نظر بگیریم، خواه برگزیت، یا تسلیحات هسته‌ای کره شمالی یا انتخابات میاندوره ۲۰۱۸ را در آمریکا، باید به یاد داشته باشیم که تمام سیاست‌ها منطقه‌ای و محلی هستند. اینجا و بدین طریق است که مردم می‌توانند با مشارکت خود تغییر ایجاد کنند. با این حال همان گونه که پژوهش پیش روی شما نشان می‌دهد، فساد نیز پدیده‌ای جهانی است. پدیده‌ای که باعث تضعیف دموکراسی و فرسایش اعتماد به دولت و بازارها می‌شود. نه فقط مردم ایران، بلکه همه ما باید در معکوس کردن جهت این جریان سهمیم. اطلاعات و داده‌های ارائه شده در این کتاب چشم‌اندازی کلی و بسیار ضروری ارائه می‌دهد از موضوعی که در دهه‌های آینده همچنان بر ایران و جهان تأثیرگذار خواهد بود.

مطابق معمول تمام مجامع و مطالب چاپی مؤسسه هینکلی، در اینجا نیز ما برآنیم تا پند بنیان‌گذار مؤسسه، رابرت ایچ. هینکلی (Robert H. Hinckley) را در خصوص مشارکت سیاسی دنبال کنیم - اما به منظور مشارکت واقعی ابتدا باید مسائل را درک کنیم. هدف آثار متعدد انتشاریافته در مؤسسه هینکلی این است که به مباحث گوناگون پیرامون مسائل نیازمند توجه فوری که پیش روی ایالات متحده و جهان قرار دارد بپردازد. به همین دلیل مؤسسه هینکلی با افتخار از *نفت من کجاست؟* حمایت می‌کند. من همیشه جناب سمنانی را به خاطر فعالیت‌های انسان‌دوستانه، تعلق خاطر به جامعه ایرانی، تعهد ایشان نسبت به پژوهش و کنجکاوی فکری ایشان ستایش کرده‌ام. مطالعه حاضر به ویژه به دلیل ژرفا و گستردگی پژوهش‌های صورت گرفته و ترغیب مردم به مداخله با آگاهی، مرا تحت تأثیر قرار داده.

مؤسسه هینکلی از زمان تأسیس در ۱۹۶۵ تاکنون به طور روزافزونی توجه خود را به مسائل بین‌المللی معطوف کرده است. علاوه بر حمایت از صدها دانشجوی کارورز (اینترن) در یوتا و واشنگتن دی سی، در حال حاضر در بیش از ۵۰ کشور جهان، از جمله در خاورمیانه، دانشجوی کارورز داریم. ما بیش از پیش معتقدیم که اگر دولتمردان ما به دنبال راه‌حل‌های صلح‌طلبانه برای حل مسائل هستند، این تنش‌های بین‌المللی باید به طور کامل بررسی و سنجیده شوند.

جیسن پی. پری

مدیر مؤسسه علوم سیاسی هینکلی

دانشگاه یوتا

از کلیه افراد و سازمان‌هایی که خطر فساد را برای کشور تشخیص می‌دهند دعوت می‌کنیم از نفوذ خود برای نشر این موضوع استفاده کنند و ایده‌های خود را برای مبارزه با این اپیدمی در ایران با ما به اشتراک بگذارند.

برای دانلود نسخه رایگان این مطالعه و مشاهده فعالیت‌ها و رویدادهای مرتبط لطفاً به وبسایت زیر مراجعه کنید:

www.wheremyoil.org

یا از طریق نشانی ایمیل با ما تماس بگیرید: wheremyoil@omidforiran.org

نامه رئیس مؤسسه: چه کسی مالک نفت ایران است؟

روح‌الله موسوی خمینی با نشانیدن روحانیت به عنوان متولی نظام الهی به جای شاه توانست جایگزینی برای شاه ارائه دهد. او به عنوان یک روحانی انقلابی اینطور وانمود می‌کرد با اعلان جنگ علیه فساد فی‌الارض به غصب بیت‌المال پایان دهد.

خمینی بیشتر اعتبار خود را از جایگاهش به عنوان یک روحانی گرفته بود. هرچه بود، برخلاف کسبه و سربازان، دست و دل روحانیت وقف نماز و عبادت بود و امور دنیوی و شکوه ملی برای آنان اهمیتی نداشت. وعده ضمنی انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی - همان که میلیون‌ها ایرانی، اما نه همه آنان، به آن باور داشتند - این بود که بازگشت به اصول دین، بیماری‌های اجتماعی و اقتصادی را که جامعه را مبتلا کرده بود درمان می‌کرد. مطابق این برداشت، منبع فساد در ایران نه تنها شاه و رژیم شیطان‌ی او، بلکه غربزدگی مردم ایران بود - بیماری فرهنگی که ریشه در غرب داشت. ایرانیان تصور می‌کردند با قرار دادن قدرت در دست روحانیون - جایگزین کردن عمامه به جای تاج - قانون اساسی و دولت خود را در اختیار طبقه ای از روحانیون سستیزه‌جو و فسادناپذیر قرار می‌دهند - طلایه‌دارانی دین‌مدار که قرار بود زمینه‌ساز رهایی «مستضعفین فی‌الارض» باشند. اصولگرایان قرار بود با اعمال قوانین الهی و تشکیل نهادهایی متعالی که به گودال منجلاب انسانی - حسابگری فاسد و مبتذلی که موتور حرکتی سیاست و تجارت بود - سقوط نمی‌کردند، تمام مشکلات ایران را حل کنند.

در سال ۱۹۷۹ در سالگرد تولد دکتر محمد مصدق، آیت‌الله

در سنت حماسی ایران، برقراری و حفظ عدالت وظیفه پادشاه و هدف دولت بود. شاه، به عنوان حافظ این نظام الهی باید مقرر هر مخلوقی را اعطا می‌کرد. مورچه نیز مشمول این حمایت بود و حق داشت از ثمره کار خود بهره‌مند شود. حتی اگر این ثمره تنها خرده‌ای از نان باشد. زندگی تقدس داشت و کار شرافت و عزت. هر آسیبی که به کسی وارد می‌شد، آسیب به شخص شاه بود و بنابراین اقدام علیه نظام الهی قلمداد می‌شد.

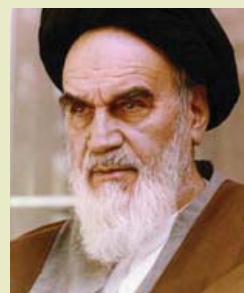
فساد و یغماگری از صفات دیو بود، نه پادشاه. تصاحب اقتدار خدایی راه را برای سقوط دولت، برای تسخیر، خت انقیاد درآوردن، شورش و هرج‌ومرج هموار می‌کرد. بالطبع در یک نظام اخلاقی که با این اصول باستانی اداره می‌شد، فساد و بی‌رحمی در قلب پادشاه، مانند یک بیماری واگیردار گسترش پیدا می‌کرد. خود دولت به منبع بی‌عدالتی بدل می‌شد. بافت زبان و قانون را آلوده می‌کرد و بدنه حیات را به بیماری، رنج، تیرگی و مرگ محکوم می‌ساخت.

سنت حماسی ایران، امروز نیز مانند دوران باستان همچنان از اعتبار برخوردار است و نمود دارد.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی (۱۹۷۹) با این پیشفرض تأسیس شد که مدل‌های سکولار و غربی حکومت، مادی‌گرایانه و فاسد هستند - از برقراری عدالت و برآورده کردن نیازهای معنوی انسان ناتوانند. وجود فقر در ایران و پایایی و ماندگاری آن را نشانه ظلم و استبداد می‌دانستند - نشانه ای از تحقیر مردم ایران از سوی شاه و دلیلی برای اثبات دشمنی وی با خدا. آیت‌الله سید

«مسیر ما مسیر نفت نیست، نفت برای ما اهمیت ندارد، ملی‌سازی نفت برای ما اهمیت ندارد، اشتباه است، هدف ما اسلام است، هدف ما نفت نیست، اگر کسی نفت را ملی کرد و اسلام را کنار گذاشت، چرا از او تبعیت کنیم؟»

روح‌الله خمینی



Dolat.ir

اصل ولایت فقیه در تئوری و عمل به گونه ای طراحی شده که فساد را در ابعاد وسیع تسهیل می نماید. اصول قانون اساسی که جمهوری اسلامی بر آن بنا شده، ناقض حاکمیت ملی و حق مالکیت ملت ایران بر نفت، گاز و منابع طبیعی خود است.

خمینی دیدگاه خود درباره نظم نوین اسلامی را چنین بیان کرد: «مسیر ما مسیر نفت نیست. نفت برای ما اهمیت ندارد. ملی سازی نفت برای ما اهمیت ندارد. اشتباه است. هدف ما اسلام است. هدف ما نفت نیست. اگر کسی نفت را ملی کرد و اسلام را کنار گذاشت، چرا از او تبعیت کنیم؟»^۱

امروز با گذشت تقریباً ۴۰ سال از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، مردم ایران ثمره تلخ دیدگاه آیت الله خمینی را به صورت دولت و اقتصادی ناکارآمد برداشت می کنند. پس از چهار دهه حکومت اسلامی، نه تنها فساد ریشه کن نشده، بلکه ورق نیز برگشته است. شکاف بین آموزه ها و اعمال رسول الله (ص) که به او لقب «امین» داده بودند و خطمشی رهبران جمهوری اسلامی - که بسیاری از آنان ثروت های کلان غیرقانونی برای خود اندوخته اند - به قدری عظیم است که پر کردن آن امکان ناپذیر نیست. رهبران ایران خود را تافته جدا بافته می دانند که گویی پایگاه و اعتبار دینی شان آنان را از پاسخگویی در این جهان و جهان آخرت معاف می دارد.

اصل ولایت فقیه در تئوری و عمل به گونه ای طراحی شده که فساد را در ابعاد وسیع تسهیل می نماید. اصول قانون اساسی که جمهوری اسلامی بر آن بنا شده، ناقض حاکمیت ملی و حق مالکیت ملت ایران بر نفت، گاز و منابع طبیعی خود است. نهادهایی که تحت نام رهبری فعالیت می کنند، ادعا می کنند اقتدار و مشروعیت خود را از منبعی الهی می گیرند - نه از واقعیت های انسانی یا ضرورت های اقتصادی. اصل عملیاتی این نهادها به جای پاسخگو بودن در برابر قانون، مصونیت از مجازات است.

نتایج این شیوه حکومتی بی پرده عیان است. امروز ایران به جای برخوردار از ثمره رفاه با فاجعه انسانی روبه رو است.

بیش از ۱۰ میلیون نفر در کشور زیر خط مطلق فقر زندگی می کنند و ۳۰ میلیون نفر دیگر زیر خط نسبی فقر به سر می برند.^۲

۱۱ میلیون نفر حاشیه نشین هستند.^۳

۳.۵ میلیون بیکار در کشور وجود دارد - اگر جمعیت افراد با کارهای نیمه وقت و درآمد پایین را نیز به این فهرست اضافه کنیم به رقم سرسام آور ۶.۵ میلیون نفر می رسیم.^۴

بیش از ۲۰ درصد جمعیت جوان کشور بیکار است که این رقم در مناطق محروم به ۶۰ درصد می رسد.^۵

در سال ۲۰۱۲ جمعیت معنادران ایران ۲.۲ میلیون نفر بود.^۶ جمعیت افراد معتاد به هروئین ۱.۲ میلیون نفر - بیشترین تعداد مصرف کننده هروئین به نسبت جمعیت کشور در کل جهان - و مصرف کنندگان تفریحی ۸۰۰ هزار نفر بود.^۷ در سال ۲۰۱۷ برآورد رسمی برای تعداد معتادان ۲.۸ میلیون نفر است. این در حالی است که برخی منابع این رقم را ۱۰ میلیون نفر ذکر کرده اند.^۸

از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ نرخ ابتلا به اچ آی وی از طریق تماس جنسی دو برابر شده و از ۱۵ درصد به ۳۰ درصد رسیده است.^۹

هرسال بیش از ۶۰۰ هزار نفر زندانی می شوند که دلیل زندانی شدن بیش از ۶۰ درصد آنان مصرف مواد مخدر است.^{۱۰}

از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ که میانگین بهای نفت به بیش از هر بشکه ۱۰۰ دلار صعود کرده بود، رشد اقتصادی ایران ۲.۲ درصد بود. در حالی که نرخ تورم از ۲۰.۳ درصد به بیش از ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۳ رسید.^{۱۱}

طبقه متوسط هر سال شاهد کاهش قدرت خرید خود بوده است. بر اساس گزارش بی بی سی بر مبنای داده های بانک مرکزی ایران، ایرانیان «۱۵ درصد فقیرتر» شده اند. از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ میانگین درآمد خانوارهای شهری ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده است.^{۱۲}

آسیب های اجتماعی در ایران به قدری حاد شده که آیت الله علی خامنه ای، گرچه با تأخیر، مجبور شد اعتراف کند که جمهوری اسلامی در مقابله با این فاجعه در حال وقوع «۲۰ سال عقب» است.^{۱۳} طبق اظهارات رضا فرجی دانا که تا سال ۲۰۱۴ سمت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را بر عهده داشت، هر سال بیش از ۱۵۰ هزار نفر با تحصیلات عالی از ایران مهاجرت می کنند که هزینه ای ۱۵۰ میلیارد دلاری بر دوش کشور می گذارد. به طور کلی ۲۵ درصد از ایرانیان با تحصیلات تکمیلی [بعد از لیسانس] - گروهی عظیم از متخصصان - در حال حاضر در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD) مشغول به کار هستند. برای درک جدی بودن و اهمیت تهدیدی که بر ایران سایه افکنده است، تنها کافی است به بر باد رفتن ثروت ونزوئلا، غارت نفت این کشور، سقوط اقتصاد و مصیبت طبقه فقیر و متوسط آن نظری بیفکنیم.

اگرچه مردم ایران تصور می کردند انقلاب - با خاتمه بخشیدن به

متأسفانه جناح های قدرتمند مجلس و قوه قضائیه به جای مبارزه با فساد و الگو ساختن شفافسازی، پاسخگویی و خدمت درازکان دولت، بر غارت منابع ایران سرپوش می‌گذارند. مانند دوران فنووالیسم و استعمار، با مردم نه مثل یک شهروند بلکه مثل یک رعیت رفتار می‌شود.

داستان نفت ایران در قلب این خیانت تاریخی قرار دارد. دیگر نمی‌توان این داستان را نادیده گرفت. پای حاکمیت ملی و رفاه و کامیابی مردم ایران در میان است. فساد، تنها تهدیدی اقتصادی و سیاسی نیست. فساد تهدیدی وجودی است: نقض مالکیت مردم ایران بر منابع طبیعی خود. نفی کنترل آنان بر نهادهای اداره‌کننده این منابع و نفی حق مردم در تعیین سرنوشت هر قطره نفت و فواید ناشی از آن است.

در سال ۲۰۰۹ مردم ایران و رسانه‌ها پرسشی مطرح کردند که جهان را به لرزه درآورد: «رأی من کجاست؟» امروز ما با طرح پرسشی مشابه، به معترضان ۲۰۰۹ می‌پویندیم. پرسشی که پاسخ آن ضامن تغییر وضعیت میلیون‌ها ایرانی از فقر به رفاه است: «نفت من کجاست؟»

«امید برای ایران»، مؤسسه غیرانتفاعی که به منظور حفظ منافع مردم ایران تأسیس شده بر آن است با طرح این پرسش زمینه را برای بررسی نظام‌مند صنایع نفت و گاز ایران فراهم سازد. هدف مهم‌تر این مؤسسه آن است که حق مالکیت نفت و گاز را برای مردم احیا کند تا ایران به مسیر رفاه بازگردد. در واقع با توجه به شیوع فساد و فقر در ایران، ما بر آنیم تا مبارزه با فساد را در ایران به اولویت ملی بدل کنیم. اگر بخواهیم پیامدهای فساد را به شیوه‌ای نظام‌مند شناسایی کنیم و آن را در مسیر معکوس قرار دهیم، تعیین کمیت هزینه‌های فساد در صنعت نفت و گاز ایران امری حیاتی خواهد بود.

«نفت من کجاست؟» نشان خواهد داد خسارتی که مردم ایران از فساد هدفمند متحمل می‌شوند بیش از ۱ تریلیون دلار است.



زنی با پلاکارد که روی آن نوشته شده: «برادرم را کشت چون پرسید "رای من کجاست؟"»

عکس از: حامد صابر

پایمال شدن حقوق آنان و سوءاستفاده از قدرت نظام استبدادی شاه- آنان را به دوران نوین هدایت می‌کند. در عمل با رأی دادن به اصل ولایت فقیه به دامی قانونی افتادند و کلیه حقوق مدنی، اقتصادی و اجتماعی خود را به یک حاکم مستبد جدید واگذار کردند. رهبری مذهبی که مدعی بود حق حکومت بر مردم ایران را از منبعی الهی گرفته است.

امروز مردم ایران نه به غرب، بلکه به شیوه حکومتی اسلامی مورد حمایت خمینی و پیروان او، یعنی ولایت فقیه پشت کرده‌اند.

به دلیل فساد فراگیر، بسیاری از مردم دیگر دین را راه حل مشکلات خود نمی‌دانند، بلکه آن را باعث و بانی رخ خود می‌دانند. در کشوری چون ایران با این وفور منابع انسانی و طبیعی، هزینه‌های اجتماعی این تراژدی درحال بروز را دیگر نمی‌توان به گردن افراد فاسد یا غرب انداخت. بلکه باید ریشه آن را در شکست سیستم اقتصادی و سیاسی در تحقق وعده‌هایش به مردم جستجو کرد.

با میزان فساد کنونی ایران که ابعاد آن در دوران خاندان پهلوی خارج از تصور بود. دیگر نه شاهان ایران، بلکه طبقه روحانی حاکم در ایران به عنوان منبع فساد و افراد ذی‌نفع در آن شناخته می‌شوند.

سلاطین نفت ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۷



بابک زنجانی

مهدی هاشمی

مارک ریچ

هاشمی: خبرگزاری تسنیم، عکس از سپاسک ابراهیمی، ریچ: ویکیپدیا، زنجانی: فارس نیوز

جا دارد این رقم را تکرار کنیم: بیش از ۱ تریلیون دلار، یعنی ۱۰۰۰ میلیارد دلار.

شاید هیچ چیز به اندازه نمود خارجی پرسش «نفت من کجاست؟» شدت و وخامت این موضوع را نشان ندهد: یعنی چالش تعیین موقعیت و ردگیری حمل و نقل نفت ایران. تا نیمه دوم سال ۲۰۱۶ - یعنی بعد از لغو خریدهای هسته‌ای ایران - نفتکش‌های حامل یک پنجم نفت صادراتی ایران به صورت «تاریک» یا ناشناس تردد می‌کردند و بسیاری از آنان ادعا می‌کردند محموله ایرانی آنان «سفر خود را از کشور دیگری آغاز کرده است. در حالی که تصاویر ماهواره ای نشان می‌داد این کشتی‌ها در ایران بارگیری شده‌اند.»^{۱۴} سرقت نفت ایران به فسادی عظیم انجامیده که ارقام آن سر به ده‌ها و صدها میلیارد دلار می‌زند. هزینه این سوءمدیریت راهبردی برای اقتصاد ایران در طی دهه گذشته از یک تریلیون دلار فراتر می‌رود. در صورت عدم کنترل این فساد ایران مانند دولت‌های ناکارآمد و ورشکسته خواهد شد و متعاقب آن ناامنی، فقر، جنایت و هرج و مرج گریبان کشور را خواهد گرفت.

پرونده‌های فساد در ایران درباره واقعیت جای شک باقی نمی‌گذارند: طیفی از فساد وجود دارد که از ارتباط جمهوری اسلامی با تاجر کالا، مارک ریچ، در سال ۱۹۷۹ تا ارتباط آن با بابک زنجانی در سال ۲۰۱۵ تا اعترافات رضا ضراب در سال ۲۰۱۷ و اظهارات پنهان‌کارانه رئیس‌جمهور در باب پرونده فساد در قرارداد با شرکت نفت کرسنت را در بر می‌گیرد. بدون شک قبل از انقلاب نیز فساد در ایران وجود داشت. اما بعد از انقلاب مانند قارچ تکثیر شد. درحالی که قبل از سال ۱۹۷۹ هنجارهای دینی و فرهنگی سرقت و فساد را امری تابو به حساب می‌آوردند. امروزه سرقت و فساد با چنان وقاحتی صورت می‌گیرد که هنجارهای بنیادی اخلاقی، فرهنگی و دینی را درمی‌نوردد.

این تغییر چندین دهه در حال تکوین بوده است. فساد بعد از جنگ ایران و عراق و در دوران موسوم به سازندگی و خصوصی‌سازی در کشور نهادینه شد و در دوران موسوم به «اقتصاد مقاومتی» به مرحله حاد رسید. نهادهای انقلابی ایران در یک مقیاس عظیم به درازای چند دهه یا به صورت فعال در فساد دست داشته‌اند یا به صورت تعمدی آن را پنهان کرده‌اند.

در کشوری که میلیون‌ها کارگر، معلم، پرستار و کارمند به زحمت خرج هزینه‌های اولیه زندگی خود را تأمین می‌کنند، فساد کشنده است - مثل یک بیماری اپیدمی. ۱۲ میلیون ایرانی زیر خط مطلق فقر به سر می‌برند و ۸.۲ میلیون نفر با درآمدی کم‌تر از ۵.۵ دلار در روز زندگی می‌کنند.^{۱۵} ۴۰ درصد دیگر جمعیت کشور - بیش از ۳۰ میلیون نفر - در حال رانده شدن به زیر خط فقر هستند. شفافیت و پاسخگویی در بخش نفت و گاز ایران نمی‌تواند به صورت یک موضوع نمایشی و در حد روابط عمومی باقی بماند. این موضوع یک فوریت الزام‌آور ملی است - موضوع دلارها و سینت‌هایی است که برای ا فشار

آسیب‌پذیر می‌تواند به معنای تفاوت بین تغذیه و سوءتغذیه باشد. موج اعتراضات ضد دولتی که اوایل ۲۰۱۸ سراسر ایران را فرا گرفت. برای کسانی که پیگیر اعتصاب معلمان و شورش‌های کارگری در کشور بودند شگفت‌آور نبود.

بیانیه قدرتمند شش‌تکلیف کارگری ایران - سه سال پیش از اعتراضات ۲۰۱۸ - نشان دهنده ابعاد مصیبت و بدبختی کارگران است:

امروز هر انسان شریف و منصفی بر این واقعیت غیرقابل‌انکار واقف است که میلیون‌ها کارگر و انسان زحمتکش از کارگران صنایع بزرگ و کوچک تا معلمان و پرستاران و بازنشستگان در بدترین وضعیت معیشتی ممکن در تاریخ ۵۰ ساله اخیر کشور قرار دارند. طوری که بنا بر اذعان کارشناسان و نهادهای رسمی حکومتی در حال حاضر زندگی میلیون‌ها خانواده کارگری به سه برابر زیر خط فقر سقوط کرده است و میوه و گوشت و لبنیات در حال برچیده شدن از سفره‌های خالی آنان است...

چنین شرایط دهشتناکی در کشوری قحطی‌زده رخ نداده، بلکه این وضعیت بر کارگران و زحمتکشان کشوری خمیل شده است که دارای نیروی جوان و تحصیلکرده و ماهر و بالاترین ذخایر ترکیبی نفت و گاز جهان است. آیا شرم‌آورتر از این وجود دارد که در چنین کشوری معلمان به سرویس ایاب و ذهاب دانش‌آموزان‌شان تبدیل بشوند و دست به مسافرکشی در خیابان‌ها بزنند؟ آیا در چنین کشوری شایسته است که کارگران و دیگر زحمتکشان بازنشسته به دلیل ناچیز بودن حقوق بازنشستگی به شکل خردکننده‌ای دغدغه معیشت داشته باشند؟ آیا در چنین کشوری می‌باید میلیون‌ها کارگر با ساعات کار ۱۲ ساعته و ۱۸ ساعته در مقابل همسر و فرزندانشان شرم‌زده لقمه‌ای نان باشند؟ آیا در چنین کشوری می‌توان قبول کرد که هزاران نفر در آن دست به فروش کلیه بزنند و تن‌فروشی و نکبت اعتیاد و استیصال و ناامیدی از زندگی، میلیون‌ها نفر از مردم آن کشور، از نوجوانان تا جوانان و کهنسالانش را در خود فرو برد؟^{۱۶}

در این بیانیه آمده است:

تداوم چنین چرخه توقف ناپذیری از خمیل ستم معیشتی بر ما کارگران در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته تا بداجا پیش رفته است که امروز در حالی که حداقل مزد کارگران ۶۰۸ هزار تومان (۱۸۰ دلار در ماه) است و بسیاری از آنان حتی همین حداقل را نیز دریافت نمی‌کنند. طبق اذعان کارشناسان و نهادهای رسمی حکومتی سبد هزینه یک خانوار چهار نفره به بیش از سه میلیون تومان (در حدود ۹۰۰ دلار در ماه) رسیده است و بدین گونه ادامه حیات و بقای ما کارگران عملاً

غیرممکن شده است.^{۱۷}

معلم‌ان نیز ساکت ننشسته‌اند. در چهلمین نرویز پس از انقلاب، دبیرکل پیشین کانون صنفی معلم‌ان ایران، اسماعیل عبدی، از زندان اوین نامه‌ای خطاب به سازمان بین‌المللی کار نوشت. او در این نامه تصریح کرد که قصد دارد از تاریخ ۲۸ فروردین ۹۷ (۱۸ آوریل ۲۰۱۸) در اعتراض به نقض گسترده حقوق معلم‌ان و کارگران ایران اعتصاب غذا کند:

نعمات و سفره انقلاب به جای فقر، نصیب اصحاب زر و زور و تزویر شد... آنان اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم را دستمایه جذب آرا قرار داده و تمام مدت مشغول ثروت‌اندوزی از بیت‌المال بودند... (برای مشاهده متن کامل نامه به ضمیمه ۵ مراجعه کنید)

با کمال تأسف، جمهوری اسلامی بنا به اعتراف مسؤولان نظام، گوش شنوا نداشت چه رسد به آن که بخواهد شرایط اقتصادی طبقات «مظلوم» را که خود داعیه جُرات آنان را داشت، بهبود بخشد.

حاشیه‌ها دارای اهمیتند. همان‌گونه که نفت دارای اهمیت است. برای میلیون‌ها نفر.

«رسوایی فیش‌های حقوقی جُومی» مربوط به علی صدقی، رئیس بانک رفاه کارگران، نمود دیگری از تازبانه فساد و نابرابری است. سقوط قدرت خرید اقشار تهیدست و طبقه متوسط باعث نشده مقامات و مدیران ارشد دولتی از انباشتن جیب خود به خرج دولت خودداری کنند. قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب سال ۲۰۱۳، حداکثر حقوق کارکنان دولت را معادل ۷ برابر حداقل دستمزد تعیین کرده است. با این حال علی صدقی در ازای کار برای بانک رفاه کارگران ماهانه مبلغی معادل ۲.۳۴ میلیارد ریال (۷۶ هزار و ۵۰۰ دلار - به نرخ رسمی بانک مرکزی ایران شهریورماه ۱۳۸۹) از این بانک دریافت می‌کرد - «به صورت سرانگشتی ۳۰۰ برابر» بیش از حقوق یک کارگر معمولی.^{۱۸}

مدفون شدن میلیون‌ها ایرانی در زیر خط فقر امری تصادفی نیست. مدیریت ضعیف و بی‌آبروی دولت فقط بخشی از داستان است. آنچه این دیوان‌سالاری مسکوت می‌گذارد این است که در دوران خُریم، که مردم ایران در معرض شدیدترین فشارها بودند، بانک مرکزی و وزارتخانه‌های کلیدی چگونه جریان میلیون‌ها بشکه نفت و میلیاردها دلار سرمایه را به خارج از کشور تسهیل می‌کردند. هیچ ابهامی در مورد این ارقام وجود ندارد. تأثیر اقدامات دولت و بانک مرکزی بیش از آن بود که تنها اندکی به جیب مردم ناخنک بزند. در برهه‌ای که منابع مالی خارجی اندک و دور از دسترس بود، بانک مرکزی با زد و بند به نفع سرمایه‌داری رفاقتی عمل کرد. واردکنندگان خودروهای لوکس که در خدمت نوکیسگان موسوم به «آقازاده‌ها» بودند، ارز دولتی دریافت کردند. در حالی که نرخ

ارزی که در اختیار وزارت بهداشت با ۲ میلیارد دلار کسر بودجه قرار گرفت از نرخ ارز واردکنندگان خودروهای تجملی بیشتر بود - ماحصل اقدام بانک مرکزی این بود که میلیون‌ها نفر از طبقه متوسط و پایین جامعه با خرید دارو به قیمت بازار سیاه به اعطای سوبسید برای خرید اتومبیل پورشه کمک کردند. در حالی که رضا ضراب و دیگران به حساب‌های نفت و گاز ایران در ترکیه دسترسی نامحدود داشتند و اقدام به خرید اسب مسابقه، هاورکرافت و قایق‌های تفریحی می‌کردند و حق کمیسیون ۱۵۰ میلیون دلاری دریافت می‌کردند و رشوه‌های ۵۰ میلیون دلاری پرداخت می‌کردند و ساعت‌های لوکس پاتک فیلیپ (Patek Philippe) ۷۰۰ هزار دلاری توزیع می‌کردند. ایرانیان تهیدست عملاً از دسترسی به خدمات درمانی نیز محروم شده بودند. این مرگ‌ها و بدهی‌ها باید حساب شوند.

شعارهای انقلابی و چنگ و دندان نشان دادن - فریادهای برامان «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» - بر واقعیت سهمناک‌تری سرپوش گذاشته است: فساد اسلام و مرگ قریب‌الوقوع ایران. نه به عنوان فاجعه‌ای ناگهانی، بلکه به عنوان یک تراژدی تدریجی و روزمره. در جمهوری اسلامی که دستگاه قضایی آن ارزشی چنان بالا برای گوسفندان قائل است که قطع دست سارق چند گوسفند را به نمایشی ملی بدل می‌کند. پیرامون سرقت نفت در کشور را تیرگی و بی‌خبری مطلق فرا گرفته است. به جای تکریم و خدمت به مردم ایران از طریق دستگیری افراد دخیل در سرقت نظام‌مند نفت و گاز و حتی نفتکش و دکل ایران، دولت مردم را به چشم دهقان‌هایی می‌بیند که تنها نگرانی و تنها دارایی آنان گوسفندانشان است. اما اکنون زمان افسوس خوردن نیست. اکنون زمان عمل است.

اتخاذ رهیافتی تجربی و مبتنی بر مشاهده برای بررسی فساد حائز اهمیت است. تعیین کمیت فساد مبنایی برای بازخواست است - اقدامی نظام‌مند به جای شعارهای مبتذل. محکوم کردن فساد به عنوان معضلی خاتمان‌سوز کافی نیست. وقتی کمیت فساد به صورت پایگاه داده‌ای از پرونده‌های فساد معلوم شود، می‌توان آن را ردگیری کرد و مسیر آن را معکوس نمود. کما این که پیشتر نیز چنین کاری صورت گرفته است. گروه بانک جهانی و دفتر مقابله با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل برنامه‌ای پرسابقه به نام «برنامه بازپس‌گیری اموال مسروقه» (StAR) دارند که به کشورهایمانند ایران امکان می‌دهد در حوزه‌های قضایی مختلف در جهت جلوگیری از پولشویی و سرقت دارایی‌هایی که برای رشد و رفاه ایران حیاتی است، اقدام کنند. اگر مردم به جای این که نظاره‌گر مستأصل غارت منابع طبیعی کشور توسط افرادی مثل بابک زنجانی باشند، دولت را پاسخگو بدانند و فساد را علنی سازند، زمینه برای بازگرداندن ده‌ها میلیارد دلار از دارایی‌های سرقت شده که در خارج از ایران پنهان شده‌است، فراهم خواهد شد. با توجه

به ماهیت بین‌المللی سازمان‌های جنایتکار که نفت ایران را زیر نام دور زدن خرمی‌ها می‌کنند، پیمان‌های بین‌المللی، نهادها و شرکای مالی ایران می‌توانند به بانک مرکزی ایران برای ردیابی و بازگرداندن میلیاردها دلار که در خارج از کشور پنهان شده‌اند یاری برسانند.

باطل کردن طلسم فساد می‌تواند درهای برکت بی‌پایان را بر روی مردم ایران بگشاید. رابطه بین صنعت نفت و گاز با بقیه اقتصاد ایران بسیار گسترده است. بر اساس خلیل‌های ما، با استناد به ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) خود مجلس ایران، هر یک دلار درآمد بخش نفت و گاز می‌تواند با ضریب اهرمی (Leverage) به سه یا چهار دلار در بقیه بخش‌های اقتصاد ایران تبدیل شود. به همین منوال، هر دلاری که از بخش نفت و گاز خارج شود، معادل خروج سه تا چهار دلار از دیگر بخش‌های اقتصاد است.

حساب و کتاب تأثیرات منفی ناشی از فساد پیچیده نیست. حتی بدون در نظر گرفتن یک راهبرد سرمایه‌گذاری یا اثر فزاینده (مولتیپلایر)، اگر قرار باشد هر یک میلیارد دلار درآمد نفتی به صورت بارانه نقدی توزیع شود، تقریباً معادل ۱۰۰ هزار حقوق ماهانه در سطح حقوق عادلانه ۹۰۰ دلار در ماه (۱۰ هزار و ۸۰۰ دلار در سال) خواهد بود. بر اساس مدل «مؤسسه مالی بین‌المللی» (IFC) بانک جهانی اثر فزاینده ۲.۷

میلیارد دلار می‌تواند تا ۳۰۰ هزار شغل با حقوق ۹۰۰ دلار در ماه ایجاد کند.

۲.۷ میلیارد دلاری که گفته می‌شود تنها در یک پرونده فساد از دست رفته، اگر قرار بود به صورت نقد توزیع گردد، به ۲۷۰ هزار خانواده، هریک رقمی معادل ۱۰ هزار دلار می‌رسید. یعنی معادل یک سال حقوق آنان با در نظر گرفتن حقوق ۳ میلیون تومان (۹۰۰ دلار) در ماه.

با توجه به این مهم که منابع نفت و گاز ایران ۱۷ تریلیون دلار ارزش‌گذاری شده است، احیای این بخش و بازگرداندن اهمیت، برتری و بازدهی بالا به شرکت ملی نفت ایران به عنوان یک «قهرمان ملی» در عرصه جهانی، برای رفاه اقتصادی مردم ایران امری حیاتی است. مانند انقلاب مشروطه ایران، چنین اقدامی در نهایت به بسیج مردم ایران و تلاشی جمعی علیه فساد بستگی دارد. شفافیت و پاسخگویی تنها در جایی مفهوم پیدا می‌کند که مردم عمیقاً احساس مالکیت کنند و این با درک ارزش نفت، نه تنها برای خود، بلکه برای فرزندان، نوادگان و همسایگان و ملت‌شان میسر است. با توجه به میزان بیکاری و گسترش فقر در ایران، سکوت در برابر

این فاجعه انسانی به هیچ وجه جایز نیست.

ردپای مافیای نفتی همه جا هست. فساد، زیر نقاب دین به شکل‌های گوناگون بروز می‌کند: سوءاستفاده از قدرت، خویشاوندسالاری، پرداخت رشوه و زیرمیزی، افشای اطلاعات محرمانه، تقلب در مناقصه، میزبانی نامناسب و جهت دار قراردادهای تخصیص غیرقانونی نفت، فروش نفت با تخفیف، انتقال ارز خرید دکل‌های نفتی که وجود خارجی ندارند، برداشت غیرقانونی و بدون مجوز از حساب‌های نفتی، جلوگیری از انتشار گزارش و میزبانی بازرسی، لاپوشانی پرونده‌های فساد از طریق دستگاه قضایی و زیرپا گذاشتن اصول قانونی و دینی به خاطر مصلحت نظام، حرکت پنهان نفتکش‌هایی که مقادیر نامعلومی نفت را حمل می‌کنند، تا به امروز در هاله‌ای از راز پوشیده شده است.

در موارد بسیاری فساد به عنوان مسأله امنیت ملی از چشم مردم دور نگاه داشته می‌شود. افراد و نهادهای مسؤول حفاظت از منافع مردم، به جای پیگیری پرونده‌های فساد مانند دزدان دریایی عمل می‌کنند. افراد ذی‌نفع -افراد و نهادهای مهم و حیاتی- در دولت مشارکت می‌کنند تا سهم خود را از غارت ثروت ملی تضمین نمایند. تحت عنوان محافظت از امنیت ملی، ابتدایی‌ترین الزامات

قانونی، مالی و گزارش‌دهی را نادیده می‌گیرند و عملاً درباره نحوه اداره بخش نفت و گاز یک وضعیت بی‌خبری مطلق و خلأ اطلاعاتی ایجاد می‌کنند. کسانی که جرأت می‌کنند پرده از فساد بردارند و با آن به مخالفت برخیزند به بهانه نقض مقدسات اسلام، تبلیغ علیه نظام و توهین به مقام رهبری مورد حمله قرار می‌گیرند.

طنز تلخ قضیه اینجاست که در عصر نظارت و مراقبت، پنهان‌نگاه داشتن اطلاعات کاری دشوار است. در حالی که قوه قضائیه و دیگر نهادها نهایت تلاش خود را می‌کنند تا اسناد و مدارک را محرمانه نگاه دارند و بعضاً در این راه از کنار گذاشتن مقامات دولتی تا خفه کردن صدای مجلس و مطبوعات نیز فروگذار نمی‌کنند. با این حال قدرت‌های خارجی از قبیل ایالات متحده، روسیه، چین، اسرائیل و دیگران از بیشتر این اطلاعات آگاهی دارند. ارتباطات رسمی و حساب‌های بانکی، انتقال پول، جریان نفت، حرکت نفتکش‌ها، خرید و جابه‌جایی مواد اولیه، جملگی می‌توانند با جزئیات و به سهولتی که تا پیش از این قابل تصور نبوده است، ردگیری شوند. جدا از ردگیری مقامات، وجوه نقد، اسناد و مدارک، ارتباطات و نفتکش‌ها؛ نوآوری‌های فنی مانند رادار با قابلیت نفوذ به زمین (GPR) قادر است خط لوله‌ای را که در چندمتری

با استناد به ماتریس

حسابداری اجتماعی خود

مجلس ایران، هر یک دلار

درآمد بخش نفت و گاز

می‌تواند با ضریب اهرمی

(Leverage) به سه یا چهار

دلار در بقیه بخش‌های اقتصاد

ایران تبدیل شود.

هر بشکه نفت - هر قطره آن - متعلق به فرزندان ایران است. وظیفه و تکلیف هر ایرانی است که به عنوان نگهبان امانتی مقدس از این گنجینه محافظت نماید.

ناتوانی در تضمین زنجیره تأمین نفت و گاز ایران پیامدهای ناگوار و دشواری برای اقتصاد ایران در پی خواهد داشت. از این حیث، مالکیت مردم باید فراتر از خواست پاسخگویی و شفافیت در کلیه سطوح دولت و جامعه باشد. مالکیت نیازمند یک نقشه راه است. نجات بخش نفت و گاز ایران بسته به آن است که همه ایرانیان حق خود از نفت را مطالبه کنند و خواستار اقدامات اصلاحی در زمینه امور قانونی، وضع مقررات عملیاتی، اداری و مالی باشند.

بنا بر اظهارات به یادماندنی افشین مولوی، نویسنده کتاب «روح ایران»، «این نعمت [نفت] تنها موهبتی مربوط به وضعیت زمین‌شناسی ایران نیست، بلکه میراثی الهی است. برکت و هدیه ای است که از ازمه کهن، قلب و خانه و پرستشگاه ایرانیان را روشن ساخته است.»^{۱۱} سارقان حکومتی می‌خواهند این نور مقدس را که روشنی‌بخش قلب و خانه تمام ایرانیان است خاموش سازند.^{۱۲}

«امید برای ایران» از صمیم قلب امیدوار است این نوشتار که با مددگیری فراوان از آثار تعداد بشماری از پژوهشگران، متخصصان و روزنامه‌نگاران به رشته تحریر درآمده است. کمکی باشد در راه آگاهی‌بخشی درباره وخامت و سنگینی سرقتی که صنعت نفت و گاز ایران را تهدید می‌کند.^{۱۳} مهم‌تر آنکه ما امیدواریم این مطالعه، مسأله بازپس‌گیری بخش نفت و گاز ایران را در صدر مباحث مربوط به احیای اقتصاد ایران قرار دهد.

حکومت دین‌سالارانه (تئوکراسی) در ایران که حق حاکمیت مردم را به نام دین نفی می‌کند، به حکومتی دزدسالارانه تبدیل شده است که تقدس اسلام را از بین می‌برد تا فساد مافیای نفتی - سارقان حکومتی - را پنهان کند. این سرقت لکه‌ای نیست که از سر سهو بر دامان جمهوری اسلامی نشسته باشد، بلکه به وجهی استادانه سازماندهی و نظام‌مند شده و در مقیاسی جهانی عمل می‌کند. این فساد نه جایی در ایران دارد و نه توجیهی در اسلام.

مردم ایران، همانند گذشته، میراثی را که در راه آن افراد بیشمار از خودگذشتگی کرده‌اند، بازپس خواهند گرفت. هر بشکه نفت - هر قطره آن - متعلق به فرزندان ایران است. وظیفه و تکلیف هر ایرانی است که به عنوان نگهبان امانتی مقدس از این گنجینه محافظت نماید. عدالت به چیزی کم‌تر از این قانع نخواهد شد. اما عدالت تلاشی جمعی است و از سوی نجات‌دهنده‌ای الهی به

عمق زمین کار گذاشته شده است تشخیص دهد، چه رسد به اشیاء مرئی که در روی زمین قرار گرفته‌اند.

نابود کردن سانتریفوژهای ایران در حمله‌ای سایبری با استفاده از ویروس استاکس نت (Stuxnet) نشان داد اسرار برنامه هسته‌ای که ایران بیش از هر چیز و با نهایت دقت در حفظ آن می‌کوشید تا چه اندازه و با چه میزان از جزئیات قابل نفوذ بود. دلیلی ندارد تصور کنیم عملیات مربوط به نفت، گاز، صنایع کشتیرانی و بانکداری ایران بهتر از عملیات مربوط به برنامه هسته‌ای محافظت می‌شوند. در مورد ارتباطات رسمی نیز این قاعده صدق می‌کند. با توجه به این که آژانس امنیت ملی امریکا (NSA) می‌تواند ارتباط مقامات دولت آلمان را شنود کند - مقادیر عظیمی از داده‌ها را حتی از هدف‌های با اهمیت پایین جمع‌آوری کند - اینکه دولت ایران می‌تواند ارتباطات مربوط به فساد در بخش نفت و گاز ایران را پنهان نگاه دارد، توهمی بیش نیست.^{۱۴} این موضوع درباره سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز صادق است. سپاه نیز نمی‌تواند میلیاردها دلاری را که از طریق قاچاق به دست می‌آورد پنهان سازد - فعالیت‌های کلیه بنادر و اسکله‌های ایران به آسانی با ماهواره قابل مشاهده است.^{۱۵} پرونده ضراب باید به اعتماد به نفس بیش از حد جمهوری اسلامی پایان می‌داد. در مورد پنهان کردن فساد زیر پوشش مباحث امنیت ملی، طنز تلخ قضیه اینجاست که این اقدام، قدرت‌های خارجی را در موقعیتی قرار می‌دهد که می‌توانند با رشوه دادن و تهدید مقامات ایرانی از آنان امتیاز بگیرند. تنها کسانی که در این میان در بی‌خبری به سر می‌برند، مالکان به حق نفت و گاز ایران هستند.

هدف و وظیفه ما این است که این نقاب را برداریم - عملیات بخش نفت و گاز ایران را شفاف سازیم و مدیریت آن را وادار کنیم در برابر مردم ایران پاسخگو باشند. هر بشکه نفت و هر دلار درآمدی که از بخش نفت ایران حاصل می‌شود متعلق به مردم است که مالک منابع نفت و گاز ایران هستند. نه به سارقان حکومتی.

آنگاه این نکته منطقی به نظر می‌رسد که آنچه منابع عظیم نفت ایران را به نعمت یا نفرین بدل می‌کند، نه فرمول شیمیایی آن است و نه توطئه‌هایی که در اطراف نفت وجود دارد، بلکه سرشست و خصلت مردم ایران و رهبران آنهاست.

اما سرنوشت بخش نفت و گاز را نمی‌توان به امید کارشناسان و مقامات وانهاد. همه ایرانیان در سلامت، بهره‌وری و کامیابی صنعت مادر کشور خود سهیم هستند.

تأثیرات ناگوار خربمها بر نخواهند آمد. تأثیراتی چون جهش ناگهانی قیمت کالاها از غذا گرفته تا دارو، سقوط ذخیره ارزی، ورشکستگی بانکها و دیگر اشکال بی‌ثباتی و هرج‌ومرج که در ونزوئلا و دیگر ملت‌های ورشکسته و ناکارآمد بروز کرده است.

کوتاه سخن آنکه، دور تازه‌ای از خربم‌های بین‌المللی، جنگ علیه فساد و به واسطه آن اداره منابع اندک ایران را به مسأله مرگ و زندگی بدل می‌کند. مسأله‌ای که نه کمتر، بلکه بیشتر از گذشته فوریت پیدا کرده است.

ما امیدواریم کمپین «نفت من کجاست؟» به عنوان مرجعی برای درک ابعاد مسأله فساد، تغییر سیستم‌ها، و تضمین منافع بخش نفت و گاز برای مردم ایران عمل کند. ما با مشاهده موفقیت کمپین‌ها و جنبش‌های ضدفساد در گوشه و کنار جهان و داخل ایران جرأت و شهامت بیشتری پیدا می‌کنیم و از تمام تلاش‌های مردم، مطبوعات و دولت ایران برای بازپس‌گیری و احیای شرکت ملی نفت ایران (NIOC) استقبال می‌کنیم.

امید ما این است که یافته‌ها و توصیه‌های مطالعه حاضر به عنوان مبنایی برای همکاری‌های عمیق‌تر در زمینه شناخت بحران پاسخگویی، شفافیت، مشروعیت و حق حاکمیت در ایران و معکوس کردن جهت این بحران عمل کند. در همین راستا، «امید برای ایران» قصد دارد مجموعه‌ای از جلسات همفکری و کنفرانس درباره نحوه اداره صنعت نفت و گاز ایران برگزار نماید.

راه حل‌ها در دسترس ما هستند. در راه مقابله با فساد با کمبود آموزش، تجربه یا تخصص روبه‌رو نیستیم. قدر مسلم، در زمینه عشق به ایران نیز کمبودی نداریم - همگی خواستار آنیم که سهم خود را در تضمین آینده‌ای بهتر برای ایران به جا آوریم. چالشی که با آن مواجهیم، چالش اجرا است: تبدیل عشق به قاعده و قانون و نقشه راه که دولتی شفاف و پاسخگو در برابر مردم ایران - نه دولتی که وامدار سارقان حکومتی باشد - از آن حمایت کند.

بازپس‌گیری مالکیت نفت به مردمی بستگی دارد که عملگرا باشند. نه نظاره‌گر و بی‌تفاوت نسبت به سرنوشت فرزندان‌شان. بلکه جنگجویانی که به دلیل سوءاستفاده از امانت فرزندان‌شان به پا خاسته‌اند.



با احترام

خسرو سمنانی
رئیس «امید برای ایران»

بشر پیشکش نخواهد شد. عدالت تنها زمانی به بار می‌نشیند که مردم ایران عنان سرنوشت خود را به دست بگیرند و مصرانه رخ و مصیبت خود را در راه نفی کامل و سرسختانه فرهنگ فساد و مصونیت از مجازات به کار گیرند. وقتی افراد محکم جلوی بی‌حرمتی و بی‌عدالتی نهفته در رشوه و فساد بایستند، اقدام آنها مانند دایره‌های حاصل از برخورد سنگ با برکه منتشر می‌شود و از خانواده و محیط کار به فرهنگ و جامعه می‌رسد.

اگرچه نهادهای انتخابی ایران به شدت بی‌کفایت و در بسیاری از موارد فاسد هستند. در سال‌های اخیر برخی از نمایندگان سرشناس مجلس در برابر غارت منابع طبیعی ایران موضع گرفته‌اند. آنچه مسلم است، کمیته‌ها و رهبران کلیدی مجلس، از هر جناحی که باشند، بر این موضوع واقفند که مقابله با فساد، فراتر از تحقیق و تفحص صرف و قربانی کردن چند فرد به منظور تبرئه دیگران است. اعاده شفافیت و پاسخگویی به اداره صحیح نفت بستگی دارد، یعنی به اصلاح سامانند و ساختاری نهادهایی که مسؤول مدیریت بخش نفت و گاز ایران هستند. اگر نمایندگان مردم در مجلس درباره سرقت درآمدهای نفت و گاز مردم افشاگری کنند، همه شهرها و شهرستان‌ها و محله‌های کشور از آن منتفع می‌شوند.

ما نیز در «امید برای ایران» به نوبه خود معتقدیم میزان فساد در بخش نفت و گاز ایران حاکی از فاجعه‌ای انسانی است. هزینه انسانی فساد به مراتب بیش از هزینه انسانی حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران است که بیشتر در مطالعه‌ای جداگانه تحت عنوان «قمار هسته‌ای آیت‌الله» مورد بررسی قرار گرفت. در آن زمان و اکنون، محافظت از مردم ایران در برابر چنین تهدیدهایی هیچ مرزی نمی‌شناسد. لازمه این کار واکنشی ملی و چه بسا جهانی است: تلاش‌هایی نظام‌مند و هماهنگ در داخل و خارج ایران. تصمیم پرزیدنت دانلد ترامپ برای بیرون رفتن از توافق اتمی ایران در ماه می ۲۰۱۸ تکلیف مقابله با فساد را به امری بسیار ضروری‌تر از پیش تبدیل کرده است. مانند دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، وضع مجدد خربم‌های امریکا به جنایتکاران و عاملان فساد فرصت می‌دهد تا فساد را به نام اقتصاد مقاومتی و امنیت ملی در مقیاسی وسیع توجیه کنند. هیچ‌چیز بیش از این توجیه از واقعیت دور نیست. با توجه به این واقعیت که مانند درگیری نظامی در خارج از کشور، باز مردم ایران هستند که باید بهای ایدئولوژی رژیم را بپردازند. پاسخگویی و شفافیت، کلیدی است که می‌تواند منابع و درآمدهای نفت و گاز ایران را در برابر دور دیگری از غارت و چپاول حفظ کند. ناتوانی در ایجاد شفافیت و پاسخگویی، به نفع سوءاستفاده‌گران از جنگ و دلالتان اقتصادی تمام خواهد شد که همیشه منتظر بهره‌برداری از بحران‌ها هستند. اما علاوه بر این باعث از هم پاشیدن میلیون‌ها خانواده می‌شود که از عهده

نفت و فرصت‌های شغلی: معادله میلیارد دلاری



مورد تعداد شغلی که می‌توانند ایجاد کنند از یکدیگر پیشی می‌گرفتند.

رئیس جمهوری اسلامی، حسن روحانی، تقصیر بحران بیکاری را به گردن دولت قبلی انداخت و گفت «اشتغالزایی در سال‌های گذشته، قبل از دولت فعلی صفر بوده است»^{۲۵} در خلال مناظرات روحانی به شدت به سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد دوره دهساله ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ تاخت. «علی‌رغم شرایط مساعد اقتصادی، از ۶.۶ میلیون نفر واجد شرایط ورود به بازار کار تنها ۶۰۰ هزار نفر کار پیدا کردند»^{۲۶} روحانی ادعای مربوط به این که خود او وعده داده بود ۴ میلیون شغل ایجاد کند را دروغ محض خواند و رد کرد.^{۲۷}

رقیب اصلی روحانی، حجت الاسلام ابراهیم رئیسی، نامزد مورد نظر رهبری، از جایگاه خود به عنوان تولید آستان قدس رضوی که سازمانی خیریه است، استفاده کرد و با این وعده وارد مبارزات انتخاباتی شد که به فقرا، نیازمندان و مستضعفان خدمت کند. رئیسی تصریح کرد، «معتقدم می‌توانم سالانه ۱.۵ میلیون شغل ایجاد کنم و بحران بیکاری در کشور را به طور کامل حل نمایم»^{۲۸}.

برای کاهش نرخ بیکاری از ۱۲ درصد به ۸ درصد، رئیسی وعده داد یارانه نقدی فقرا را سه برابر کند، او وعده داد با احیای صنایع ساختمانی که به نیروی انسانی فراوان احتیاج دارد و همچنین با

حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، با این فرض بر کرسی ریاست تکیه زد که حل بحران هسته‌ای با قدرتهای جهانی و لغو تحریم‌های اقتصادی ایران راه را برای سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل باز خواهد کرد. اما حتی پیش از تصمیم پرزیدنت ترامپ مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای ایران در ماه می ۲۰۱۸، بخت روحانی برای رونق بخشیدن به اقتصاد ایران اندک بود. وقتی در سال ۲۰۱۶ دولت به هدف رشد اقتصادی ۵ درصد که برای خود تعیین کرده بود دست نیافت، روحانی خود را با تکلیف شاق مبارزه با مشکلات اقتصادی، به ویژه بیکاری روبه‌رو دید. مرکز آمار ایران تعداد بیکاران را تا پایان سال ۱۳۹۴ (۲۰ مارچ ۲۰۱۶) ۲.۵ میلیون نفر، و مرکز پژوهش‌های مجلس رقم کلی افراد بیکار و دارای کار پاره وقت را ۶.۵ میلیون نفر اعلام کرد. در سال ۲۰۱۶ دولت روحانی خود را وقف مبارزه با بیکاری کرد. تصمیم بر این شد که بخشی از بیکاری با تخصیص ۴.۶ میلیارد دلار جهت احیای صنایع تولیدی ایران (۷ هزار و ۵۰۰ واحد تولیدی تعطیل یا نیمه فعال در سراسر کشور) برطرف شود.^{۲۹} رئیس‌جمهور اعلام کرد روند اشتغالزایی «مثبت شده است» و افزود «به دنبال این هستیم که سالانه یک میلیون شغل ایجاد کنیم».

بحران بیکاری در ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۷ خود را به رخ می‌کشید. نامزدهای انتخاباتی در مناظره‌ها در

«معتقدم می‌توانم سالانه
۱.۵ میلیون شغل ایجاد
کنم و بحران بیکاری در
کشور را به طور کامل حل
نمایم.»

حجت الاسلام ابراهیم رئیسی



صدا و سیمای جمهوری اسلامی

«اشتغالزایی در سال‌های
گذشته، قبل از دولت فعلی
صفر بوده است.»

حسن روحانی، رئیس‌جمهور



صدا و سیمای
کمیسیون روحانی
rouhanise.ir

«این برادر عزیز یا شغل ایجاد
نکرده یا عدد و رقم متوجه
نمی‌شود.»

اسحاق جهانگیری، معاون رئیس جمهور



باشگاه خبرنگاران جوان

محمدباقر قالیباف، شهردار
تهران، نیز برای این که از قافله
عقب نماند وعده ایجاد ۵
میلیون شغل در دوران ۴ ساله
ریاست جمهوری خود را داد.

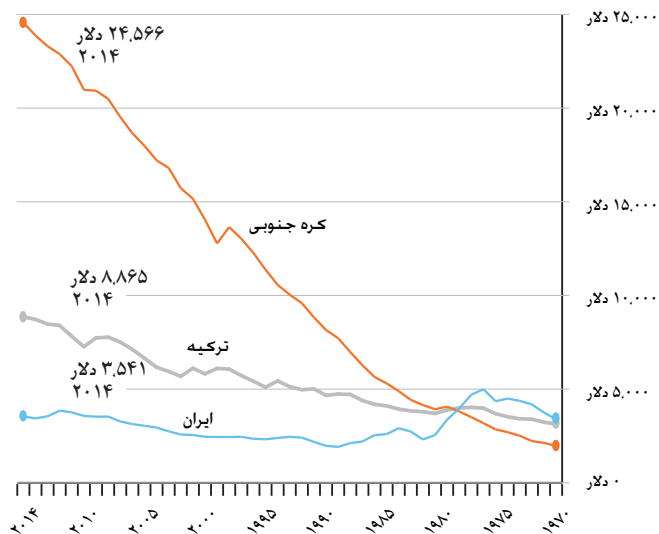


باشگاه خبرنگاران جوان

سال ۲۰۱۱ حدود ۷۶ درصد از درآمد حاصل از صادرات و ۶۰ درصد از درآمدهای دولت از فروش نفت حاصل شده است.^{۳۱} نفت بر تمام جنبه‌های زندگی، سلامت و رفاه مردم ایران اثرگذار است. اداره درست نفت، امروز نیز باید چون گذشته مهم‌ترین دغدغه ملت ایران باشد.

نفت به عنوان پایه نظم مالی، صنعتی و اقتصادی جهان عمل می‌کند و جزء ضروری تولید و قیمت نهایی کالاها در تمام بخش‌های اقتصاد است. از واحدهای تولید پلاستیک گرفته تا مواد شیمیایی و کشاورزی و حمل‌ونقل. از این رو سلامت این بخش کلید رفاه و امنیت ایران است. نفت به عنوان شریان حیات دنیای صنعتی در حال توسعه منبعی راهبردی است که بسیاری از کشورها از امریکا گرفته تا اروپا و چین و هند به شدت به دنبال دستیابی به آنند.

نمودار ۱: سرانه تولید ناخالص داخلی ایران، ترکیه و کره جنوبی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴



گرافیک «نفت من کجاست»
منبع: بانک جهانی، بانک داده جهانی، ژوئن ۲۰۱۶.
توجه: [رقم نمودار بر اساس قیمت ثابت دلار امریکا در سال ۲۰۰۵ برای تورم تنظیم شده‌اند.

از سرگیری تولید در کارگاه‌ها و کارخانه‌های تعطیل شده به اشتغالزایی بپردازد.

محمدباقر قالیباف، شهردار تهران، نیز برای این که از قافله عقب نماند وعده ایجاد ۵ میلیون شغل در دوران ۴ ساله ریاست‌جمهوری خود را داد -رقمی که برای تحقق آن به رشد اقتصادی ۲۶ درصدی نیاز بود. او همچنین ادعا کرد صنایع پتروشیمی ایران می‌تواند به ازای هر یک میلیون تن محصولی که تولید می‌کند ۲۰۰ هزار شغل مستقیم و ۴۰۰ هزار شغل غیرمستقیم ایجاد کند.^{۲۹}












معاون رئیس‌جمهور، اسحاق جهانگیری، در پاسخ او گفت: «این برادر عزیز یا شغل ایجاد نکرده یا عدد و رقم متوجه نمی‌شود.» مطبوعات نیز به سرعت به گفته‌های قالیباف واکنش نشان دادند و خاطر نشان کردند فرمول آقای شهردار ۲۰۰ برابر با واقعیت اختلاف دارد -یعنی هر یک میلیون تن محصولی که در صنایع پتروشیمی تولید می‌شود، می‌تواند به طور تقریبی ۱۰۰۰ شغل ایجاد کند.

نکته شایان توجه اینجاست که درحالی که همه نامزدها از نرخ بالای بیکاری جوانان که به مرز ۳۰ درصد رسیده بود اظهار تأسف می‌کردند، راه‌حلهایی که ارائه می‌دادند به نظر ساده‌لوحانه و آرمان‌شهری می‌رسید.

شاید اسحاق جهانگیری در این میان مستثنی بود، اما به نظر نمی‌رسید هیچ یک از نامزدها درک و توانایی آن را داشته باشند که توجه رای‌دهندگان ایرانی را به ابعاد و پیامدهای فساد سیستماتیک در صنایع نفت و گاز ایران -موتور رشد اقتصادی ایران- جلب کند. هیچ‌کس در باب ارتباط بین سرقت در بخش نفت و گاز و جیب خالی میلیون‌ها ایرانی چیزی نگفت.

با هر شاخصی بنگریم، از جمله شاخص اشتغال، بخش نفت و گاز ایران مهم‌ترین بخش اقتصاد ایران است. صنعت نفت صنعت مادر است. براساس آمارهای بانک جهانی نفت به تنهایی حدود یک چهارم تولید ناخالص داخلی (GDP) ایران را به خود اختصاص داده است -این رقم ۲۵.۱ درصد در ۲۰۱۱ و ۲۲.۸ درصد در ۲۰۱۳ بوده است.^{۳۰} بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول (IMF) در

نمودار ۲: تأثیر ۱ میلیارد دلار در اقتصاد ایران استخراج شده از ماتریس تأثیر اقتصادی تونس

بخش اقتصادی	ارزش مستقیم و غیرمستقیم افزوده به اقتصاد (به میلیارد دلار)	افزایش فرصت‌های شغلی در کل اقتصاد
فرآوری غذا 	\$۵,۴	۵۸۴,۰۰۰
ساخت‌وساز 	\$۵,۳	۶۱۳,۰۰۰
کشاورزی 	\$۳,۶	۶۵۴,۰۰۰
صنایع تولیدی 	\$۳,۰	۲۱۳,۰۰۰
حمل‌ونقل 	\$۲,۸	۱۲۵,۰۰۰
آب و برق و گاز 	\$۲,۴	۵۴,۰۰۰
معادن 	\$۲,۴	۴۶,۰۰۰
خدمات عمومی 	\$۲,۳	۲۴۸,۰۰۰
خدمات کسب‌وکار 	\$۱,۹	۴۴,۰۰۰
مخابرات 	\$۱,۵	۳۷,۰۰۰
بازرگانی 	\$۱,۱	۹۹,۰۰۰
میانگین نسبت ارزش دلار آمریکا	\$۲,۹	۲۴۷,۰۰۰

گرافیک «نفت من کجاست؟»

توجه: جدول فوق از جدولی استخراج شده که در آن تأثیر ۱ میلیون دلار در اقتصاد تونس نشان داده شده است. منبع: «مطالعه اشتغال IFC». ژانویه ۲۰۱۳ از طریق استوارد رداکویین (Steward Redqueen) «مدلسازی تأثیر اجتماعی-اقتصادی سرمایه‌گذاری بالقوه IFC در تونس». ۲۰۱۲.

در نتیجه ارتباطات بخش نفت با بخش‌های دیگر، تأثیر هر دلاری که در این بخش سرمایه‌گذاری می‌شود یا از طریق آن حاصل می‌شود، در اقتصاد ایران چند برابر می‌شود. به همین منوال، هر دلاری که به دلیل فساد، ناکارآمدی یا سوءمدیریت در بخش نفت بر باد برود، خسارات هنگفتی به اقتصاد کشور وارد می‌کند و میلیون‌ها نفر را در معرض خطر قرار می‌دهد.

نگاهی گذرا به سرانه تولید ناخالص داخلی ایران در مقایسه با ترکیه و کره جنوبی، حاکی از ناکارآمدی اقتصاد ایران است (به نمودار ۱ و ۲ مراجعه کنید). در ۱۹۷۸ سرانه تولید ناخالص داخلی ایران ۳ هزار و ۹۶۹ دلار و تقریباً مشابه ترکیه و کره جنوبی بود. در ۲۰۱۴، تقریباً ۴۰ سال بعد از سال ۱۹۷۸، سرانه تولید ناخالص داخلی ایران ۳ هزار و ۵۴۱ دلار - کم‌تر از سال ۱۹۷۸ - بوده است. کره جنوبی به رقم ۲۴ هزار و ۵۶۶ دلار صعود کرده است و ترکیه به رقمی معادل ۸ هزار و ۸۶۵ دلار رسیده است.^{۳۲} با وجود دارا بودن مزیتی بسیار بزرگ - صدها میلیارد دلار درآمد نفتی در خلال این سال‌ها - سرانه تولید ناخالص داخلی ایران ۷ برابر کم‌تر از کره جنوبی و ۲.۵ برابر کم‌تر از ترکیه بوده است.

پرسش بنیادی که تمام ایرانیان باید از خود بپرسند این است که چرا علی‌رغم ثروت عظیم نفت - تریلیون‌ها دلار درآمد در چهل سال گذشته - سرانه تولید ناخالص داخلی از سال ۱۹۷۸ کاهش پیدا کرده است. از چه رو میلیاردها دلار درآمد حاصل از فروش نفت و گاز - منبعی عظیم از سرمایه - به شغل، درآمد و رفاه برای میلیون‌ها ایرانی تبدیل نمی‌شود؟

برخورد سرسری و سهل‌انگانه جمهوری اسلامی با از دست رفتن میلیاردها دلار درآمد نفتی، نامش غفلت نیست. خرابکاری اقتصادی است. در سنت اسلام کلمات «فساد» و «ظلم» معنی ضمنی عمیق بی‌عدالتی اقتصادی را که در سوءاستفاده از قدرت ریشه دارد به خوبی نشان می‌دهند. این کلمات واجد معانی ضمنی عمیق سیستمی و پیامدهای وسیع انسانی هستند. پیامدهایی که آرزوها را می‌ریاید، خانواده‌ها را خرد می‌کند، امید را می‌فرساید و تخم یأس می‌کارد. رهبران ایران مجازات‌های بسیار سختی برای دلالتان خرده‌پای مواد مخدر در نظر می‌گیرند. در حالی که جرایم عظیم و پنهان مالی الیگارشی‌های ایران بسیار بیش از جرایم دلالتان خرده‌پای مواد، ناامیدی، فقر و اعتیاد به بار می‌آورد.

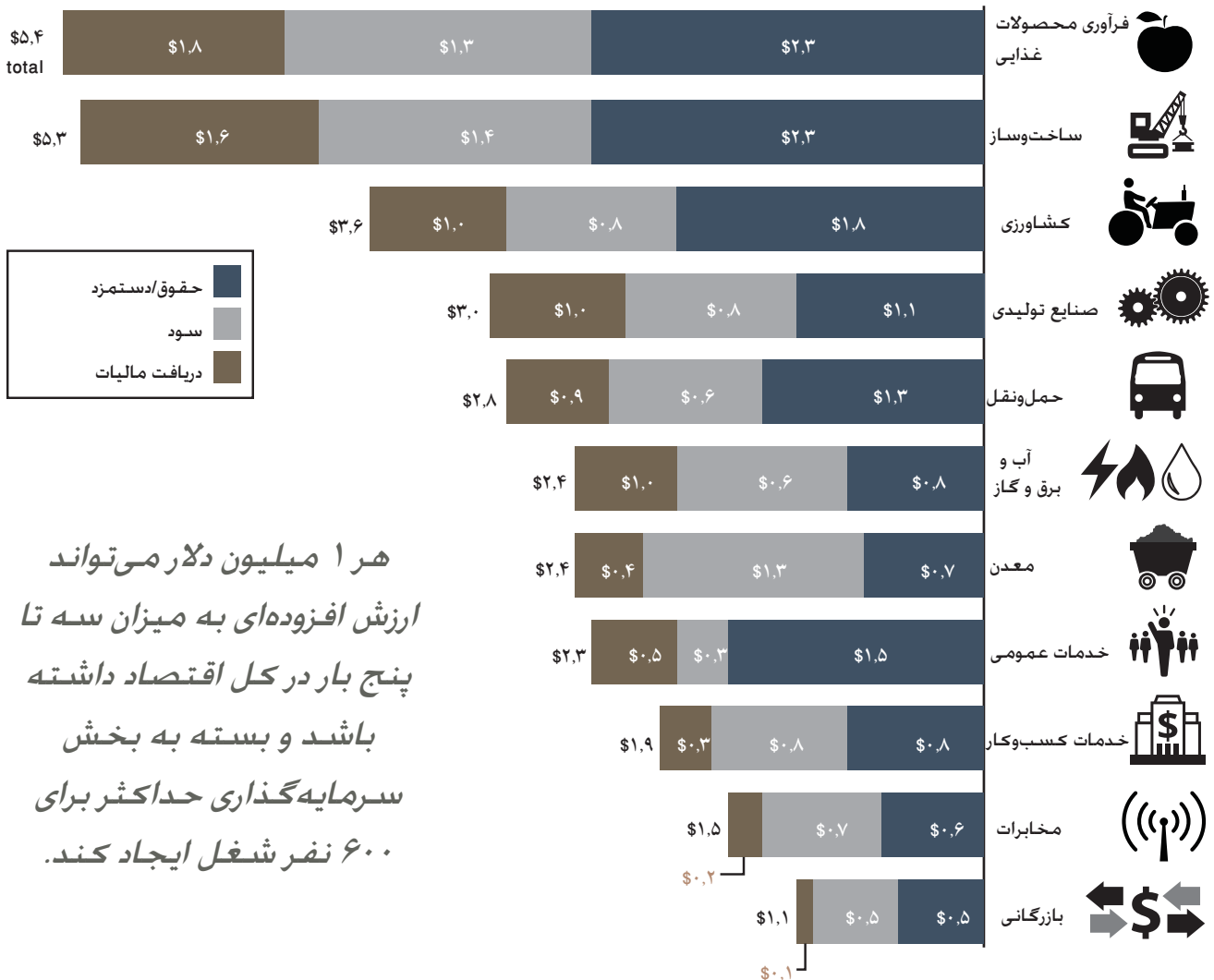
مقامات ایرانی درباره از دست رفتن رقم‌های یک میلیارد دلاری طوری صحبت می‌کنند که گویی درباره پول توجیبی صحبت می‌کنند. اما آماري که خود دولت درباره هزینه اشتغالزایی ارائه داده است به ما امکان می‌دهد رابطه‌ای بین فساد - که شکلی از محروم ساختن است - و فرصت‌های شغلی بیابیم. وزارت کار ایران سه سطح از سرمایه‌گذاری را برای ایجاد یک شغل در نظر گرفته است: بین ۲۰ تا ۷۰ میلیون تومان (تقریباً ۶ هزار تا ۲۱ هزار

۱ میلیون دلار می‌تواند ارزش افزوده‌ای به میزان سه تا پنج بار در کل اقتصاد داشته باشد و بسته به بخش سرمایه‌گذاری حداکثر برای ۶۰۰ نفر شغل ایجاد کند (برای ارقام میلیارد دلاری به نمودار ۲ مراجعه کنید. نمودار ۳ را نیز مشاهده کنید). به عنوان نمونه، ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در بخش فرآوری مواد غذایی می‌تواند ۵۸۴ میلیون ارزش افزوده در کل اقتصاد داشته باشد و تعداد ۵۸۴ شغل ایجاد کند. ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در بخش ساخت‌وساز ۶۱۳ شغل و ۵۳ میلیون دلار ارزش افزوده در کل اقتصاد ایجاد کند. ۱ میلیون دلار در بخش کشاورزی می‌تواند ۳۰۶ میلیون دلار ارزش افزوده در کل اقتصاد و ۶۵۴ فرصت شغلی ایجاد کند. میانگین وزنی برای ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف می‌تواند ۲۰۹ میلیون دلار ارزش افزوده در کل اقتصاد و ۲۴۷ شغل ایجاد کند.

هر شغل) ایجاد می‌کند. با این حساب یک فقره فساد ۲.۷ میلیارد دلاری مانند پرونده زنجانی باعث بر باد رفتن ۲۳ هزار تا ۴۵۰ هزار فرصت شغلی می‌شود. این در حالی است که حتی ۲.۷ میلیارد دلار پرونده زنجانی در برابر رسوایی ۲۴.۵ میلیارد دلاری شرکت بازرگانی نفتیران (NICO) که باعث از دست رفتن ۲۰۴ هزار تا ۴۰۱ میلیون فرصت شغلی شد. حقییر جلوه می‌کند.

دیگر مطالعات موردی مربوط به اقتصاد کلان که از سوی مؤسسه مالی بین‌المللی (IFC) وابسته به بانک جهانی درباره اشتغالزایی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)^{۳۴} که وضعیتی مشابه ایران دارند صورت گرفته نیز می‌تواند به عنوان مرجع مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس یک مطالعه فرصت‌های شغلی که IFC درباره تأثیر سرمایه‌گذاری در تونس انجام داده، هر

نمودار ۳: چگونه ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در یک بخش اقتصاد ارزش افزوده‌ای در کل اقتصاد ایجاد می‌کند؟ از ماتریس تأثیر اقتصادی تونس



هر ۱ میلیون دلار می‌تواند ارزش افزوده‌ای به میزان سه تا پنج بار در کل اقتصاد داشته باشد و بسته به بخش سرمایه‌گذاری حداکثر برای ۶۰۰ نفر شغل ایجاد کند.

گرافیک: «نفت من کجاست؟»

منبع: «مطالعه اشتغال IFC». ژانویه ۲۰۱۳ از طریق استوار دکویین (Steward Redqueen) «مدل‌سازی تأثیر اجتماعی-اقتصادی سرمایه‌گذاری بالقوه IFC در تونس». ۲۰۱۲

مهم نیست ۱ میلیارد دلار را چگونه صرف کنیم. در هر حال سود و زبانی که به کل بخش‌های اقتصاد وارد می‌شود. آشکار است.

اگر کسی نمی‌داند به چه دلیل مقامات دولت در مورد از دست رفتن میلیاردها دلار از عواید نفت مردم اینچنین سهل‌انگارانه برخورد می‌کنند. پاسخ روشن است: جمهوری اسلامی به الگوهای سبعانه فئودالی دولت رجعت کرده است. همان الگوهایی که داعیه نفی و طرد آن را داشت. دولت، خود را نه معتمد، بلکه مالک ثروت ملت می‌داند. رهبران ایران اعتقادی به مالکیت مردم بر دولت ندارند. ایرانیان را نه به عنوان شهروند، بلکه به چشم رعیت می‌نگرند. به همین دلیل از آنان انتظار دارند یا از حق خود بگذرند یا انتظار سلب مالکیت را داشته باشند. بدین ترتیب انقیاد و بردگی ملت را به جای روابط قانونی می‌نشانند و با نفت به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی غنیمت جنگی است: غنیمتی که باید بین نهادهای انقلابی و جنگجویان مزدور آنان در سپاه پاسداران قسمت شود.

رهبران مذهبی ایران خود را حافظان حکومتی الهی می‌دانند. متأسفانه این حکومت الهی از مردم جدا افتاده است. روحانیان ستیزه‌جو، به عنوان کسانی که از فساد سود می‌برند، حق حاکمیت مردم ایران را نفی می‌کنند. این روحانیان گونه‌ای از ایدئولوژی دینی را تبلیغ می‌کنند که ادعای مالکیت مردم بر نفت خود را رد می‌کند. افشای فسادهای مالی پشت پرده به نفع آنان نیست. از منظر آنان شفافیت تنها باعث از بین رفتن ایمان مردم به رهبری و نظام می‌شود. در چنین وضعیتی بر ملا کردن فساد، نه میهن‌دوستی، بلکه تهدیدی برای کشور و تبلیغ علیه نظام قلمداد می‌شود. حتی اگر افشاگری از سوی رئیس‌جمهور پیشین همین نظام صورت گرفته باشد.

در کمال تأسف شاهدهیم یک کالای مادر که زمانی منبع استقلال، غرور و اتحاد ملی بود بار دیگر به صورت کالایی انحصاری به دست کارتل‌های جنایی و فاسد که زمام حکومت را در اختیار دارند افتاده است. ارباب عامدانه، در فقر نگاه داشتن نظام‌مند و آزار دائمی مردم ایران تصادفی نیست. شکستن اراده، اتحاد و روحیه ملت با دور کردن مردم از صفات انسانی و فروکاستن مجلس و قوه قضائیه به زایده و آلت دست رژیم دزدسالار، پیش شرط ضروری غارت عواید و منابع نفت ملت به نفع مافیای جنایتکار نفتی و مشتریان خارجی آنان است.

هر ۱ میلیون دلار می‌تواند ۲۰۰ تا ۶۰۰ فرصت شغلی در هر بخش اقتصاد ایجاد کند که به هیچ وجه تعداد ناچیزی نیست.

با آن که IFC مطالعه مشابهی برای بررسی اشتغالزایی در ایران انجام نداده، اما قاعده ساده‌ای در اختیار ما قرار داده است تا به برداشتی کلی از تأثیر ۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران پی ببریم.

اگر بخواهیم از مدل مطالعه IFC الگوبرداری کنیم، بسته به بخش اقتصاد، هر ۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ایران می‌تواند به طور تقریبی ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار فرصت شغلی برای مردم ایران ایجاد کند. با استفاده از میانگین وزنی، این رقم در حدود ۲۹۰ هزار خواهد بود. در حقیقت تمام بخش‌های اقتصاد، از فرآوری غذا گرفته تا ساخت‌وساز و کشاورزی، جملگی می‌توانند عواید حاصل از نفت را به فرصت شغلی و درآمد تبدیل کنند.

اگر فرض بگیریم که بخش‌های اقتصاد در ایران و تونس مشابهت دارند، در این صورت هر ۱ میلیارد دلاری که جمهوری اسلامی بر باد می‌دهد معادل خارج کردن ۳ میلیارد دلار ارزش

افزوده در کل اقتصاد است. به تبع آن هر یک میلیارد دلاری که از اقتصاد ایران به سرقت می‌رود -خواه در کشورهای دیگر مسدود شود، خواه به طریقی به خارج از کشور سرازیر شود- معادل از بین بردن ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار فرصت شغلی است. با در نظر گرفتن عامل فراینده (فاکتور مالتیپلایر) ۳ تا ۶، یک میلیارد دلار به معنای ۳ تا ۶ میلیارد دلار ارزش افزوده، پول، شغل، مهارت، غرور و سرخوشی است که اگر به سرقت نمی‌رفت، می‌توانست صرف ساختن صنایع و نگاه داشتن افرادی شود که در حال خروج از کشور هستند. از بین رفتن ۱ میلیارد دلار به معنای عدم امنیت بیشتر برای خانوارها به دلیل دسترسی دشوارتر به غذا، مسکن و سرپناه نیز هست.

با این فرض که هر فرد دارای شغل، قادر است خانواده‌ای چهار نفره را اداره کند، هر ۱ میلیارد دلار سرقت به معنای ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار شغل کمتر و در نتیجه سقوط ۸۰۰ هزار تا ۲.۴ میلیون نفر به زیر خط فقر است.

در سال ۲۰۱۱ بودجه دانشگاه تهران -بزرگ‌ترین دانشگاه ایران- ۷۰ میلیون دلار بود.^{۳۵} سرقت ۱ میلیارد دلار به مثابه چپاول بودجه، حقوق کارکنان و بورسیه دانشجویان ۲۰ دانشگاه طراز اول ایران است. در صورت به سرقت نرفتن ۱ میلیارد دلار، ۱۰۰ هزار معلم، پژوهشگر و دانشجو، هریک می‌توانستند ۱۰ هزار دلار دریافت کنند.

فساد هدفمند: مافیای نفت و گاز



ویلیام ناکس
دارسی

گالری کاریکاتور گریک، اثر هریس فرنیس، ۱۸۸۵



لرد کرزن

مجله ونیتی فر، ۱۸ ژوئن ۱۸۹۲



پال جولیسوس، بارون فون رویتر

مجله ونیتی فر، ۱۴ دسامبر ۱۸۷۲

تاریخی دارد که به دوران معروف به «بازی بزرگ» برمی‌گردد. در واقع اگر دقیق بنگریم در بخش اعظم قرن بیستم، فساد هدفمند به صورت هنجاری اقتصادی و قانونی، و بخشی از رقابت‌های اقتصادی و استراتژیک میان قدرت‌های جهانی بر سر کنترل نفت - مایه حیات جهان صنعتی - بوده است.

تعرض به تمامیت ارضی ایران، اغلب عمدتاً ماهیتی اقتصادی داشته و در جهت تصرف خاک این کشور نبوده است. ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۵۱ خورشیدی مطابق با ۱۸۷۲ میلادی به بارون جولیسوس د رویتر (Baron Julius de Reuter)، تاجر بریتانیایی، امتیازی چنان شرم‌آور اعطا کرد که حتی امپریالیستی چون لرد کرزن آن را «کامل‌ترین امتیازی که برای بهره‌برداری از منابع یک کشور از سوی کشوری به یک خارجی اعطا شده» نامید. اما در حالی که امتیاز رویترز محقق نشد، مظفرالدین شاه به یک فرد بریتانیایی به نام ویلیام

اولین بار محمود احمدی‌نژاد اصطلاح «مافیای نفتی» را برای توصیف سرقت نفت ایران در زمان رئیس‌جمهور پیش از خود، اکبر هاشمی رفسنجانی به کار برد. با این حال، این اصطلاح کاربرد وسیع‌تری دارد. مافیای نفت ایران منحصراً تحت کنترل یک رئیس‌جمهور نیست. فعالیت‌های این مافیا نظام‌مند است. مافیای نفت فراتر از صنعت نفت، در اساس نظام رسوخ کرده و در هماهنگی با یک شبکه بسیار بزرگ‌تر جهانی عمل می‌کند. فساد در بخش نفت و گاز ایران همواره به صورت هدفمند و عامدانه صورت گرفته است. ماهیت پیچیده و مقیاس جهانی صنایع نفت و گاز ایران، این بخش را مهم‌ترین هدف سازمان‌های جنایتکار و غارتگری ساخته است که بی‌اندازه تخصصی و پیچیده‌اند. این موضوع چندان شگفت‌انگیز نیست زیرا غارت نفت و دیگر منابع معدنی ایران ریشه‌های عمیق استعماری و

تا «موافقت‌نامه خرید و فروش» سال ۱۹۷۳ طول کشید تا شرکت ملی نفت ایران بتواند حق «مالکیت تام و تمام، مدیریت و کنترل کلیه منابع هیدروکربنی، دارایی‌ها و اداره صنعت نفت را در حیطه توافق» به دست آورد.

ورشکستگی رسیده بودند و در فحطی به سر می‌بردند. گویی وجود خارجی نداشتند. در آن زمان نیز مانند امروز هیچ سازوکار پارلمانی یا قضایی برای محدود ساختن حاکمان غدار که آماده بودند آبرو و آینده مردم ایران را نقد کنند و به مصرف برسانند. وجود نداشت.

بیش از پنجاه سال طول کشید - از ۱۹۰۱ تا ۱۹۵۴ - تا ملت ایران از زیر سایه اسارت و اشغال دولت به درآمد قرارداد کنسرسیوم ۱۹۵۴ را که توافقی با تسهیم سود ۵۰-۵۰ بین ایران و کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های نفتی امریکایی و بریتانیایی بود. جایگزین میراث شوم امتیازات قاجاری، تسلیم در برابر بیگانه و فساد کند. اما تا «موافقت‌نامه خرید و فروش» سال ۱۹۷۳ طول کشید تا شرکت ملی نفت ایران بتواند حق «مالکیت تام و تمام، مدیریت و کنترل کلیه منابع هیدروکربنی، دارایی‌ها و اداره صنعت نفت را در حیطه توافق» به دست آورد. به علاوه، ایران اعلام کرد توافق نفتی سال ۱۹۵۴ را بعد از سال ۱۹۷۹ - سال سرنویشت ساز انقلاب - تمدید نخواهد کرد. بدین ترتیب ایران به اعضای کنسرسیوم اعلام کرد مایل است با آنان «مانند خریداران عادی نفت ایران» برخورد کند.^{۳۶} (برای آگاهی از شمایی کلی از تاریخچه ارقام مربوط به درآمدها و تولید نفت به ضمیمه ۲ مراجعه نمایید)

تقریباً تمام چهره‌های شاخص این مبارزه، به دلیل تلاش برای استقرار حاکمیت کامل ملی بر نفت، بهای سنگینی پرداختند. اما شاید هیچ‌یک به اندازه دکتر محمد مصدق در این راه جانفشانی نکرده باشد. مصدق اهمیت قانون را در یک حکومت مشروطه که در آن مجلس از حق قانونی مردم و کنترل اقتصادی آنان بر نفتشان حمایت می‌کرد، درک کرد. طنز تلخ قضیه اینجاست که حزب کمونیست ایران، موسوم به حزب توده، مصدق را «جیره‌خوار امپریالیست‌ها» نامید و به او حمله کرد. حزب توده با ملی شدن صنعت نفت ایران مخالفت می‌کرد زیرا معتقد بود «چنین اقدامی کسب امتیازات نفتی را برای شوروی غیرممکن می‌سازد».^{۳۷}

دیدگاه ملی‌گرایانه دکتر مصدق و جبهه ملی این بود که مجلس که به صورت دموکراتیک انتخاب شده، به عنوان یک نهاد قوی می‌تواند به ایرانیان پایگاهی قانونی برای مبارزه با فساد و تغییر وضعیت سیاسی نفت ارائه دهد. مصطفی علم، اقتصاددان

ناکس دارسی (William Knox D'Arcy) امتیاز انحصاری استخراج نفت را به مدت ۶۰ سال اعطا کرد. این قرارداد مدتی بعد در سال ۱۹۰۹ (۱۲۸ خورشیدی) به تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس (Anglo-Persian Oil Company) منتهی شد. در بند ۲ این قرارداد قید شده است که ۱۶ درصد از سود خالص حاصل از استخراج نفت باید به عنوان حق امتیاز به دولت ایران پرداخت شود.

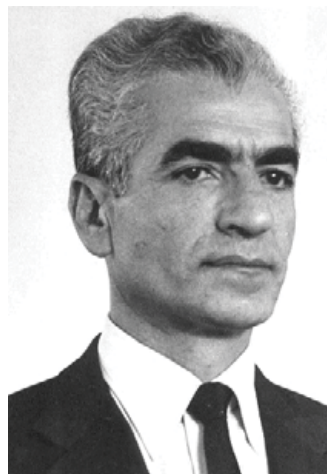
پیامدهای امتیازی که مظفرالدین شاه اعطا کرد، دست و پای مردم ایران را بست و آنان را در بند کرد. این قرارداد راه را برای زیر سلطه رفتن سیاسی و اقتصادی مردم ایران به مدت بیش از نیم قرن هموار کرد. مردم ایران به سادگی از معادله کنار گذاشته شده بودند. شاهان قاجار حق حاکمیت مردم را بر کشور به رسمیت نمی‌شناختند. قدرت‌های خارجی نیز از همین قاعده پیروی می‌کردند.

مردم ایران بهای فساد را که به شکل اعطای امتیازات به قدرت‌های خارجی جلوه‌گر می‌شد، پرداخت کردند. در این قراردادهای امتیازی حس مالکیت و حاکمیت ملی مردم از آنان سلب شد. آنان حق نظارت بر کاوش، تولید و توزیع و فروش نفت ایران را از دست دادند. دولت ایران حق بررسی دفترهای حسابداری شرکت نفت را نداشت، چه رسد به اینکه بخواهد آنها را حسابرسی کند. در آن زمان نیز مانند اکنون، هیچ‌گونه شفافیت و پاسخگویی در کار نبود. مردم ایران از نحوه محاسبه ۱۶ درصد سهم خود از سود خالص شرکت نفت اطلاع نداشتند و حق بررسی و تأیید آن را نیز نداشتند. همان‌گونه که در حال حاضر نیز مردم قادر به تأیید ۱۹ درصد سهم خود از قرارداد توتال که ایران با فرانسه و چین منعقد کرده، نیستند. این بدان معناست که منابع ملی مردم را در گذشته و حال در تمام مراحل با فریب از چنگ آنان درآورده‌اند.

بدتر آنکه، در آن زمان نیز مانند امروز مردم کنترلی بر نحوه خرج شدن درآمدهای نفتی نداشتند. هیچ‌کس نمی‌دانست عواید نفت چگونه خرج می‌شود. شاهان قاجار خزانه ملک را کیسه شخصی خود می‌دانستند و درآمدهای نفتی ایران را صرف تأمین هزینه سفرهای مجلل اروپایی می‌کردند. مردم ایران به آستانه

و دیپلمات می‌گوید:

ریشه ملی‌سازی امتیازات نفتی بریتانیا در ایران به انقلاب مشروطه ۱۹۰۵-۱۹۰۹ بازمی‌گردد. در آن زمان ملی‌گرایان تلاش کردند نظامی پارلمانی تأسیس کنند که قدرت حاکمان خودمختار را محدود کند و امتیازاتی را که آنان سرخود به خارجی‌ان اعطا کرده بودند از اعتبار ساقط کند. دستیابی به این هدف اخیر زمانی اهمیت یافت که یک شرکت نفت انگلیسی به یک قدرت سیاسی عمده در ایران تبدیل شد و به اعمال نفوذ در میان اعضای کابینه، مقامات دولت و نمایندگان مجلس پرداخت تا عایدات خود از ایران را افزایش دهد. ایرانیان احساس می‌کردند تا وقتی تسلط خارجی به فساد داخلی دامن می‌زند، حاکمیت قانون اساسی به جایی نمی‌رسد.^{۳۸}



محمد رضا شاه پهلوی
ویکی‌مدیا

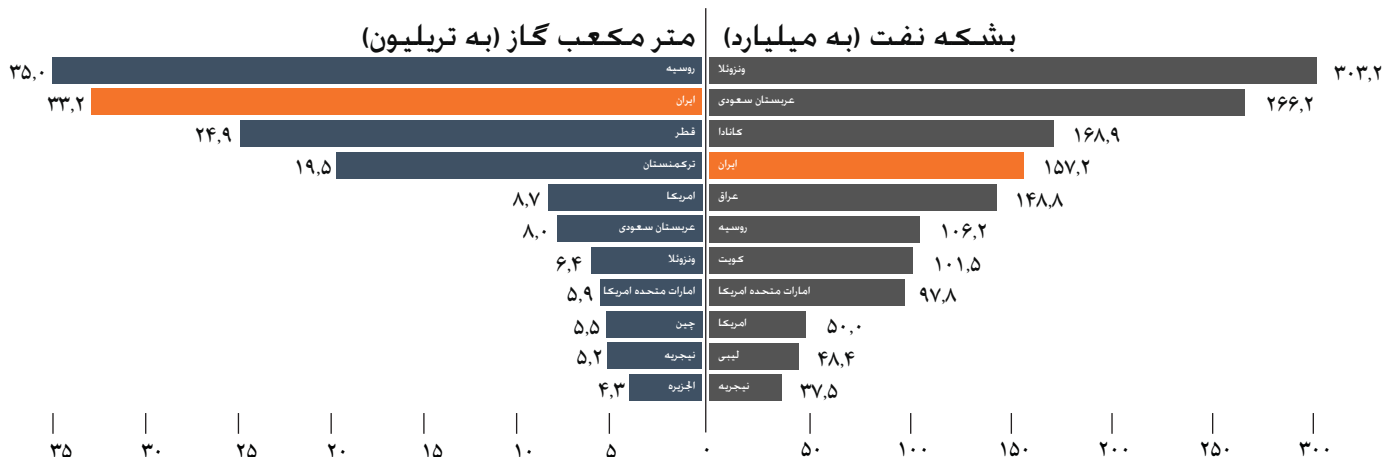
پهلوی برای مدرن‌سازی ایران به عنوان «تمدن بزرگ» نیز بود. شاه به عنوان یکی از بنیان‌گذاران اوپک - که به طور گسترده به دلیل سیاست‌های سختگیرانه قیمت‌گذاری و چهار برابر شدن قیمت نفت مورد سرزنش قرار گرفته بود - کشورهای صنعتی را به دلیل استفاده از نفت ارزان سرزنش می‌کرد. او نفت را ماده‌ای خالص و اصیل می‌دانست و بر کشورهای صنعتی خرده می‌گرفت که هزینه رشد

سریع خود را از طریق استثماری کشورهای نفت‌خیز تأمین می‌کنند و کشورهایمانند ایران را مجبور می‌کنند کالای خام خود را با تخفیف بفروشند و تولیدات آنها را با قیمت بالا خریداری نمایند. با مشاهده تغییر در جایگاه اقتصادی ایران در اواخر دهه ۷۰ میلادی، شاه لحن پیروزمندانه‌تری پیدا کرد:

امروز کشور ما در این مبارزه ملی به پیروزی کامل دست یافته است و مالکیت و حاکمیت کامل و قطعی خود بر صنعت نفت را به دست آورده است. تمام درآمدهای حاصله از این نعمت خدادادی می‌تواند در جهت بازسازی کشور

شرکت ملی نفت ایران ثمره آن تلاش است. شرکت نفت نه تنها نماد اتحاد ملی ایرانیان، بلکه نشان‌دهنده حق حاکمیت مردم ایران بر نفت خود به شکل قانونی بود. شرکت ملی نفت ایران همچنین موتور رشد و توسعه چشمگیر اقتصادی ایران بود. منفعت آن به کلیه بخش‌های اقتصاد می‌رسید و به مردم امکان می‌داد از نرخ رشدی برابر یا بیشتر از چین و بدهای آسیایی برخوردار شوند. وقتی به گذشته می‌نگریم، درمی‌یابیم آن نرخ‌های رشد چیزی کم از معجزه اقتصادی نداشتند. نفت در عین حال نیروی محرک برنامه بلندپروازانه محمد رضا

نمودار ۴: ذخایر اثبات شده نفت و گاز طبیعی

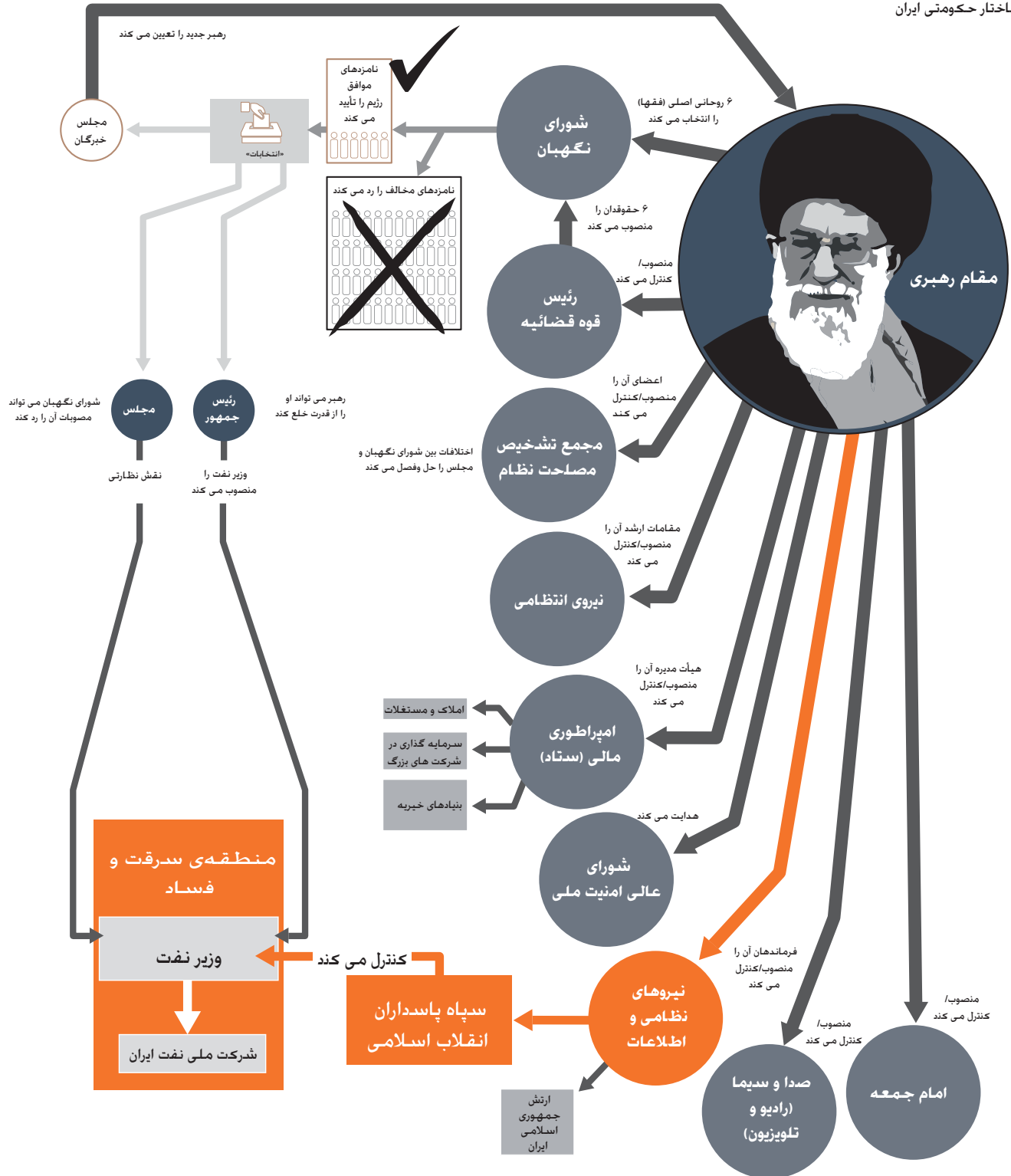


گرافیک «نفت من کجاست؟»

توجه: داده‌های مربوط به ذخایر نفت و گاز از دسامبر ۲۰۱۷.

منبع: بررسی آماری بریتیش پترولیوم از انرژی جهان ۲۰۱۸. www.bp.com

نمودار ۵: اختیارات قانونی مقام رهبری
ساختار حکومتی ایران



گرافیک «نفت من کجاست؟» گزارش های رسانه های خبری درباره ی منبع: دولت ایران. قانون اساسی ایران اقدامات دولت

توسعه صنعتی و کشاورزی و پیشرفت در تمام زمینه‌های دیگر استفاده شود.^{۳۹}

سود ناشی از مفاد قرارداد جدید ملموس بود. درآمدهای انباشته نفتی دولت ایران از ۱۹۱۲ تا ۱۹۵۱ بالغ بر ۴۶۴ میلیون دلار بود.^{۴۰} اما بنا به اظهارات دکتر پرویز مینا در دایره‌المعارف ایرانیکا، بعد از موافقت‌نامه ۱۹۵۴، در سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۳ درآمد نفت ایران به ۱۶.۲ میلیارد دلار برای تولید انباشته ۱۵.۴ میلیارد بشکه رسید و بعد از موافقت‌نامه خرید و فروش سال ۱۹۷۳، از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ مجموع درآمدهای نفتی ایران به ۱۰.۴ میلیارد دلار در ازای تولید انباشته ۱۰.۳ میلیارد بشکه رسید.^{۴۱} بر اساس اظهارات دکتر مینا، تغییر و دگرگونی در سرنوشت اقتصادی و ثروت مردم ایران قابل‌توجه بوده است. از دیدگاهی صرفاً اقتصادی، با برنامه اجرای توسعه منابع عظیم گاز، ایران واقعاً در مسیر تبدیل شدن به یک ابرقدرت جهانی انرژی بود.

شاه در معامله خود بسیار مصمم بود و برخوردی تا حدی حقیرآمیز و بالا به پایین با طرف‌های معامله داشت. به زعم او کنترل نفت ایران یک بازی با مجموع صفر بود که ایران را به صورت حریفی ضعیف که شرکت ملی نفت ایران آن را نمایندگی می‌کرد در برابر «امپراتورها» و «غول‌های» نفتی و نیروهای سیاسی پشت آنها قرار می‌داد.^{۴۲} با این حال او هنوز لاف می‌زد که با پایان توافق کنسرسیوم، تصویب قوانین جدید نفتی صعود شرکت نفت را تضمین خواهد کرد:

از این به بعد کلیه شرکت‌های نفتی که به دنبال معامله با ایران هستند، باید نفت خریداری کنند یا به عنوان شرکت‌های پیمانکار شرکت نفت عمل کنند. بعد از پایان مرحله کاوش و توسعه و به محض آغاز مرحله جاری، شرکت پیمانکار منحل خواهد شد و یک موافقت‌نامه فروش به امضا می‌رسد که بر اساس آن شرکت نفت حجم مورد توافق نفت را به نرخ بازار، با حداکثر تخفیف ۵ درصد به طرف قرارداد واگذار خواهد کرد. در حال حاضر تخفیفی که به اعضای کنسرسیوم اعطا می‌شود کم‌تر از ۲۰ سنت است.^{۴۳}

البته ترقی شرکت ملی نفت ایران صرفاً به دلیل تغییر در قیمت نفت نبود. در حالی که در آغاز قرن بیستم سطح سواد در ایران

به طرز شگفت‌آوری پایین و عمدتاً محدود به حلقه‌های دینی و اعیان بود. ارقامی که دکتر مینا درباره سهم ایران از درآمدهای نفتی خود ذکر می‌کند، واقعیت‌های عمیق‌تری را منعکس می‌کند. آنچه این دگرپرسی اقتصادی را امکان‌پذیر ساخت، به وجود آمدن یک طبقه متوسط ایرانی در دوره پهلوی بود. با مشاهده پیامدهای فاجعه‌بار اقتصادی و سیاسی دولت مرکزی ضعیف که آلت دست قدرت‌های خارجی و خوانین محلی بود، ظهور کادری با تخصص بالا که حس عمیق ملی‌گرایی داشتند و خود را وقف خدمت به کشور کرده بودند، راه را برای تمرکزگرایی و مدرن‌سازی دولت و اقتصاد ایران هموار کرد. در نتیجه امنیت و ثروت - سرمایه‌گذاری‌های عظیم در آموزش، بهداشت و درمان، زیرساخت‌ها و اقتصاد - یک حس مالکیت جمعی در مردم ایجاد شد.

اما از سال ۱۹۷۹، داستان جمهوری اسلامی، داستانی است که به افول و انهدام شرکت ملی نفت گره خورده است. این داستان تا حد زیادی ناگفته باقی مانده است.

همانند مظفرالدین شاه و امتیاز داری در آغاز قرن بیستم، مقام رهبری ایران، علی‌خامنه‌ای، نظامی از فساد هدفمند را نهادینه ساخته است که هدف آن سلب حق مالکیت و حاکمیت مردم ایران بر نفت است. تجزیه شرکت ملی نفت توسط «مافیای نفتی» که کلیه رؤسای جمهور ایران وعده از بین بردن آن را داده‌اند، فقط یک تهدید اقتصادی نیست، بلکه تهدید امنیت ملی است.

سارا چیز (Sarah Chayes) در مطالعه کلاسیک خود درباره فساد و به گروگان گرفتن دولت، برای اولین بار از اصطلاحی استفاده کرد و آن را در عنوان کتاب خود به کار برد. این اصطلاح مناسب‌ترین عنوان برای وضعیت پیش روی مردم ایران است: سارقان حکومت. اما همان گونه که خانم چیز تصریح کرده است نام‌گذاری کافی نیست. ما باید طرح و نقشه سارقان حکومت را بفهمیم. باید شبکه‌های دزدسالاری و سازوکارهایی (مکانیسم‌هایی) را که به سارقان حکومت اجازه می‌دهد فساد را نهادینه سازند، بشناسیم. «امید برای ایران» امیدوار است که مردم ایران مثل زمان شرکت نفت ایران و انگلیس به این نتیجه برسند که کلید رفاه و کامیابی آنان در خارج کردن کنترل بخش نفت و گاز ایران از چنگ مافیای نفت و گاز است. رهانیدن نفت از چنگال چنین

تجزیه شرکت ملی نفت توسط

«مافیای نفتی» که کلیه

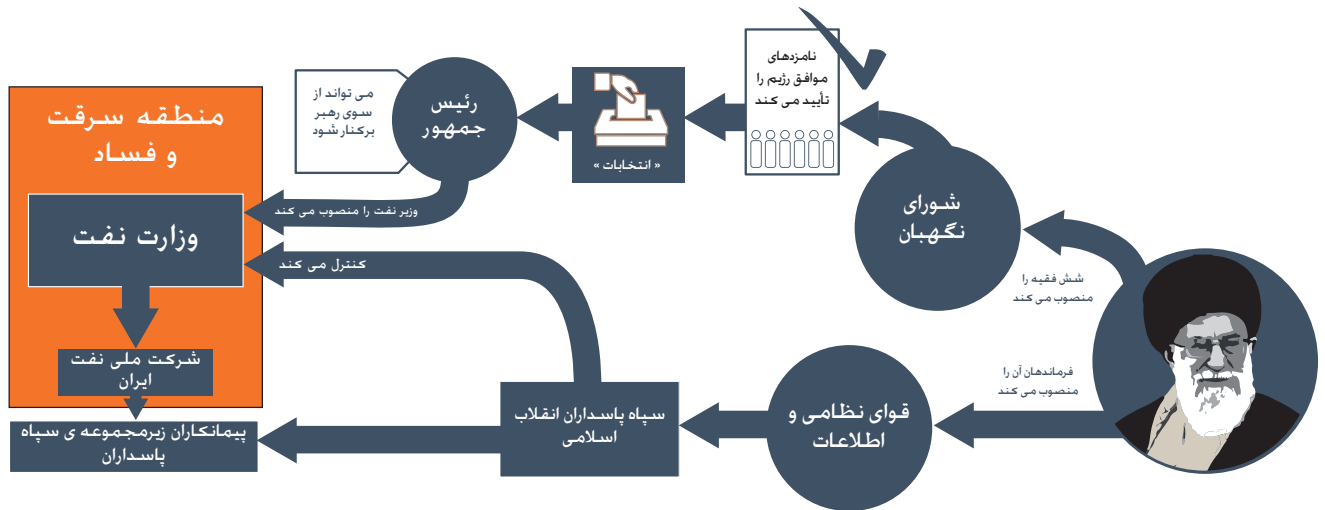
رؤسای جمهور ایران وعده از

بین بردن آن را داده‌اند، فقط یک

تهدید اقتصادی نیست، بلکه

تهدید امنیت ملی است.

نمودار ۶: کنترل منطقه سرقت نفت
نحوه کنترل صنعت نفت توسط مقام رهبری



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: دولت ایران. قانون اساسی ایران. گزارش‌های رسانه‌های خبری درباره اقدامات دولت

آگاهی سیاسی درباره تأثیر اقتصادی فساد، مشارکت وسیع کلیه طبقات و حرفه‌های جامعه را ایجاد می‌کند: نمایندگان مجلس، معلمان، روزنامه‌نگاران، روحانیان، ائمه جمعه، چار، کشاورزان، کارگران، دانشجویان، هنرمندان و کنشگران همگی باید در این تلاش سهیم و مسؤول باشند.

سازمان جنایتکار و قدرتمندی - که در بخش‌های مختلف اقتصاد نفوذ دارد و در سطحی بین‌المللی فعالیت دارد- کار یک فرد یا یک سازمان تنها نیست. خواه در ایران، خواه در روسیه یا چین، عملیات ضدفساد باید با یک اتحاد جمعی و اقدام هماهنگ در سطح ملی و بین‌المللی آغاز شود. مانند «نهضت تنباکو». برانگیختن

بازپس‌گیری مالکیت: اعلان جنگ علیه فساد

اقتصادی و روانی- صورت گرفته و زخم‌های عمیقی بر جای گذاشته است. ایرانیان نه تنها مجبور بوده‌اند با میراث امتیازات اعطا شده، کاپیتولاسیون، کودتا و توطئه مبارزه کنند. بلکه باید از جان و مال خود می‌گذشتند تا شکل‌های بی‌شرمانه‌تر سرقت را نیز مهار کنند؛ مانند تصرف و اشغال استان نفت‌خیز خوزستان متعاقب حمله صدام به ایران در سال ۱۹۸۰. از این رو نفت، نزد بیشتر مردم ایران، ارزشی بیش از یک کالا دارد. اصلی است که هم باعث از دست رفتن جان مردم شده است و هم هویت، سیاست، شخصیت، و حافظه آنان را شکل داده است.

امروز تجاوز به ایران به صورت سلب حاکمیت ملی ایرانیان از سوی شرکت‌هایی چون شرکت نفت انگلیس یا تجاوز به خاک ایران توسط ارتش بیگانه نیست. اما پیامدهای انسانی و اقتصادی آن به همان اندازه ویرانگر است.

ایران در حال مغلوب شدن در جنگی دیگر است. در این جنگ،

با توجه به ارزش منابع نفت و گاز ایران که بیش از ۱۷ تریلیون دلار برآورد شده است، مردم ایران به شدت درباره این موضوع که قدرت‌های خارجی به کرات سعی کرده‌اند منافع اقتصادی و راهبردی خود را به خرج مردم ایران پیش ببرند، حساس هستند. دخالت کشورهای خارجی به شکل‌های مختلف -سیاسی،

روزنامه‌نگاران حاضر در خط مقدم جنگ علیه فساد، اولین کسانی هستند که پرسش مطرح می‌کنند و بالطبع اولین کسانی هستند که آزادی‌شان محدود می‌شود.

مجازات است که به تداوم فساد می انجامد. و مثل همیشه، روزنامه‌نگاران حاضر در خط مقدم جنگ علیه فساد، اولین کسانی هستند که پرسش مطرح می‌کنند و بالطبع اولین کسانی هستند که آزادی‌شان محدود می‌شود. دستگاه قضایی ایران، به جای تعقیب سارقان، رسانه‌ها را سرکوب می‌کند. در مجلس نیز وضع به همین منوال است. معدود نمایندگانی که شجاعت آن را دارند که درباره فساد اعلام خطر کنند به تبلیغ علیه نظام متهم می‌شوند. نمایندگان، خوب یا بد، هنوز می‌توانند نه فقط صدای مردم، بلکه حافظ حقوق آنان نیز باشند.

در حقیقت، غارتگران به ایران تجاوز کرده و آن را اشغال کرده‌اند. اما نه با تجاوز فیزیکی به میدان‌های نفت و گاز، بلکه با تصرف سیاسی و غیرقانونی نهادها، مصادره زنجیره تأمین و تجاوز مالی به حساب‌هایی که درآمدهای نفت و گاز ایران در آنها نگهداری می‌شود.

زیان در میان بخش‌های مختلف اقتصاد تکثیر می‌شود. به نام دفاع از هر ذره از حق ایرانیان برای داشتن برنامه هسته‌ای، مردم را مجبور کردند هزینه اقتصادی و سیاسی خرم‌ها را بپذیرند. در حالی که شارلاتان‌های نفتی بین‌المللی از غارت بخش نفت و گاز ایران سود می‌برند.

دشمن صدام نیست. شبکه‌ای مخرب از فساد است که به درستی و امانتداری افراد و نهادهای مسؤول محافظت از بخش نفت و گاز ایران تجاوز می‌کند و آن را اشغال می‌کند و از کار می‌اندازد.

عاملان هدایت این یورش علیه مردم ایران ارتش‌های بیگانه نیستند. آنها دولت‌های ایران، وزارت‌ها، بانک‌ها، شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های تابعه هستند که دوشادوش جمهوری اسلامی و دیگر کشورها فعالیت می‌کنند تا مقادیر نامعلومی از نفت ایران را به بازار سیاهی به وسعت سیاهچاله‌ها سرازیر نمایند.

بخش اعظم کل میدان‌های نفت و گاز به صورت غیرقانونی به خارج از ایران سرازیر می‌شود. برای سرقتی در این سطح حساب و کتابی در کار نیست. هیچ‌کس قادر به حسابرسی آن نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند مقدار نفتی را که به بازار سیاه راه پیدا می‌کند تأیید نماید. آنان که جرأت می‌کنند درباره شفافیت و پاسخگویی سؤال کنند یا به سرقت نفت مردم ایران اعتراض کنند، بهای آن را می‌پردازند. و این پرداختن بها منحصر به داخل ایران نیست. سرکوب خودسرانه و دستگیری دادستان‌ها، قضات و افسران پلیس که درباره طرح پولشویی طلا در برابر نفت رضا ضراب تحقیق می‌کردند از سوی رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، هم نشان می‌دهد که ابعاد این سرقت تا چه اندازه عظیم است و هم نشان‌دهنده مصونیت از



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: تحلیل‌های «امید برای ایران»
* کشورهای چوچون امارات متحده عربی، ترکیه، عراق، تاجیکستان، ارمنستان، مالزی، هنگ کنگ، و اندونزی

رئیس‌جمهور اسحاق جهانگیری، به ابعاد سرقت درآمدهای نفتی توسط عوامل تحت مدیریت وزارت نفت اشاره کرد: «من می‌توانم به صراحت بگویم هیچ نهادی که از وزارت نفت، نفت گرفت تا بفروشد حتی یک دلار پول آن را به دولت برنگرداند.»^{۴۴} حتی یک دلار.

کاش چنین زیان‌هایی تنها محدود به دوره احمدی‌نژاد بود. اما با کمال تأسف شهاد بودیم که لغو خرمی‌ها به فساد هدفمند پایان نداد. شاید بازیگران عوض شوند. اما الگوها و منافعی که «بازی بزرگ» را به پیش می‌برند باقی می‌مانند. در نوامبر ۲۰۱۷ در زمان سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به تهران، امیرحسین زمانی‌نیا، معاون امور بین‌الملل و بازرگانی وزیر نفت، اعلام کرد دولت روحانی شش «تفاهم‌نامه» با روسیه امضا کرده است.^{۴۵} این تفاهم‌نامه‌ها - به ارزش تخمینی ۳۰ میلیارد دلار - با شرکت‌های انرژی روس از قبیل روسنفت (Rosneft) و گازپروم (Gazprom) به امضا رسید. ایگور سچین، مدیر کل غول نفتی دولتی روسیه، روسنفت، اعلام کرد این همکاری شامل عملیات مبادله (سواپ)، تأمین نفت و محصولات نفتی، آموزش کارکنان و نوسازی پالایشگاه خواهد بود.^{۴۶} اما نه روحانی و نه هیچ‌یک از معاونین وی درباره ماهیت «تفاهم‌نامه‌های راهبردی» خود توضیحی ارائه ندادند. ایران در ازای ارائه حق دسترسی و کنترل بر تأسیسات زیرساختی و منابع نفت و گاز خود به رقیبانش، چه به دست خواهد آورد؟

در واقع، بار دیگر از مردم ایران سلب مالکیت شده است. یک قرن بعد از موافقت‌نامه داریسی، مردم دوباره کنترل قانونی، سیاسی، مالی و فیزیکی بر نفت خود را از دست داده‌اند.

آن بخش دیگر نمی‌تواند از دید عموم پنهان بماند. ناتوانی در اعاده کنترل بر بخش نفت و گاز ایران پیامدهای ناگواری برای امنیت مردم ایران به دنبال خواهد داشت. ممکن است ایران مانند آنگولا یا سودان نشود. اما نشانه‌های یک دولت در حال سقوط، اگر نگوئیم ساقط، از هم اکنون خود را به صورت سقوط وضعیت اقتصادی و ارزش‌های اجتماعی و بی‌عدالتی به رخ می‌کشد. اپیدمی بیکاری، فقر، اعتیاد و فحشا و فرار مغزها و سرمایه‌ها در کشوری که سرشار از استعدادها بالقوه فوق‌العاده و ثروت فراوان است. همگی نشانی از ناکارآمدی دولت‌اند. با این حال با توجه به عملکرد سپاه پاسداران که بیشتر به صورت گروهی شبه نظامی به جای محافظت از مردم، آنان را طعمه خود قرار می‌دهد، خطر سرازیر شدن ثروت عظیم نفت ایران به سمت جنگ‌های نیابتی آینده را نباید از نظر دور داشت. مدیریت صحیح تنها نیرویی است که می‌تواند جلوی تبدیل شدن این بزرگ‌ترین برکت را به چیزی پلید به نام «نفرین نفت» بگیرد.

اصل موضوع این است: مقادیر هنگفتی از نفت، از بخش نفت ایران به بازار سیاه سرازیر می‌شود. بدون اینکه هیچ ردی از خود در بخش‌های نفت، مالی، قانونی یا امنیتی بر جای بگذارد. نهادهایی که تحت سرپرستی و حمایت مقام معظم رهبری، مسؤولیت کنترل و نظارت بخش نفت را بر عهده دارند، از جمله وزارت نفت، شرکت ملی نفت و بانک مرکزی از عهده انجام تعهدات سازمانی خود برنیامده‌اند. نفت به خارج از کشور پمپ می‌شود. اما پول آن به داخل کشور بازمی‌گردد. این موضوع ربطی به خرمی‌ها ندارد. دلیل آن فساد است - فساد هدفمند (به نمودار ۷ مراجعه کنید). در کنفرانسی درباره تنوع‌بخشی به فروش نفت، معاون اول

هزینه برنامه هسته‌ای ایران:

پروژه پرخرج و کم بازده ۱۰۰

میلیارد دلاری



نیروگاه اتمی بوشهر

منبع: خبر آنلاین

جمهوری اسلامی تلاش کرده است برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان نماد حق حاکمیت مردم ایران جا بزند. اما در عمل، این برنامه باعث ورشکستگی مردم ایران شده است. وقتی برنامه هسته‌ای ایران با در نظر گرفتن میزان کل مصرف انرژی ایران نگرینده شود، مقیاس و دامنه شیوه غلط راهبردی جمهوری اسلامی آشکار می‌شود. در سالی که خرمی‌های هسته‌ای وضع شدند، میزان استفاده ایران از انرژی هسته‌ای و انرژی‌های نو کم‌تر از ۱ درصد کل مصرف انرژی آن بود و سوخت‌های فسیلی ۹۹.۳ درصد انرژی

درحالی که ۱۵ درصد برق کشور در جریان انتقال به واسطه خطوط انتقال ناکارآمد از دست می‌رود.

• علی رغم تمایل ایران به خودکفایی، ذخایر نسبتاً کوچک کشور مانع دستیابی آن به برنامه انرژی هسته‌ای بومی می‌شود.

• ایران تنها کشور هسته‌ای است که جزو امضاکنندگان کنوانسیون ایمنی هسته‌ای نیست و مواد هسته‌ای و ذخایر آن جزو غیرایمن‌ترین‌های جهان است.^{۴۹}

• موضوع بسیار نامیمون این است که نیروگاه بوشهر در محل تلاقی سه صفحه تکتونیک قرار دارد.^{۵۰}

• واعظ و سجادیپور تأکید کردند که سؤالات اساسی درباره بازده اقتصادی و ایمنی برنامه هسته‌ای «بی‌جواب» گذاشته شده‌اند.^{۵۱}

درواقع در فوریه ۲۰۱۱ بارقه‌ای از این پاسخ با تکمیل کار نیروگاه از سوی پیمانکاران روسی خود را به رخ کشید. یک پمپ چهل ساله که در دهه هفتاد میلادی نصب شده بود، درست کار نکرد و تکه‌های فلز را به درون سیستم سرمایش نیروگاه هدایت کرد. به جای تولید برق، ایرانیان و همسایگان عرب آنها وقتی صبح چشم باز کردند خود را با خطر چرنوبیلی در خلیج فارس روبه‌رو دیدند.^{۵۲}

مصرفی را تشکیل می‌داد.^{۴۷} با این حال، تبلیغات حکومت درباره برنامه هسته‌ای تصورات و اولویت‌هایی را منعکس می‌کند که از واقعیت به دور است.

تمام خانواده‌های ایرانی از تعداد سانتریفوژها و نام نیروگاه‌های هسته‌ای ایران اطلاع دارند. اما بخش نفت و گاز ایران به فراموشی سپرده شده است. ماهیت سرمایه‌گذاری‌ها، تعداد چاه‌ها، وضعیت مخازن، میزان تخلیه نفت از چاه، اهداف تولید، حتی نام میدان‌هایی که ۹۹.۳ درصد از انرژی مصرفی مملکت را تولید می‌کنند در خفا نگاه داشته می‌شوند.

در سال ۲۰۱۳ علی واعظ و کریم سجادیپور، دو تن از کارشناسان شاخص مسائل ایران، طی مطالعه‌ای هزینه برنامه هسته‌ای ایران را «با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری‌های خارجی و درآمدهای نفتی از دست رفته، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد کردند».^{۴۸}

دیگر نکات برجسته این مطالعه از قرار زیر است:

- ساخت نیروگاه اتمی بوشهر تقریباً چهار دهه به طول انجامید و حدود ۱۱ میلیارد دلار هزینه برد (بر اساس ارزش دلار در ۲۰۱۳) به همین دلیل این نیروگاه یکی از گران‌ترین نیروگاه‌های جهان است.
- نیروگاه اتمی بوشهر تنها ۲ درصد از برق ایران را تأمین می‌کند.

سیاست‌گذاری بخش انرژی: تولید برق در ایران، نیروگاه هسته‌ای در برابر نیروگاه گازی

گاز کار می‌کنند و توربین‌های احتراقی گازی.

مصور رحمانی چنین نتیجه‌گیری کرد: «می‌توان با اطمینان گفت که گاز طبیعی

اقتصادی‌ترین منبع تأمین نیروی برق ایران تحت هر پیشفرض معقولی بوده و هست.»^{۵۵}

این پیشفرض‌ها در سال ۲۰۰۹ نیز به اندازه سال ۱۹۷۹ از اعتبار برخوردار بودند. همان

گونه که واعظ و سجادیپور در مطالعه خود ذکر کرده‌اند. «به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۹،

هر کیلووات ساعت ظرفیت هسته‌ای نصب شده ۴۰۰۰ دلار هزینه داشت. در حالی که همان میزان ظرفیت برای

مردم ایران دیگر نباید چشم بر واقعیت‌های عیان ببندند.

سیاست‌های انرژی جمهوری اسلامی به جای تولید برق، در حال ورشکسته کردن مردم ایران است. سرمایه ساخت - هزینه‌های

مربوط به ساخت و تأمین مالی رآکتورهای هسته‌ای - و تأمین

شایان ذکر است که از زمان بسته شدن

نطفه نیروگاه در زمان شاه، چشم‌انداز تولید برق از انرژی هسته‌ای در ایران تیره و تار بود. بیژن

مصور رحمانی در مطالعه پیشروی خود تحت عنوان «سیاست‌گذاری انرژی در ایران» یادآور شد

که هزینه سرمایه لازم برای ساخت دو رآکتور هلیله [روستای محل ساخت نیروگاه بوشهر]

در بوشهر با در نظر گرفتن هزینه ساخت ۷.۵ میلیارد دلار با دلار سال ۱۹۷۸ رقابتی نیست.

بهای برق تولید شده توسط این رآکتورها بر کیلووات نصب شده ۳۱۵۰ دلار بود درحالی که رآکتورهای کشورهای

صنعتی این میزان را با بهای ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار تولید می‌کردند.^{۵۳} بر اساس اظهارات مصور رحمانی «انرژی هسته‌ای در حال حاضر در

ایران توجیهی ندارد.»^{۵۴} با توجه به ذخایر عظیم گاز طبیعی ایران و هزینه‌های بسیار کمتر ساخت نیروگاه‌های حرارتی که با سوخت

نمودار ۸: هزینه‌ها و منافع برنامه هسته‌ای ایران
ایرانیان در ازای سرمایه‌گذاری خود چه چیزی به دست آوردند؟

۱۱۱ میلیارد دلار هزینه

۱۱ میلیارد دلار
هزینه‌ی ساخت نیروگاه
بوشهر

۱۰۰ میلیارد دلار
هزینه برنامه‌ی هسته‌ای
به دلیل از دست رفتن
سرمایه‌گذاری خارجی و
درآمدهای نفتی

۱,۱ میلیارد درآمد



گرافیک «نفت من کجاست؟»

* صرفه‌جویی در طول یک سال، بر این منوال، یک قرن طول خواهد کشید تا نیروگاه بوشهر زیان‌های ناشی از برنامه هسته‌ای را جبران کند.

منبع: بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل، برق نیوز (سازمان انرژی اتمی)، انجمن اتمی جهانی.

سوخت و امنیت باید عوامل تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری‌های بخش انرژی باشند. بر اساس گزارش‌های انجمن جهانی هسته‌ای، هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری ساخت نیروگاه، دست کم ۶۰ درصد از هزینه levelized برق تولیدی را به خود اختصاص می‌دهد.^{۵۷} بر اساس برآوردهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا، هزینه‌های ساخت برای نیروگاه‌های هسته‌ای جدید که قرار است مطابق برنامه در سال ۲۰۲۲ راه‌اندازی شوند، ۷۱ درصد هزینه levelized برق را به خود اختصاص می‌دهند در حالی که این هزینه برای نیروگاه‌های حرارتی با سوخت گاز طبیعی ۲۳ درصد است.^{۵۸} هزینه سرمایه‌گذاری ساخت نیروگاه‌هایی که در سال ۲۰۲۲ به بهره‌برداری می‌رسند برای نیروگاه‌های گازسوز (سیکل ترکیبی پیشرفته) ۱۴ دلار بر مگاوات ساعت و برای نیروگاه‌های هسته‌ای پیشرفته ۷۰.۸ دلار بر مگاوات ساعت برآورد شده است.^{۵۹} هزینه راه‌اندازی، نگهداری و سوخت برای نیروگاه‌های توربین گازی و توربین هسته‌ای تولید برق در آمریکا در سال ۲۰۱۶ به صورت ۲.۵۷ سنت بر کیلووات ساعت (گازی) در برابر ۳.۰۲ سنت بر کیلووات ساعت (هسته‌ای) بود - که در مقایسه با هزینه‌های سرمایه‌گذاری ساخت، عاملی حاشیه‌ای و بسیار کوچک است.^{۶۰} در واقع، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر امنیتی، رآکتورهای هسته‌ای، ایران را به کشورهای خارجی وابسته می‌سازد. در حالی که می‌توانستند این مشکل را به آسانی از طریق رآکتورهای ارزان قیمت که با گاز طبیعی ارزان و فراوان کار می‌کنند، حل کنند. مردم ایران دیگر نباید چشم بر واقعیت‌های عیان ببندند. با وجود این شواهد، ارائه دلایل اقتصادی برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران محلی از اعراب ندارد.

پس ارزش اقتصادی برق تولیدی نیروگاه اتمی بوشهر چه می‌شود؟ حتی اگر خوش‌بینانه‌ترین حالت را که از سوی وزیر نیروی ایران در سال ۲۰۱۳ مطرح شد در نظر بگیریم، ۷ تراوات ساعت برق سالانه که در نیروگاه بوشهر تولید می‌شود، از مصرف ۱.۶ میلیون تن یا ۱۱ میلیون بشکه نفت جلوگیری می‌کند. بر اساس ادعای وزیر نیرو، اگر بهای نفت را بشکه ای ۵۰ تا ۱۰۰ دلار در نظر بگیریم، نیروگاه بوشهر سالانه ۵۵۰ میلیون تا ۱.۱ میلیارد دلار به صورت ارز احتیاطی (hard currency) برای ایران ذخیره می‌کند. با در نظر گرفتن این واقعیت که هزینه ساخت نیروگاه ۱۱ میلیارد دلار بوده است، حتی با نرخ بهره پایین در حد ۱۰ درصد، ایران باید سالانه ۱.۱ میلیارد دلار پول بهره بپردازد. از آن ۱۱ میلیارد بشکه نفت که به خاطر کار نیروگاه اتمی ذخیره می‌شود، چیزی عاید مردم ایران نمی‌شود. درآمد این نفت صرف پرداخت بهره پول ساخت نیروگاه می‌شود. و این در حالی است که هزینه راه‌اندازی و کنترل نیروگاه را صفر فرض کنیم.

باید توجه داشته باشیم بعد از لرزه افکندن به بنیاد اقتصاد ایران - قرار دادن بخش نفت و گاز با ارزش تخمینی ۱۷ تریلیون دلار

ایران را که ۲۶۵ میلیارد کیلووات ساعت است به خود اختصاص داد. یعنی تقریباً ۱.۲ درصد از کل برق تولیدی کشور.^{۶۶} ایران برای غنی‌سازی اورانیومی که می‌توانست به بهای کمتر از ۸ میلیون دلار خریداری نماید. مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار صرف کرده است یا به عبارت دیگر ۱۰۰ میلیارد دلار را بر باد داده است (به نمودار ۸ مراجعه فرمایید). و در نهایت. با توجه به اینکه برآورد شده برق تولیدی نیروگاه بوشهر سالانه ۵۵۰ میلیون تا ۱.۱ میلیارد دلار از طریق فروش نفت صرفه جویی شده درآمدزایی دارد. بین دو تا چهار سال از سود اقتصادی نیروگاه بوشهر که ایرانیان ۴۰ سال برای به ثمر نشستن آن انتظار کشیدند. تنها در یکی از موارد فساد در صنعت نفت - سرقت ۲.۷ میلیارد دلار توسط مافیای نفتی زنجانی - بر باد رفت.^{۶۷}

نکته قابل توجه اینجاست که تفکر اقتصادی ویرانگر منتهی به برنامه هسته‌ای ایران به تغییر سیاست‌های جمهوری اسلامی منجر نشده است. بعد از توافق هسته‌ای. رهبران ایران تعهد خود را به برنامه هسته‌ای دوچندان کرده‌اند: انحصاری سودمند برای برخی و تضمین‌کننده ضرر و زیان بیشتر و فساد در بخش انرژی ایران.

علاوه بر این. برنامه هسته‌ای ایران به عنوان سوبسیدی برای روسیه عمل می‌کند. روسیه بر اساس یک برنامه تبادل نفت که به منظور جلب حمایت سیاسی کرملین طراحی شده. به صورت تضمینی به مدت یک دهه. روزانه صدها هزار بشکه نفت رایگان از ایران دریافت می‌کند.

طبق اعلام روس اتم (Rosatom). آژانس انرژی اتمی روسیه. عملیات ساخت نیروگاه اتمی بوشهر ۲ در اکتبر ۲۰۱۷ در ایران آغاز شد. نیروگاه بوشهر ۲ دارای دو واحد آب فشرده (VVER 1000) با ظرفیت ترکیبی ۲۱۰۰ مگاوات است. هزینه این پروژه ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است و انتظار می‌رود ساخت آن ده سال به طول انجامد. قرارداد ساخت در نوامبر ۲۰۱۴ به امضا رسید و گزینه ساخت ۶ نیروگاه هسته‌ای دیگر نیز در آن گنجانده شده است.^{۶۸}

سفیر ایران در مسکو. مهدی سنایی. به این پرسش که ایران چگونه هزینه رآکتورهای بوشهر را خواهد پرداخت پاسخ داده است. سنایی در گفت‌وگو با روزنامه روسی کومرسانت (Kommersant) تأیید کرد که ایران و روسیه در حال مذاکره درباره ارسال «روزانه چندصد هزار بشکه نفت» به روسیه هستند و اینکه «ایران می‌تواند بخشی از این درآمدها را صرف (پرداخت هزینه) ساخت واحد دوم نیروگاه اتمی در بوشهر توسط شرکت‌های روسی کند.»^{۶۹} بنا به اظهارات وی. «دوستان روس ما که در لحظات دشوار در کنار ما ایستاده‌اند باید در بازار ایران از مزیت‌هایی برخوردار باشند...



از چپ به راست: صادق رئیسی کیا. مدیرعامل باشگاه فرهنگی ورزشی راه‌آهن؛ سردار محمد رویانیا؛ میلیارد بایک زنجانی و حمید فلاح هروی. شریک تجاری زنجانی

منبع: اقتصاد آنلاین

در معرض خرابی‌های بنیان‌کن- ذخیره اورانیوم با غنای ۲۰ درصد جمهوری اسلامی تنها ۲۲۸ کیلوگرم برآورد شده بود که از این میزان می‌توانست فقط ۵۱.۵ کیلوگرم آن را به صورت صفحات سوخت برای رآکتور تحقیقاتی تهران نگاه دارد. ایران ناچار بود ۱۷۵ کیلوگرم از اورانیوم با غنای ۲۰ درصد خود را تا قبل از روز آغاز توافق هسته‌ای به خارج از کشور منتقل نماید.^{۶۱} ایران همچنین بیش از ۱۱ هزار کیلوگرم (۲۵ هزار پوند) اورانیوم با غنای پایین خود را در دسامبر ۲۰۱۵ به روسیه منتقل کرد.^{۶۲}

اما ۱۰۰ میلیارد دلار زیان اقتصادی برای ایران به چه معنا بود؟ ارزش کل ۲۲۸ کیلوگرم ذخیره اورانیوم با غنای ۲۰ درصد ایران در آوریل ۲۰۱۵ مبلغ ۸۱۰ هزار و ۵۴۰ دلار بود.^{۶۳} ارزش ۱۱ هزار کیلوگرم اورانیوم با غنای پایین که به روسیه فرستاده شد به طور تقریبی ۶.۸ میلیون دلار بود.^{۶۴}

با در نظر داشتن این واقعیت که در سال ۲۰۱۳ از کل انرژی مصرفی ایران ۶۰ درصد از طریق گاز طبیعی و ۳۸ درصد از طریق نفت تأمین می‌شد - در مجموع ۹۸ درصد - ۱۰۰ میلیارد دلاری که می‌توانست به بخش نفت و گاز هدایت شود به سمت بخش هسته‌ای هدایت شد که کمتر از ۱ درصد نیاز انرژی کشور را تأمین می‌کرد.^{۶۵} در سال ۲۰۱۵ که نیروگاه بوشهر به بهره‌برداری رسیده و به شبکه برق پیوسته بود. برق هسته‌ای ۳.۸ میلیارد کیلووات ساعت از تولید برق خالص

اما شرکت‌های روس باید به سرعت جایگاه خود را در بازار ما پیدا کنند و به خاطر ترس از خریم‌های غرب تعلل نکنند.»^{۶۰}
 با این حساب، برنامه هسته‌ای ایران مظهر یک سیاست‌گذاری انرژی است که چیزی جز فاجعه ملی به حساب نمی‌آید - بازگشتی به قراردادهای دوران قاجار که بر مبنای نادیده گرفتن حق مالکیت مردم بر دولت و اقتصاد استوار بود. برنامه هسته‌ای همان است

دزدسالاری در صنعت نفت: پرونده زنجانی

دیگر در ژانویه ۲۰۱۷ مطرح شدند. امیرعباس سلطانی، رئیس یکی از کمیته‌های مجلس که مسؤلیت تفتیش درباره پرونده زنجانی را بر عهده داشت از محمود بهمنی، رئیس بانک مرکزی در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد پرسید. «چگونه ۱۲ کشتی غول پیکر نفتی خویل بابک زنجانی شد؟»

شما برای یک وام ۱۰۰ میلیونی تمام جزئیات زندگی فرد را درمی‌آورید. آن وقت برای ارائه ۱۲ کشتی نفتکش به زنجانی نه به ماجرای تقلبی بودن شناسنامه او پی بردید، نه بدهی‌ها و نه چک‌های برگشتی‌اش... چطور شما و چهار وزیر دیگر یک روز دور هم نشستید و جناب زنجانی را تأیید کردید و آب از آب تکان نخورد و هیچ مرجع و نهادی هم هیچ نکته‌ای درباره او به شماها نگفت. باور کنید مردم باهوش‌تر از این حرف‌ها هستند.^{۶۱}

به جای حل کردن یک جرم اقتصادی و جلوگیری از تکرار آن، بعد از سه سال تحقیق درباره پرونده بابک زنجانی، مجلس و قوه قضائیه ایران حتی نتوانستند نام اعضای مافیای نفت را که نفت، طلا، ارز، اعتبار و ابرنفتکش‌های ایران را به بابک زنجانی خویل داده بودند، اعلام کنند چه رسد به آنکه بخواهند این مافیا را متلاشی کنند و اعضای آن را مورد پیگرد قانونی قرار دهند.

در سال ۲۰۱۵ در یک جلسه سری با کمیته برنامه و بودجه مجلس، دولت «متوجه شد» ۳۵ میلیارد دلار از پول‌های بانک مرکزی در اختیار شرکت بازرگانی نفتیران (NICO)، شاخه فراساحلی شرکت ملی نفت قرار دارد. اسماعیل جلیلی، یکی از اعضای کمیته در گفت‌وگو با روزنامه شرق ادعا کرد که این پول در زمان مدیریت آقای جشن‌ساز به نفتیران منتقل شده و هیچ‌گونه حسابرسی یا میزری در مورد حساب‌های نفتیران صورت نمی‌گیرد. وقتی از او درباره مشابهت‌های شرکت بازرگانی نفتیران و پرونده زنجانی سؤال کردند، در پاسخ گفت پول‌های زنجانی گوشه و بخشی

محاكمه بابک زنجانی، تاجر میلیاردر ایرانی که در مرکز سرقت نفتی ۲.۷ میلیارد دلاری قرار داشت، ابعاد مشکل را روشن می‌سازد. اگر پرونده زنجانی منحصر به دور زدن خریم‌ها بود - مسائل فنی مالی مربوط به تدارکات پیچیده انتقال نفت و پول به کشورهای مختلف جهان - نیازی به بذل این همه توجه نداشت. مردم ایران با آن شاخک‌های حساس که امور یاهو و نامعقول را به خوبی تشخیص می‌دهد، به آن می‌خنیدند و از سر آن می‌گذشتند. اما این پرونده معانی ضمنی وحشتناکی دارد. این پرونده تنها نشان‌دهنده عمق و گستره نفوذ مافیای نفتی - که احمدی‌نژاد وعده قطع کردن سر آن را داده بود - در دولت ایران نیست، بلکه نشان می‌دهد که دولت (بدون در نظر گرفتن ظاهر) ثبات و تعادل خود را از دست داده است و قادر به حفاظت از حق مالکیت مردم ایران نسبت به گرانیهاترین دارایی ملی نیست.

زنجانی، رئیس شرکت سورینت (Sorinet) که مرکز آن در امارات مستقر است، در روز ۳۰ دسامبر ۲۰۱۳ دستگیر شد. بنا به اظهارات غلام حسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه، وی در ۶ مارس ۲۰۱۶ محاکمه و به اتهام حیف و میل اموال شرکت ملی نفت ایران و «مفسد فی الارض» بودن به مرگ محکوم شد.^{۶۱} شریک او در ترکیه، رضا ضراب، در ۱۶ مارس ۲۰۱۶ در میامی، فلوریدا دستگیر و به توطئه به منظور دور زدن خریم‌ها، پولشویی و تخلفات بانکی متهم شد. زنجانی و ضراب یک شرکت بین‌المللی مبادله طلا با نفت را اداره می‌کردند که به قصد پولشویی میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ایران از طریق شرکت‌های صوری در ترکیه و چین و مالزی و امارات متحده عربی طراحی شده بود.

با این همه، مسأله ارتباط زنجانی با دولت ایران در حاله‌ای از ابهام باقی ماند. محمود بهمنی، رئیس پیشین بانک مرکزی، طی نامه‌ای سرگشاده هرگونه ارتباط بین بابک زنجانی و اعضای دولت احمدی‌نژاد را رد کرد. دفتر روحانی در پاسخ این نامه از بهمنی پرسید پس چه کسی صلاحیت بانک فاقد اعتبار مالزی را برای انتقال حجم عظیم پول‌های بیت‌المال تأیید کرده است که «همین امر موجب هدر رفتن سرمایه ملی شده است.» این پرسش‌ها بار

جمهوری اسلامی با شکایت به دیوان بین‌المللی دآوری در لاهه تاریخ‌ساز شد. دفاع قانونی ایران در این دادگاه مبتنی بر اثبات فساد مقامات شرکت ملی نفت و وزرای نفت خود ایران بود.

به بیانیه‌های وزیر سابق نفت، مسعود میرکاظمی مراجعه کنید



ویکیپدیا

در توافقی میان شرکت ملی نفت و شرکت کرسنت پترولیوم، مقامات شرکت ملی نفت ایران موافقت کردند گاز میدان سلمان ایران را به یک چهاردهم قیمت بازار به فروش برسانند و رویه‌ای را جا انداختند که طبق اظهارات وزیر نفت پیشین، مسعود میرکاظمی، قدرت مذاکره و چانه‌زنی ایران را «برای ۵۰ سال آینده» تضعیف کرد.^{۷۵}

ایران وارد قراردادی شد که بر اساس مندرجات خبرگزاری فارس «یکی از شرم‌آورترین قراردادهای تاریخ صنعت نفت ایران و شاید بدترین قرارداد فروش گاز در جهان» بود.^{۷۶} به عبارت دیگر، بعد از تزریق ده‌ها میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران برای توسعه میدان گازی پارس جنوبی، مقامات ایران آنطور که می‌گویند تنها برای ۲ میلیون دلار ریشه، قدر و قیمت کل میدان گازی را پایین آوردند.^{۷۷}

جمهوری اسلامی با شکایت به دیوان بین‌المللی دآوری در لاهه تاریخ‌ساز شد. دفاع قانونی ایران در این دادگاه مبتنی بر اثبات فساد مقامات شرکت ملی نفت و وزرای نفت خود ایران بود.

به گفته میرکاظمی ایران «با جمع‌آوری همه شواهد ریشه در داخل و خارج کشور کار فوق‌العاده ای انجام داد. به عنوان نمونه

از معادله شرکت بازرگانی نفتیران بوده. با این تفاوت که مجموع مبالغی که به شرکت بازرگانی نفتیران واگذار شده، ۱۲.۵ برابر پولی است که در پرونده زنجانی بوده است. در مورد وضعیت ۳۵ میلیارد دلار پول شرکت بازرگانی اینترترید نفتیران، جلیلی اظهار داشت که این پول مسدود شده است.

در سال ۲۰۱۷ اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور اشاره کرد که شرکت ملی نفت در واقع بیش از ۵۰ میلیارد دلار از بانک مرکزی به شرکت بازرگانی نفتیران منتقل کرده تا به شرکت نفت کمک کند چند خط اعتباری برای پروژه‌های گوناگون نفت و گاز تأمین کند. جهانگیری تأیید کرد که شرکت بازرگانی نفتیران منبع تأمین ۲.۷ میلیارد دلار زنجانی است و اظهار تأسف کرد که هیچ وثیقه‌ای برای این مبالغ از زنجانی خواسته نشده و مقامات دولتی تکه‌ای کاغذ را امضا کرده‌اند و مجوز انتقال پول به بانک زنجانی را بدون هیچ گزارشی درباره وجود یا سوابق این پول صادر کرده‌اند.^{۷۳} او با اشاره به این پرونده فساد آن را «بزرگترین پرونده فساد قرن» خواند.^{۷۴}

تا به امروز هیچ‌گونه حسابرسی در خصوص پرونده زنجانی یا ۳۵ میلیارد دلار مفقود شده شرکت بازرگانی نفتیران صورت نگرفته است. و باید بدانیم که حتی این رقم، گرچه رقمی بزرگ است، تنها کسری از درآمدهای نفتی ایران در چهار دهه گذشته است.

دزدسالاری در صنایع گاز: پرونده کرسنت

زبان‌های ناشی از فساد در صنعت گاز نیز سرسام‌آور هستند. در اینجا نیز بررسی تنها یکی از پرونده‌ها می‌تواند نشان‌دهنده عمق فاجعه باشد.



مهدی هاشمی رفسنجانی

منبع: تسنیم

پیدا کردن فساد از طریق استنتاج بر اساس شواهد جانبی صورت بگیرد. تصمیم‌گیری درباره این موضوع که آیا GSPC از طریق فساد به دست آمده یا خیر، برای دادگاه دشوار بوده است. و اما در هر صورت دادگاه ملزم است تصمیم‌گیری کند.^{۸۳}

شرکت ملی نفت درخواست تجدیدنظر کرد. این شرکت ادعا کرد هیأت منصفه صلاحیت قضایی برای حکم صادر کردن درباره ادعای نقض قرارداد که از سوی شرکت کرسنت پترولیوم و شرکت‌های تابعه آن مطرح شده است را ندارد. وکلای شرکت نفت، به توصیه شرکت حقوقی اورشدهز (Eversheds LLP)، مجدداً تلاش کردند دادگاه را متقاعد کنند «که قرارداد درازمدت تأمین و فروش نفت بین طرفین با توسل به فساد حاصل شده است.»^{۸۴}

در صدور حکم ۴ مارس ۲۰۱۶، قاضی مایکل برتون (Michael Burton) در دادگاه پرونده‌های تجاری دادگاه عالی تأیید کرد که هیأت منصفه در حقیقت صلاحیت قضایی برای استماع پرونده را داشته است. او افزود «روشن است که قضات تجزیه و تحلیل دقیقی از واقعیت‌ها به عمل آوردند و به این نتیجه رسیدند که مذاکراتی درباره یک پرداخت فاسد صورت گرفته است. اما این پرداخت هیچ‌گاه عملی نشده است.»^{۸۵} او از استدلال کرسنت استفاده کرد و ادعا کرد «این که وزیر و اعضای هیأت مدیره هیچ کاره بوده‌اند و آقای هاشمی آنان را فریب داده است و به نوعی دست آنان و آقای رهگذر [از مقامات شرکت نفت] را بسته است. خیال واهی است.»^{۸۶}

در اصل جمهوری اسلامی نزد دادگاه بریتانیایی در اثبات اینکه فساد خودش نتیجه قرارداد را رقم زده است، شکست خورد. مردم ایران باید نفسی به راحتی می‌کشیدند زیرا هیأت مدیره شرکت نفت فاسد نبود، بلکه فقط ناکارآمد بود. نه تنها باید گاز به کسر قیمت واقعی به امارات سرازیر می‌شد، بلکه چون گاز خوب نگریده بود، ایران باید میلیاردها دلار غرامت می‌پرداخت.

در اکتبر ۲۰۱۶ علیرضا زاکانی، نماینده سابق مجلس ادعا کرد زبان ایران از پرونده کرسنت بیش از ۴۳ میلیارد دلار است. او افزود کرسنت فاقد صلاحیت لازم برای انجام چنین قراردادی است و اظهار تأسف کرد که با وجود اینکه قرارداد دست کم ۱۵ ایراد عمده داشت، زنگنه در جلسه دریافت رأی اعتماد از مجلس به عنوان وزیر نفت، دون شأن خود دانست که حتی به یکی از این ایرادات پاسخ بگوید. زاکانی یادآور شد که چهار گروه جداگانه از واسطه‌ها در

مدارکی از بانک استاندارد چارترد که برخی از مدارک مالی ما در زمینه انتقال پول و سپرده‌ها ثبت شده بود، دریافت شد.»^{۸۷} او افزود «اطلاعات با زحمت فراوان جمع‌آوری و به دادگاه لاهه تسلیم شد: رشوه‌هایی که گرفته شده بود، شاهدان دریافت رشوه و پول‌هایی که به بانک سپرده بودند. همه ارائه شدند تا هیچ شکی برای سه قاضی دادگاه لاهه باقی نماند که این موافقت‌نامه به واسطه فساد به امضا رسیده است.»^{۸۸}

میرکاظمی گفت وزیر فاسد مسؤول پرونده کرسنت کسی نبود جز بیژن زنگنه، وزیر نفت حسن روحانی: «تمام مدارک و شواهد حاکی از آن است که شخص وزیر نیروی محرک این توافق بوده است. او کسی است که شخصاً در این سال‌ها توافق را پیگیری کرده است. دیگران، همگی از او دستور می‌گرفتند.»^{۸۹}

پرونده فروپاشیده است.

با مشاهده بازگشت متهمان پرونده کرسنت به شرکت نفت و تصدی دوباره بر پست‌های سابق خود به همراه زنگنه، قضات دادگاه لاهه دچار سردرگمی شدند: «ایران مدعی است فساد در کار بوده است، اما وزرای سابق و مدیران ارشد می‌گویند فسادی در کار نبوده است. اکنون من چگونه می‌توانم آنها را گناهکار بدانم در حالی که قوه قضائیه خود شما آنها را تبرئه کرده است؟»^{۹۰}

قضات دادگاه لاهه علیه شرکت ملی نفت رأی دادند:

هیچ‌گونه تمهید ناشی از فساد در قرارداد بین کرسنت و آقای هاشمی در نهایت اجرایی نشده است. شواهدی موجود است که آقای هاشمی نسبت به شرکت کرسنت موضع خصمانه اتخاذ کرده است. دادگاه هیچ شاهدهی در دست ندارد که اثبات کند توافق برای پرداخت پول به شخص ثالث به صورت محرمانه، بر قرارداد تأمین و خرید گاز (GSPC) تأثیر گذاشته باشد. هیچ مدرک مستقیمی دال بر وجود تمهیدات ناشی از فساد مربوط به آقای رهگذر تا زمان خاتمه GSPC وجود ندارد. شاید مهم‌تر از موارد فوق اینکه، همان گونه که در فصل X11.B بالا تشریح گردید، دادگاه قادر نبود مدرکی دال بر عدم توازن و ناهماهنگی GSPC به گونه‌ای که نشانگر وجود فساد در ایجاد آن باشد به دست آورد.^{۹۱}

دادگاه بر این موضوع اشراف دارد که اثبات فساد دشوار است. همان گونه که در پاراگراف ۶۵۸ فوق ذکر گردید، مستندات مستقیم نادرند و شاید لازم باشد

چیزی که جدال درونی دیوانسالاری قادر به پنهان ساختن آن نبود. تأثیرات مالی پرونده بود. در پرونده کرسنت. بهایی که ایران برای گاز خود مطالبه می‌کرد یک پنجم بهای آن در دیگر قراردادهای خود. یک چهارم بهایی که امارات از قطر گاز می‌خرد و یک دهم قیمتی که روسیه به اروپا گاز می‌فروخت. بود. حتی در اکتبر ۲۰۱۶ علی کاردر، مدیر عامل شرکت بازرگانی نفتیران موافقت‌نامه کرسنت را «قراردادی درجه یک» توصیف می‌کرد.^{۸۹}

آنچه مدیرعامل نفتیران گفته نشانگر این واقعیت است که کلیه سیستم‌های درونی که برای پیشگیری از فساد در نفتیران تعبیه شده‌اند. و کلیه سیستم‌های نظارتی بیرونی در بخش دولتی. از خزانه‌داری تا مجلس و قوه قضائیه و حتی شورای عالی امنیت ملی نه قادر به پیشگیری از فساد بوده‌اند و نه توانسته‌اند روند آن را معکوس کنند یا مسبب آن را معلوم کنند. چه رسد به آنکه بخواهند این رسوایی ناشی از فساد را که عملاً صنعت گاز طبیعی ایران را مختل کرده است جبران نمایند.

گویا این زیان هولناک به حیثیت و منابع ایران کافی نبوده است. تیم زنگنه نه تنها تحت پیگرد قضایی قرار نگرفت. بلکه مجدداً در رأس بخش نفت و گاز ایران قرار گرفت. در حالی که مبالغ عمده‌ای از شرکت بازرگانی نفتیران در امارات متحده عربی نگه داشته شده - و مسدود شده- تا تکلیف پرونده کرسنت معلوم شود.

تمام مدتی که قرارداد ادامه داشته باشد. حق کمیسیون دریافت می‌کنند. گروه اول کمیسیون ۱۲.۵ درصد دریافت می‌کنند. گروه دوم کمیسیون ۱ تا ۱.۵ درصد می‌گیرند. گروه سوم به نمایندگی مهدی هاشمی و عباس یزدان پناه (که از آن زمان ناپدید شده است) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ وارد این ماجرا شدند و گروه چهارم به نمایندگی علی ترقی جاه در سال ۲۰۰۴ وارد گود شدند.^{۸۷}

آنچه درباره اظهارات زاکانی جالب توجه است. بی‌کنشی دولت است. اگرچه دستگاه امنیت ملی ایران اعلام کرده بود که پرونده کرسنت به سود منافع ملی نیست. تمایل چندانی برای تعقیب حلقه‌های فساد که در قراردادهای نفت و گاز کشور رخنه کرده بودند. به چشم نمی‌خورد. اهمال و تأخیر بی‌اندازه زیاد است. طبق اظهارات زاکانی شواهد فساد از سال ۲۰۰۸ در دسترس دفتر بازرس کل کشور بوده است. با این حال ۱۰ سال بعد از آن تاریخ. با وجود ده‌ها میلیارد دلار زیان. هیچ‌کس در وزارت نفت ایران پاسخگوی سوالات و نگرانی‌های ناشی از پرونده کرسنت نیست. او اظهار امیدواری کرد که قوه قضائیه در صورت مانع‌تراشی دولت این پرونده‌ها را پیگیری کند و افزود تصمیم دارد با حمایت علی شمشخانی. دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران که در نگرانی از عدم شفافیت با او سهیم است. اطلاعات مربوط به این پرونده را علنی سازد.^{۸۸}

دزدسالاری در بانک مرکزی: پرونده شرکت بازرگانی نفتیران و موارد دیگر

به داخل کشور بازمی‌گشت. سیف برای ۲۴.۵ میلیارد دلاری که توسط شرکت بازرگانی اینترتید نفتیران. بازوی جاری فراساحلی شرکت ملی نفت ایران از حساب‌های آن خارج شده بود. توضیحی نداشت. زنگنه. وزیر نفت. نیز برای پرسش‌هایی مانند این که پول در کجا و چگونه خرج شده. چه کسی و چند میلیارد دلار از بانک مرکزی خارج کرده. پول بر اساس کدام قرارداد. با تأیید کدام وزیر. و تحت نظارت کدام آژانس. به کدام پروژه تخصیص یافته. توضیحی ارائه نداد. ۲۲.۵ میلیارد دلار دیگر از این پول نیز به عنوان تضمین مالی پروژه‌های

معافیت از مجازات در بانک مرکزی نیز کم‌تر از شرکت بازرگانی نفتیران نیست. به جای ارائه حسابرسی کامل درآمدهای نفتی ایران. شامل حساب‌ها و دارایی‌های ایران در خارج از کشور به مردم ایران. لغو خریم‌ها چشم‌انداز نادری از عدم شفافیت و عدم پاسخگویی بانک مرکزی که اقتصاد ایران -به ویژه بخش نفت و گاز- را فلج کرده است. در برابر دیدگان ما قرار داده است.

علی‌رغم برآورد وزارت خزانه‌داری امریکا که درآمد حاصل از لغو خریم‌ها را برای ایران بین ۱۰۰ تا ۱۲۵ میلیارد دلار اعلام کرده بود. ولی‌الله سیف. رئیس کل بانک مرکزی. رقم کل منابع مسدود شده ایران را ۷۶ میلیارد دلار اعلام کرد که از این مقدار تنها ۲۹ میلیارد دلار

از هر چهار بشکه نفت که در دوران خریم‌ها به فروش می‌رفت. مردم

ایران تنها قادر بودند درآمد یک بشکه را دریافت نمایند.

مشترک و اعتبار برای واردات، نزد چینی‌ها ننگه داشته شد. سیف درباره اینکه چه کسی در وزارت نفت برای انعقاد این قراردادها مذاکره کرده بود. کدام پروژه‌ها قرار بود با پول ننگه داشته شده تضمین شوند. چه مقدار از این اعتبار و برای چه وارداتی استفاده می‌شد. چه کسانی در این پروژه‌ها ذی‌نفع بودند و چگونه و در چه زمانی باقیمانده این مبلغ به خزانه واریز می‌شد. اظهار نظری نکرد.

وضعیت ۱۰ میلیارد دلار دیگر از پول‌های آزاد شده بعد از خیریم که در بانک‌های ایرانی سپرده‌گذاری شدند، مشکوک بود. و ۳.۵ میلیارد دلار دیگر بنا به حکم دادگاه و اقدامات قانونی مسدود بود. تا آنجا که به درآمدهای نفتی ایران مربوط می‌شود. از هر چهار بشکه نفت که در دوران خیریم‌ها به فروش می‌رفت. مردم ایران تنها قادر بودند درآمدهای یک بشکه را دریافت نمایند. و حتی همان یک بشکه نیز در حد نظریه بود.

پول‌های آزاد شده پس از لغو خیریم‌ها تنها یکی از پنجره‌های بسیاری است که روزه‌ای باریک برای مشاهده ابعاد فساد در جمهوری اسلامی در زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد در اختیار ما قرار می‌دهد. ارقام و حقایق دیگری که دولت روحانی منتشر کرده است. چشم‌انداز وسیع‌تر و تیره‌تری از اختلالات مالی در چهار سال دوم ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد ارائه می‌دهد.

اختلاف بین درآمدهای نفتی و مبالغی که به بانک مرکزی سپرده شده است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ بیش از ۶۶ میلیارد دلار برآورد شده است - تقریباً «یک دهم کل درآمد نفت ایران از زمان انقلاب ۱۹۷۹».^{۹۰}

در حالی که بانک مرکزی ادعا کرده است قریب به ۲۲۰ میلیارد دلار کالا از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ وارد ایران شده است. اداره گمرک این رقم را ۱۸۵ میلیارد دلار اعلام کرده است - یک کسری ۳۵ میلیارد دلاری که مفقود شده و کسی پاسخگوی آن نیست.

بانک مرکزی ادعا کرده است که درآمدهای نفتی حاصل از فروش نفت از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به میزان ۲۸۰ میلیارد دلار بوده است. در حالی که وزارت نفت این رقم را ۲۵۵ میلیارد دلار اعلام کرده است - یک اختلاف ۲۵ میلیارد دلاری دیگر.

و دست آخر اینکه. درحالی که بانک مرکزی موجودی صندوق ذخیره ارزی را ۲۸ میلیارد دلار اعلام کرده بود. رقم واقعی موجودی تنها ۲۵ میلیارد دلار بود.

ناتوانی بانک مرکزی در ردگیری و نظارت بر فساد در ایران تبعات سنگینی دارد. گردش سرمایه در ایران عظیم است و نیاز به پاسخگویی نباید منحصر به وزارت نفت باشد. اما ظاهراً خود بانک مرکزی نیز به تصرف سارقان حکومت درآمده است. بانک مرکزی نه تنها قادر به جلوگیری از سرقت عواید نفتی ایران توسط «بسیج اقتصادی» که به عنوان عوامل وزارت نفت فعالیت می‌کردند نبوده. بلکه خود در غارت و سوءتخصیص منابع صندوق ذخیره ارزی دست داشته است.

طبق اظهارات معاون رئیس‌جمهور. اسحاق جهانگیری. تنها در دو سال آخر ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد. بیش از ۲۲ میلیارد دلار از ذخایر ارزی ایران توسط دلالتان ارز در استانبول و دوی از کشور خارج شد - اتهامی که بانک مرکزی آن را انکار کرده است.^{۹۱}

جو مصونیت از مجازات در ایران بدان معناست که رسیدگی به اغلب پرونده‌های فساد بسیار دشوار است. به نظر می‌رسد سازوکارهای قانونی و مالی برای مدیریت صحیح - تأیید قراردادها. مدیریت پروژه‌ها. ردگیری پول‌ها و تحت نظر گرفتن عملکرد - فرو ریخته‌اند و کارایی خود را از دست داده‌اند. هیچ‌کس در قبال پرونده‌های فساد چند میلیارد دلاری به مردم ایران پاسخگو نیست. حتی زمانی که سازمان بازرسی کل کشور تحقیقات خود را درباره سه پرونده بزرگ فساد که رئیس‌جمهور سابق. احمدی‌نژاد. نیز در آن دخیل بود به پایان رساند. احکام صادره منتشر نشدند. غفلت و بی‌خبری به قدری فراگیر است که به گفته نماینده مردم تهران در مجلس. محمود صادقی. ناتوانی جمهوری اسلامی در برخورد با پرونده‌های عظیم فساد یک فرهنگ تسامح ایجاد کرده که در آن مفاسد کوچک مثل دستکاری میزان پرداخت‌ها به اموری عادی و روتین تبدیل شده است.^{۹۲}

شیوع فساد نظام‌مند و گسترده است. فساد به طور برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند در تمام شاخه‌های دولت ریشه دوانده است و به معنای واقعی کلمه به تمام بخش‌های اقتصاد رسوخ کرده است. فساد در صنعت نفت ایران. تنها داخلی نیست. عملیات مافیای نفتی بین‌المللی است - که توسط بازیگران داخلی و بین‌المللی. از جمله سپاه پاسداران تسهیل می‌شود. همه این بازیگران در تخفیف و فروش مقادیر نامعلومی از نفت ایرانیان در خارج از مبادی رسمی. مطامع سیاسی. اقتصادی و مالی دارند.

نهادهای فساد: سپاه پاسداران و [ستاد اجرایی فرمان امام]



مردم بعد از انعقاد توافق هسته‌ای از جواد ظریف در فرودگاه استقبال می‌کنند.

منبع: ایسنا

پیش‌شرط‌های توافق عمل کرده است.^{۹۶} توافق اتمی منعقد شده بود.

به زعم بسیاری، از جمله حسن روحانی، رئیس‌جمهور، حل دیپلماتیک مسأله هسته‌ای - برداشته شدن تحریم‌های هسته‌ای - کلید احیای اقتصاد ایران بود. بعد از امضای توافق هسته‌ای در آوریل ۲۰۱۵، وزیر خارجه ایران، جواد ظریف، در بازگشت به تهران مورد استقبال پرشور مردم قرار گرفت. جماعت شادمان که در

از زمان سقوط خاندان پهلوی، رئیس‌جمهورهای ایران یکی پس از دیگری وعده احیای اقتصاد ایران را داده‌اند. اما با گذشت هر دوره ریاست‌جمهوری، امید مردم کمرنگ‌تر شده است. برای مردم محرز شده که لفاظی‌ها توخالی و وعده‌ها پوچ است.

حسن روحانی نیز استثنا نیست. شعار اصلی او در مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۳ این بود که «سانتریفوژها باید بچرخد. اما چرخ زندگی مردم هم باید بچرخد»^{۹۳}. پیروزی قاطع او بر نامزدهای تندروی مطلوب مقام رهبری، آیت‌الله علی خامنه‌ای، نشان‌دهنده تغییری عمیق‌تر در حال و هوای کشور بود. روحانی منتقدان تندروی مذاکرات هسته‌ای را «آدم‌هایی برسواد» معرفی کرد که می‌توانند «بروند به جهنم»^{۹۴}.

روحانی با وارد کردن ضربه‌ای سنگین به فرهنگ سیاسی ایران، که در آن اقتصاد به واسطه فساد و خویشاوندسالاری به جای سرمایه‌گذاری و پاسخگویی، به غارت رفته، منادی ذهنیتی جدید بود. او به خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: «تاکنون اقتصاد جور سیاست را کشیده است. خوب است یک بار هم که شده برعکس عمل کنیم و کاری کنیم سیاست داخلی و خارجی جور اقتصاد را بکشند»^{۹۵}.

در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام - JCPOA) که در ماه ژوئیه، ایران و قدرت‌های جهانی بر سر آن توافق کرده بودند به مرحله اجرا درآمد. مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یوکیا آمانو، با انتشار گزارشی تأیید کرد که ایران به کلیه

«تاکنون اقتصاد جور سیاست را کشیده است. خوب است یک بار هم که شده برعکس عمل کنیم و کاری کنیم سیاست داخلی و خارجی جور اقتصاد را بکشند»^{۹۵}

رئیس‌جمهور حسن روحانی



فرهنگ نیوز

زیرساخت‌های ایران به منظور بازسازی اقتصاد را ۱ تریلیون دلار ظرف ۱۰ سال آینده نقل کردند.^{۱۳} مجله اکونومیست سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش نفت و گاز را در پنج سال آینده بین ۲۳۰ تا ۲۶۰ میلیارد دلار برآورد کرد.^{۱۴}

اما امروز، با گذشت چهار سال، ابرهای تیره همچنان بر آسمان ایران سایه افکنده است. و باز همچون گذشته، وعده‌های داده شده به بیکاران ایران بی اساس و پوچ است.

این موضوع در کمپین انتخاباتی سال ۲۰۱۷ کاملاً مشهود بود. علی‌رغم پیروزی چشمگیر بر نامزدهای تندروی مورد توجه آیت‌الله علی خامنه‌ای، رقبای روحانی به دلیل ناتوانی در جامه عمل پوشاندن به تعهدات توافق هسته‌ای به شدت او را مورد انتقاد قرار دادند.

خامنه‌ای به عنوان حامی «اقتصاد مقاومتی» که بر مبنای انزوای اقتصاد ایران و عدم وابستگی به کشورهای خارجی است، با لغو تحریم‌ها موافق بود اما از باز کردن درهای اقتصاد ایران به روی جهان حمایت نمی‌کرد. وی در سخنرانی نوروزی خود در اول فروردین ۱۳۹۶، انتقاد خود از روحانی را در لفافه اظهار نگرانی برای مشکلات طبقات محروم جامعه بیان کرد:

از وضع مردم مطلع هستم، لذا تلخی را با همه وجود حس می‌کنم؛ تلخی کام مردم، بخصوص مردم ضعیف و فرودست و طبقات ضعیف که مربوط به مسائل اقتصادی و مشکلات اقتصادی است، مثل گرانی، مثل بیکاری، مثل آسیب‌های اجتماعی که آنها هم عمدتاً منشأ اقتصادی دارند؛ مثل تبعیض‌ها و نابرابری‌ها.^{۱۵}

رهبر چندان از عملکرد اقتصادی دولت روحانی راضی به نظر نمی‌رسید:

آنچه انجام گرفته است، با آنچه مورد انتظار مردم و مورد انتظار ما است، فاصله زیادی دارد.^{۱۶}

در جلسه شورای نگهبان که دو روز قبل از سخنرانی خامنه‌ای برگزار شد، آیت‌الله احمد جنتی از ادبیات تندتری استفاده کرد. این روحانی تندرو از رئیس‌جمهور خواست برنامه‌ای برای اجرای عملی اقتصاد مقاومتی ارائه دهد و اگر این کار را نکرده، «حداقل از ملت عذرخواهی کند».^{۱۷}

طنز تلخ قضیه از چشم مردم ایران دور نماند. مقام معظم رهبری که با حمایت از سیاست‌های احمدی‌نژاد ایران را به لبه پرتگاه اقتصادی سوق داده بود، اکنون روحانی را به خاطر اینکه نتوانسته بود در مدت چهار سال وضع نابه‌سامان اقتصادی ناشی از چند دهه فساد تحت نام دین را بهبود بخشد، مقصر جلوه می‌داد. داند ترامپ نیز به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری، مصمم بود توافق هسته‌ای را که «بدترین توافقی که تاکنون منعقد شده»

فرودگاه مهرآباد گرد آمده بودند، امیدوار بودند که این توافق نه تنها سایه جنگ را از سر کشور دور کند، بلکه به چند دهه انزوای بین‌المللی و دشواری‌های اقتصادی ایران پایان دهد.^{۱۷}

گمانه‌زنی‌های فراوانی درباره دستاوردهای اقتصادی بعد از رفع تحریم‌های هسته‌ای صورت می‌گرفت، از جمله آزاد شدن ۱۰۰ تا ۱۲۵ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران.^{۱۸} باز شدن درهای ایران به روی جهان نه تنها به عنوان محرکی اقتصادی انگاشته می‌شود که روابط تجاری را مجدداً برقرار می‌کند و سرمایه‌های خارجی را به داخل کشور هدایت می‌کند، بلکه نشانه‌ای تلقی می‌شود از این که ایران بار دیگر جایگاه به حق خود را در میان جامعه ملل به دست خواهد آورد.

شرکت مدیریت مالی تی. رو پرایس (T. Rowe Price Associates) با ارزیابی چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در ایران، از افزایش خوش‌بینی سرمایه‌گذاران خبر داد: «توافق هسته‌ای تاریخی ایران به عنوان نشانه بازگشت بزرگ‌ترین اقتصاد به سیستم جهانی از زمان فروپاشی شوروی قلمداد می‌شود».^{۱۹} مدت کوتاهی پس از امضای برجام، شرکت مشاوره بین‌المللی، مکنزی (McKinsey) پیش‌بینی کرد ایران تا سال ۲۰۳۵ یک تریلیون دلار افزایش تولید خواهد داشت و کورنلیوس بائور (Cornelius Baur)، رئیس دفتر آلمان مکنزی با اشاره به ایران آن را «فرصت تریلیون دلاری» نامید.^{۲۰}

رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی بی‌تردید در تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به هیچ وجه وقت تلف نکرد. در طی دیدار هیأت تجاری چین با حضور رئیس‌جمهور این کشور، شی جین‌پینگ، در ژانویه ۲۰۱۶، روحانی از برنامه‌ریزی برای ۶۰۰ میلیارد دلار همکاری اقتصادی با چین طی یک دوره ۱۰ ساله خبر داد.^{۲۱} این برنامه را به عنوان احیای جاده ابریشم باستانی در بوق و کرنا کردند. در یک تور اروپایی پس‌اتحریم که مطبوعات فرانسه به آن «توافق بزرگ (Le Big Deal)» لقب دادند، روحانی یادداشت‌های تفاهمی به ارزش ۱۸ میلیارد دلار با ایتالیا، شامل ۴ تا ۵ میلیارد دلار توافق احداث خط لوله با گروه خدمات نفت ایتالیایی سایپم (Saipem)، و قراردادهای عمده‌ای با شرکت نفت فرانسوی توتال و همچنین پژو سیتروئن و ایرباس به امضا رساند.

در یک کنفرانس دوجانبه در تهران، وزیر نفت، بیژن زنگنه، از شیوه‌نامه جدید قراردادهای نفتی ایران به عنوان بخشی از کمپین تشویق شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران رونمایی کرد (برای مشاهده میزان ذخایر این بخش به نمودار ۴ مراجعه نمایید). او همچنین از شرکت‌های خارجی دعوت کرد پیشنهادهای خود را برای ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنایع بالادستی [اکتشاف و حفاری] برای آغاز کار در اواسط ۲۰۱۶ ارائه دهند.^{۲۲}

سیروس امیرمکری و حمید بیگلری در مقاله خود در فارن افرز (Foreign Affairs) برآوردها برای سرمایه‌گذاری لازم در بخش



وزیر پیشین خزانه‌داری ایالات متحده، جک لو
منبع: وزارت خزانه‌داری ایالات متحده

لو درباره وعده‌های معجزه اقتصادی بسیار واقع‌گراتر از دیگران بود:

رییس جمهور روحانی به واسطه برنامه احیای مجدد اقتصادی انتخاب شد و با فشار سیاسی روبه‌رو است که او را به جامه عمل پوشاندن به این وعده‌های محقق نشده وادار می‌کند. نیازهای ایران بسیار گسترده است - روحانی به بیش از نیم تریلیون دلار جهت سرمایه‌گذاری

فوری و برآورده کردن تعهدات دولت نیاز دارد. اقتصاد ایران همچنان از چالش‌های فراوان رنج می‌برد - از قبیل کسر بودجه پایدار، فساد افسارگسیخته، و یکی از بدترین محیط‌های انجام تجارت در جهان. به عبارت ساده‌تر، ایران در گودالی هولناک است که سال‌ها طول می‌کشد تا از آن بیرون بیاید.^{۱۱۴}

عمق آن گودال هولناک خارج از تصور است. اگر اقتصاد ایران می‌خواهد بهبود پیدا کند، مردم باید با برخی واقعیت‌های تلخ درباره عملکردهای غلط راهبردی جمهوری اسلامی روبه‌رو شوند. لغو خریم‌ها به خودی خود جوابگوی نثرین فساد، سوءمدیریت و بی‌کفایتی که ایران را در چنین گودالی مدفون کرده، نیست. بیرون رفتن از این گودال آسان نخواهد بود. خانه مالی ایران از پای‌بست ویران است.

بر اساس گزارش سال ۲۰۱۵ صندوق بین‌المللی پول، ایران از «تکه تکه بودن بودجه» رنج می‌برد.^{۱۱۵} بر اساس این گزارش، حساب‌های مالی دولت به طور کامل بر بودجه منطبق نیستند و با آن تلفیق نمی‌شوند. عملیات مالی دولت ایران، نهادهایی چون استانداری‌ها

نامیده بود. پاره کند. روحانی با حضور در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ هشدار داد که «اگر این توافق به دست «نااهلان عرصه سیاست» از بین برود، مایه تأسف خواهد بود».^{۱۱۸}

به نظر می‌رسید چهره‌های ارشد نظامی آمریکا نیز با گفته‌های روحانی موافقت دارند. در جلسه کمیته نیروهای مسلح سنا در ماه اکتبر، وزیر دفاع، جیمز متیس (James Mattis)، توافق اتمی را برای منافع امنیت ملی ایالات متحده حیاتی ارزیابی کرد. رئیس ستاد مشترک، ژنرال جوزف دانفورد (Joseph Dunford)، اعتقاد خود را تکرار کرد و گفت «ایران توافق را نقض نکرده است و من اعتقاد راسخ دارم که توافق تاکنون توسعه توان هسته‌ای ایران را به تعویق انداخته است».^{۱۱۹} پرزیدنت ترامپ، پس از ادای سوگند ریاست‌جمهوری در ژانویه ۲۰۱۷ دو بار توافق هسته‌ای را تأیید کرد. اما بار سوم در اکتبر ۲۰۱۷ از تأیید آن خودداری نمود. به زعم ترامپ توافق هسته‌ای - لغو خریم‌ها - برای ایران برد به حساب می‌آید: «به آنها ۱۵۰ میلیارد دلار می‌دهیم. خودمان هیچ‌چیز به دست نمی‌آوریم».^{۱۲۰}

وقتی ترامپ در ماه می ۲۰۱۸ رسماً از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد، خامنه‌ای - رهبری که حمایت او از احمدی‌نژاد ایران را به آستانه ویرانی اقتصادی کشیده بود - بار دیگر در موقعیتی قرار گرفته بود که می‌توانست یک رئیس‌جمهور یک بارمصرف دیگر - روحانی - را به دلیل ناتوانی در احیای اقتصاد ایران سرزنش کند.

شخص دیگری که درک عمیق‌تر و واقع‌گرایانه‌تری از چالش‌های پیش روی اقتصاد ایران پس از خریم‌ها داشت، جک لو (Jack Lew)، وزیر خزانه‌داری دولت اوباما، بود. طبق اظهارات لو، خریم‌ها از سال ۲۰۱۲ با کاهش ۶۰ درصدی صادرات نفت ایران و سقوط ۵۰ درصدی ارزش ریال، برای ایران «بیش از ۱۶۰ میلیارد دلار» هزینه برداشته بود.^{۱۲۱} لو ادعا کرد تنها در ۱۸ ماه آخر مذاکرات، خریم‌ها به میزان ۷۰ میلیارد دلار برای ایران هزینه داشت - این رقم به صورت تقریبی معادل ۳.۹ میلیارد دلار در ماه، ۱۳۰ میلیون دلار در روز و ۵.۴ میلیون دلار در ساعت است.^{۱۲۲} برخی برآوردهای دیگر هزینه خریم‌ها را از حیث کاهش درآمدهای نفتی، ۵ میلیارد دلار در ماه از سال ۲۰۰۸ در نظر می‌گیرند - هزینه هنگفت سیاست‌های احمدی‌نژاد.^{۱۲۳}



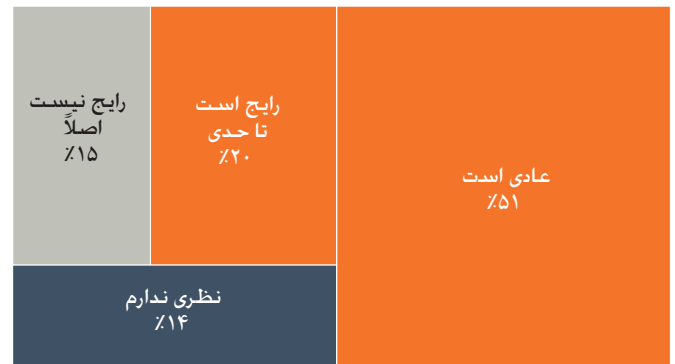
تدبیر خیر

«کودتای نظامی، تجاوز نظامی، انقلاب مخملی هیچ‌کدام نمی‌تواند ضربه‌ای به جمهوری اسلامی وارد کند اما فساد، حکومت جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند»^{۱۲۷}

احمد توکلی، نماینده مجلس

نمودار ۹: فساد فراگیر در ایران

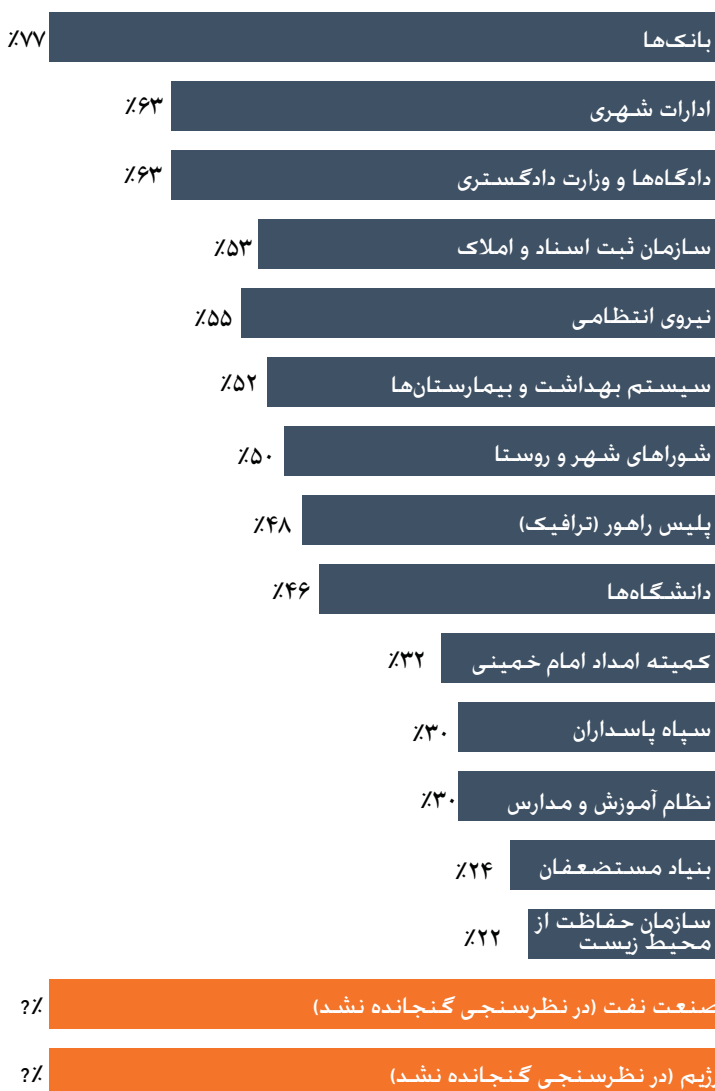
ایرانیان درباره گستردگی فساد در کشورشان چه اعتقادی دارند



گرافیک: «نفت من کجاست؟»

منبع: IPOS (شرکت نظرسنجی درباره اطلاعات و آرای عمومی) ipos.me

نمودار ۱۰: نهادهای فاسد ایران
درصد افرادی که نهادی معین را فاسد ارزیابی کردند



گرافیک: «نفت من کجاست؟»

توجه: این نمودار درصدهای افرادی را که فساد یک نهاد را در حد «تا حد زیادی»، «خیلی زیاد» یا «تا حدی» دانسته‌اند باهم ترکیب کرده است.

ایران توسط بازیگرانی که می‌خواهند اقتصاد و دولت ایران را به صورت مستعمره خود درآورند و از وجود آن تغذیه کنند، به صورت تک قطبی درآمده است. از آنجا که این اخلاقی‌های اقتصادی به نام اصول دین و ملزومات امنیت ملی تقدیس می‌شوند، قابلیت دولت و خزانه را برای انجام اصلاحات اقتصادی، جذب سرمایه خارجی، کنترل مخارج، اجرای بودجه، پیش‌بینی شوک‌های آینده، کاهش بدهی‌ها و پیشگیری از فساد محدود می‌سازند.

چه عاملی از کار انداختن دولت و از شکل انداختن اقتصاد ملت به نام دین را توضیح می‌دهد؟

در یک کلام، فریب - سرقت در ابعاد وسیع، با انتقاد ضمنی از مقام

و بخشنداری‌ها را پوشش نمی‌دهد. و عملیات شبه مالی نهادهای دولتی از قبیل بنیادها و مؤسسات عمومی غیرمالی در گزارش‌های دولت گنجانده نمی‌شوند.^{۱۱۶} به جز اقدامات موردی و غیرقابل تعمیم، هیچ سازوکار مالی برای تثبیت بودجه وجود ندارد و چاره ای برای محافظت از بودجه در برابر شوک‌های خارجی اندیشیده نمی‌شود. بودجه هزینه‌های بالقوه سرمایه‌گذاری مجدد بانکها را به حساب نمی‌آورد. کنترل مخارج در معوقات انباشته پروژه‌های چندساله وجود ندارد که دولت را در معرض بدهی‌های سنگین قرار می‌دهد. و «عدم یک حساب واحد خزانه‌داری، توانایی دولت را برای مدیریت نقدینگی به صورت مؤثر کاهش می‌دهد و در برخی موارد به انباشت معوقات می‌انجامد.»^{۱۱۷}

این از هم گسیختن دولت و خزانه ایران بر حسب اتفاق پیش نیامده است. بحران هسته‌ای راه را برای غارت منابع نفتی ایران هموار کرد. حکومت مذهبی ایران، به نام دور زدن خیریه‌های بین‌المللی به عنوان جبهه ای برای دزدسالاری عمل کرد. همان دزدسالاری که به معنای واقعی کلمه دولت ایران را تسخیر کرده است. گروهی از سازمان‌ها، از بنیادهای دینی گرفته تا شرکت‌های بزرگ تابعه سپاه پاسداران به عنوان نهادهای خودمختار تحت نظارت مقام رهبری عمل کردند - یک دولت موازی که مردم و دولت ایران هیچ‌گونه کنترل قانونی، سیاسی یا مالی روی آن نداشتند. تکثیر و گسترش این نهادهای موازی تصادفی نیست، بلکه با برنامه قبلی صورت گرفته است. این نهادها مانند هر شرکت خارجی یا کشور قدرت‌طلبی، تهدید بزرگی برای اقتصاد و امنیت ملی ایران به شمار می‌روند.

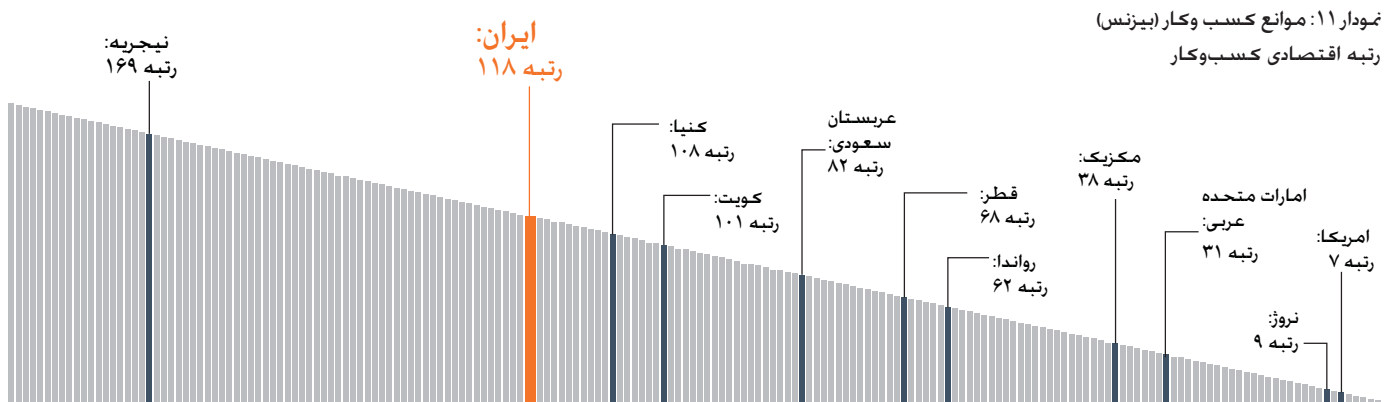
احیای مجدد اقتصاد ایران با جبران زیان‌هایی که این نهادهای مالی جنایتکار به آن وارد کرده‌اند، کار کوچکی نیست. از نفت و گاز گرفته تا بانکها و املاک و مستغلات، کل بخش‌های اقتصاد

رسید که در ایران ۷۱ درصد مردم اعتقاد دارند فساد گسترده است.^{۱۱۹} ۶۸ درصد اعتقاد دارند فساد در پنج سال گذشته بسیار گسترده‌تر شده است. در حالی که ۵۴ درصد مردم معتقدند با حل شدن منازعه هسته‌ای، مقامات دولت توجه بیشتری به مبارزه با فساد می‌کنند. این نظرسنجی همچنین نشان داد که قشرهای مختلف مردم بسیار با هم اختلاف عقیده دارند. در حالی که ۸۳ درصد پاسخ‌دهندگان بالای ۶۰ سال و ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان ۴۵ تا ۵۹ سال نسبت به امحای فساد در آینده خوشبین بودند. جوانان بسیار بدبین‌تر بودند. ۵۷ درصد از جوانان در گروه ۱۸ تا ۲۹ سال و

رهبری و سپاه پاسداران، روحانی اعتراف کرد از اینکه فساد تا این حد بنیان جمهوری اسلامی را پوسانده است. بر خود لرزیده است:

اگر سرمایه، سایت، روزنامه، خبرگزاری، توپ و امکانات نظامی و دیگر مظاهر قدرت در یک نهاد جمع شود، ابوزر و سلمان هم که باشند، فاسد می‌شود.^{۱۱۸}

تنها روحانی نیست که چنین اعتقادی دارد. یک نظرسنجی جدید که از سوی iPOS، شرکت خصوصی پژوهش و مشاوره، صورت گرفت به مسأله فساد در ایران پرداخت و به این نتیجه



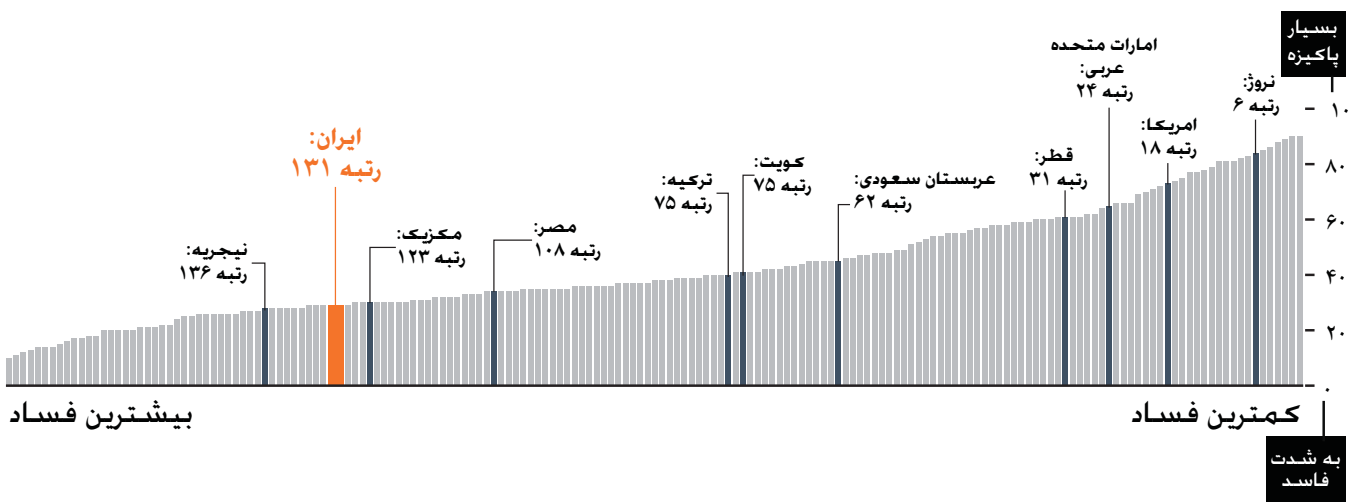
انجام بیزنس دشوارتر است

انجام بیزنس آسان‌تر است

گرافیک «نفت من کجاست؟»
 توجه: اقتصادها بر اساس سهولت انجام تجارت از ۱ تا ۱۸۹ رتبه بندی می‌شوند. بالا بودن رتبه انجام تجارت بدان معناست که مقررات یک کشور برای آغاز عملیات یک شرکت محلی دست و پاگیر نیست و آن را تسهیل می‌کند.
 منبع: نمایه تجارت بانک جهانی ۲۰۱۶

نمودار ۱۲: فساد به تفکیک کشور

نمایه فساد سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۱۶



بیشترین فساد

کمترین فساد

گرافیک «نفت من کجاست؟»
 توجه: رتبه هر کشور نشان‌دهنده جایگاه آن در میان ۱۷۶ کشور نمایه است.
 منبع: شفافیت بین‌الملل

۵۳ درصد گروه ۳۰ تا ۴۵ سال اعتقاد داشتند فساد در پنج سال آینده افزایش خواهد یافت.^{۱۲۰}

از ۱۴ بخشی که مورد نظرسنجی قرار گرفت، بانکها و مؤسسات مالی به عنوان فاسدترینها شناخته شدند. ۷۷ درصد افرادی که از آنان نظرسنجی به عمل آمد بانکها را به شدت یا تا حد قابل ملاحظه‌ای فاسد دانستند. دیگر بخش‌هایی که در نظرسنجی فساد پیشگام بودند، عبارتند از ادارات شهری (۶۳ درصد)، دادگاهها (۶۳ درصد) و خدمات امنیتی (۵۵ درصد) (به نمودار ۱۰ مراجعه نمایید).^{۱۲۱}

اقتصاد ایران در میان ۱۸۹ کشور که در سال ۲۰۱۵ از سوی بانک جهانی جهت سهولت انجام کسب‌وکار و تجارت مورد ارزیابی قرار گرفتند، رتبه ۱۳۰ را به خود اختصاص داد.^{۱۲۲} ایران در سال ۲۰۱۶ نیز عملکردی ضعیف داشت و در جدول رتبه‌بندی پایین‌تر از مکزیک (رتبه ۳۸)، ترکیه (رتبه ۵۵)، آذربایجان (رتبه ۶۳)، و حتی نامیبیا (رتبه ۱۰۱) و اردن (رتبه ۱۱۳) قرار گرفت.^{۱۲۳}

رتبه ایران در نمایه احساس فساد در کشورها در سال ۲۰۱۵ که از سوی شفافیت بین‌الملل منتشر گردید، ۱۳۰ در میان ۱۶۸ کشور و قلمرو بود. به گونه‌ای که تنها با اندکی اختلاف توانست بالاتر از نیجریه (رتبه ۱۳۶) قرار بگیرد (به نمودار ۱۲ مراجعه نمایید).^{۱۲۴} رتبه ایران پایین‌تر از ترکیه (رتبه ۶۶)، مصر (رتبه ۸۸) و پاکستان (رتبه ۱۱۷) بود. ایران همچنین نسبت به اغلب کشورهای عربی

نیز در جایگاه پایین‌تری قرار گرفت: امارات متحده عربی (رتبه ۲۳)، اردن (رتبه ۴۵)، عربستان سعودی (رتبه ۴۸)، و کویت (رتبه ۵۵).^{۱۲۵} در واقع ایران بیشتر به دولت‌های ناکارآمدی چون عراق (رتبه ۱۶۱) و افغانستان (رتبه ۱۶۶) نزدیک بود تا به دیگر همسایه‌های خود.

نماینده مجلس، احمد توکلی، که از حامیان رژیم به شمار می‌رود، در یک سخنرانی در دانشگاه شیراز علناً درباره سقوط جمهوری اسلامی به دلیل فساد سخن گفت. او تصریح کرد که رسته‌های مدیریتی نظام آورده به «یقه سفیدهایی هستند که با چهره ای محترم وارد می‌شوند و تخلف می‌کنند»^{۱۲۶} او این طبقه را به دلیل فساد و اشغال پست‌های کلیدی بدون نشان دادن شایستگی، مورد سرزنش قرار داد. او هشدار داد: «کودتای نظامی، تجاوز نظامی، انقلاب مخملی هیچ کدام نمی‌تواند ضربه‌ای به جمهوری اسلامی وارد کند اما فساد، حکومت جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند»^{۱۲۷}.

حکومت به اصطلاح اسلامی ایران با اقداماتی نظیر لاپوشانی سوءاستفاده از قدرت و نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی با پنهان کردن خویشاوندسالاری، قوم و خویش سالاری، سرقت و ارتشا که اقتصاد و ظرفیت‌های بالقوه صنعتی ایران را به زانو درآورده است، عملاً به جبهه مخالف ارزش‌های دینی و اخلاقی بدل شده است (برای مشاهده برداشت مردم نسبت به گستردگی فساد به نمودار ۹ مراجعه نمایید).

دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد: سپاه پاسداران و بخش نفت

که با سپاه پاسداران داشت و زیر سایه توجهات و دعای خیر مقام معظم رهبری، جای پای خود را در دولت ایران مستحکم کرد. اعتراضات مردم ایران نسبت به انتخاب مجدد احمدی‌نژاد - شعارهای «رأی من کو؟» - سرکوب شد.

در کمال تأسف شاهدیم بعد از انعقاد توافق هسته‌ای نیز مردم ایران همچنان راهی به درون نظام سیاسی ایران ندارند. ظاهراً مافیای نفتی ایران مصمم است تسلط خود بر دولت و اقتصاد ایران را با برانگیختن بحران‌های جدید مستحکم نماید. گویا این بار بحرانی که نقش پوشش را برای مافیای نفتی ایفا خواهد کرد، برخورد با ایالات متحده و عربستان سعودی است.

فهمیدن دلیل این موضوع دشوار نیست.

طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی ایران، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، درآمد‌های ایران از بخش نفت و گاز، بیش از ۱ تریلیون دلار بوده است که درآمد حاصل از نفت به تنهایی بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار آن را تشکیل می‌دهد. در حالی که مردم ایران در

در حالی که دولت روحانی با شور و حرارت برای احیای روابط ایران با جهان تلاش کرده است، اکنون آشکار شده است که ایجاد تغییر در داخل کشور به مراتب دشوارتر است. آغاز اجرای برجام، دستاورد اقتصادی ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلاری را که کشور مشتاقانه انتظار آن را می‌کشید در پی نداشت. در عوض مردم این امکان را یافتند که نیم‌نگاهی به میراث احمدی‌نژاد بیندازند: دوران اپیدمی فساد که عملاً تمام شاخه‌های دولت و بخش‌های اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده بود (به نمودار ۱۰ مراجعه نمایید).

ژست سیاسی احمدی‌نژاد - ادعاهای ستیزه‌جویانه او مبنی بر این که ایران ذره‌ای از برنامه هسته‌ای خود عقب نخواهد نشست - واقعیتی تلخ را از نظرها پنهان می‌کرد. درست همان‌گونه که بحران گروگان‌گیری در سال ۱۹۷۹ راه را برای تسخیر دولت ایران هموار کرد، بحران هسته‌ای صحنه را برای کودتایی دیگر در سال ۲۰۰۹ - ریودن پول و قدرت توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - آماده کرد. زیر پوشش دور زدن خریم‌ها، مافیای نفتی با ارتباطاتی

سابق، رفسنجانی و دیگر مقامات که خود و خانواده‌هایشان را از طریق ارتباطاتی که با دولت داشتند به ثروت رسانده بودند» اداره می‌شد.^{۱۲۹} احمدی‌نژاد عوامگرا وعده داد مافیای نفت را که بخش انرژی کشور را کنترل می‌کرد، تصفیه کند و پول نفت را «به سفره‌های مردم بازگرداند».

تا سال ۲۰۱۷ ورق برگشته بود و سفره‌ها لکه‌دار و ناپاک بودند. در ماه اکتبر حمید بقایی، معاون احمدی‌نژاد و دو تن دیگر از مقامات دولت احمدی‌نژاد، در حرم شاه عبدالعظیم بست نشستند. قوه قضائیه همقطاران احمدی‌نژاد را به فساد و حیف و میل بیت‌المال، از جمله رسوایی ننگین سکه‌های طلا، متهم کرده بود. در دسامبر ۲۰۱۷، رضا ضراب در خلال محاکمه خود در نیویورک به صورت ضمنی احمدی‌نژاد و رئیس پیشین بانک مرکزی، محمود بهمنی، را در برنامه پولشویی خود، نفت در برابر طلا، دخیل دانست. بهمنی ضمن انکار ملاقات با ضراب تصریح کرد: «من خیرم‌ها را دور نزدم. من آنها را مدیریت کردم، و افتخار می‌کنم که خیرم‌ها را مدیریت کردم.»^{۱۳۰} وی افزود: «می‌خواهم بگویم چگونه طلا وارد کردیم. من اسم این را می‌گذارم مدیریت بحران و خیرم‌ها.»^{۱۳۱}

با عزم قوه قضائیه برای متهم ساختن احمدی‌نژاد و کابینه او در پرونده فساد مافیای نفت زنجانی، احمدی‌نژاد در وبسایت غیررسمی خود قوه قضائیه را به ظلم و رئیس قوه قضائیه را به فساد متهم کرد.^{۱۳۲} در مورد رسوایی سکه‌های طلا، معاون احمدی‌نژاد ادعا کرد سکه‌ها دستمزدی برای دور زدن خیرم‌ها نبوده، بلکه هدایای رسمی بوده که به چهره‌های شاخص قوه قضائیه و فرماندهان سپاه پاسداران اعطا شده است؛ حق اضافه‌کاری برای بسیج اقتصادی که در جلسات اضطراری به منظور دور زدن خیرم‌ها دود چراغ خورده‌اند.^{۱۳۳} پیام احمدی‌نژاد روشن بود: به جای اینکه به همراه زنجانی، به عنوان قربانی فسادهای دوره خیرم‌ها به مسلخ برود، تمام نظام دزدسالار را رسوا می‌کرد.

افراط گرایی احمدی‌نژاد در جبهه هسته‌ای، غارت سیستماتیک را به جای جهاد اقتصادی جا زد. احمدی‌نژاد و سپاه پاسداران در حالی که ادعا می‌کردند از تمامیت ارضی ایران در برابر قدرت‌های خارجی دفاع



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
خبرگزاری فارس

انتظار منافع انرژی هسته‌ای بودند و اقتصاد هزینه‌های آن را در خود جذب می‌کرد. «آجهش قیمت نفت هیجانی ناگهانی را برای تغذیه هرچه بیشتر از خوان گسترده نفت و گاز ایجاد کرد. بخش نفت به غنیمتی تبدیل شده بود که برنده نبرد میان گروه‌های رقیب مافیایی آن را تصاحب می‌کرد. ساختارهای رسمی ردگیری و کنترل جریان نفت به خارج از ایران و جریان درآمدهای حاصل از آن به خزانه کشور، به نفع شبکه‌های غیررسمی اقتصادی که در سایه سپاه پاسداران فعالیت می‌کردند، از کار افتادند. به روشنی عیان بود که در ازای تأمین پوشش سیاسی مقام رهبری و حفاظت از او در برابر مردم ایران، سپاه پاسداران و اربابان چینی آن سود می‌برند. سپاه پاسداران پاداش خود را با دریافت قراردادهای نفت و گاز دریافت می‌کرد. از جمله یک قرارداد ۱۸ میلیارد یورویی که به قدری زنده و شرم‌آور بود که طهماسب مظاهری، وزیر دارایی سابق، آن را به معاهده ننگین ترکمانچای تشبیه کرد.»^{۱۳۸}

طنز ماجرا اینجاست که محمود احمدی‌نژاد اولین بار اصطلاح «مافیای نفت» را برای توصیف فساد نظام‌مند در بخش نفت ایران به کار برد. از نظر احمدی‌نژاد مافیای نفت توسط «رئیس‌جمهور



«خود مقامات قوه قضائیه می‌گویند ۹۰ درصد دادگاه‌ها غیرعلنی است. چگونه ممکن است؟ یعنی می‌گویید ۹۰ درصد ۱۷ میلیون پرونده‌ای که در قوه قضائیه رسیدگی می‌شود مربوط به اقدام علیه امنیت ملی است؟ این چه جور امنیت ملی است؟»

سخنان محمود احمدی‌نژاد درباره محاکمه معاون خود به اتهام فساد، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۷

وبسایت دولت بهار



تغییر ماهیت نابخردانه بخش نفت به آخوری برای منفعت‌طلبان و اراذل، دغلكارانی که آبروی درجه خود را بردند و خون سربازان شهید ملت را پایمال کردند تا ثروت کشور را به تاراج ببرند.^{۱۳۶} با این حال، علی‌رغم اهمیت، ابعاد و حجم این قراردادها، بخش نفت و گاز ایران به عنوان سیستمی بسته به گونه‌ای عمل می‌کرد که به نفع خودی‌های رژیم باشد. کنار گذاشتن شرکت‌های غیرخودی از رقابت به شرکت‌های تابعه سپاه فرصت داد تا شرکت‌های دیگر را به ورشکستگی بکشانند و خود بدون رقیب، کنترل منابع نفت و گاز را در دست بگیرند. بیشتر امور مربوط به انجام مناقصه از دید عموم پنهان نگه داشته می‌شد.

در توضیح اینکه چگونه قرارگاه خاتم‌الانبیا قراردادهای دولتی را بدون برگزاری مناقصه رسمی از آن خود می‌کند، عبدالرضا عابدزاده، جانشین قرارگاه خاتم، اعتراف کرد قرارداد احداث خط لوله عسلویه-ایران‌شهر را بدون شرکت در مناقصه دریافت کرده‌اند. او در توجیه این اقدام گفت: «باید برای آنها کاری می‌کردیم تا بتوانیم قرارداد را بدون مناقصه دریافت کنیم».^{۱۳۷} عابدزاده در توضیح گرفتن بدون مناقصه قرارداد ۲.۵ میلیارد دلاری فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی پس از کنار کشیدن شرکای خارجی از این پروژه، گفت از قبل «قول آن را به خاتم داده بودند».^{۱۳۸} مشخص نیست چه کسی چنین قولی داده است. عابدزاده گفت:

شرکت خارجی از کنسرسیوم کنار کشید. چه کار باید می‌کردیم؟ با مقامات نفت و گاز پارس صحبت کردیم. پرسیدیم می‌خواهند مناقصه را تکرار کنند یا خیر. زمان کافی برای این کار هست؟ گفتیم روی مدارکمان کار کرده‌ایم و شما هم پیشنهاد ما را می‌دانید. بعد آنها گفتند قصد دارند قرارداد را بدون تشریفات رسمی به ما واگذار کنند».^{۱۳۹}

علی‌رغم تلاش‌های شجاعانه مطبوعات ایران برای پرده برداشتن

می‌کنند. از بحران‌های سیاسی بهره‌برداری می‌کردند تا از طریق وزارت نفت، از اندام‌های شرکت ملی نفت تغذیه کنند. پاکسازی بخش نفت از افراد کارکنشده و حرفه‌ای شفافیت و پاسخگویی بیشتری برای مدیریت قراردادهای نفتی ایران به ارمغان نیاورد. برعکس، به تأسیس یک شوروی نفت در درون وزارت نفت، در سال ۲۰۰۶ منتهی شد - شوروی مبهم و نامشخص که وظیفه‌اش نظارت بر اعطای قراردادهای نفتی بود.^{۱۳۴} این پرده است که مجلس و قوه قضائیه ایران تا به امروز از کنار زدن آن خودداری کرده‌اند. چرا که اگر این کار را بکنند، مردم ایران خواهند توانست نظری اجمالی به واقعیت‌ها بیفکنند و ببینند که دولتشان چگونه به فروش نفت ایران در بازار سیاه رسمیت بخشید. بازار سیاهی عظیم که ابعاد آن بر کسی معلوم نیست و همچنان فعال است و آینده ایران را تهدید می‌کند.

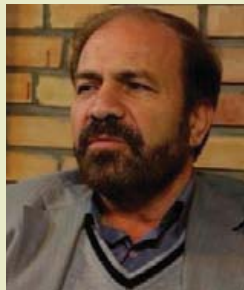
خریم‌ها نه تنها باعث فرار سرمایه‌گذاران خارجی از بخش نفت و گاز ایران شدند، بلکه به احمدی‌نژاد فرصت دادند ساختار جدیدی برای این بخش ایجاد کند. بعد از کشمکش‌های طولانی با مجلس، احمدی‌نژاد سعی کرد خود مسؤولیت‌های وزیر نفت را نیز بر عهده بگیرد. وقتی این تلاش به جایی نرسید، در ماه اوت ۲۰۱۱ رستم قاسمی، از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و رئیس قرارگاه خاتم‌الانبیا، بازوی عمرانی سپاه، برای تصدی این پست رأی اعتماد گرفت. تا آن زمان احمدی‌نژاد موفق شده بود بنیاد انحصار تاریخی شرکت ملی نفت را در بخش نفت و گاز به لرزه درآورد.

گشایش بخش نفت و گاز به روی بازیگران جدید، صحنه را برای فساد لجام‌گسیخته آماده کرد. اکنون بازیگران جدید می‌توانستند در صنایع بالادستی اکتشاف و استخراج و صنایع پایین‌دستی بازاریابی و فروش نفت خام و تأمین مالی داخلی پروژه‌های نفت و گاز از طریق فروش اوراق مشارکت به دنبال مطامع خود باشند.^{۱۳۵} شرکت ملی نفت ایران عملاً به تصرف سپاه پاسداران درآمده بود. میدان‌های نفتی سودآور، دارایی‌ها، محصولات و پروژه‌های تحت اختیار شرکت ملی نفت، به نام دور زدن خریم‌ها قطعه قطعه شدند و به صورت غنیمت جنگی تقسیم شدند. نهادهای ذی‌نفع در این غنیمت‌گیری عبارت بودند از شرکت‌های سرمایه‌گذاری، کنسرسیوم‌ها و بنیادهای نیمه‌دولتی که توسط اعضای سپاه و مدیران پیشین شرکت نفت اداره می‌شدند. اینها بسیج اقتصادی را تشکیل می‌دادند: خودی‌های رژیم که از سوی احمدی‌نژاد و وزیر نفت فراخوانده شده بودند تا به دولت در دور زدن خریم‌ها یاری برسانند.

با برخورداری احمدی‌نژاد از پشتیبانی مقام رهبری و سپاه پاسداران، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و دیگر سازمان‌های نیمه‌دولتی قراردادهایی به ارزش بیش از ۲۵ میلیارد دلار با دولت منعقد کردند. قراردادهای چندین میلیارد دلاری بدون برگزاری مناقصه از طرف «شوروی نفت» که احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۶ تأسیس کرده بود به شرکت‌های تابعه سپاه اعطا شد. سپاه بیش از ۷۵۰ قرارداد دولتی در بخش زیرساخت و نفت و گاز به دست آورد

شکی وجود ندارد که بخش خصوصی در فروش نفت هیچ تجربه‌ای ندارد.

حسن خسروجردی، که در زمان ادای این جمله رئیس اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفتی، گازی و پتروشیمی بود



پروژه ایران

شاه، به خانه «بازار بورس نفت» تبدیل شد تا «فروش مستقیم نفت خام، محصولات پتروشیمی و محصولات پالایش شده شامل نفت سفید و بنزین» تسهیل گردد.^{۱۴۱} به عنوان نشانه‌ای دیگر از زبوندهای خودی‌ها، سپاه در پشتی را برای بنیادها باز کرد تا وارد صحنه نفت کشور شوند. در سال ۲۰۰۹ وزارت نفت به بنیاد مستضعفان اختیاراتی اعطا کرد. در آن زمان ریاست بنیاد را یک فرمانده نظامی سابق بر عهده داشت که زمانی قرار بود به عنوان مدیرعامل فروش، سکان شرکت ملی نفت را در اختیار بگیرد.^{۱۴۲} این چهره امنیتی کسی نبود جز وزیر دفاع سابق، محمد فروزنده.^{۱۴۳} مدتی بعد محمد سعیدی کیا، وزیر سابق و معاون شرکت نفت پارس جایگزین فروزنده شد.

با تصمیم مجلس مبنی بر تخصیص ۲۰ درصد از نفت ایران برای فروش توسط بخش خصوصی، سه کنسرسیوم نفت، گاز و محصولات پتروشیمی برای رفع نیاز فوری دور زدن تحریم‌ها از ناکجا سر برآوردند. در پاسخ به خبرنگاران درباره بی‌جبریگی این شرکت‌ها در فروش نفت، حسن خسروجردی که در آن زمان رئیس اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفتی، گازی و پتروشیمی بود، تصریح کرد:

شکی نیست که بخش خصوصی تجربه‌ای در فروش نفت ندارد.

ما خود می‌دانیم که [فروش نفت] سخت است، به ویژه با وجود مشکلاتی که کشور با آن روبه‌رو است. اما باید به شما یادآوری کنم که ظرفیت بخش خصوصی با حضور مردان نفتی با تجربه بخش دولتی گسترش پیدا کرده و بسیاری از این مدیران و متخصصان برای خود شرکت‌هایی تأسیس کرده‌اند که عضو کنسرسیوم هستند. بنابراین دیگر نمی‌توانیم بخش خصوصی را بی‌تجربه بدانیم.^{۱۴۴}

خسروجردی برای اثبات با تجربه بودن بخش خصوصی در فروش نفت با مباحث گفت که برخی از «مردان نفتی با تجربه» ایران به قدری معروف هستند که در همایش‌های مختلف بعضی از

از اسرار خاتم‌الانبیا، ساختار مالکیت، سهامداران و فعالیت‌های آن در حاله‌ای از راز باقی ماند. گزارشگران «مکرراً از این شرکت خواسته‌اند تا جزئیات بیشتری درباره شرکت و رقم دقیق پروژه‌های تکمیل شده، تعداد پرسنل، و مسائل پیش روی این پیمانکار عمده را در اختیار آنها قرار دهد. اما شرکت از دادن اطلاعات خودداری کرده است.»^{۱۴۰}

خاتم‌الانبیا عملاً نام پیامبر (ص) را به پوشش‌های پنهان کردن ماهیت عملیات تجاری خود بدل کرده است.

۱۰۰ چهره دانشگاهی از دانشگاه‌های شاخص ایران در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مقام رهبری در سال ۲۰۱۷ خواستار اصلاحات ساختاری در اقتصاد شدند. این افراد هشدار دادند که با توجه به دامنه محدود قدرت دولت، چالش واقعی اقتصاد مربوط به انجام اصلاحات در دستگاه‌های سیاسی، قضایی و امنیتی است که همگی زیر نظر مقام رهبری فعالیت می‌کنند. نویسندگان نامه همچنین بر ضرورت «شفاف و پاسخگو» ساختن بنیادهای اقتصادی چون آستان قدس رضوی و خاتم‌الانبیا تأکید کردند.

آنچه عملکرد مطبوعات ایران را در مورد آشکار کردن نقاط تیره خاتم‌الانبیا و دیگر پرونده‌های فساد تا این حد مهم و استثنایی می‌سازد، این است که روزنامه‌نگاران و به طور عام جامعه مدنی با این اقدام، وارد خلاء بر جای مانده از قوه قضائیه، مجریه و مقننه می‌شود. در حالی که روحانی و دیگران پرونده‌های فساد را مانند چماق علیه افراط‌گرایان به کار می‌برند تا در انتخابات برنده شوند، خود نیز مکرراً از انجام وعده‌های خود و برداشتن پرده مصونیت از مجازات که فسادهای کلان را پنهان می‌سازد قصور کرده‌اند. برای روحانی و امثال وی پرونده‌های فساد ابزاری سیاسی برای مهار تندروهاست و شفافیت و پاسخگویی در برابر مردم تنها وسیله‌ای برای لفاظی است. بدین ترتیب دولت نمی‌تواند بدون خطر درافتادن با سپاه پاسداران، خاتم‌الانبیا یا هریک از دیگر بازیگران بخش انرژی را وادار به گردن نهادن به ابتدایی‌ترین استانداردهای حسابداری و گزارش‌دهی کند. در غیاب چارچوبی قانونی،

هیچ ساختار سازمانی، گزارش مالی یا سیستم مدیریتی برای اداره بخش انرژی وجود نخواهد داشت. فساد فراگیر خواهد ماند. انگیزه‌ها از بین خواهد رفت. مدیریت مشکل، سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و عملکرد فاجعه‌بار خواهد شد. البته، باز کردن درهای بخش انرژی ایران به روی بخش خصوصی به مدت‌ها قبل از خاتم‌الانبیا بازمی‌گردد. جزیره کیش، تفریحگاه ساحلی



محمد سعیدی کیا، وزیر پیشین و معاون رئیس شرکت نفت پارس منبع: خبرگزاری مهر

تحت رهنمودهای رهبر انقلاب اصول راهبردی سپاه تغییر کرده است. مأموریت اصلی سپاه از این به بعد مبارزه با تهدیدات دشمنان داخلی است.

محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران



منبع عکس: تدبیر خبر

مشاهده خطری که ملت را تهدید می‌کرد، به خود اجازه نمی‌دادند که در کناری بایستند. بسیجیان اقتصادی قهرمان‌هایی بودند که حاضر بودند «هر خطر و مشکلی را بپذیرند چون منافع ملی همه منافع شخصی را به عقب می‌راند».^{۱۴۷}

با گشودن بخش نفت به روی کنسرسیوم‌های خصوصی، مجلس عملاً خصوصی‌سازی منافع ملی را تأیید می‌کرد. در حقیقت هیچ‌گونه پاسخگویی یا شفافیتی در طی انجام این فرآیند در کار نبود - این‌که کنسرسیوم‌های خصوصی چگونه تشکیل شدند. اعضای آنها چه کسانی بودند، و چگونه تعیین صلاحیت، میری و مونیتور می‌شدند. افراد ذی‌نفع در خصوصی‌سازی به کمک سپر محافظی که مجلس برای آنان ایجاد کرد و سیاست‌ها و راهبردهای مقام رهبری که به منظور از بین بردن پاسخگویی عمومی طراحی شده بودند، ناشناس باقی ماندند.

با خصوصی‌سازی بخش نفت و گاز ایران که یک دزدی سیاسی بود، تغییری در برداشت سپاه پاسداران از تهدید دشمن ایجاد شد. برای سپاه دشمن دیگر خارجی نبود. دشمن، مردم ایران بودند. از سپتامبر ۲۰۰۷ ساختار فرماندهی سپاه پاسداران و بسیج در هم ادغام شدند و به صورت واحد درآمدند. محمدعلی جعفری، فرمانده جدید، از نظم جدیدی خبر داد که بر اساس آن اولویت اصلی سپاه مبارزه با دشمنان داخلی بود:

تحت رهنمودهای رهبر انقلاب اصول راهبردی سپاه تغییر کرده است. مأموریت اصلی سپاه از این به بعد مبارزه با تهدیدات دشمنان داخلی است. [اولویت بعدی سپاه] این است که در صورت تهدید خارجی به نیروهای نظامی کمک کند.^{۱۴۸}

مشخص نبود فرماندهان سپاه چه کسانی را دشمنان داخلی فرض می‌کردند: شهروندانی که خواستار پاسخگویی بودند و به سرقت نفت و دارایی‌های ایران اعتراض داشتند یا دزدان رأس نظام. اوجگیری سپاه پاسداران - که با قاطعیت جنبش دموکراسی خواهی ایران را سرکوب کرده بود- دوران جدیدی از فساد

شرکت‌ها از آنها با نام مستعارشان نام می‌برند. وقتی خبرنگاران او را تحت فشار قرار دادند، اعتراف کرد:

درواقع، در حال حاضر، شرکت‌های غربی به دنبال خرید نفت ما هستند و خودشان به ما نشان می‌دهند که چگونه خریدها را دور بزنیم. حتی بعضی از شرکت‌های امریکایی خود را به عنوان شرکت‌های اروپایی جا می‌زنند و با ما وارد مذاکره می‌شوند. آنها هنوز مجبورند با نفت ما به پالایشگاه‌های خود خوراک بدهند بنابراین این با یک تیر دو نشان می‌زنند؛ هم خود را نجات می‌دهند و هم برای خرید نفت از ما تخفیف می‌گیرند.^{۱۴۵}

وی در خصوص تخفیفی که کنسرسیوم‌های خصوصی نفتی از دولت گرفتند، گفت: «می‌توانم در این مورد اظهارنظر کنم. هر قیمتی که آنها به ما بدهند، ما هم می‌فروشیم».^{۱۴۶}

خسروجردی رضایت عمیق خود را از این که به دلیل مصوبات مجلس و اقدامات دولت، کنسرسیوم‌های او توانسته‌اند صادرات ۲۰ درصد از نفت ایران را بر عهده بگیرند، ابراز داشت. او تأیید کرد سه کنسرسیوم به منظور کمک به دولت در زمینه صدور نفت تأسیس شد که یکی از این کنسرسیوم‌ها با ۶۵ عضو، به دولت در این زمینه کمک می‌کند.

خسروجردی جزئیات مربوط به حجم صادرات، قیمت‌ها و سودی که کنسرسیوم‌ها کسب کرده بودند را ذکر نکرد. در ضمن مشخص نشد به چه دلیل نمایندگان مجلس حساب‌های مربوط به فروش نفت از سوی شرکت‌های خصوصی را از آنان مطالبه نکردند. اطلاعات ساده‌ای چون فهرستی از رسیدهای هر فروش، محصول فروخته شده، حجم، قیمت، تاریخ و مشخصات مشتری که نزد هر بقالی پیدا می‌شود، در عوض خصوصی‌سازان کنسرسیوم‌های خود را به سان قهرمان‌های ملی معرفی کردند. «بسیجیان نظام» که برای مقابله با تهدیدی ملی، با به جان خریدن مخاطرات پا به میدان نهاده بودند و از روی شرف و غیرت، بدون هیچ منتهی بر دولت و مردم این‌گونه از خودگذشتگی می‌کردند، به عبارت دیگر با

آنچه به صورت راز باقی مانده این است که احمدی مقدم به چه دلیل از این گشادهدستی برخوردار شد. [در ناآرامی‌های سال ۲۰۰۹] رژیم که مشروعیتی در میان مردم نداشت، به سرکوب و خشونت روی آورد و از آنجا که نمی‌توانست به نیروهای نظامی برای حمله به مردم متکی باشد، مجبور شد نیروهای امنیتی را به کمک پاداش و مزایا به نیرویی مزدور تبدیل کند تا کارهای کثیف آیت‌الله در کهریزک را به انجام برسانند. محموله‌های نفتی به احتمال قریب به یقین به خاطر تحقیر، خشونت، تجاوز و قتل نظام‌مند جوانان ایران توسط احمدی مقدم و عوامل او در سال ۲۰۰۹ به او اعطا شدند. برای درک این نکته که پرسش‌های «رای من کجاست؟» و «نفت من کجاست؟» دو روی یک سکه‌اند، کافی بود به احمدی مقدم نگاه کنیم. فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی با نادیده گرفتن ارتباط بین خشونت‌ها که رژیم به مردم روا داشت و سرقت نفت ایران، اشتباه بزرگی مرتکب می‌شوند.

اگرچه در اصل ۷۷ قانون اساسی ایران تصریح شده که «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» در عمل قانون اساسی نادیده گرفته شد. عملیات بخش نفت به قدری نقش‌های موازی و همپوشان داشت و نهادهای دخیل در آن از چنان اختیارات گنج‌کننده‌ای برخوردار بودند که ممکن نبود کسی را مسؤول چیزی بدانی و از او انتظار پاسخگویی داشته باشی. تصمیمات اقتصادی بدون دخالت و صرفاً بر اساس شایستگی و درستی اتخاذ نمی‌شدند؛ اصول و ساختاری برای اداره امور در کار نبود.

بر اساس گزارش بانک جهانی:

در ایران عملکرد بخش نفت برای ناظر خارجی به شدت مبهم است. این مسأله تا حدی منعکس‌کننده ماهیت نظام سیاسی ایران است. بودجه شرکت نفت پس از تأیید وزارت نفت، باید به تصویب مجلس نیز برسد. وقتی پای مجلس به میان می‌آید، بسیاری از عناصر دیگر ویژه حکومت ایران نیز وارد معادله می‌شوند. به عنوان نمونه، شورای نگهبان می‌تواند درباره بودجه توضیح بخواهد - مثل دیگر قوانین

معلوم نیست آیا شیوه‌ای رسمی، ثابت و منظم برای

ارزیابی عملکرد شرکت ملی نفت وجود دارد یا خیر. هیچ

یک از شرکت‌های بخش نفت گزارش‌های مالی خود را

جهت دسترسی عموم منتشر نمی‌کنند.

بانک جهانی



سردار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی منبع عکس: برنا نیوز

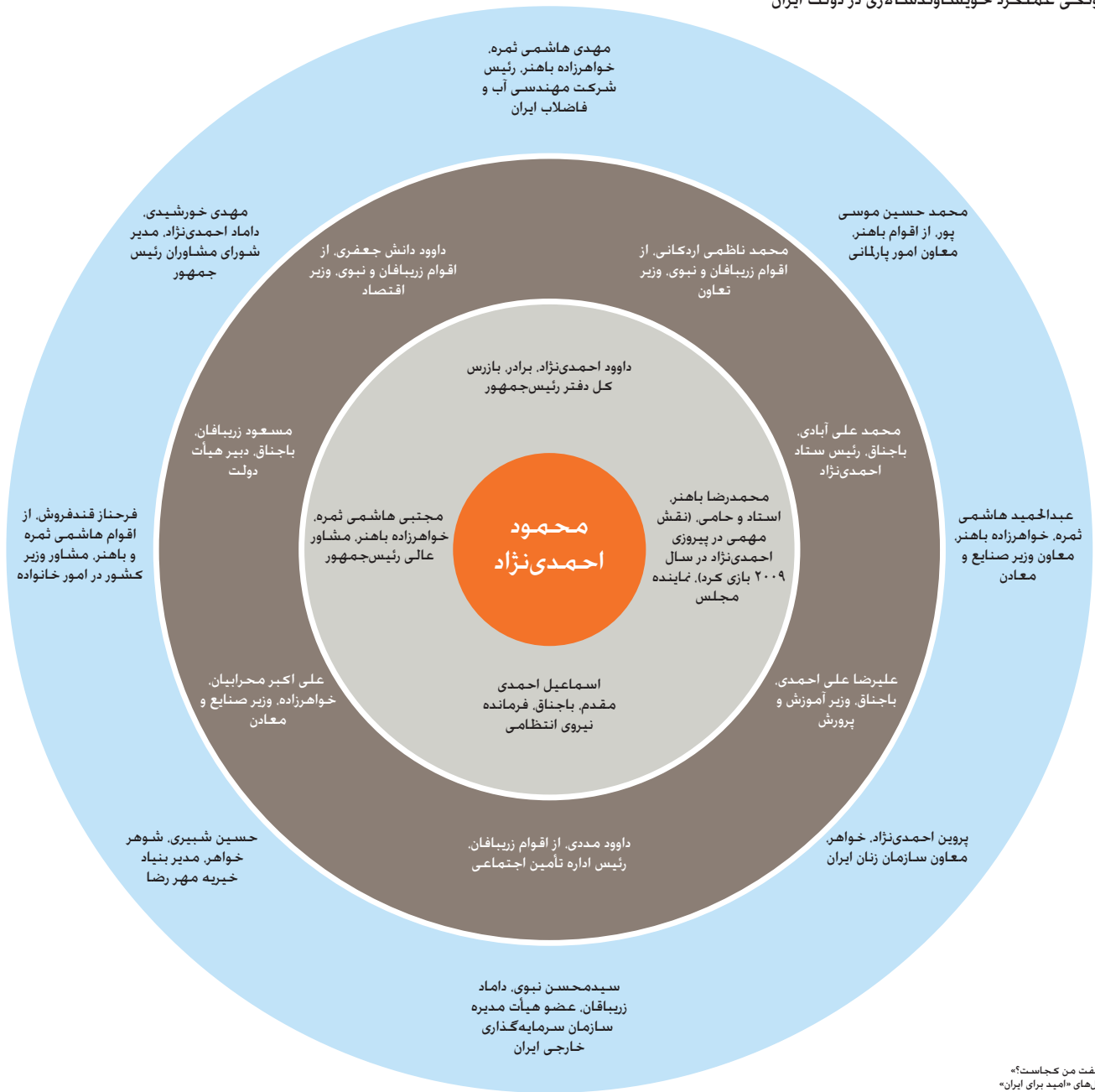
افسارگسیخته را به همراه آورد. به محاق رفتن حقوق بشر و حقوق شهروندی با تصرف نظام‌مند نهادهای دولتی و غارت منابع طبیعی - که همگی نقض قانون اساسی ایران هستند- رابطه مستقیم داشت.

از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ موقعیت ایران در «نمایه میزان فساد» سازمان شفافیت بین‌الملل از بهترین رتبه‌ای که ایران داشت یعنی ۷۸ به رتبه ۱۶۸ سقوط کرد. دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد با سقوط ایران به قعر جدول شاخص فساد همپوشانی دارد.^{۱۴۹}

در وقایع بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۹، ثروت نفتی ایران به معنی واقعی کلمه مثل غنیمت جنگی تقسیم شد و رژیم، تسلط خود بر قدرت را با پرداخت بهای وفاداری نیروهای امنیتی ایران تضمین کرد. نفت به صورت پاداش و رشوه به خاطر خونریزی و وحشی‌گری بذل و بخشش می‌شد - بهایی که مردم ایران باید به خاطر خواستن عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌پرداختند. مقام معظم رهبری با چراغ سبز نشان دادن به انتخاب مجدد احمدی‌نژاد، آغازگر دوران جدیدی شد از مصونیت در برابر مجازات، نقض حقوق بشر، خشونت و لاپوشانی نقش سپاه در غارت اقتصاد ایران.

به دستور احمدی‌نژاد، وزارت نفت حقوق مربوط به دو محموله نفت به ارزش ۱۸۰ میلیون دلار و ۶۰ میلیون دلار را در اختیار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی (رئیس پلیس) ایران قرار داد. احمدی مقدم که باجناق احمدی‌نژاد است و در موارد متعددی از نقض حقوق بشر دخیل بوده - سرکوب مردم در سال ۲۰۰۹ و رسوایی مربوط به زندان کهریزک- ادعا کرد این پرداخت‌ها معوقات مربوط به کسر بودجه نیروی انتظامی بوده که باید پرداخت می‌شده است. ۱۸۰ میلیون دلار برای تأمین به اصطلاح معوقات نیروهای امنیتی و محموله ۶۰ میلیون دلاری برای تأمین حقوق بازنشستگان بوده است. به نام دور زدن تحریم‌ها، مراحل قانونی فروش نفت نادیده گرفته شدند. مشخص نیست چه کسانی برای تخصیص محموله‌های نفت به معرفی، تعیین و تأیید افراد یا شرکت‌ها می‌پرداختند. از حیث تدارکات نیز، سلسله دستوراتی که به واسطه آنها نفت مردم ایران به افراد و شرکت‌ها واگذار و سپس بازرگانی و قیمت‌گذاری و فروخته می‌شد به صورت راز باقی مانده است.

نمودار ۱۳: پایگاه قدرت احمدی‌نژاد
چگونگی عملکرد خویشاوندسالاری در دولت ایران



شیوه‌ای رسمی، ثابت و منظم برای ارزیابی عملکرد شرکت ملی نفت وجود دارد یا خیر. هیچ یک از شرکت‌های بخش نفت گزارش‌های مالی خود را جهت دسترسی عموم منتشر نمی‌کنند. اطلاعات درباره عملیات شرکت -آنگونه که در وبسایت شرکت‌های مختلف منتشر می‌شود- نادر و محدود به ابتدایی‌ترین داده‌های عملیاتی است. عدم نظارت به واسطه تغییر دائمی ساختار بخش نفت که بدون در نظر گرفتن ارتباطات متقابل عناصر داخل مجموعه انجام

مصوب مجلس - تا درباره انطباق آن با قانون اساسی و قوانین شریعت اطمینان حاصل کند.^{۱۵۰}

آنچه مسأله را پیچیده‌تر می‌کند این است که هیچ داده‌ای وجود ندارد. بر اساس گزارش بانک جهانی هیچ متر و معیار مشخصی برای نظارت بر بخش نفت و گاز وجود ندارد:

چون ماهیت اهداف و مقاصد نامشخص است و هیچ سازوکار رسمی برای نظارت وجود ندارد، معلوم نیست آیا



کامیون شرکت نفت ایران و انگلیس

http://ritkanlathatotortenelem.blog.hu/2014/07/28/napi_erdekes_20_kep_721_a_Hungarian_blog

انصار او عمل می‌کرد. گناهی نابخششودنی بود. ورشکستگی در مقیاسی عظیم، منعکس‌کننده قدرت و وعده ایدئولوژی انقلابی بود که بر مبنای سقوط ایده دولت و ملت شکل گرفته بود.

شرکت ملی نفت ایران که در دهه ۷۰ میلادی به یکی از بزرگ‌ترین و سودآورترین شرکت‌های جهان تبدیل شده بود، عملاً تکه تکه و ازکارافتاده شد. با جلب شدن توجه مردم ایران به مسأله هسته‌ای، بخش نفت و گاز ایران به هدفی برای بزرگ‌ترین سرقت مالی در تاریخ بشر تبدیل شده بود. احمدی‌نژاد برای توجیه ورشکسته کردن بخش نفت و گاز ایران دوباره دست به دامان عوامگرایی شد. به نام دادن سهم فقرا از درآمد نفت ایران، صحنه برای خصوصی‌سازی دارایی ملی چیده شد.

در گذشته استعمار مسیر را برای نقض حاکمیت ملی و غارت منابع ایران هموار می‌کرد. پیشتر شرکت نفت ایران و انگلیس ثروت نفت ایران را بدون هرگونه پاسخگویی و شفافیت استخراج می‌کرد. امروز، افراط‌گرایی اسلامی وسیله اشغال و غارت این بخش را فراهم آورده است. احمدی‌نژاد و سپاه پاسداران امنیت و جایگاه ایران را به خاطر سود حاصل از بحران و فساد نابود کردند. استقبال احمدی‌نژاد از افراط‌گرایی غیرعقلانی نبود. زیر پوشش «نابودی اسرائیل» و دفاع از برنامه هسته‌ای ایران، احمدی‌نژاد و اعوان و انصار او در سپاه پاسداران خود را در جایگاهی قرار دادند که بتوانند از خیریم‌ها سود ببرند. آنها می‌توانستند روی کمبودها سرمایه‌گذاری کنند؛ اوجگیری قیمت همه‌چیز در بازار سیاه، از نفت گرفته تا دارو، تمام کاری که باید می‌کردند این بود که نفت ایران را در اندازه‌های نامعلوم با تخفیف به فروش برسانند و با وارد کردن کالا با قیمت اصلی، مابه التفاوت را به جیب بزنند. احمدی‌نژاد مشغول به کاری بود که ناثومی کلاین (Naomi Klein) آن را در اثر خود «دکترین شوک» (Shock Doctrine) «سرمایه‌داری فاجعه‌بار» توصیف کرده

می‌گیرد. پیچیدگی بیشتری پیدا می‌کند.^{۱۵۱}

حاصل این شیوه اداره، بخشی است مستور و مبهم، با نقاط تاریک دیوان‌سالاری که مافیای نفتی می‌تواند در پناه آن ثروت ملت را فارغ از هرگونه مجازات به تاراج ببرد. گزارش بانک جهانی حاکی است:

نداشتن اطلاعات داوری درباره میزان درآمد صادرات نفت دولت را غیرممکن می‌سازد. به نظر می‌رسد بخش عمده ای از درآمدهای حاصله در درون بخش نفت باقی می‌ماند. این احتمال بسیار بالاست که بخش قابل توجهی از درآمد نفت به واسطه رانت‌خواهی و فساد به دست دولت نمی‌رسد. ساختار پیچیده بخش نفت ایران تعیین اینکه چه اجزا و عواملی درآمدهای نفتی را رقم می‌زنند غیرممکن می‌سازد.^{۱۵۲}

چهره‌ای مانند بیژن زنگنه (وزیر نفت قدرتمند روحانی که به شیخ الوزرا معروف است) مدیریت بخش نفت و گاز در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد را به اقدام خرابکارانه تشبیه کرد:

یک عده آدم که فهم عمیقی از این حوزه نداشتند، به‌خاطر اجرای اهدافی، دستگاه‌های بزرگ بخش انرژی کشور را به آستانه نابودی کامل رساندند. کار این افراد مثل کسی است که سوار بر یک آمبولانس برای رساندن مریض به مقصد در راه صدها نفر را زیر گرفته و کشته و هزاران دست و پا را شکسته است؛ این دوستان به اسم دادن یارانه به مردم دستگاه‌های بزرگ انرژی همچون توانیر، شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی و شرکت گاز را با تخلف از قانون، نابود کردند.^{۱۵۳}

در واقع بحران بسیار عمیق‌تر از این بود. ایده دولتی متمرکز و مدرن که در خدمت پیشرفت اقتصادی و رفاه مردم بود در حال از هم گسیختن بود. در عقب‌گردی استثنایی، کل پروژه پهلوی از بیخ و بن نابود می‌شد و نظامی فئودالی و غارتگر جایگزین آن می‌شد. مثل این بود که کشور به دوران قاجار و قبل از انقلاب مشروطه بازگشته است - دورانی که در آن دولت ایران هزینه اداره کشور را تأمین می‌کرد و مردم هیچ‌گونه کنترل و ادعایی بر شیوه اداره کشور نداشتند. مانند دوره قاجار، خود ایده حق حاکمیت و ثروت ملی در نظام دزدسالارانه‌ای که در جهت منافع آیت‌الله و اعوان و

ورشکستگی در مقیاسی عظیم، منعکس‌کننده قدرت و وعده ایدئولوژی انقلابی بود که بر مبنای سقوط ایده دولت و ملت شکل گرفته بود.



رئیس جمهور اسبق، رفسنجانی، در حال تقدیر از زنجانی
منبع: تهران پرس



بابک زنجانی، شوفری که میلیارد شد
منبع: پرس تی وی

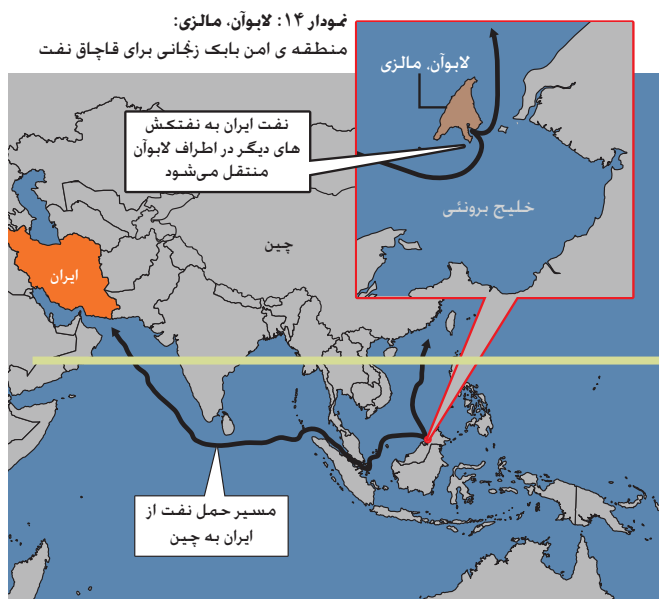
است.^{۱۵۴} کنترل‌های رسمی که روی تولید، قیمت‌گذاری، انتقال به نفتکش، حمل به مقصد و فروش نفت ایران صورت می‌گرفت، فروپاشید. این سرسری گرفتن و سست شدن استانداردها مانند بخش نفت در گمرکات کشور نیز گسترش پیدا کرد و راه را برای ورود مقادیر عظیمی از کالای قاچاق باز کرد. برای این سارقان حکومتی، برنامه هسته‌ای

ایران -سایه خرم‌ها- هم دستاویز بود و هم فرصتی برای تاراج بخش نفت ایران.

نقطه تلاقی، جزیره لایوان: زنجانی، شرکت بازرگانی نفتیران و استاندارد چارترد

قرار داده شود.^{۱۶۰}

برای فروش نفت، باید مبدأ آن به عنوان نفت ایران عوض می‌شد. مرکز نفت جزیره لایوان -یک مرکز مالی فراساحلی (آفشور) در مالزی- برای این منظور کاملاً مناسب بود (به نمودار ۱۴ مراجعه



گرافیک «نفت من کجاست؟»

پرونده بابک زنجانی نمونه‌ای گویاست.

زنجانی در دهه ۹۰ میلادی، زمانی که مشغول خدمت سربازی بود، به عنوان راننده رئیس بانک مرکزی گماشته شد. در مدت زمان کوتاهی درگیر معاملات پنهانی ارز شد و با حمل غیرقانونی ارز به بازار به بانک کمک کرد.^{۱۵۵}

بعد از رئیس‌جمهور شدن احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵، کلاهبردار و پادو که به خاطر انجام امور بانکی و کشیدن چک سفید معروف شده بود، به سرمایه‌داری بانفوذ تبدیل شد. امپراتوری او دربرگیرنده ۶۰ شرکت، شامل چند مؤسسه مالی، یک یا دو شرکت هوایی، تیم فوتبال راه آهن، شرکت‌های لوازم آرایشی، هتل، رستوران، شرکت‌های ساختمانی، «ناوگانی از نفتکش‌ها»، استودیوی ضبط و حتی سرمایه‌گذاری در فیلم‌های ایرانی بود.^{۱۵۶} زنجانی ثروت خود را که با وضع خرم‌ها افزایش پیدا کرده بود، ۱۳.۵ میلیارد دلار تخمین زده بود.^{۱۵۷}

در سال ۲۰۱۰ زنجانی به بازوی عظیم مهندسی و ساختمانی سپاه پاسداران، قرارگاه خاتم‌الانبیا، کمک کرد تا با نقض خرم‌ها ۴۰ میلیون دلار پول را که در بیرون از کشور گیر افتاده بود، به داخل بازگرداند.^{۱۵۸} با افزایش خرم‌ها ارز کمیاب شد. مقامات ایران با مراجعه به زنجانی از وی خواستند بیش از ۳ میلیارد دلار نفت را صادر کند و پول آن را به کشور بازگرداند.^{۱۵۹} چهار وزیر دولت احمدی‌نژاد موافقت کردند بیش از دوازده نفتکش در اختیار زنجانی



رضا ضراب و همسرش (ابرو گوندش، خواننده معروف ترک). ضراب بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار از محل طرح غیرقانونی نفت در برابر طلا دریافت کرد.

منبع: تهران پرس

به نظر می‌رسد تجارت خانوادگی فراتر از سوریه و عراق رفته و به ایران رسیده است. رضا ضراب - شریک زنجانی - در ۱۹ مارس ۲۰۱۶ به اتهام توطئه برای دور زدن تحریم‌ها، پولشویی و تخلف بانکی در میامی آمریکا دستگیر شد. مهمت هاگان آتایلا (Mehmet Hakan Atilla)، معاون مدیر کل هالک بانک ترکیه، ده روز بعد در نیویورک دستگیر شد. دادستان‌های آمریکا وی را متهم کردند با انجام صدها میلیون دلار انتقال پول غیرقانونی در طرح ضراب برای نقض تحریم‌ها علیه ایران مشارکت داشته است. سهام هالک بانک، پنجمین بانک بزرگ ترکیه از نظر سرمایه، با انتشار این خبر ۱۶ درصد سقوط کرد.^{۱۶۷} آنچه در خبرها ذکر نشد این بود که ضراب و هالک بانک نه تنها برای نقض تحریم‌های ایران توطئه کرده بودند، بلکه آنگونه که در پرونده آتایلا افشا شد، ضراب ادعا کرد به مقامات بلندپایه ترکیه، از جمله اعضای خانواده اردوغان به منظور پولشویی و انتقال میلیاردها دلار از درآمدهای نفت به داخل ایران رشوه پرداخت کرده است. بر اساس نوشته دکستر فیلکینز (Dexter Filkins) در مجله نیویورکر:

طبق مستندات ثبت شده در دادگاه بدوی در منهن، وزیر اقتصاد، ظفر چاغلایان (Zafar Caglayan)، بیش از ۴۵ میلیون دلار پول نقد، جواهرات و اشیاء لوکس از ضراب دریافت کرده است. وقتی نیروهای پلیس وارد خانه سلیمان اصلان (Suleyman Aslan)، مدیرعامل هالک بانک که گفته می‌شود ضراب از آن برای پولشویی استفاده کرده است، شدند -چند جعبه کشف پیدا کردند که چهار و نیم میلیون دلار درون آنها قرار داشت. (هم چاغلایان و هم اصلان هرگونه تخلفی را انکار کرده‌اند). مکالمات تلفنی ضبط شده نیز ظاهراً

نمایند.^{۱۶۱} نفتکش‌های پر از نفت ایرانی به لایب‌وآن می‌رفتند. در آنجا نفت از نفتکش ایرانی به نفتکش‌های دیگر منتقل می‌شد - به این فرآیند، «فرآیند بوسه» (Kissing Process) گفته می‌شود - تا مبدأ آن پنهان شود. بدین ترتیب اسناد جعلی چند لایه عمق پیدا می‌کرد. بیش از ۲۴ میلیون بشکه نفت با استفاده از این روش و روش‌های مشابه تغییر هویت پیدا کرد و فروخته شد.^{۱۶۲} وقتی نفت را به نام کشوری دیگر جا می‌زدند، آن را در بازار آزاد به خریدارانی از هند، سنگاپور یا مالزی به فروش می‌رسانند.^{۱۶۳}

زنجانی برای سهولت بیشتر شعبه ای از اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در مالزی تأسیس کرده بود تا به پولشویی و بازگرداندن پول نفت به ایران کمک کند - گفته می‌شود زنجانی ۱۷.۵ میلیارد دلار نفت برای سپاه پاسداران، وزارت نفت و بانک مرکزی ایران به فروش رساند.^{۱۶۴}

کشور دیگری که از هر جهت برای فروش نفت و پولشویی مناسب بود، ترکیه بود. پرداخت‌های نقدی برای نفت در حسابی در هالک بانک (Halkbank) ترکیه واریز می‌شدند. از آن پول برای خرید طلا استفاده می‌شد و سپس طلا به منطقه آزاد تجاری دویی ارسال می‌شد.^{۱۶۵} تنها در یک روز، مثلاً ۱۰ می ۲۰۱۲، عامل زنجانی در ترکیه، رضا ضراب، قریب به ۵.۱ میلیون لیره ترک (در حدود ۸۴۰ هزار دلار)^{۱۶۶} را از شعبه استانبول بانک ملت به یکی از شرکت‌های بی‌شمار زنجانی منتقل کرد. بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ شرکت «رویال شپینگ» ضراب «۱۵۱.۱ تن طلا (به ارزش تقریبی ۸ میلیارد دلار) را به ایران و امارات متحده عربی» صادر کرد.^{۱۶۷} آدم کاراهان (Adem Karahan)، مسوؤل حمل و نقل کالای ضراب، گفت هر روز ۴۴ شرکت حمل‌ونقل برای انتقال یک تن طلا مورد استفاده قرار می‌گرفت. کاراهان ادعا کرد مأموران گمرک «مشکلی ایجاد نمی‌کردند چون آنها نیز رشوه خود را دریافت می‌کردند»^{۱۶۸}

این سطح از تجارت به منظور گریز از تحریم‌ها نیازمند همکاری اعضای کابینه، تاجران، دیوانسالاران و افراد دیگری در ترکیه بود. در دسامبر ۲۰۱۵، بعد از این که ترکیه یک هواپیمای نظامی روس را سرنگون کرد، وزارت دفاع روسیه تصاویر ماهواره‌ای از کامیون‌های نفتکش منتشر کرد که از تأسیسات تحت کنترل داعش در سوریه نفت بارگیری می‌کردند و بعد از مرز ترکیه عبور می‌کردند. روسیه رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان و خانواده او را به قاچاق نفت متهم کرد. آناتولی آنتونوف (Anatoly Antonov)، معاون وزیر دفاع روسیه، گفت: «ترکیه مصرف‌کننده اصلی نفتی است که از مالکان به حق آن، سوریه و عراق دزدیده می‌شود». آنتونوف ادامه داد: «در غرب هیچ‌کس درباره این واقعیت که پسر رئیس‌جمهور ترکیه ریاست یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های انرژی را بر عهده دارد، یا داماد او به عنوان وزیر انرژی منصوب شده است، سؤال نکرده است. عجب تجارت خانوادگی فوق‌العاده‌ای!»^{۱۶۹}



رستم قاسمی

شمس‌الدین حسینی

علی نیکزاد

مهدی غضنفری

محمود بهمنی

دارودسته‌ی پنج نفره: رئیس بانک مرکزی، محمود بهمنی؛ وزیر بازرگانی، مهدی غضنفری؛ وزیر راه و شهرسازی، علی نیکزاد؛ وزیر دارایی، شمس‌الدین حسینی؛ و وزیر نفت، رستم قاسمی از طرف زنجانی پادرمیانی کردند تا ۱۴.۵ درصد از ذخایر ارزی ایران که از فروش نفت به دست آمده بود به حساب FIIB او منتقل گردد. منابع مختلف

(Çavuşoğlu). ادعا کرد که بازجویی فدرال از ضراب سیاسی بوده و پریت بهارارا (Preet Bharara). دادستان پیشین ایالات متحده برای ناحیه قضایی جنوب نیویورک را متهم کرد که «آلت دست نیروهای ضدترک» است.^{۱۳۳} در مورد دلیل اهمیت فراوانی که اردوغان برای ضراب قائل است، فیلکینز معتقد است «نشاهد به دست آمده توسط دادستان‌های ترکیه‌ای در پرونده اصلی علیه ضراب گویای آن است که خود اردوغان، یا خانواده او، ممکن است با نقشه ضراب [نفت در برابر طلا] در ارتباط باشند».^{۱۳۴} در خلال محاکمه ضراب اعتراف کرد ۱۰۰ یا شاید ۱۵۰ میلیون دلار از طرح

پای اعضای خانواده اردوغان را به میان کشیده است.^{۱۳۵}

همچنین گزارش شده است که اردوغان با مشاوران حقوقی ضراب، رودلف دابلیو. جولیانی (Giuliani) شهردار سابق نیویورک، و دادستان کل سابق ایالات متحده، مایکل میوکیسی (Michael Mukasey) در ترکیه ملاقات کرده است تا «راه حلی بین دو کشور برای این پرونده» بیابد.^{۱۳۲} در خلال دیدار وزیر خارجه پیشین ایالات متحده، رکس تیلرسون (Rex Tillerson) از ترکیه در ماه مارس ۲۰۱۷، وزیر خارجه ترکیه، مولود چاووش اوغلو

عملیات بین‌المللی پولشویی زنجانی

و نفتکش، تا ذخیره و انتقال نفت و مبادله نفتکش‌ها و جعل اسناد در لایوآن را در بر می‌گرفت. شرکت بازرگانی نفتیران، شاخه فراساحلی شرکت ملی نفت، میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ایران را از طریق بانک‌ها، شرکت‌ها و تجارتخانه‌ها در سراسر جهان هدایت می‌کرد. زنجانی تنها یکی از عوامل این عملیات بود. و گروه سورینت او تنها یکی از شبکه‌های عنکبوتی بود که دارایی‌های مردم ایران در آن گرفتار بود.

کار دولت دستگیری افرادی چون زنجانی نبود، بلکه تسهیل سرقت بود. محاکمه زنجانی از سوی قوه قضائیه نیز تلاشی بوده است برای پنهان کردن ماهیت بین‌المللی شبکه و محافظت از بازیگران قدرتمندتر درون شبکه. این شبکه هنوز متلاشی نشده است. مقامات رسمی رده بالا که مسؤول صدور مجوز این مبادلات مالی به نام مردم ایران بوده‌اند، همچنان آزادند.

تصادفی از جرزی به لایوآن نیاورده بود. و زنجانی نیز بانک خود را تصادفی در لایوآن دایر نکرده بود. این شبکه‌ها یک شبه ظاهر نشدند. ایجاد و توسعه آنها به مرور زمان صورت گرفت و مبادله و تجارت نفت در ابعاد میلیاردی برای آنها تازگی نداشت. این عملیات‌ها تا به امروز در حاله‌ای از ابهام باقی مانده‌اند. و با وجود تحقیقات و بازرسی‌های طولانی، هیچ حسابرسی و میزبانی در مورد این مبالغ و مبادلات پولی صورت نگرفته است.

زنجانی مغز متفکر نبود. او صرفاً در محل تلاقی شبکه‌ها و منافع بسیار بزرگتر قرار گرفته بود. و این شبکه‌ها بودند -نه زنجانی- که زنجیره تأمین نفت بسیار پیچیده‌ای را ایجاد کرده بودند و مدیریت می‌کردند. این زنجیره از شناسایی و تأیید صلاحیت مشتری گرفته تا تهیه مجوزهای لازم، مذاکره درباره میزان و حجم محموله‌ها، صدور اعتبارنامه، تأمین بیمه

درک روابط بایک زنجانی کار دشواری نیست. «اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی» او در لایوآن مالزی واقع شده بود. جهت سهولت بیشتر شعبه مرکزی بانک زنجانی در همان برجی بود که استاندارد چارترد هم در آن دفتر داشت. جالب اینجاست که شرکت بازرگانی نفتیران (NICO)، بازوی بازرگانی فراساحلی شرکت ملی نفت ایران، که بیشتر در مأمّن فرار مالیاتی بریتانیا، جرزی مستقر بود نیز به مأمّن مالیاتی لایوآن نقل مکان کرده بود. نکته ساده است. زنجانی بخشی از یک عملیات بسیار پیچیده‌تر پولشویی بود که شبکه‌ای بین‌المللی از بازرگانان، بانکداران و سرمایه‌داران در آن دخیل بودند.

این کنسرسیوم‌های نفتی بسیار پیچیده بین‌المللی، به صورت تصادفی عملیات‌های خود را به مأمّن مالیاتی لایوآن منتقل نکرده بودند. شرکت بازرگانی نفتیران عملیات‌های خود را به صورت

بخش بانکی منتقل می‌شود. و از آنجا، این پول‌ها به صورت پاداش، حقوق و مزایا، از قبیل وام‌های کم بهره برای خرید ملک یا راه انداختن تجارت، به درون دولت هدایت می‌شدند. رسوایی فیش‌های حقوقی که مشکلات بسیاری برای دولت روحانی ایجاد کرد. سیستم عظیمی از اختلاس دولتی - مشوق و پاداش برای فساد- است (برای اطلاعات بیشتر درباره تأثیر فساد بر جو تجاری ایران به نمودار ۱۱ مراجعه نمایید).

در ماه می ۲۰۱۴ بعد از حقیقات مطول درباره پرونده ۲.۶ میلیارد دلار کلاهبرداری بانکی که برخی از اعضای قوه قضائیه آن را «بزرگ‌ترین پرونده اختلاس در تاریخ» لقب دادند. دادستان کل ایران،

غلامحسین محسنی اژه ای، درباره فساد مسؤولان در هر سه قوه حکومت و در بخش مالی هشدار داد. ۱۷۷ پرونده فساد ۵۰۰ نفر را در بر می‌گرفت که از این میان ۲۰۰ نفر جزو مقامات ارشد حکومتی -از جمله ۱۷ نماینده مجلس- و مدیران بانکی بودند. این سرعت مالی توسط ۸ بانک عمده دولتی و خصوصی، شامل بانک ملی و صادرات انجام گرفته بود. اژه‌ای اعتراف کرد که دستگاه قضایی نیز لکه‌دار شده است. وی مقامات ارشد نظام از جمله «معاون رئیس قوه قضائیه و رئیس واحد حفاظت اطلاعات قوه قضائیه» را نیز در این پرونده دخیل دانست.^{۱۷۸}

پای رئیس دفتر و معاون اول احمدی‌نژاد، اسفندیار رحیم‌منشایی، نیز به میان کشیده شد. اما وی مورد پیگرد قانونی قرار نگرفت.^{۱۷۹} اژه‌ای گفت، «اگر فساد مالی با فساد سیاسی ترکیب شود، می‌تواند مشکلات جدی برای نظام، به ویژه نظام اسلامی، ایجاد کند»^{۱۸۰} جبهه مشارکت اسلامی که از احزاب اصلاح‌طلب به شمار می‌رود، در بیانیه ای اعلام کرد ۲.۶ میلیارد دلار «کسر کوچکی از غارت کلان بیت‌المال در نظام اسلامی است»^{۱۸۱}

در مورد نقش خود به عنوان نقطه مرکزی نظام دزدسالار که در آن ۵۰۰ مقام ارشد متهم به فساد بانکی بودند، رهبر ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای، هیچ مسؤولیتی به گردن نگرفت. او گفت، «نصیحت بنده در مورد مقابله با فساد اقتصادی را که چند سال قبل عرض کردم، جدی نگرفتند» (برای اطلاعات بیشتر درباره نحوه کنترل رهبر بر ایران و سیاست‌های نفتی به نمودار ۵ و ۶ مراجعه نمایید). او اضافه کرد که اگر به آن نصیحت توجه کرده بودند، «این رسوایی و فساد عظیم بانکی اتفاق نمی‌افتاد و هزاران میلیارد تومان اختلاس صورت نمی‌گرفت»^{۱۸۲} او گفت، «پرونده‌های مفاسد اقتصادی باعث می‌شوند مردم امید خود را از دست بدهند» و از مسؤولان خواست نسبت به «متخلفین، خرابکاران و عناصر مفسد» هیچ ترحمی نشان ندهند و «مسأله را تا انتها پیگیری کنند و دستان خائنین را قطع کنند». او همچنین از رسانه‌ها

خود درآمد کسب کرده است. و بار دیگر تأیید کرد که به چاغلایان -یک وزیر ترکیه‌ای، به تنهایی- بیش از ۵۰ میلیون دلار رشوه پرداخت کرده است.

در مورد مغزهای متفکر بسیج اقتصادی در ایران باید گفت، سه وزیر کابینه احمدی‌نژاد و رئیس بانک مرکزی، صلاحیت بابت زنجانی را تأیید کردند و رسماً «اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی (FIIB)» متعلق به بابت زنجانی را واجد شرایط تشخیص دادند و آن را برای پولشویی پول نفت ایران و انتقال آن به داخل ایران برگزیدند. در گزارش‌های جلسات دوم، هشتم، سیزدهم و پانزدهم آنچه مطبوعات ایران «پرونده فساد نفتی» لقب داده‌اند، وزیر نفت، رستم قاسمی؛ وزیر دارایی، شمس‌الدین حسینی؛ وزیر بازرگانی، مهدی غضنفری؛ و رئیس بانک مرکزی، محمود بهمنی؛ از طرف زنجانی پادرمیانی کردند تا ۱۴.۵ درصد از ذخایر ارزی ایران که از فروش نفت به دست آمده بود به حساب FIIB او منتقل گردد.^{۱۷۵} خویل محموله نفتی به ارزش ۱۷ میلیارد دلار به زنجانی تصادفی نبود. او نفت را به مشتریانی خویل می‌داد که سپاه پاسداران و وزرا باید می‌شناختند و تأیید می‌کردند. زنجانی واسطه‌ای بود در میان بازرگانی بسیار قدرتمندتر که ترجیح می‌دادند ناشناس باقی بمانند.

فساد در یک بخش مسیر را برای گسترش فساد در بخش‌های دیگر هموار می‌کند. مجدداً به سراغ زنجانی برویم. در پرونده زنجانی درآمدهای نفتی مردم ایران تا قسمتی از طریق گروه سورینت، شرکت سرمایه‌گذاری زنجانی، به صورت بازبافت به داخل ایران بازمی‌گشت. و آن پول، یا دست کم آن اعتبار، به نوبه خود برای خرید سهام در سازمان تأمین اجتماعی استفاده می‌شد. سازمان تأمین اجتماعی از طریق بازوی سرمایه‌گذاری خود موسوم به «شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی» یا «شستا» مجموعه‌ای از بیش از ۲۰۸ شرکت ایرانی، شامل بانک، «صادرات، پاسارگاد، تات، پارسیان، و دی»؛ شرکت‌های بیمه (ملت، میهن، دانا و پارسیان)؛ ... صنایع پتروشیمی (غدیر، تبریز)؛ کشتیرانی (IRISL) و شرکت ملی نفتکش ایران» و هتل را در تملک خود دارد.^{۱۷۶} به عبارت دیگر سپاه پاسداران و وابستگان آنها درآمدهای نفتی ایران را در برنامه‌های دروغین خصوصی‌سازی که چیزی جز کلاهبرداری به روش پونزی (Ponzi scheme) نبود، استفاده می‌کردند و عملاً به عنوان مافیایی عمل می‌کردند که از طریق تصرف دیگر بخش‌های اقتصاد و نهادهای دولتی پولشویی می‌کردند. تغییر ماهیت سپاه پاسداران از نیرویی نظامی به یک ارگان مزدور، به فساد بخش دولتی و خصوصی و از دست رفتن اعتماد به دولت و اقتصاد منتهی شده است.

نمی‌شود فساد را در درون سپاه محدود کرد. ثروت نفت ایران از طریق

اگر فساد مالی با فساد

سیاسی ترکیب شود، می‌تواند

مشکلات جدی برای نظام، به

ویژه نظام اسلامی، ایجاد کند

سخنگوی قوه قضائیه

غلامحسین محسنی اژه ای

نیز خواست «از احساساتی کردن مسأله خودداری کنند» تا اجازه دهند مقامات مسؤول و قوه قضائیه پرونده‌ها را با «تعقل، قدرت

و دقت» پیگیری کنند.^{۱۸۳}

حلقه آیت‌الله:

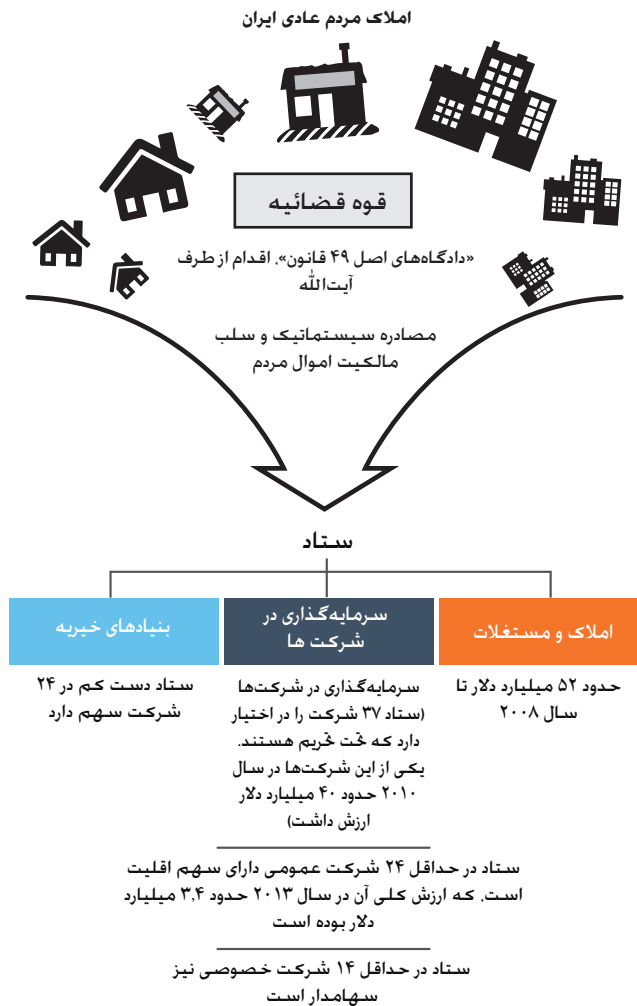
ستاد، وسیله دزدی

هیچ بحثی درباره نقش سپاه پاسداران در اقتصاد ایران، بدون بررسی نقش فرمانده کل آن، آیت‌الله علی خامنه‌ای، کامل نخواهد بود. کنترل سیاست و قوای نظامی به شیوه دیکتاتوری از سوی آیت‌الله خامنه‌ای محرز است، اما بخش زیادی از قدرت او در طرزکار امپراتوری اقتصادی او نهفته است (به نمودار ۱۵ مراجعه نمایید).
مقام رهبری در ایران ثروت هنگفتی را در قالب ستاد (ستاد اجرائیات فرمان حضرت امام) کنترل می‌کند. ستاد، نهادی است که بعد از انقلاب ۱۹۷۹ به منظور مدیریت توقیف سیستماتیک هزاران ملک متعلق به مردم عادی ایجاد گردید.^{۱۸۴} قرار بود ستاد به عنوان سازمانی جدید تحت نظر مقام رهبری [در آن زمان آیت‌الله خمینی] بر مصادره املاک نظارت داشته باشد و بعد از دو سال تعطیل شود. آیت‌الله خمینی قبل از مرگ در سال ۱۹۸۹ با صدور حکمی ادعا کرد درآمد حاصل از فروش این املاک صرف امور خیریه می‌شود.

ستاد بعد از دو سال منحل نشد. آیت‌الله خامنه‌ای با متمرکز کردن آن بر تحصیل ملک برای خود به جای بازتوزیع ثروت، مأموریت آن را تغییر داد - بیماری وسیع‌تری که حاکی از تغییر ماهیت بنیادهای خیریه و موقوفات و تبدیل شدن آنها به املاک شخصی بود. درآمدهای ستاد - که میلیاردها دلار برآورد شده است - برای «تأمین



مقام معظم رهبری
آیت‌الله خامنه‌ای
دفتر مقام معظم رهبری



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: بر اساس برآورد خیرگزاری رویترز از دارایی‌های ستاد که با توجه به اسناد داخلی ستاد، اطلاعات سازمان بورس تهران، وبسایت‌های شرکت‌ها و تحلیل نوامبر ۲۰۱۳ وزارت خزانه‌داری آمریکا تهیه شده است.

«ستاد به حکم دادگاه دارای قدرتی انحصاری است که می‌تواند به نام مقام رهبری املاک و مستغلات مردم را از آنان بگیرد و مرتباً املاک مصادره شده را به حراج می‌گذارد یا از صاحبان اصلی املاک پول مطالبه می‌کند.»^{۱۸۶}

نمایند). هم اوست که اعضای هیأت امنا را انتخاب می‌کند. رویترز به عنوان مدرک این ادعا، سندی رسمی ارائه کرد که بر اساس آن علی خامنه‌ای، حجت‌الاسلام حسن علی نیری، محمدجواد ایروانی، محمد شریعتمداری، سیدمحمد میرمحمدی و کاظم جُفی علمی را برای یک دوره سه ساله به عنوان هیأت امنای ستاد منصوب کرده است.^{۱۸۷}

آنگونه که رویترز در گزارش خود آورده است، ارزش دارایی‌های ستاد ۴۰ درصد بالاتر از کل درآمدهای نفتی ایران در سال ۲۰۱۳ بوده است:

گردش مالی ایجادشده توسط ستاد به توضیح این نکته کمک می‌کند که چرا خامنه‌ای نه تنها به مدت ۲۴ سال از کنترل ستاد غفلت نکرده، بلکه در برخی زمینه‌ها کنترل خود را نسبت به آیت‌الله خمینی افزایش داده است. ستاد ابزاری مالی در اختیار وی می‌گذارد تا مستقل از مجلس و بودجه ملی عمل کند و او را از آشفته بازار کشمکش‌های جناحی ایران مصون نگاه می‌دارد.^{۱۸۸}

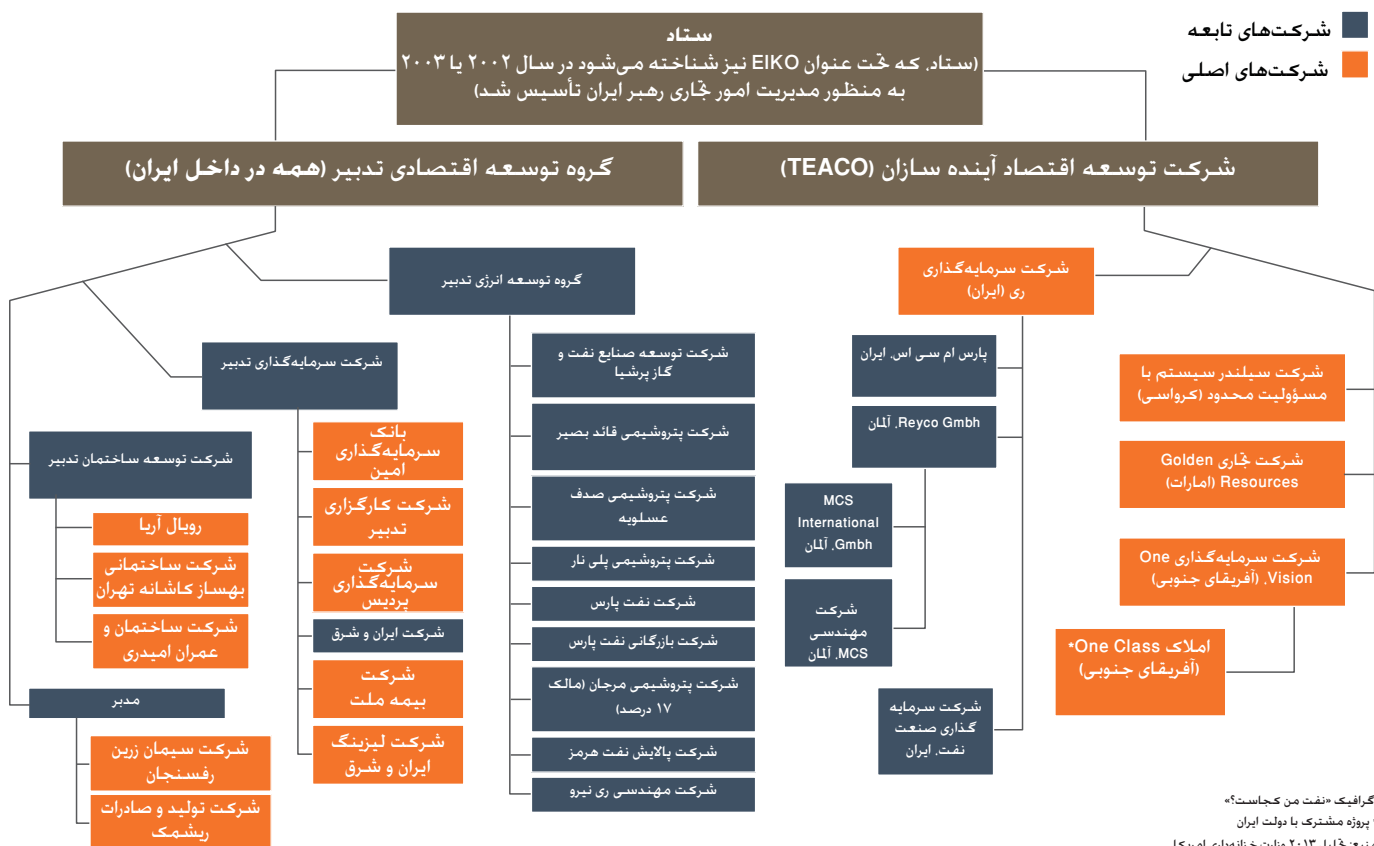
خامنه‌ای چشم‌انداز قانونی ایران را به گونه‌ای تغییر داد که منافع اقتصادی شخصی او محافظت شود و رشد کند. در سال ۲۰۰۴ خامنه‌ای زمینه را برای توسعه ستاد و همچنین فساد

مالی جایگاه نهایی قدرت در ایران، یعنی بیت رهبری» استفاده می‌شود. بیت رهبری در واقع مقرر فرماندهی مقام رهبری است که بیش از ۵۰۰ نفر پرسنل دارد که عمدتاً از میان نیروهای نظامی و امنیتی انتخاب شده‌اند.^{۱۸۵}

آیت‌الله خامنه‌ای از تسلط بلامنزاع خود بر قوه قضائیه استفاده کرد تا به دزدی قداست ببخشد. اصل ۴۹ قانون اساسی ایران در مورد ضبط و مصادره اموال، به مبنایی برای اخاذی دینی تبدیل شد. دولت ایران به وسیله‌ای برای مجرم‌نمایی مردم تبدیل شد تا حق مالکیت آنان بر املاک و دارایی‌هایشان را سلب نماید. مجلس در سال ۱۹۸۴ «دادگاه‌های اصل ۴۹» را ایجاد کرد تا مصادره اموال را سامان مند سازد و به آن تداوم بخشد: «ستاد به حکم دادگاه دارای قدرتی انحصاری است که می‌تواند به نام مقام رهبری املاک و مستغلات مردم را از آنان بگیرد و مرتباً املاک مصادره شده را به حراج می‌گذارد یا از صاحبان اصلی املاک پول مطالبه می‌کند.»^{۱۸۶}

براساس گزارش رویترز، ارزش تخمینی هولدینگ‌های جاری ستاد، سرمایه‌گذاری املاک، و دیگر دارایی‌ها در حدود ۹۵ میلیارد دلار است. ۵۲ میلیارد دلار از این مبلغ در بخش املاک و مستغلات است. ۴۳ میلیارد دلار دیگر به صورت شرکت‌های بزرگ هولدینگ، از بانکداری گرفته تا نفت و مخابرات و شرکت‌های داروسازی است. آیت‌الله خامنه‌ای ستاد را کنترل می‌کند (به نمودار ۱۶ مراجعه

نمودار ۱۶: شبکه مالی بین‌المللی ستاد



گرافیک «نفت من کجاست؟»
* پروژه مشترک با دولت ایران
منبع: خلیل ۲۰۱۳ وزارت خزانه‌داری آمریکا



نامزد ریاست‌جمهوری، مهدی کروبی، مجلس خبرگان را به دلیل فساد مقام رهبری مورد سرزنش قرار داد
منبع: ایرنا

گسترده‌نهادهای دولتی مهیا کرد. وی به مجمع تشخیص مصلحت نظام دستور داد اصل ۴۴ قانون اساسی را که مالکیت صنایع عمده از سوی دولت را اجباری اعلام کرده بود. مورد بررسی مجدد قرار دهند. کوتاه زمانی بعد از این دستور، مجمع تشخیص مصلحت راه را برای خصوصی‌سازی صنایع عمده هموار کرد. در سال ۲۰۰۶ احمدی‌نژاد ۸۰ درصد سهام شرکت‌های دولتی را خصوصی کرد. از جمله بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و همچنین شرکت‌های نفتی. او اقدام خود را اینگونه توجیه کرد که این اقدام «نقش دولت را از مالکیت مستقیم و مدیریت شرکت‌ها به سیاست‌گذاری، راهنمایی و نظارت» تغییر می‌دهد.^{۱۸۹}

در سال ۲۰۰۹ ستاد، از طریق یکی از شرکت‌های تابعه خود، ۳۸ درصد سهام یک کنسرسیوم را از آن خود کرد و کنسرسیوم مزبور موفق به خرید بزرگ‌ترین دارایی دولتی ایران شد. بدین ترتیب خصوصی‌سازی شرکت مخابرات ایران (TCI) کلید خورد.^{۱۹۰} سهامدار اصلی، سپاه پاسداران بود.

منافع اقتصادی رهبر از چشم عموم پنهان نگاه داشته شد. تلاش اصلاح‌طلبان برای انجام تحقیقات درباره ستاد در دور دوم ریاست‌جمهوری خاتمی از سوی شورای نگهبان رد شد. این شورا که متشکل از فقها و حقوقدانان محافظه‌کار است اعلام کرد فعالیت‌های ستاد فراتر از دایره اختیارات مجلس است. بعد از انتخابات سال ۲۰۰۸ مجلس محافظه‌کار با اصلاح «آیین‌نامه مجلس قدرت خود برای میری نهادهای تحت نظارت رهبری را. مگر با کسب مجوز، محدود کرد» تا وفاداری خود را به رهبر نشان دهد.^{۱۹۱}

چنین اقداماتی مانع از آن نشد که نامزد ریاست‌جمهوری، مهدی کروبی، حمله‌ای مهلک علیه مجلس خبرگان که مسؤولیت آن نظارت بر عملکرد مقام رهبری است تدارک ببیند. کروبی، در نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، مجمع تشخیص مصلحت نظام، رهبر را متهم کرد که از طریق ستاد و سپاه پاسداران، به نام خصوصی‌سازی بر کل وزارتخانه‌ها دست‌تاول گشاده است:

آیا در وظیفه شما در مجلس خبرگان نیست که رسیدگی کنید به آنچه که به نام خصوصی‌سازی و انجام اصل ۴۴ قانون اساسی انجام می‌شود و نهادهای تحت نظارت رهبری همچون سپاه و ستاد اجرای فرمان

امام (ستادی که نوه گرامی حضرت امام نیز بارها گله کرده و درخواست داشته‌اند که در صورت تعطیل نکردن آن حداقل لفظ "امام" را از عنوان آن بردارند) سهام یک وزارتخانه دولتی را در نیمی از یک ساعت به نام خود می‌کنند؟^{۱۹۲}

به کروبی برجسب «فتنه‌گر» زدند. او از سال ۲۰۱۱ در حصر خانگی به سر می‌برد.

مقام رهبری که زخم خورده بود، تلاش کرد از حیثیت خود دفاع کند. او تصریح کرد «حتی رهبر فراتر از نظارت نیست، چه رسد به سازمان‌های مرتبط با رهبری»^{۱۹۳}. او در ادامه افزود:

بنابراین نظارت برای همه است. شامل آن کسانی که ملکت را اداره می‌کنند. حکومت ماهیتاً انباشت قدرت و ثروت را به دنبال دارد. یعنی ثروت ملی و قدرت سیاسی و اجتماعی در دست تعدادی مقام دولتی قرار می‌گیرد. در نتیجه این افراد باید تحت نظارت قرار داشته باشند.^{۱۹۴}

او در مورد خود گفت: «من از نظارت استقبال می‌کنم و قویاً مخالف فرار از نظارت هستم. شخصاً، هرچه نظارت روی من بیشتر باشد، خوشحال‌تر می‌شوم».^{۱۹۵}

علی رغم شواهد بی‌شمار در مورد ثروت‌اندوزی فرزندان مسؤولان انقلابی ایران - که مهدی هاشمی، شاخص‌ترین آنان است - آیت‌الله خامنه‌ای و اعضای بیت او از جمله پسران او، با وجود نزدیکی به احمدی‌نژاد، مورد بازخواست قرار نگرفته‌اند. نه خامنه‌ای و نه فرزاندانش. میزان دارایی خود را اعلام نکرده‌اند و هیچ یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تجارت‌های آنان مورد حسابرسی دقیق قرار نگرفته است. ستاد همچنان به تاراج اقتصاد ایران مشغول است. در غیاب شفافیت، مردم ایران ممکن است ابعاد و میزان غارت را نبینند. اما به طور قطع بهای آن را می‌پردازند.

«من از نظارت استقبال می‌کنم و قویاً مخالف فرار از نظارت هستم. شخصاً، هرچه نظارت روی من بیشتر باشد، خوشحال‌تر می‌شوم»^{۱۹۵}

علی خامنه‌ای، مقام رهبری

عوااید حاصل از لغو تحریم‌ها: چه بر سر پول‌ها آمد؟



درخواست غرامت می‌کنیم»^{۱۹۹}

اما با اینکه روحانی و ظریف امریکایی‌ها را به خاطر غارت ۲ میلیارد دلار از پول‌های مردم ایران سرزنش می‌کنند. به نظر نمی‌رسد چندان نگران پیگیری و حسابرسی دست کم ۶۰ میلیارد دلار اختلاف در ۱۰۰ تا ۱۲۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی باشند که باید به ایران برگردد. اینکه دادگاه عالی آمریکا توانست دو میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را مسدود کند حاکی از معضلی است که مردم ایران با آن روبه‌رو هستند. ارتباط جمهوری اسلامی با سازمان‌های تروریستی و عملیات برون‌مرزی. مردم ایران را در معرض مخاطرات فراوان سیاسی، مالی و امنیتی قرار داده است. برای اینکه اوضاع از این هم بدتر شود. رژیم به دلیل ناکارآمدی مالی و مدیریتی. ۲ میلیارد دلار اوراق قرضه آمریکا را که مسدود کردن و ضبط آن آسان است. خریداری کرده است.

طبق گفته‌های روحانی در جلسه هیأت دولت در ۱۰ اوت ۲۰۱۶. می‌شد از ضبط پول‌های ایران جلوگیری به عمل آورد: «یک فرصت طلایی در اختیار ما بود که همه پول خود را از دسترس آمریکا خارج کنیم. اما غفلت کردیم.»^{۲۰۰}

معاون رئیس‌جمهور. اسحاق جهانگیری با جزئیات بیشتری این موضوع را توضیح داد:

در دولت قبل در دوره‌ای تصمیم گرفته شد بخشی از منابع بانک مرکزی در اروپا مدیریت شود. بنابراین با بی‌تدبیری کامل دو میلیارد دلار اوراق امریکایی خریداری شد و در بانک اروپایی نگه داشته شد. بنابراین آمریکا

در سال ۲۰۱۶. مدت کوتاهی پس از انعقاد توافق هسته‌ای. دادگاه عالی ایالات متحده به نفع قربانیان بمبگذاری ۱۹۸۳ در بیروت حکم صادر کرد. طی این حکم قربانیان حملات تروریستی اجازه دارند ایران را مورد تعقیب قضایی قرار دهند و مبلغ ۲ میلیارد دلار به عنوان غرامت از محل دارایی‌های مسدودشده ایران در آمریکا دریافت کنند.^{۱۹۶}

کاهش ۲ میلیارد دلار از مبلغ کل ۱۰۰ تا ۱۲۵ میلیارد دلار که دولت ایران انتظار داشت پس از برداشته شدن تحریم‌ها دریافت کند. در ایران بلوایی به پا کرد. حسن روحانی. رئیس‌جمهوری اسلامی در صدا و سیما سخنرانی کرد و حکم دادگاه را «تداوم دشمنی علیه ایران» و «دزدی آشکار و بی‌آبرویی قضایی» دانست. او گفت «امریکایی‌ها دزدانی هستند که تصور می‌کنند آنچه غارت کرده‌اند متعلق به خودشان است.»^{۱۹۷}

روحانی در گفت‌وگو با خبرگزاری نیمه رسمی دانشجویان ایران (ایسنا) نیز به همان اندازه در مورد بازپس‌گیری پول‌های ایران راسخ به نظر می‌رسید. او گفت. «[حکم دادگاه عالی آمریکا] یک رسوایی قضایی برای امریکاست. از نظر سیاسی این حکم به معنای ادامه دشمنی با ایران است. این اقدام مخاصمه آشکار با ایران از سوی دولت امریکاست. ملت بزرگ ایران و دولت. به نمایندگی از آنان از هیچ کوششی برای پس گرفتن حقوق مردم ایران فروگذار نخواهد کرد.»^{۱۹۸}

وزیر خارجه ایران. محمدجواد ظریف خواستار آن شد که ایالات متحده از غارت پول‌های ایران جلوگیری کند. «ما دولت آمریکا را مسؤول حفاظت از دارایی‌های ایران می‌دانیم. و اگر این دارایی‌ها به یغما بروند. شکایتی در دادگاه بین‌المللی لاهه تنظیم می‌کنیم و

با بی‌تدبیری کامل دو میلیارد دلار اوراق امریکایی خریداری شد و در بانک اروپایی نگه داشته شد. بنابراین امریکا به راحتی

توانست ابتدا این اوراق را مسدود کرده و سپس آن‌ها را مصادره کند.^{۲۰۱}

اسحاق جهانگیری. معاون اول رئیس‌جمهور

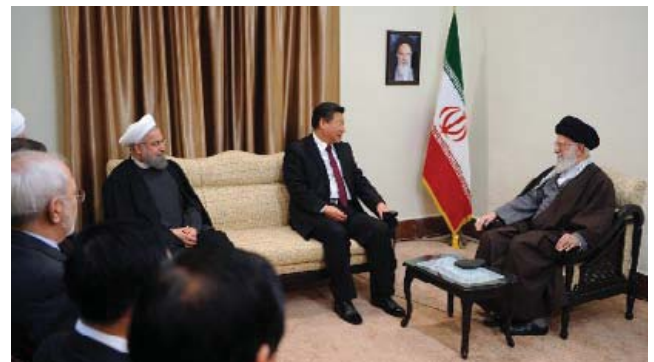
به راحتی توانست ابتدا این اوراق را مسدود کرده و سپس آن‌ها را مصادره کند.^{۲۰۱}

هیچ‌کس نمی‌دانست چرا بانک مرکزی ایران در زمانی که کشور تحت تحریم بود، ۲ میلیارد دلار اوراق قرضه آمریکایی خریداری کرده بود. اقتصاددان ایرانی، سعید لیلانز نه تنها این «اقدام بی‌سابقه» را به شدت محکوم کرد - با این مضمون که اگر آمریکا این اقدام را علیه هر کشور دیگری انجام می‌داد اعتبار آمریکا خدشه‌دار می‌شد - بلکه به صورت آشکار چنین اظهار نظر کرد که خارج نکردن پول‌ها در یک بازه زمانی ده ماهه «از هر خیانتی بدتر» بوده است.^{۲۰۲}

با کمال تأسف باید گفت سرنوشت بقیه دارایی‌های مسدودشده ایران حاکی از خیانت‌هایی حتی بزرگ‌تر نسبت به اعتماد عمومی مردم ایران است.

درحالی که دولت روحانی برای پیگرد قانونی بابک زنجانی به دلیل بازنگرداندن ۲ میلیارد دلار به کشور، تلاش قابل توجهی از خود نشان داده، در مورد رسیدگی به وضعیت ۶۰ میلیارد دلاری که از پول‌های مسدودشده ایران ناپدید شده و به کشور بازنگشته، اقدامی صورت نداده است. این همه توجه مطبوعات به ضبط دو میلیارد دلار ایران با حکم دادگاه عالی آمریکا و ۲,۷ میلیارد دلار پرونده زنجانی نباید باعث شود وضعیت مشکوک ۶۰ میلیارد دلاری که تنها در این مدت محدود از دارایی‌های ایران ناپدید شده، فراموش نشود. در واقع، جان کری (John Kerry)، وزیر خارجه اسبق آمریکا با حضور در دفتر گروه لابی یهودی به نام جی استریت (J-Street) اعلام کرد تا آوریل ۲۰۱۶ ایران تنها توانسته است ۳ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدودشده خود را باز پس گیرد.^{۲۰۳}

سؤالات اساسی درباره ارتباط بین بانک مرکزی و شرکت ملی نفت بدون پاسخ مانده است. هیچ‌گونه تحقیق و بازرسی در مورد



رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ، و آیت‌الله علی خامنه‌ای، در حال مذاکره بر سر قرارداد ترکمنچای امروزی
منبع: دفتر مقام رهبری

هیچ‌گونه تحقیق و بازرسی در مورد شرکت بازرگانی نفتیران، بازوی بازرگانی فراساحلی شرکت نفت که رئیس بانک مرکزی آن را به خرج کردن غیرقانونی ۲۴,۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی متهم کرده، صورت نگرفته است.

شرکت بازرگانی نفتیران، بازوی بازرگانی فراساحلی شرکت نفت که رئیس بانک مرکزی آن را به خرج کردن غیرقانونی ۲۴,۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی متهم کرده، صورت نگرفته است. روشن نیست چه کسی در شرکت بازرگانی نفتیران به کدام حساب‌ها دسترسی دارد. پول این حساب‌ها از کدام منابع تأمین می‌شود و به چه پروژه‌هایی اختصاص می‌یابد. هیچ‌کس نمی‌داند چه کسی مسئول نگاه داشتن حساب‌های شرکت بازرگانی نفتیران است و چه کسی از طرف مردم ایران دفترهای حسابداری آن را مورد ممیزی و حسابرسی قرار می‌دهد. به شیوه مشابه، دولت نیز توضیح نداده است کدام وزیر قراردادهای امتیازبخش و موافقت‌نامه‌های تبادل کالا را امضا کرده است که طی آنها میلیاردها دلار از پول درآمدهای نفتی ایران به ۲۲,۵ میلیارد دلار که نزد چینی‌ها نگهداری می‌شود، تبدیل شده است. اگرچه در خلال محاکمه ضراب از این معامله با کشور چین ذکر می‌شود که میان آمد، روشن نیست چه کسی چه کالایی از چین وارد کرد و در ازای آن چند میلیون بشکه از نفت ایران را در اختیار چینی‌ها قرار داد.

اگر واقعاً دولت در برابر مردم ایران پاسخگو باشد، اصلاحات اقتصادی با سرمایه‌گذاری آغاز نمی‌شود. اصلاحات وقتی آغاز می‌شود که رئیس‌جمهور و مجلس توضیح قابل‌قبولی به مردم بدهند و بگویند چرا وزرای دولت و نهادهای حکومتی از ایجاد راهبردها ناتوانند و از مقررات و قواعد حاکم بر مدیریت درآمدهای نفتی ایران تبعیت نمی‌کنند. کم‌ترین چیزی که مردم ایران حق دارند بخواهند، رئیس‌جمهور و مجلسی است که آمادگی و اراده انجام تحقیقات و پاسخ دادن به پرسش ۶۰ میلیارد دلاری را داشته باشد. سازمان بازرسی کل کشور دولت احمدی‌نژاد را به تقلب مالی گسترده در طی دو دوره ریاست‌جمهوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ متهم کرد.

در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ اختلاف فقط در صندوق تثبیت نفت به ۳۵ میلیارد دلار رسید.

از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ اختلاف بین درآمدهای نفتی و مبالغی که



بابک زنجانی در روز محاکمه
منبع: خبرگزاری مهر

بانک مرکزی ایران، وزارت نفت، گمرک، مجلس و قوه قضائیه همگی از پاسخگویی در قبال میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ناتوان بوده‌اند. این واقعیتها باعث می‌شود تهدید دولت روحانی مبنی بر کشاندن امریکا به دیوان داورى لاهه برای بازپس‌گیری ۲ میلیارد دلاری که دادگاه

عالی امریکا به عنوان غرامت به قربانیان حمله تروریستی ۱۹۸۳ بیروت اعطا کرده بود، مانند فنجانی در برابر فیل به نظر برسد. به جز زنجانی، مقامات رسمی که مسئول تبدیل تحریمها به سیستمی برای غارت درآمدهای نفتی ایران بودند، مورد پیگرد قضایی قرار نگرفتند. با وجود اینکه پرداختن به تنها یک مورد از این موارد فراوان فساد نهادهای حکومتی می‌توانست عواید کوتاه مدت و درازمدتی بسیار بزرگتر از تعقیب قضایی امریکا در دیوان داورى لاهه در بر داشته باشد، غارتگران ایرانی پشت این پرونده‌ها از مصونیت در برابر مجازات برخوردار بوده‌اند. زنجانی محاکمه شد، اما شبکه و ارباب‌های او دور از دسترس باقی مانده‌اند.

به زبان حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، دزدان ایران «تصور می‌کنند آنچه به تاراج برده‌اند متعلق به خودشان است».^{۲۰۶}

نزد بانک مرکزی سپرده شده، بیش از ۶۶ میلیارد دلار برآورد شده است. «تقریباً یک دهم صادرات نفت ایران از سال ۱۹۷۹». این آمار و ارقام تا حد زیادی از سوی رسانه‌های خبری مانند ویسایت «فردا»، «که ارتباط نزدیکی با شهردار تهران دارد» منتشر شده‌اند.^{۲۰۴}

در حالی که بانک مرکزی ادعا کرده است قریب به ۲۲۰ میلیارد دلار کالا از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ وارد ایران شده است، اداره گمرک این رقم را ۱۸۵ میلیارد دلار اعلام کرده است. تنها در این مورد ۳۵ میلیارد دلار اختلاف دیده می‌شود. خرید دکلهای نفتی که وجود خارجی نداشت (کالایی که ایران برای آن بیش از ۸۰ میلیون دلار پرداخت کرده بود)، به هیچ وجه استثنا نبود و به سرقتی بسیار عظیم‌تر اشاره داشت: پرداخت ۳۵ میلیارد دلار پول نقد برای کالاهای موهومی که هرگز وارد ایران نشدند.

بانک مرکزی ادعا کرد درآمدهای حاصل از فروش نفت بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به ۲۸۰ میلیارد دلار می‌رسد. درحالی که وزارت نفت این رقم را ۲۲۵ میلیارد دلار اعلام کرد. یک اختلاف ۲۵ میلیارد دلاری دیگر.

بانک مرکزی ادعا کرد ایران ۲۸ میلیارد دلار در صندوق ذخیره ارزی موجودی دارد. درحالی که مبلغ واقعی موجودی تنها ۲۵ میلیارد دلار بود. و در آخر اینکه، طبق اظهارات معاون رئیس‌جمهور، اسحاق جهانگیری، فقط در دو سال آخر ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، بیش از ۲۲ میلیارد دلار از موجودی صندوق ذخیره ارزی از طریق دلال‌های ارز در استانبول و دوی از کشور خارج شد. بانک مرکزی این ادعا را رد نکرده است.^{۲۰۵}

افتضاح حسابداری بانک مرکزی

اولیه چاپ شده رئیس بانک مرکزی که ۲۹ میلیارد دلار وارد کشور می‌شود با اظهارات بعدی او که گفته بود ۲۷ میلیارد دلار به کشور بازمی‌گردد توضیح دهد. گفت: «اطلاع دقیق ندارم، شاید

عزت‌الله یوسفیان ملا، عضو کمیسیون برنامه و بودجه، برآورد کرد ۱۰۷ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران مسدود شده است. وقتی به او فشار آوردند تا دلیل ۲ میلیارد دلار اختلاف را بین اظهارات

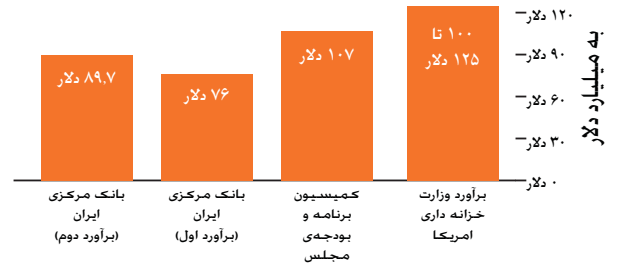


بوریس نیوز

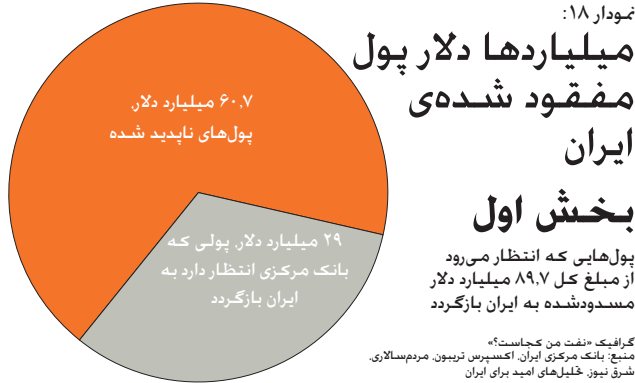
«ظاهراً ۲۴،۵ میلیارد دلار از ذخیره ارزی بانک مرکزی در اختیار شرکت بازرگانی نفتیان قرار گرفته است»

ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی، یکی از فاسدترین چهره‌های جمهوری اسلامی است.

نمودار ۱۷: پول‌های مسدود شده ایران به دلیل تحریم‌ها برآورد مقدار پول‌هایی که باید آزاد شود



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: بانک مرکزی ایران، روزنامه ی شرق نیویورک



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: بانک مرکزی ایران، اکسپرس تریبون، مردم‌سالاری، شرق نیوز، خلیج‌های امید برای ایران

نمودار ۱۸: میلیاردها دلار پول مفقود شده‌ی ایران بخش اول

پول‌هایی که انتظار می‌رود از مبلغ کل ۸۹٫۷ میلیارد دلار مسدودشده به ایران بازگردد

میلیارد دلاری به حساب مردم ایران (به نمودار ۱۸ مراجعه نمایید). دولت روحانی، علی‌رغم ادعای خود مبنی بر فروگذار نکردن از هرگونه تلاش برای بازگرداندن حق مردم، توضیح نمی‌دهد که به چه دلیل دولت ایران برای ۲ میلیارد دلاری که از سوی دادگاه عالی امریکا ضبط شده مبارزه می‌کند اما از دست رفتن بیش از ۶۰ میلیارد دلار در گیرودار تحریم‌ها را نادیده می‌انگارد.

اگر بخواهیم از ارقام مربوط به اشتغالزایی «مؤسسه مالی بین‌المللی» (IFC) برای تونس کمک بگیریم و فرض کنیم هر ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری، ۲۵۷ فرصت شغلی ایجاد می‌کند. آنگاه درمی‌یابیم ۶۰ میلیارد دلار اختلاف می‌تواند به طور تقریبی ۱۵٫۵ میلیون فرصت شغلی ایجاد کند. در این بخش از مطالعه با استفاده از ارقام مربوط به اشتغالزایی IFC نشان خواهیم داد که پول‌های ناپدید شده در هریک از پرونده‌های فساد از لحاظ اشتغالزایی به چه معنا هستند.^{۲۱۱} مرکز پژوهش‌های مجلس ایران رقم بیکاران، شاغلان پاره‌وقت و کسانی که قید جستجو برای کار را زده‌اند را ۶٫۵ میلیون نفر اعلام کرده است^{۲۱۲} - جمعیتی که می‌توان به آسانی با یک طرح سرمایه‌گذاری و اشتغال ۶۰ میلیارد دلاری به اقتصاد کشور بازگرداند.

محاسبات جدیدی انجام شده که ارقام جدید را توضیح می‌دهد. به علاوه ۲ میلیارد دلار رقم قابل‌توجهی نیست.^{۲۰۷}

رئیس بانک مرکزی ایران، ولی‌الله سیف، رقم کلی دارایی‌های مسدودشده ایران را ۷۶ میلیارد دلار اعلام کرد. در ژوئیه ۲۰۱۵ معاون سیف در بانک مرکزی، مبلغ را ۱۳٫۷ میلیارد دلار بالا برد. او رقم ۸۹٫۷ میلیارد دلار را نقل کرد که به میزان قابل‌توجهی از برآورد ۱۰۰ تا ۱۲۵ میلیارد دلاری وزارت خزانه‌داری آمریکا کم‌تر بود (به نمودار ۱۷ مراجعه نمایید).^{۲۰۸} بانک مرکزی ادعا کرد از این رقم تنها ۲۹ میلیارد دلار - تقریباً ۲۵ درصد برآورد ۱۰۰ تا ۱۲۵ میلیارد دلاری ایالات متحده - به ایران بازمی‌گردد.^{۲۰۹} از هر چهار دلار حاصل از درآمد نفت، تنها یک دلار راه خود را به داخل کشور پیدا می‌کند. یا به عبارت دیگر، از هر چهار بشکه نفت فروخته شده، ایرانیان تنها پول یک بشکه را دریافت می‌کنند و هیچ‌کس نمی‌تواند توضیح دهد چرا، چگونه و کجا سه بشکه دیگر ناپدید شده‌اند.

اگر کسی بخواهد ادعای بانک مرکزی ایران را نیز بپذیرد، براساس ادعای بانک مرکزی ذخایر ارزی مسدود شده ایران ۸۹٫۷ میلیارد دلار است. و از این میزان ۲۹ میلیارد دلار به داخل کشور بازمی‌گردد. بنابراین مردم ایران با سیاه چالی ای عظیم روبه‌رو هستند - یک اختلاف ۶۰٫۷

حساب‌های فراساحلی (آفشور) شرکت نفت - ۲۴٫۵ میلیارد دلار یا ۶٫۳ میلیون فرصت شغلی

در تلاش در توجیه اختلاف ۶۰٫۷ میلیارد دلاری در حساب‌های بانک مرکزی، سیف به روزنامه شرق گفت در دوره قبلی «ظاهراً ۲۴٫۵ میلیارد از منابع ارزی بانک مرکزی به حساب نیکو (شرکت بازرگانی نفتیران) واریز شده است.» یعنی این مبلغ دیگر در دسترس نیست. «گرچه اسماً و قانوناً پول فقط برای یک روز به حساب نیکو منتقل شد - و باید هر لحظه که بانک مرکزی

صلاح دانست پول به حساب بانک بازمی‌گشت». سیف افزود. «متأسفانه اینطور نشد».^{۲۱۲}

اگرچه پول ظاهراً در حساب‌های خارجی نگهداری می‌شد، به مردم ایران گفتند ۲۴٫۵ میلیارد دلار در پروژه‌های مختلف نفتی صرف شده است. در مورد زمان و مکان برداشت و خرج این پول‌ها، با توجه به اینکه پول در خارج از کشور نگهداری می‌شد، سیف

شرکت ملی نفت ایران



بیژن زنگنه
وزیر نفت



علی کاردر
مدیر عامل



غلامرضا منوچهری
معاون مدیرعامل در امور توسعه و مهندسی



سید صالح هندی
مدیر بخش اکتشاف



تورج مشتری دوست
رئیس امور محامع و دبیر هیات مدیره



محسن پاکیزاد
معاون مدیرعامل در امور تولید



محمود بیلکار
مدیر امور مالی

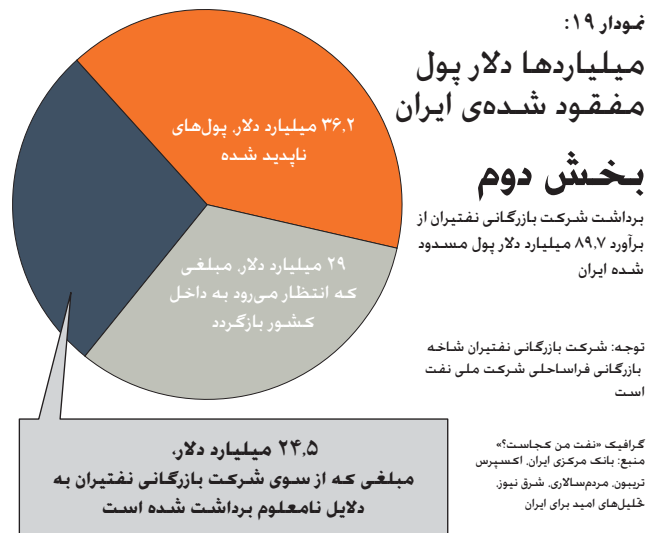


کریم زیدی
مدیر برنامه ریزی تلفیقی



اصغر هندی
مشاور حقوقی و بین الملل وزیر نفت

مقامات شرکت ملی نفت در قبال قراردادهای و درآمدهای نفت و گاز به ملت ایران پاسخگو نیستند
شرکت ملی نفت ایران



گفت طبق اظهارات وزیر نفت، «حساب و کتاب دقیقی نداشته است.»^{۱۱۳} دولت حتی نام افراد دخیل در خارج کردن پول را اعلام نکرد، چه رسد به دسترسی به حسابهای بانکهای خارجی که پول در آنها نگهداری می‌شد. روشن نیست چه کسی به بازوی بازرگانی فراساحلی شرکت نفت مجوز داده بود مبلغ ۲۴٫۵ میلیارد دلار را خرج کند و اینهمه پول چگونه در زمانی به این کوتاهی خرج شده است. سیف در مورد علت عدم نظارت و کلر نکردن برداشت ۲۴٫۵ میلیارد دلاری نفتیران از سوی بانک مرکزی نیز توضیحی نداد (به نمودار ۱۹ مراجعه نمایید). با وجود فشار روحانی برای شفافیت، و پذیرش بی‌قاعدگی و نقص در حسابهای شرکت بازرگانی نفتیران، وی هیچ‌گونه درخواست یا پیشنهادی برای انجام تحقیقات و حسابرسی حسابهای فراساحلی شرکت بازرگانی نفتیران ارائه نداده است.

در مورد ادعای رئیس بانک مرکزی مبنی بر اینکه شرکت بازرگانی نفتیران با یورش به بانک مرکزی ۲۴٫۵ میلیارد دلار را برداشت کرده و به مصرف رسانده است، وزیر نفت روحانی، زنگنه، بانک مرکزی را به دلیل نگر داشتن پول در حساب نامناسب مورد سرزنش قرار داد:

من نمی‌توانم تخطی شرکت [بازرگانی نفتیران] از مقررات را تأیید کنم، آنها حساب سپرده‌گذاری اصولی باز کردند.^{۱۱۴}

اعلام زنگنه مبنی بر اینکه از تأیید قانون‌شکنی شرکت بازرگانی نفتیران خودداری می‌کند، به نوعی ختم کلام به حساب می‌آید. اما با توجه به حساسیت و اهمیت عملیات بازرگانی شرکت بازرگانی نفتیران برای اقتصاد ایران، می‌شد انتظار داشت که انتقال مشکوک ۲۴٫۵ میلیارد دلار از حساب بانک مرکزی

باعث ایجاد توفانی سیاسی در کشور شود.

توضیحات زنگنه توجیهی ساده‌لوحانه و غیرمکفی به نظر می‌رسد. هیچ‌کس قدرت کافی نداشت تا نگاهی به درون حسابهای فراساحلی شرکت بازرگانی نفتیران بیندازد و ۲۴٫۵ میلیارد دلار را که از یک حساب فراساحلی مشکوک واریز و برداشت شده بود -منبع قانون شکنی- مورد پیگیری قرار دهد. اگر دفاتر حسابداری نفتیران آنگونه که وزیر نفت گفته بود، آشفته بودند، باید انتظار داشت نتایج فوری و شدیدی به بار آید. با وجود رسوایی زنجانی، دست‌کم این موضوع باید زنگ خطر را در مورد مدیریت شرکت بازرگانی نفتیران و اختلاسهای احتمالی توسط مافیاهای نفتی مانند زنجانی که در درون وزارت نفت فعالیت می‌کنند، به صدا درمی‌آورد.

به گفته زنگنه ۲۴٫۵ میلیارد دلار در نتیجه «یک اشتباه» بانک مرکزی برداشت و خرج شد. این موضوع صرفاً مربوط به



بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت ایران
منبع: Ion.ir

شیوه نام‌گذاری مالی و ناتوانی بانک مرکزی در دنبال کردن فرآیندها و نظارت بر حساب‌های کلیدی خود بود. اما این مسأله یک قصور و بی‌کفایتی اتفاقی نبود. این فساد هدفمند بود. بانک نتوانسته بود وظیفه خود را به انجام رساند و از میلیاردها دلار سپرده نگهداری نماید. بانک مرکزی حتی نوع مناسب حساب را برای مشتری خود باز نکرده

بود. چه رسد به آنکه بتواند سپرده‌ها را ردگیری کند و برداشت‌ها را محدود نماید. درست عمل نکردن سلسله مراتب اختیارات، مسؤولیت و ارتباطات بین بانک و دیگر نهادها سوءاستفاده را آسان‌تر و ردگیری پول‌ها را دشوارتر کرد. کوتاه سخن اینکه نهادی چون بانک مرکزی که در امنیت ملی، عملکرد مالی و رفاه اقتصادی ایران نقش محوری دارد، قابل اعتماد نیست. در مورد اعتمادسازی برای مردم و سرمایه‌گذاران، به هیچ وجه مشخص نیست که دولت برای بازپس‌گیری پول مسروقه و جلوگیری از سرقت ده‌ها میلیارد دلار دیگر دست به چه اقدامی خواهد زد. وضعیت ۲۴،۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی همچنان نامعلوم است. و هیچ‌کس مسؤول نیست. روحانی، به عنوان رئیس دولت هنوز توضیحی درباره اقداماتی که دولت ایران برای بازگرداندن این پول‌ها به مردم ایران انجام خواهد داد، ارائه نداده است.

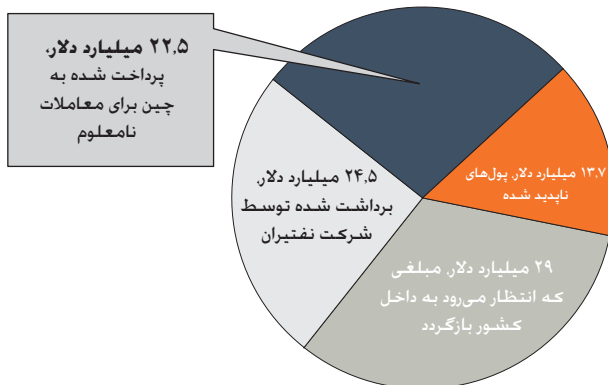
بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران، درباره مسأله تأثیر تحریم‌ها بر درآمدهای نفتی، اظهار داشت ایران ۸،۵ میلیارد دلار طلب داشت که بخش عمده آن از اروپا، به ویژه شرکت شل و یک شرکت یونانی بود که تقریباً ۵،۲ میلیارد دلار بدهکار بودند و بخشی از آن به شرکت ملی نفت پرداخت شده است. یک روزنامه داخلی ایران ادعایی نسبتاً مبالغه‌آمیز را به وزیر نسبت داد. این روزنامه از قول زنگنه نوشت علی‌رغم سختی‌هایی که به واسطه تحریم‌ها به ایران تحمیل شده، بانک مرکزی بیش از ۷۵ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده را به کشور بازگردانده که بخش عمده‌ای از آن در پارس جنوبی هزینه شده است.^{۲۱۵} با توجه به سیل سرمایه‌گذاری‌هایی که از طریق پارس جنوبی بازیافت می‌شوند، فقط باید امیدوار باشیم که تطبیق دادن آنها ساده‌تر از حساب‌های شرکت بازرگانی نفتیان باشد. هیچ گزارشی از خرج شدن این پول‌ها در پارس جنوبی منتشر نشده است.

با توجه به بی‌قاعدگی‌های مشاهده شده در خریدهای شرکت ملی نفت، وزیر نفت اعلام کرد قوه قضائیه در حال پیگیری پرونده یک دکل نفتی است که وجود خارجی ندارد اما به قیمت ۸۸ میلیون دلار توسط یکی از شرکت‌های تابعه شرکت نفت خریداری شده است. او اضافه کرد قوه قضائیه همچنین در حال پیگیری خرید ۳۰ دکل خشکی و فراساحلی است که از چین خریداری شده است.^{۲۱۶} حتی اگر فرض کنیم دکل موهوم ۸۸ میلیون دلار بخشی از ۲۲،۵ میلیارد دلار پول مردم ایران باشد که به عنوان تضمین پروژه‌های مشترک نزد چینی‌ها به ودیعه نهاده شده، دکل ناموجود کم‌تر از نیم درصد پولی را که در حساب چینی‌هاست به خود اختصاص داده است. درحالی که قوه قضائیه درحال تحقیق درباره پرونده دکل‌های نفتی ناپدید شده است -۸۸ میلیون دلار- عملاً هیچ شفافیت و پاسخگویی پیرامون پروژه‌های مشترک ایران و چین وجود ندارد. قضیه دکل ناپدیدشده به افتضاحی بزرگ‌تر نیز اشاره دارد: افتضاح تبدیل پروژه پارس جنوبی به یک زمین بایر ۷۵ میلیارد دلاری.

وزیر نفت با نگاهی به آینده بعد از خریم‌ها، اعلام کرد طرح‌هایی برای مناقصه تهیه شده که ۱۸۵ میلیارد دلار برای انجام ۵۰ پروژه سرمایه جذب کند. پروژه‌ها شامل کارخانه تولید فرآورده‌های پتروشیمی، پالایشگاه، گاز، خط لوله و توسعه میدان‌های نفتی ایران است و ۶۰ درصد ارزش پروژه‌ها برای شرکت‌های داخلی کنار گذاشته شده است.^{۲۱۷} اما روشن نیست چه فرد یا نهادی این شرکت‌های داخلی را بررسی و تعیین صلاحیت می‌کند و کدام قراردادهای آنان واگذار می‌گردد. در غیاب هرگونه میزبانی واحدی خرید شرکت نفت و شرکت‌های داخلی، مشخص نیست چه مقدار حق کمیسیون و توسط چه کسی از کیسه مردم ایران رفته است تا صرف چه تعداد خرید صوری از شرکت‌های چینی شود و کدام بلوک‌های پارس جنوبی قرار است با این خریدها توسعه پیدا کنند.

با توجه به اینکه پای ۶ میلیون فرصت شغلی در میان است (غذا، پوشاک و سرپناه برای ۲۴ میلیون ایرانی مستمند) باید انتظار داشت مجلس و قوه قضائیه خود را ملزم بدانند تحقیق کنند چگونه، در چه زمان و چه کسی ۲۴،۵ میلیارد دلار را از بانک مرکزی خارج کرد -حساب‌های بانکی مردم ایران- و به حساب شرکت بازرگانی نفتیان واریز کرد.

رهبران ایران عملاً ۵,۶ میلیون فرصت شغلی را در ایران از بین بردند و آنها را به چین صادر کردند.



نمودار ۲۰:
میلیاردها دلار پول مفقود شده‌ی ایران
بخش سوم

برداشت چین از رقم تخمینی ۸۹,۷ میلیارد دلار دارایی مسدود شده

گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: بانک مرکزی ایران، اکسپرس تریبون، مردم‌سالاری، شرق نیوز، خابلهای امید برای ایران

«چینی‌ها بی انصافند. پول ما در چین جزو پول‌های مسدود شده به حساب نمی‌آید، اما وضعیت آن از مسدودشده بدتر است. چینی‌ها پول ما را می‌گیرند، آن را برمی‌گردانند و این کار را حفظ امانت می‌نامند. حتی بعد از توافق نیز آن را بازخواهند گرداند.»

طهماسب مظاهری، وزیر دارایی سابق

چین - ۲۲,۵ میلیارد دلار یا ۵,۶ میلیون فرصت شغلی

مقایسه کرد. او با لحن بدبینانه‌ای افزود: «غربی‌ها پول ما را مسدود می‌کنند و اعلام می‌کنند که این پول مسدود شده است و بعد از رسیدن به توافق پول را آزاد می‌کنند.» او ادعا کرد «چینی‌ها بی انصافند» و افزود «پول ما در چین جزو پول‌های مسدود شده به حساب نمی‌آید، اما وضعیت آن از مسدودشده بدتر است.» به کلام او «چینی‌ها پول ما را می‌گیرند، آن را برمی‌گردانند و این کار را حفظ امانت می‌نامند. حتی بعد از توافق نیز آن را بازخواهند گرداند.»



غلامعلی کامیاب، معاون بانک مرکزی
منبع: Nerkhbox

بهترین وضعیتی که ایرانیان می‌توانند انتظار داشته باشند این است که پولشان به صورت «محموله‌های کالای بنجل با قیمت‌های گزاف و شرط و شروط و زیرمیزی و حق کمیسیون برای واسطه‌ها [چینی]» برگردد.^{۲۸}

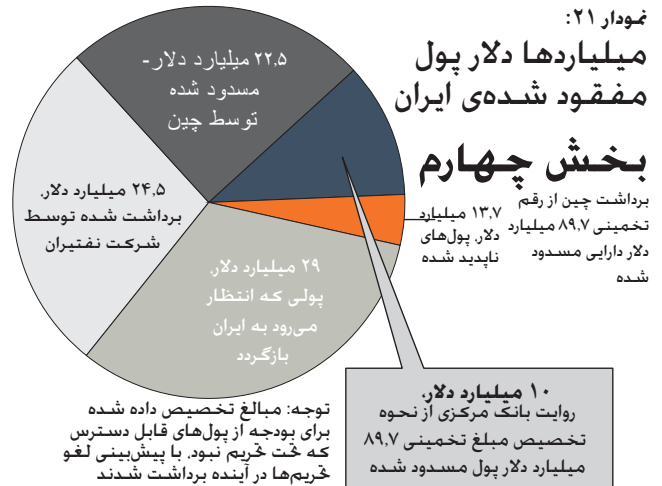
اسدالله عسگراولادی، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین، تدافعی برخورد کرد و تصریح کرد وزارت نفت

سیف در اظهارات خود به مشکل بازگرداندن پول از چین نیز اشاره کرد. ۲۲,۵ میلیارد دلار از دارایی‌های مردم ایران که نزد چین نگهداری می‌شد، عملاً به عنوان تضمین مالی انجام پروژه‌های مشترک نگه داشته شده بود. این پول‌ها گرچه از نظر فنی مسدود نبود، اما نمی‌توانست به ایران منتقل شود. سیف درباره شیوه محاسبه ۲۲,۵ میلیارد دلار توضیحی نداد و گفت که آیا این رقم با موارد ثبت شده وزارت نفت در مورد حجم، قیمت، تعداد محموله و حمل نفت به چین مطابقت دارد یا خیر. ایران چه مقدار نفت، در چه اندازه‌هایی، به چه قیمت، در چه نفتکش‌هایی و در چه محدوده زمانی به چین منتقل کرده بود؟ رئیس بانک مرکزی درباره اینکه چه کسی به نمایندگی از وزارت نفت در مورد قراردادها و امتیازات اعطا شده به چین مذاکره کرده بود و ۲۲,۵ میلیارد دلار برای تضمین کدام پروژه‌ها و طرح‌های مشترک نزد چینی‌ها نگهداری می‌شد و طرف‌های ذی‌نفع چه کسانی بودند نیز چیزی برای گفتن نداشت (به نمودار ۲۰ مراجعه نمایید).

طهماسب مظاهری، وزیر دارایی اسبق ایران، درباره بازگرداندن پول ایران از چین ادعا کرد در دولت احمدی‌نژاد، وزارت نفت وارد یک معاهده ۱۸ میلیارد یورویی با چین شد. او این قرارداد را با معاهده ترکمنچای که در آن ایران بخش بزرگی از خاک خود را به روسیه واگذار کرد،

نمودار ۲۱:

میلیاردها دلار پول مفقود شده‌ی ایران

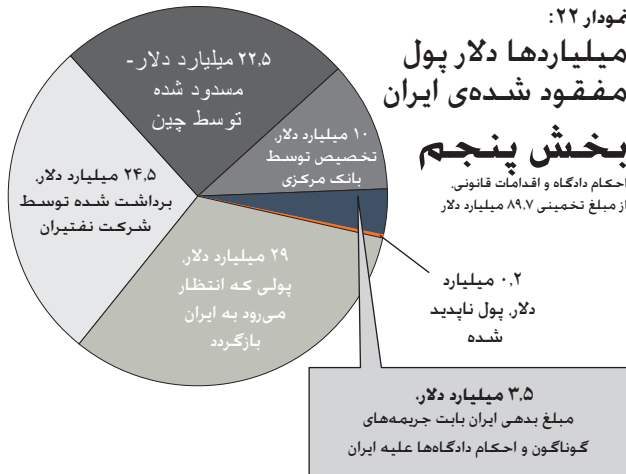


گرافیک «نفت من کجاست؟»

منبع: بانک مرکزی ایران، اکسپرس تریبون، مردم‌سالاری، شرق نیوز، خلیل‌های امید برای ایران

نمودار ۲۲:

میلیاردها دلار پول مفقود شده‌ی ایران



گرافیک «نفت من کجاست؟»

منبع: بانک مرکزی ایران، اکسپرس تریبون، مردم‌سالاری، شرق نیوز، خلیل‌های امید برای ایران

موافقت کرده بود نفت را در مقابل وجه نقد و همچنین کالاهای چینی به چینی‌ها بفروشد.^{۲۱۹} با این حال مشخص نشد چگونه وزارت نفت ایران وجوه عمومی -درآمدهای نفتی ایران- را به ابزاری مالی تبدیل کرده و چه کسی اعتبار حاصل از فروش نفت مردم ایران را به افراد و نهادهای خصوصی واردکننده کالاهای چینی

انتقال داده است. با این حال گزارش شده بود بابت زنجانی در ازای نفت، چند کانتینر سنگ قبر از چین خریداری کرده بود. اما این سنگ قبرها به عنوان نماد سوءمدیریت اقتصادی در ایران چندان بی‌ربط نبودند زیرا رهبران ایران ۵.۶ میلیون فرصت شغلی را به مسلخ فرستاده بودند.

بانکها - ۱۰ میلیارد دلار یا ۲.۵ میلیون فرصت شغلی

با ۲۴.۵ میلیارد دلاری که در باتلاق نفتیان فرو رفت و ۲۲.۵ میلیارد دلار دیگر که در هزارتوی چین به دام افتاد، مردم ایران باید ۴۷ میلیارد دلار را از پول‌های مسدودشده خود که باید بعد از لغو تحریم‌ها به کشور بازمی‌گشت، کسر می‌کردند. وظیفه پر کردن چاله بقیه ۶۰.۷ میلیارد -یعنی ۱۳.۷ میلیارد پول خرد- به گردن معاون ولی الله سیف، غلامعلی کامیاب افتاد. وی توضیح داد که با در نظر گرفتن برخی ملاحظات قانونی داخلی و تخصیص بودجه، وضعیت ۱۰ میلیارد دلار از منابع مالی که به بانک‌های ایرانی سپرده شده بودند نیز «مشکوک» است.^{۲۲۰}

مجدداً این مبلغ را از بانک مرکزی خارج کند. بدان معناست که به ازای هر دلار در ذخیره ارزی، دولت دو بار معادل ریالی آن را برداشت کرده است. مشخص نیست چه کسی، چه مقدار پول را به کدام بانک‌های ایرانی به صورت مساعده برای ذخایر مسدود شده پرداخت کرده است. همچنین مشخص نیست بانک‌ها این پول را به چه کسی و تحت چه شرایطی قرض داده‌اند. ۱۰ میلیارد دلار به همین سادگی در غریب مالی ناپدید شد و سؤالاتی درباره سلامت نظام بانکی و احتمال سرازیر شدن میلیاردها دلار از درآمدهای ایرانیان به طرح‌های کلاهبرداری پونزی (Ponzi) جهت تأمین مالی پروژه‌ها ایجاد کرد (به نمودار ۲۱ مراجعه نمایید).

محمود بهمنی، از رؤسای پیشین بانک مرکزی، مسأله را روشن کرد. او گفت بیشتر پول‌های مسدودشده ایران به عنوان بخشی از ذخایر بانک مرکزی به حساب می‌آمدند. و دولت معادل ریالی آن را در سال‌های قبل از بانک مرکزی خارج کرده بود. اگر دولت بخواهد

نمودار ۲۳: "پول من کجاست؟" ماحصل رفع تحریمها

حسابرسی	وضعیت	مکان	پول های ناپدید شده
؟	؟	شرکت بازرگانی نفتیران (نیکو)	۲۴,۵ میلیارد دلار
؟	؟	چین - جهت ضمانت پروژههای مشترک	۲۲,۵ میلیارد دلار
؟	؟	بانکهای ایران	۱۰ میلیارد دلار
؟	؟	احکام دادگاهی و اقدامات قانونی	۳,۵ میلیارد دلار

جمع کل: ۶۰,۵ میلیارد دلار

حکم دادگاه و اقدامات قانونی - ۳,۵ میلیارد دلار یا ۸۶۰ هزار فرصت شغلی

پایگاه تفنگداران دریایی در لبنان ۸۱۳ میلیون دلار جریمه شده بود. دولت هیچ توضیحی نداد که کدام دادگاهها و به دلیل کدام تخلف داراییهای ایران را مسدود کردند.^{۲۲۱} عملیتهای تروریستی ناجوانمردانه در خارج از کشور. شاید در جهت تحقق رویای رهبران ایران در مورد خلافت اسلامی در لبنان و فراسوی آن عمل کرده باشد. اما مردم ایران بودند که بهای آن را پرداختند. سربازان ایرانی جان و اعضای پیکر خود را از دست دادند و با از دست رفتن ۸۰۰ هزار فرصت شغلی. کارگران ایرانی برای پیشبرد این ایدئولوژی قربانی شدند. این سوءمدیریت نیست. سرقت هدفمند است.

مسئولان ادعا کردند ۳,۵ میلیارد دلار دیگر به صورت سفته و اوراق قرضه بنا به احکام دادگاه و اقدامات قانونی مسدود شد (به نمودار ۲۲ مراجعه نمایید). در این مورد نیز شفافیت و پاسخگویی اندکی به چشم می خورد. منشأ، ماهیت و دلیل پروندههای قانونی مزبور نامشخص باقی ماند. معلوم نبود چه کسی با چنین دینی ایرانیان را به صلابه کشیده است و از طرف چه کسی. همچنین مشخص نشد چه کسی به نیروهای امنیتی و دیگر نهادهای دولتی اجازه داده بود قوانین و موافقتنامههای بین المللی را زیر پا بگذارند. درحالی که ایران به دلیل مبادگاری سال ۱۹۸۳

صندوق توسعه ملی ایران: رسوایی فیشهای حقوقی نجومی، مشت نمونه خروار

دریافت می کردند که «بیش از ۱۰۰۰ برابر حداقل دستمزد ۴۰۰ دلار در ماه بود.»^{۲۲۲} اسناد نشان می داد که رئیس صندوق توسعه ملی، سیدصفدر حسینی، ۵۷ میلیون تومان در ماه (۱۸ هزار و ۵۱۲ دلار) حقوق گرفته

مدیریت صندوق توسعه ملی ایران (NDF) در دوم ژوئیه ۲۰۱۶ وادار به استعفا شد. فیشهای حقوقی منتشرشده مدیران و مسؤولان رده بالای شرکتهای وابسته به دولت نشان داد که این افراد حقوقهایی

«افشای درآمد چهرههای نظامی در سپاه پاسداران. همچنین درآمدهای امپراتوری اقتصادی سپاه و بنیادهای دینی آن

که به همراه هم به طور تخمینی نیمی از اقتصاد ایران را تشکیل می دهند. به هر نحوی که باشد، تابو محسوب

می شود.»

فایننشال تایمز

«عملکرد [مجلس درباره] صندوق تثبیت نفت
نشان‌دهنده بی‌حاصلی، اگر نگوئیم پوچی، ایجاد
یک صندوق برای روزهای بارانی و استفاده از آن در
روزهای کاملاً آفتابی است.»

اقتصاددان ایرانی، جهانگیر آموزگار



سیدصدفدرحسینی
منبع: صندوق توسعه ملی ایران

و «۳۰۰ میلیون تومان وام با بهره ۴ درصد دریافت کرده در حالی که نرخ بهره‌ای که مردم به صورت عادی می‌پردازند ۳۰ درصد است.»^{۲۳۳} او در این رسوایی تنها نبود. چهار مدیر بانکی نیز به دلیل «دریافت حقوق و وام غیرمعارف» از کار برکنار شدند.^{۲۳۴}

این رسوایی که از سوی تندرهای حکومت هدایت می‌شد، تهدیدی برای

اقدامات ضدفساد روحانی به حساب می‌آمد و قصد داشت آن را تضعیف کند. بر اساس گزارش جُمه بزرگمهر در فایننشال تایمز، «افشای درآمد چهره‌های نظامی در سپاه پاسداران، همچنین درآمدهای امپراتوری اقتصادی سپاه و بنیادهای دینی آن که به همراه هم به طور تخمینی نیمی از اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهند، به هر نحوی که باشند، تابو محسوب می‌شود.»^{۲۲۵} با این حال طبق گزارش‌های موجود، نقشه تندرهای این بود که کارزار انتخاب مجدد روحانی را با انتشار ۳۰۰۰ فیش حقوقی دیگر متعلق به مقامات رده بالا، از مسیر خارج کنند. سؤال بسیار اساسی‌تری که مطرح می‌شود این است که چرا آیت‌الله خامنه‌ای به طور هدفمند از پاسخگو دانستن سپاه پاسداران و بنیادهای دینی که بیش از ۵۰ درصد اقتصاد کشور را در دست دارند، طفره می‌رود.

درحالی که توجه عمومی معطوف جنگ بر سرفیش‌های حقوقی بین جناح تندرو و اصلاح طلب بود، یک رسوایی بسیار مهم‌تر، یعنی وضعیت صندوق توسعه ملی در نقطه کور جمعی باقی ماند. بحران مربوط است به یک سرمایه‌گذار. این سرمایه‌گذار در اینجا مردم ایران هستند که بر سر حقوق و دریافتی‌های بانکداران

و کارگزاران غوغا به راه می‌اندازند اما نسبت به جَآوری که چند دهه به سرمایه‌هایشان شده است، بی‌توجهند.

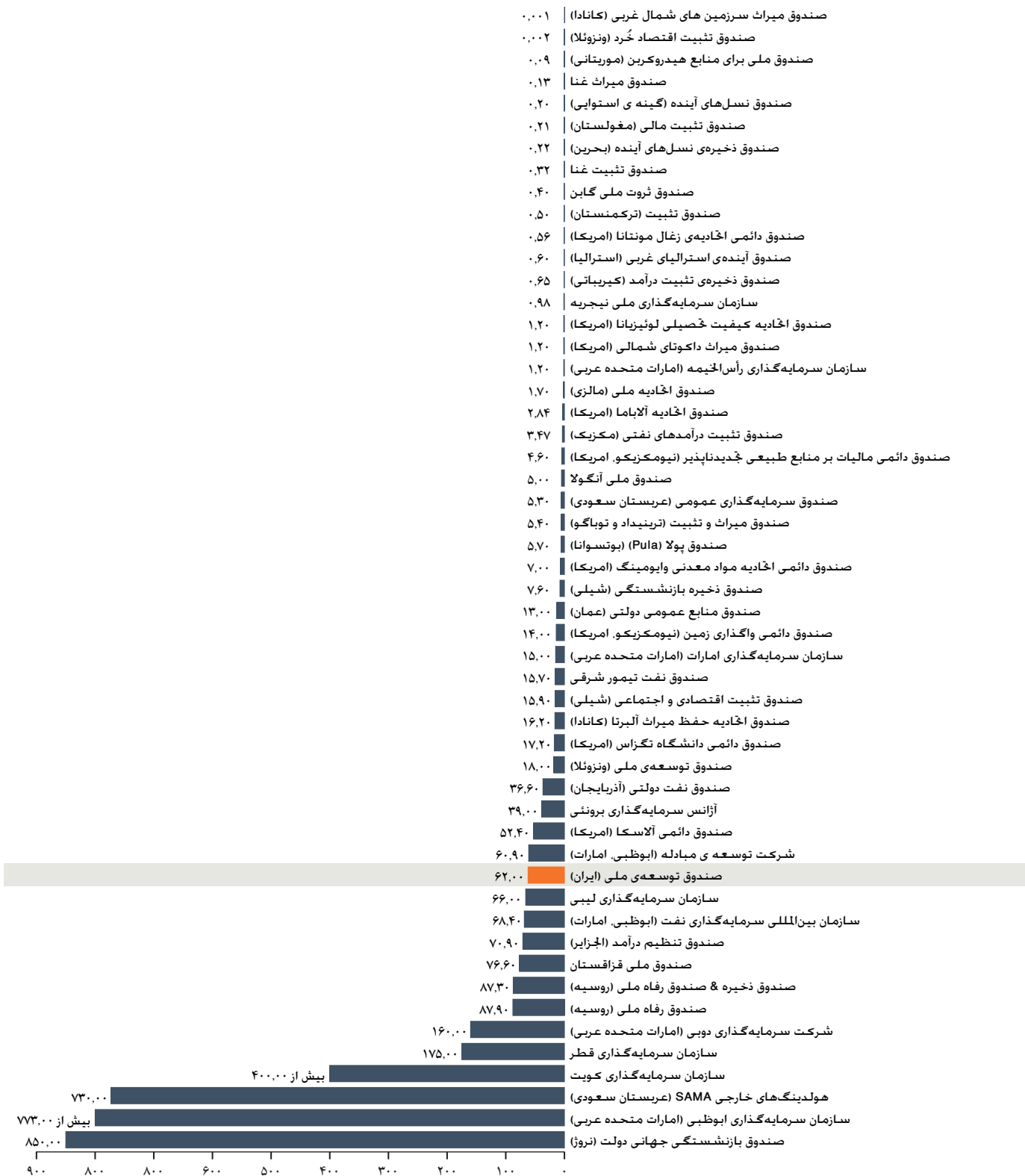
پرونده دیگری که پیش‌قراول صندوق توسعه ملی محسوب می‌شود در این مورد روشن‌گر است: صندوق تثبیت نفت (OSF). این صندوق در سال ۲۰۰۰ به عنوان حساب ارزی برای نگهداری درآمدهای نفتی ایران در بانک مرکزی تأسیس شد. مانند صندوق‌های ثروت ملی نروژ، کویت و دیگر کشورهای نفت‌خیز، قرار بود صندوق تثبیت نفت، صندوقی برای روز مبادا باشد. هدف صندوق این بود که بودجه و درآمدهای دولت را در برابر نوسان قیمت نفت تثبیت کند. به علاوه، یکی از ویژگی‌های صندوق ثروت ملی ایران یا همان صندوق تثبیت نفت این بود که ۵۰ درصد ذخیره ارز صندوق از طریق بانک‌های بازرگانی به بخش خصوصی وام داده می‌شد تا به اصلاح سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اولویت‌دار تشویق شود. در عمل این ویژگی راه را برای مقادیر هنگفتی از فساد در صنعت بانکداری کشور هموار کرد. زیرا عملاً هیچ نظارتی بر نحوه وامدهی صندوق تثبیت نفت وجود نداشت.

همان‌گونه که سوزان مالونی و دیگران اشاره کرده‌اند، خطوط کلی حاکم بر سپرده‌گذاری، انتقال و برداشت پول در OSF کاملاً ساده بود. طبق اصل ۶۰ برنامه پنج ساله سوم توسعه، مازاد درآمدهای نفتی حاصل از افزایش ناگهانی قیمت نفت منجر به اختلاف بین قیمت پیش‌بینی شده در بودجه و قیمت واقعی نفت می‌شود. تمامی درآمد ارزی بالای رقم پیش‌بینی شده برای بودجه باید در صندوق تثبیت نفت ذخیره گردد. بعد از سال سوم، در صورت سقوط ناگهانی بهای نفت و کاهش درآمدهای حاصل از صدور نفت به زیر میزان تخصیص بودجه، بانک مرکزی می‌تواند از پول صندوق تثبیت نفت (OSF) پول برداشت کند - بعد از ماه یازدهم - و آن را به خزانه منتقل کند تا صرف مخارج دولت شود.^{۲۲۶}

هیأت امنای صندوق تثبیت نفت که متشکل از رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی، وزیر اقتصاد و دارایی، رئیس بانک مرکزی و چهار نفر از منصوبین رئیس‌جمهور بود، باید اولویت‌ها و ضوابط وام‌های صندوق به بانک‌های جَاری مورد تأیید را تعیین می‌کردند. در سال ۲۰۰۵ قرار شد وام‌های صندوق تثبیت نفت به شرکت‌های دولتی نیز پرداخت شود. در سال ۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۷-۲۰۰۸)، پولی که صندوق تثبیت نفت به صورت وام در اختیار بانک‌های بازرگانی دولتی قرار داده بود به موجودی خالص (equity) تبدیل شد تا سرمایه آنان تقویت شود.^{۲۲۷} با نگاهی به اپیدمی فساد که بعد از این ماجراها بخش بانکی ایران را درنوردید، این سیاست‌ها بسیار مشکوک به نظر می‌رسند.

اما بر اساس گزارش بانک جهانی، بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵، با وجود افزایش غیرمنتظره قیمت نفت نه تنها شاهد افزایش سهم

نمودار ۲۴: صندوق منابع طبیعی کشورها به ترتیب اندازه بر حسب میلیارد دلار آمریکا



گرافیک «نفت من کجاست؟» منبع: مؤسسه اداره منابع طبیعی (NRGI). گزارش «اداره اتحادیه‌های عمومی» ۲۰۱۴. توجه: صندوق‌های منابع طبیعی صندوق‌های ثروت ملی هستند که موجودی خود را از طریق نفت، گاز یا فروش مواد معدنی به دست می‌آورند. مجموع موجودی صندوق‌های آمریکا ۱۰۱ میلیارد دلار و از آن امارات متحده عربی ۱۰۷۸.۵ میلیارد دلار است.

عادی نفت در بودجه هستیم، بلکه برداشت از صندوق تثبیت نفت را نیز شاهدیم.^{۲۲۸} در صورت اجرای مقررات اصلی که برای صندوق وضع شده بود از مارس ۲۰۰۰ تا مارس ۲۰۰۵ مبلغ ۷۴ میلیارد دلار در صندوق ذخیره شده بود. در حالی که در واقعیت موجودی صندوق مبلغ ناچیز ۲۹ میلیارد دلار بود. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، مجلس «مرتباً هیأت امنای صندوق را دور می‌زد تا اینکه در مجموع ۱۷ میلیارد دلار را بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، بنا به دلایلی که در قانون اصلی تأیید نشده بود، از صندوق برداشت کردند.»^{۲۲۹}

کافی است نگاهی به صندوق ثروت ملی ایران بیندازیم و آن را با صندوق کشورهای حاشیه خلیج فارس مقایسه کنیم تا تفاوت بین مدیریت سارقان را با مدیریت افراد کاردان و حرفه‌ای دریابیم. تا سال ۲۰۰۵، پایان برنامه پنج ساله، دارایی‌های صندوق تثبیت نفت عبارت بود از ۹،۴ میلیارد دلار نقد و ۳،۵ میلیارد دلار وام‌هایی که طلب داشت.^{۲۳۰} طبق اظهارات پاشا مهدوی، از پژوهشگران برجسته صنایع نفت و گاز ایران، درآمد کل حاصل از نفت و گاز ایران در سال ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸-۲۰۰۹) ۸۲ میلیارد دلار بود در حالی که جمع کل واقعی «با احتساب برآورد سخاوتمندانه ۳۲ میلیارد دلار که به حساب صندوق تثبیت نفت واریز شد، بسیار بالاتر است.»^{۲۳۱}

اما همان‌گونه که مهدوی اشاره کرده است، حتی نمایندگان مجلس نیز از رقم واقعی موجودی صندوق تثبیت نفت بی‌اطلاع بودند.

در سال ۲۰۰۹، یک مقام شرکت ملی نفت مجموع موجودی صندوق تثبیت نفت را رقم ناچیز ۷ میلیارد دلار برآورد کرد.^{۲۳۲} در مقام مقایسه، مؤسسه صندوق ثروت ملی برآورد کرد صندوق ثروت ملی امارات عربی متحده موسوم به سازمان سرمایه‌گذاری ابوظبی ۸۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ موجودی داشته و دو صندوق سازمان سرمایه‌گذاری کویت در مجموع ۲۱۳ میلیارد دلار موجودی داشته‌اند.^{۲۳۳} مؤسسه اداره منابع ملی (NRGI) برآورد کرد تا سال ۲۰۱۴ موجودی سازمان سرمایه‌گذاری کویت به بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار رسیده و سازمان سرمایه‌گذاری ابوظبی بیش از ۷۷۳ میلیارد دلار موجودی دارد. موجودی صندوق توسعه ملی ایران (که جایگزین صندوق تثبیت نفت شده است) ۶۲ میلیارد دلار بوده است (به نمودار ۲۴ مراجعه نمایید). البته لازم است کلیه آمارهای

مربوط به چنین حساب‌هایی تأیید شوند تا اطمینان حاصل شود که پول‌ها واقعاً در صندوق موجود است.

در گزارشی جداگانه، دویچه بانک برآورد کرد که ارزش خالص دارایی‌های خارجی شورای همکاری خلیج فارس (GCC) در عرض چهار سال تقریباً سه برابر شده و از ۴۷۲،۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ به کمی بیش از یک تریلیون دلار رسیده است.^{۲۳۴}

اقتصاددان ایرانی، جهانگیر آموزگار با «بی مسما» نامیدن صندوق تثبیت نفت، مجلس ایران را به دلیل تهی کردن صندوق به باد انتقاد گرفت. آموزگار اظهار داشت: «عملکرد مجلس درباره صندوق تثبیت نفت نشان‌دهنده بی‌حاصلی، اگر نگوییم پوچی، ایجاد یک صندوق برای روزهای بارانی و استفاده از آن در روزهای آفتاب درخشان‌تر از همیشه است.»^{۲۳۵}

در عمل، افراد و نهادهای مسؤول تأسیس و اداره صندوق تثبیت نفت مانند متجاوزان زنجیره‌ای عمل کردند و با مخدوش کردن مقررات و زیر پا گذاشتن قوانین، صندوق را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند. صندوق به جای تثبیت بودجه ثبات آن را بر هم زد، زیرا «تخصیص بودجه‌ها به طور مرتب تغییر می‌کردند تا امکان خرج کردن درآمدهای نفتی بیشتر را فراهم کنند، که این نیز خود برخلاف مقررات صندوق بود.»^{۲۳۶}

در فوریه ۲۰۱۲، «مؤسسه ناظر بر درآمد»، که درآمدهای نفتی کشورهای نفت‌خیز را رصد می‌کند، گزارشی تند و تیز درباره مدیریت درآمدهای نفت و گاز ایران منتشر کرد:

ما معتقدیم دولت، خود مقررات نظارت بر درآمد خود را نقض کرده است. در سال ۲۰۰۰ دولت شروع به ذخیره بخشی از درآمدهای نفتی خود در صندوقی به نام صندوق تثبیت نفت کرد. برآورد ما این است که صندوق تثبیت نفت باید بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ مبلغ ۳۶ میلیارد دلار بیش از میزانی که دولت گزارش کرده است، دریافت می‌کرد. بر اساس تحلیل‌هایی که با استفاده از داده‌های بانک مرکزی ایران و صندوق بین‌المللی پول انجام دادیم، برآورد ما این است که دولت بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ بدون هرگونه توجیه اقتصادی ۱۵۰ میلیارد دلار از صندوق برداشت کرده است.^{۲۳۷}

در سال ۲۰۰۸، با اوجگیری قیمت نفت، بانک مرکزی ایران به صورت یک جانبه انتشار گزارش درباره پول‌هایی که به صندوق

نقض آشکار روح و نص

قانون در واقع «صندوق تثبیت

نفت را به خمرهای پراز طلا

و منبع مالی حاضر و آماده

برای قانون‌گذاران تبدیل کرده

بود تا از آن برای انجام پروژه‌های

فرمایشی خارج از بودجه

استفاده کنند.»

اقتصاددان ایرانی، جهانگیر آموزگار

کارگران ایرانی که بر سر پروژههای بیبنیاد، حقوق و بازنشستگی خود را بر باد داده بودند، تحت قیمومیت مقامات رسمی دولتی چون قاضی مرتضوی قرار گرفتند. مدیری که هیچ بانکداری درباره پاکدامنی دینی و اعتبار سیاسی او تردید به خود راه نداد. و آقای مرتضوی نیز به نوبه خود آنان را به آقای زنجانی میفروخت. همان کاری که معتادان می‌کنند: تزریق درآمدهای نفتی ایران و سرمایه‌گذاری دلارهای نفتی در نظام مالی جهت جلوگیری از سقوط ریال. چه راهی بهتر از این برای تقویت اعتماد به اقتصاد و به تعویق انداختن ورشکستگی بانکها که هم اکنون نیز بسیار به تأخیر افتاده است؟

سوءمدیریت در صندوق تثبیت نفت نشان‌دهنده بحران وسیع‌تر و عمیق‌تر مشروعیت و حکومت بود. ایجاد حسابهای بانکی خارج از چارچوب شفاف و منسجم بودجه راه را برای انحراف تدریجی راهبردها و فرایندها، مقررات و نهادهای حافظ اعتماد عموم و کیف پول عموم هموار کرد. افزایش بهای نفت، نه تنها به اقتصاد ایران ثبات نبخشید، بلکه حرص و ولع بهره‌برداری از این خوان گسترده را بیدار کرد. به گونه‌ای که صفی از نهادهای مالی و حتی نظامی، صحنه را برای نادیده گرفتن قانون اساسی ایران مهیا کردند. نمایندگان مجلس که باید با پاسخ خواستن از مسؤولان اجرایی با چشم باز مراقب اجرای دقیق بودجه می‌بودند، از قوه مجریه رشوه دریافت می‌کردند. آنان نیز به فساد کشیده شده بودند و در غارت درآمدهایی که در حسابهای ویژه برای مردم ایران نگهداری می‌شد، همدست بودند. با وجود مجلسی که قادر نبود و نمی‌خواست خود را مورد تحقیق و تفتیش قرار دهد، ردگیری مسیر درآمدهای نفت و گاز به داخل و خارج ساختارهای رسمی دولت ایران حتی مشکل‌تر از قبل شد.

نمایندگان اصلاح طلب مجلس، موسوم به «لیست امید» وعده دادند که یأس ناشی از ناتوانی مجلس در محافظت از ثروت مردم را برطرف کنند و نماینده واقعی منافع مردم باشند. با این حال وقتی مجلس ضمیمه فرعی یک حکومت دینی باشد که از حاکمیت مبتنی بر رأی مردم سوءاستفاده می‌کند، بیشتر نمایندگان آن در دزدسالاری بناشده بر فساد هدفمند مشارکت می‌کنند و برای حفظ آن می‌کوشند.

وارد یا از آن خارج می‌شد را متوقف کرد. صندوق تثبیت نفت ایران در نمایه شفافیت لینابورگ-مادوئل (Linaburg-Maduell Transparency Index) وابسته به مؤسسه صندوق ثروت ملی، رتبه ۱ از ۱۰ دریافت کرد. در این رتبه‌بندی، ۱ «کم‌ترین رتبه ای است که یک صندوق می‌تواند کسب کند.»^{۳۳۸} بعد از کسب این رتبه، یک اقتصاددان برجسته ایرانی هشدار داد که «ارقام مربوط به موجودی صندوق تثبیت نفت صرفاً تخمین هستند، زیرا ارزش واقعی مبادلات صندوق نامعلوم است.»^{۳۳۹}

این فقط یک پرونده سوءمدیریت درآمدهای نفتی ایران نبود. در واقع تغییر مسیر مبالغ هنگفتی از درآمدهای نفتی به سوی صندوق تثبیت نفت و دیگر حسابها بود که زمینه را برای فساد فراگیر فراهم کرد. «مؤسسه ناظر بر درآمد» با مقایسه رقم کل درآمدها و مخارج دولت، «بزرگی پول» خارج از کنترل بودجه دولت را نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد؛ پولی که «با هر متر و معیاری که بسنجیم کسی پاسخگوی آن نیست.»^{۳۴۰}

علاوه بر این، عدم شفافیت نه تصادفی بود و نه گاه‌به‌گاه، بلکه سامانند (سیستماتیک) بود. در حقیقت هیچ یک از افراد یا نهادهای مسؤول اداره درآمدهای نفتی ایران اطلاعات کامل یا حتی ناقصی درباره پول‌های وارد شده و برداشت شده و نقل و انتقالات مالی در اختیار عموم قرار نمی‌دهند. نقض آشکار روح و نص قانون در واقع «صندوق تثبیت نفت را به خمرهای پر از طلا و منبع مالی حاضر و آماده برای قانونگذاران تبدیل کرده بود تا از آن برای انجام پروژههای فرمایشی خارج از بودجه استفاده کنند.»^{۳۴۱} البته صندوق تثبیت نفت و بعد از آن صندوق توسعه ملی به عنوان در پشتی برای انتقال میلیاردها دلار به درون یک سیستم بانکی بسیار فاسد نیز عمل کرده‌اند؛ سیستم بانکی که بر پایه اصل مدیریت از طریق اختلاس اداره می‌شود.

به عبارت دیگر، بانکداران ایران نیز مانند بانکداران کشورهای دیگر، در صورتی که ثروت ملی ایران را مانند همتایان عرب خود دو یا چهار برابر کرده بودند، حق داشتند حقوق و مزایای میلیونی دریافت نمایند. یا دست کم اگر پول زیر تشک پنهان شده بود، تمام کاری که باید می‌کردند آن بود که مثل سگی وفادار با مشاهده دزدانی که وارد خانه صاحبش شده‌اند، پارس کنند. اما آنها در عوض پس انداز ایرانیان را به صورت وام‌های ناکارآمد به طرح‌های کلاهبرداری پونزی (Ponzi) و پروژههای کم‌بازده اختصاص دادند که به نام خودی‌های رژیم و برای تأمین منافع آنان راه‌اندازی شده بود. آن وام‌های مسموم نیز به نوبه خود به صورت قارچ‌هایی از بدهی سربرآوردند و مردم ایران را زیر یوغ سهام شرکت‌های خصوصی و دولتی ورشکسته بردند؛ شرکت‌هایی که تمام دارایی و ارزش خود را از دست داده بودند. سپس اسکلت‌های صنعتی و تابوت‌های مالی دربرگیرنده بقایای

تعیین کمیت فساد: شکاف تریلیون دلاری



اقتصادی یک اقتصاد معین را نمایش می‌دهد. مبادلات میان تولید. عوامل تولید و نهادها (از قبیل خانوارها، مشاغل و دولت) در ماتریسی در قالب ستون و سطر ارائه می‌شوند. در این ماتریس ستون‌ها نشان‌دهنده مخارج و سطرها نمایانگر درآمد هستند. چنین ماتریسی میزان وابستگی بخش‌های مختلف اقتصاد را به یکدیگر روشن می‌سازد. می‌توان ماتریس حسابداری اجتماعی را بسط و توسعه داد تا جزئیات کافی جهت ایجاد مدلی از شمای کلی اقتصاد و چگونگی واکنش آن نسبت به شوک‌های خارجی را در بر بگیرد. این ماتریس می‌تواند الگوهای اقتصادی را ترسیم کند و بینشی جامع نسبت به مبادلات درون هر اقتصاد به دست دهد. (برای اطلاعات بیشتر به ضمیمه ۱ جدول ۴ مراجعه کنید)

هدف از مدل ضریب فزاینده ماتریس حسابداری اجتماعی این است که یک برآورد کمی از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم شوک بیرونی سویه تقاضا بر اقتصاد ارائه دهد.^{۲۴۳} مدل ضریب فزاینده چنین فرض می‌کند «که قیمت‌ها ثابت‌اند و هرگونه تغییر [در گردش مالی] منجر به تغییرات، نه در قیمت‌ها، بلکه در خروجی فیزیکی می‌شود. این فرض به نوبه خود پیشفرض دیگری را ایجاد می‌کند که بر اساس آن منابع فاکتوری اقتصاد، نامحدود و در دسترس هستند. به گونه‌ای که هر افزایشی در تقاضا می‌تواند با افزایش عرضه جبران شود. در نهایت، در مدل ضریب فزاینده چنین فرض می‌شود که روابط ساختاری میان بخش‌ها و خانوارها در اقتصاد از تغییرات برونزای (exogenous) تقاضا تأثیری نمی‌پذیرند.»^{۲۴۴}

جدیدترین ماتریس حسابداری اجتماعی که از ایران در دسترس است مربوط به «مرکز پژوهش‌های مجلس» است.^{۲۴۵} این ماتریس حسابداری اجتماعی، سال ۲۰۰۶ را به عنوان مبنا در نظر گرفته و در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است. «شبیه‌ساز شاخص‌های اجتماعی و فقر» موسوم به SimsIP جهت انجام کلیه تحلیل‌های مرتبط با مدل ضریب فزاینده ماتریس حسابداری اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. SimsIP یک اپلیکیشن شبیه‌سازی است که به رایگان در دسترس عموم قرار دارد و می‌توان از آن برای اجرای مدل ضریب فزاینده ماتریس حسابداری

الگوی فساد در دیگر کشورهای نفت‌خیز، مبنایی برای ارزیابی میزان زیان ناشی از فساد در ایران است. در نیجریه که برنامه مقابله با فساد رئیس‌جمهور آن، محمدو بوهاری (Muham-madu Buhari). از میزان غارت عاملین فساد که زمان مدیدی در هاله ابهام بود پرده برداشته است. می‌توان نقاط مرجعی برای تعیین میزان فساد در ایران به دست آورد. در سال ۲۰۰۶ نوحو ریبادو (Nuhu Ribadu)، رئیس پیشین کمیسیون جرایم مالی و اقتصادی نیجریه (EFCC) برآورد کرد در ۴۰ سالگی که از زمان استقلال نیجریه می‌گذرد، مبلغ ۳۸۰ میلیارد دلار «سرقت یا اتلاف» صورت گرفته است.^{۲۴۲} ناتوانی در مقابله با فساد - میراث دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد و نتیجه طبیعی حکومت زورمدارانه آیت‌الله خامنه‌ای - ایران را در مسیر پیشی گرفتن از نیجریه و دیگر دولت‌های ناکارآمد جهان قرار داده است. تعیین کمیت و میزان تأثیر سوء فساد در صنعت نفت ایران گامی بنیادی در جهت جلوگیری از زیان‌های درازمدت سیاسی و اقتصادی بر جای مانده از چندین دهه غارت و چپاول است.

ماتریس حسابداری اجتماعی: توضیحی در باب متدولوژی

روش‌های متعددی را می‌توان برای تعیین کمیت خسارتی که فساد به اقتصاد ایران وارد می‌کند به کار گرفت. اگرچه تمامی این روش‌ها، چه از حیث قابل دسترس بودن و دقت داده‌ها، و چه از نظر محدود بودن معادلات و فرمول‌های به کار رفته با موانعی روبه‌رو هستند. با این حال می‌توانند به ایجاد پارامترهایی برای تعیین کمیت فساد کمک کنند.

در این تحقیق، از مدل ضریب فزاینده «ماتریس حسابداری اجتماعی» (SAM) برای شبیه‌سازی تأثیر درآمدهای از دست رفته نفت استفاده کرده ایم. بنا به نظر لیمن (Layman) ماتریس حسابداری اجتماعی، جدول یا ماتریسی است که مبادلات

تلاش برای تعیین کمیت زیان، اولین گام در اعاده و احیای اقتصاد ایران است.

اجتماعی استفاده کرد. این اپلیکیشن را خوان کارلوس پارا (Juan Carlos Parra) و کوئنتین وودن (Quentin Wodon) در بانک جهانی ایجاد کرده‌اند.^{۲۴۶} ماتریس حسابداری اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس وابستگی ساختاری اجزای اقتصاد ایران را به یکدیگر به تصویر می‌کشد و ارتباط بین بخش نفت با دیگر بخش‌های اقتصاد را نشان می‌دهد. این ماتریس، همچنین ابزاری قدرتمند برای ارزیابی هزینه‌هایی است که از دست رفتن درآمد نفت، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد ایران تحمیل می‌کند.

ماتریس حسابداری اجتماعی منعکس‌کننده ساختار بنیادی اقتصادی است که نماینده آن است. به طور معمول چنین ساختارهایی حتی با گذشت زمان‌های طولانی، چندان دستخوش تغییر نمی‌شوند.^{۲۴۷} در این پژوهش فرض بر این است که ساختار اقتصاد ایران از سال ۲۰۰۶ یعنی سال جدیدترین «ماتریس حسابداری اجتماعی» انجام گرفته در کشور، تغییر چشمه‌گیری نداشته است. با افزودن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، این امکان وجود دارد که اثر فزاینده درآمدهای ناپدیدشده نفتی بر اقتصاد را اندازه‌گیری کرد. بعد می‌توان اثر فزاینده را برای محاسبه زیان کلی واردشده به اقتصاد ایران و مردم به دلیل درآمدهای از دست رفته نفتی‌شان، به کار برد.

مدل ماتریس حسابداری اجتماعی با در نظر گرفتن داده‌های پژوهش مجلس به عنوان مبنا، کمیت تأثیر پرونده‌های مختلف فساد و رسوایی در بخش نفت و گاز را بر اقتصاد ایران تعیین خواهد کرد. البته اینها برآورد و تقریب هستند و دقت آنها به کیفیت داده‌های مورد استفاده بستگی دارد. با پالوده شدن و به‌روز شدن هرچه بیشتر داده‌ها می‌توانیم برآوردهای حتی دقیق‌تری از تأثیر شوک‌های ناشی از فساد بر اقتصاد ایران داشته باشیم. ماتریس حسابداری اجتماعی را می‌توان برای شبیه‌سازی زیان و سود اقتصادی ناشی از کاهش یا گسترش فساد بخش نفت و گاز ایران نیز به کار برد. حداقل این است که تعیین کمیت زیان‌های ناشی از فساد می‌تواند به سیاست‌گذاران و مردم ایران و همچنین به جامعه جهانی کمک کند میزان تهدیدهای ناشی از فساد را درک کنند. همچنین آنان را قادر می‌سازد فراتر از مفاهیم تجربی سیاسی و ملاحظات اخلاقی بروند. فساد تنها نقض هنجارهای قانونی، اخلاقی و دینی نیست. فساد یک واقعیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. فساد پیامدهای عمیق، مستقیم و فوری بر زندگی میلیون‌ها انسان دارد.

شفافیت و پاسخگو بودن اصول دور از دسترس و تجربی نیستند. جملات غربی نیز نیستند. شفافیت و پاسخگویی اس و اساس قرارداد اجتماعی‌اند: مسأله مرگ و زندگی برای میلیون‌ها انسانند. قدر مسلم، در هر تلاش برای نور افکندن بر آن بخش از اقتصاد که همواره در تاریکی پنهان بوده است، محدودیت‌هایی وجود دارد. داده‌ها و مدل‌ها تنها تا همین مقدار ما را همراهی می‌کنند: همیشه می‌توان آنها را بهبود بخشید و پاکسازی کرد. اما محدودیت‌های آنان دلیلی برای اجتناب از شفافیت و پاسخگویی نیست، بلکه برهان پافشاری بر آنها است. تلاش برای تعیین کمیت زیان، اولین گام در اعاده و احیای اقتصاد ایران است. این تلاش‌ها به مثابه هشداری به مافیاهای گوناگون نفتی است که فعالیت‌های آنان می‌تواند اندازه‌گیری شود و تحت نظر قرار گیرد و روزی خواهد آمد که آنان باید به دلیل خیانت به اعتماد عمومی پاسخگو باشند. تأسیس یک بنیاد تجربی به منظور اندازه‌گیری و معکوس کردن جهت فساد در ایران از الزامات ملی است: اولین گام به سوی اعاده تقدس و حرمت نهادها و بخش‌هایی است که در نوسازی اقتصاد ایران نقش کلیدی دارند. این اقدام همچنین به منظور ایجاد پایگاهی قانونی برای محاکمه دزدان نفت و تشکیل پرونده‌های اقتصادی برای ردگیری و بازپس گرفتن میلیاردها دلار از دارایی‌های مسروقه ضروری است.

دو مورد از ویژگی‌های داده‌ها بر تحلیل‌های موجود در این مطالعه تأثیرگذارند. اول اینکه، نتایج ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) سال پایه ۲۰۰۶ برای اکنون به کار می‌روند. چنین رهیافتی فرض را بر این می‌گیرد:

- قیمت‌ها ثابت‌اند و هر تغییر در تقاضا باعث همان میزان تغییر در خروجی می‌شود؛
- اقتصاد از منابع اصلی نامحدود برخوردار است؛ و
- بخش‌ها و خانوارها دارای رابطه‌ای ساختاری در اقتصادند که تحت تأثیر تغییرات خارجی تقاضا قرار نمی‌گیرد.^{۲۴۸}

با این حال می‌دانیم که تحت خرمیم‌ها، محدودیت در واردات می‌تواند در بخش‌های مختلف تنگناهایی ایجاد کند و بر عملکرد مدل فزاینده SAM محور ما تأثیر بگذارد. اگرچه مرکز پژوهش‌های مجلس که تهیه‌کننده مدل SAM ۲۰۰۶ بوده است، آن را مورد بازبینی قرار داده تا پاسخگوی شرایط خاص ایجادشده به واسطه خرمیم‌ها باشد. داده‌های پایه که مرکز پژوهش‌ها برای تولید آن مطالعه استفاده کرده است در دسترس ما نبود.^{۲۴۹} برای اهداف این مطالعه، ما برای ایجاد اولین مجموعه داده‌ها متکی به مدل SAM ۲۰۰۶ بوده‌ایم. امیدواریم این تقریب‌ها و شبیه‌سازی‌های اولیه با استفاده از مجموعه داده‌های کامل‌تر و تکنیک‌های مدل‌سازی اقتصادی پیشرفته‌تر، هرچه بیشتر پاکسازی و پالوده گردد. نتایج

و چنین فرض می‌کند که آنها در نقطه معینی از زمان به وقوع پیوسته‌اند. درحالی که خُریم‌ها و دیگر رسوایی‌های مربوط به فساد ممکن است در چند بخش به طور همزمان رخ داده باشند. خلیل SAM هزینه خُریم‌ها و دیگر رسوایی‌های مربوط به فساد را در بخش نفت خام در نظر می‌گیرد. با در نظر داشتن این هشدارهای احتیاطی، از دست رفتن درآمدهای نفتی به واسطه خُریم‌ها و پرونده‌های فساد اثر فزاینده نیز دارد و تأثیرات عمیق و درازمدت بر اقتصاد ایران بر جای می‌گذارد.

جدول ۱ تأثیر خُریم‌ها و پرونده‌های فساد بر اقتصاد ایران را با استفاده از داده‌های ماتریس حسابداری اجتماعی و متدولوژی گزارش ۲۰۱۲ مجلس نشان می‌دهد.

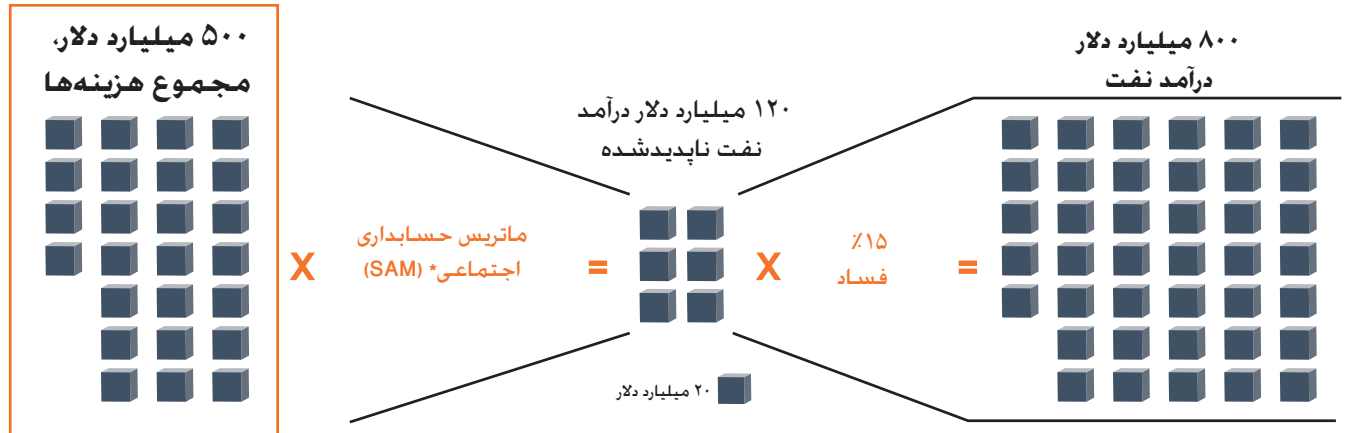
جدول ۱: خُریم‌ها و رسوایی‌ها: محاسبات ماتریس حسابداری اجتماعی^{۲۵}
(بر حسب میلیارد دلار)

بخش‌ها	زغانی	نفتیران	چین	بانعداری	پرونده‌های دادگاه	صندوق تثبیت نفت ۱	صندوق تثبیت نفت ۲	خُریم‌ها	جمع کل
میزان رسوایی	\$۲.۷	\$۲۴.۵	\$۲۲.۵	\$۱۰.۰	\$۳.۵	\$۴۵.۰	\$۳۶.۰	\$۱۶۰.۰	\$۳۰۴.۲
نفت خام	\$۴.۱۶	\$۳۷.۴۳	\$۳۴.۳۸	\$۱۵.۲۸	\$۵.۳۵	\$۶۸.۷۶	\$۵۵.۰۱	\$۲۴۴.۴۷	\$۶۶۴.۸۲
خانوارهای شهری	\$۲.۰۹	\$۸.۸۲	\$۷.۲۸	\$۷.۶۸	\$۲.۶۹	\$۳۴.۵۷	\$۲۷.۶۵	\$۱۲۲.۹۱	\$۲۳۳.۷۰
دیگر فعالیت‌ها	\$۰.۵۷	\$۵.۱۶	\$۴.۷۴	\$۲.۱۰	\$۰.۷۴	\$۹.۴۷	\$۷.۵۸	\$۳۳.۶۷	\$۶۴.۰۳
خانوارهای روستایی	\$۰.۵۱	\$۴.۵۸	\$۴.۲۰	\$۱.۸۷	\$۰.۶۵	\$۸.۴۱	\$۶.۷۲	\$۲۹.۸۹	\$۵۶.۸۲
لوازم خانگی	\$۰.۴۲	\$۳.۷۹	\$۳.۴۸	\$۱.۵۵	\$۰.۵۴	\$۶.۹۶	\$۵.۵۷	\$۲۴.۷۶	\$۴۷.۰۸
خرده فروشی	\$۰.۴۰	\$۳.۶۰	\$۳.۳۱	\$۱.۴۷	\$۰.۵۱	\$۶.۶۲	\$۵.۲۹	\$۲۳.۵۲	\$۴۴.۷۳
کشاورزی	\$۰.۳۹	\$۳.۴۷	\$۳.۱۹	\$۱.۴۲	\$۰.۵۰	\$۶.۳۸	\$۵.۱۰	\$۲۲.۶۸	\$۴۳.۱۲
مواد غذایی	\$۰.۲۸	\$۲.۵۰	\$۲.۳۰	\$۱.۰۲	\$۰.۳۶	\$۴.۶۰	\$۳.۶۸	\$۱۶.۳۵	\$۳۱.۰۹
بیمه	\$۰.۲۴	\$۲.۱۳	\$۱.۹۵	\$۰.۸۷	\$۰.۳۰	\$۳.۹۰	\$۳.۱۲	\$۱۳.۸۸	\$۲۶.۳۹
حمل‌ونقل	\$۰.۲۲	\$۱.۹۹	\$۱.۸۳	\$۰.۸۱	\$۰.۲۸	\$۳.۶۶	\$۲.۹۲	\$۱۳.۰۰	\$۲۴.۷۱
بهداشت و درمان	\$۰.۲۱	\$۱.۸۵	\$۱.۷۰	\$۰.۷۵	\$۰.۲۶	\$۳.۳۹	\$۲.۷۲	\$۱۲.۰۷	\$۲۲.۹۵
آب	\$۰.۱۰	\$۰.۸۹	\$۰.۸۱	\$۰.۳۶	\$۰.۱۳	\$۱.۶۳	\$۱.۳۰	\$۵.۷۹	\$۱۱.۰۲
وسایل نقلیه	\$۰.۰۹	\$۰.۸۴	\$۰.۷۷	\$۰.۳۴	\$۰.۱۲	\$۱.۵۴	\$۱.۲۳	\$۵.۴۸	\$۱۰.۴۲
پست و مخابرات	\$۰.۰۹	\$۰.۷۷	\$۰.۷۰	\$۰.۳۱	\$۰.۱۱	\$۱.۴۱	\$۱.۱۳	\$۵.۰۱	\$۹.۵۳
فلزات و ماشین آلات	\$۰.۰۸	\$۰.۷۳	\$۰.۶۷	\$۰.۳۰	\$۰.۱۰	\$۱.۳۴	\$۱.۰۷	\$۴.۷۶	\$۹.۰۶
پارچه	\$۰.۰۸	\$۰.۶۹	\$۰.۶۳	\$۰.۲۸	\$۰.۱۰	\$۱.۲۶	\$۱.۰۱	\$۴.۵۰	\$۸.۵۵
برق و گاز طبیعی	\$۰.۰۷	\$۰.۶۷	\$۰.۶۱	\$۰.۲۷	\$۰.۱۰	\$۱.۲۳	\$۰.۹۸	\$۴.۳۶	\$۸.۲۹
آموزش	\$۰.۰۷	\$۰.۶۶	\$۰.۶۰	\$۰.۲۷	\$۰.۰۹	\$۱.۲۱	\$۰.۹۷	\$۴.۲۹	\$۸.۱۶
ماهگیری و دامداری	\$۰.۰۴	\$۰.۳۹	\$۰.۳۶	\$۰.۱۶	\$۰.۰۶	\$۰.۷۲	\$۰.۵۸	\$۲.۵۷	\$۴.۸۸
خدمات مالی	\$۰.۰۴	\$۰.۳۸	\$۰.۳۵	\$۰.۱۶	\$۰.۰۵	\$۰.۷۰	\$۰.۵۶	\$۲.۵۰	\$۴.۷۵
چوب	\$۰.۰۴	\$۰.۳۳	\$۰.۳۱	\$۰.۱۴	\$۰.۰۵	\$۰.۶۱	\$۰.۴۹	\$۲.۱۸	\$۴.۱۴
ساختن	\$۰.۰۴	\$۰.۳۳	\$۰.۳۰	\$۰.۱۳	\$۰.۰۵	\$۰.۶۱	\$۰.۴۸	\$۲.۱۵	\$۴.۰۹
هزینه کل	\$۱۰.۲۱	\$۹۱.۹۹	\$۸۴.۴۹	\$۳۷.۵۵	\$۱۳.۱۴	\$۱۶۸.۹۷	\$۱۳۵.۱۸	\$۶۰۰.۷۸	\$۱۱۴۲.۳۱

هزینه فساد در قیاس با هزینه جنگ ایران و عراق

نمودار ۲۵: هزینه واقعی فساد در ایران

با فرض نرخ فساد دست پایین ۱۵ درصد در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، ۲۰۰۵-۲۰۱۳

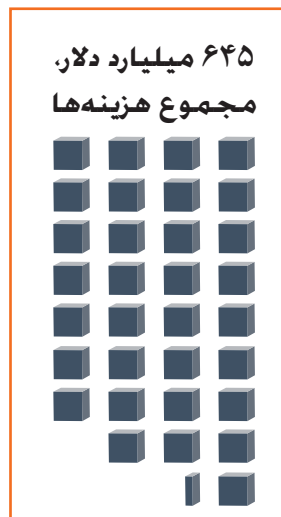


گرافیک «نفت من کجاست؟»

توجه: نرخ ۱۵ درصد، برآورد دست پایین و حداقلی برای فساد است

* ماتریس حسابداری اجتماعی، همان طور که در متن توضیح داده شد، ارقامی هستند که مرکز پژوهش‌های مجلس برای محاسبه اثر فزاینده درآمد نفت بر بقیه اقتصاد به دست آورده است.

منبع: محاسبات «امید برای ایران»



نمودار ۲۶: هزینه‌های مالی جنگ ایران و عراق برای ایران

هزینه‌های جنگ برای اقتصاد ایران



گرافیک «نفت من کجاست؟»

توجه: دلار به نرخ ۱۹۸۸

منبع: رازو، پیر (Razoux Pierre)، جنگ ایران و عراق، انتشارات دانشگاه هاروارد، کمبریج، ماساچوست، ۲۰۱۵، ص. ۵۷۴.

جمع کل: یک تریلیون دلار خسارت

که از پی می‌آید:

- برآورد وزارت خزانه‌داری آمریکا مبنی بر اینکه خرمی‌ها هزینه ۱۶۰ میلیارد دلاری برای درآمد نفتی ایران دارد، رقمی که به معنای زیان خالص ۶۰۰ میلیارد دلاری برای اقتصاد ایران است.
- تاراج درآمدهای نفتی واریز شده به صندوق تثبیت نفت به معنای ۳۰۰ میلیارد دلار زیان خالص دیگر به اقتصاد ایران است.

اثر فزاینده مدل SAM که در مجلس ایران استفاده شده به گونه‌ای است که هر ۱ دلار درآمد از دست رفته نفت، با فاکتور ۳.۷۵ تشدید می‌شود.

نگاهی گذرا به جدول SAM در بالا نشانگر ویرانی و تباهی است

نمودار ۲۷: هزینه‌های پنهان رسوایی زنجانی
تأثیر پرونده فساد ۲.۷ میلیارد دلاری زنجانی بر اقتصاد ایران

• پول‌های ناپدید شده در شرکت بازرگانی نفتیران و نواحی خاکستری چین به ترتیب به معنای زیان خالص ۹۲ میلیارد دلار و ۸۴.۵ میلیارد دلار است.

• در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، تأثیر خالص زیان‌های ناشی از خربیم‌ها و فساد، به همراه رسوایی‌های مربوط به صندوق تثبیت نفت، از ۱ تریلیون دلار فراتر رفت.

اگر بخواهیم از زاویه دیگری به مشکل نگاه کنیم، سازمان بازرسی کل کشور در سال ۲۰۰۹ دولت احمدی‌نژاد را به تخلف گسترده متهم کرد. «ویسایت فردا» ادعا کرد بر اساس آمار اختلاف بین درآمدهای دولت احمدی‌نژاد و مبالغی که به حساب بانک مرکزی واریز شده است، ۶۶ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۰۹، در زمان انتشار گزارش، این مبلغ نشان می‌داد در طی چهار سال، از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ درآمدهای ناپدید شده معادل یک دهم درآمدهای نفتی ایران از سال ۱۹۷۹ بوده است.^{۲۵۱}

با در نظر گرفتن اختلاف ۶۶ میلیارد دلاری در طی ۴ سال و با این فرض که از دست رفتن درآمدهای نفتی ناشی از فساد در دوره احمدی‌نژاد در محدوده ۱۵ درصد بوده است (تقریباً ۱۲۰ میلیارد دلار از ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی). آنگاه با اعمال فزاینده ماتریس حسابداری اجتماعی مجلس، زیان خالص ناشی از فساد به اقتصاد ایران در دامنه ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار خواهد بود (به نمودار ۲۵ مراجعه نمایید). این رقم، برآورد کلی را که فساد و خربیم‌ها برای ایران بیش از ۱ تریلیون دلار هزینه داشته‌اند، مورد تأیید قرار می‌دهد.

اگر نرخ فساد در دوره احمدی‌نژاد بالاتر بود، که به احتمال زیاد چنین بود و به ۲۵ تا ۳۰ درصد می‌رسید، آنگاه زیان خالص ناشی از فساد می‌تواند به تنهایی در محدوده بالای تریلیون دلار باشد.

برای اینکه شمایی کلی از این ارقام در نظر آوریم، هزینه خربیم‌ها و فساد برای مردم ایران به بزرگی زانی است که ایران در جنگ ایران و عراق متحمل شد (به نمودار ۲۶ مراجعه نمایید).

به ازای هر بشکه نفت که مردم ایران به واسطه خربیم‌ها قادر به فروش آن نبودند، دست کم یک بشکه دیگر به دلیل فساد دزدیده می‌شد.

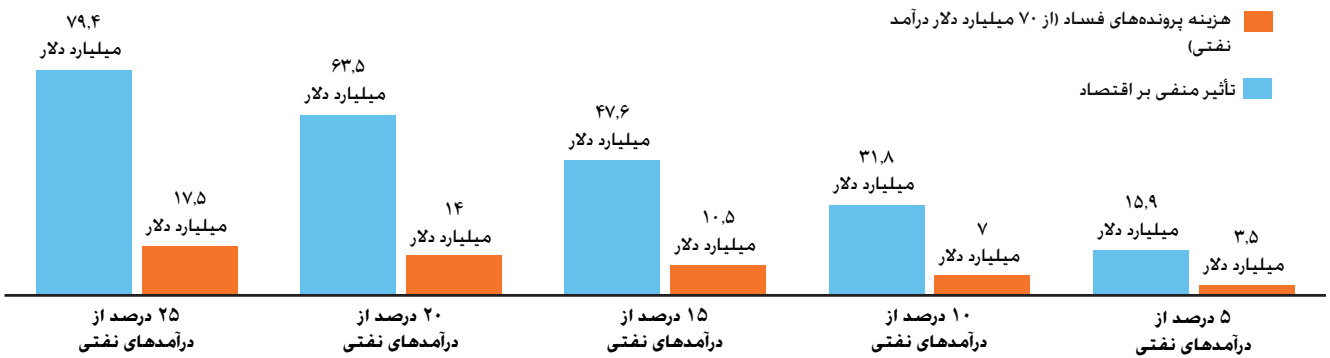
البته، میزان تأثیر واقعی فساد بر اقتصاد ایران در بخش‌های مختلف اقتصاد متفاوت است، چون ضریب‌های فزاینده در بخش‌های مختلف متفاوت هستند. اما اگر ضریب فزاینده را در محدوده ۳-۴ یا حتی کمتر فرض کنیم، هنوز میزان خسارت وارده هنگفت خواهد بود. درست است که افزایش بهای نفت در بیشتر دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد میزان زیان وارده را پنهان کرد. با این حال ایران فرصتی طلایی را در اقتصاد از دست داد که ممکن است هرگز تکرار نشود و خسارت‌هایی که از این فساد سامانمند بر جای ماند، تا چندین دهه بر گرده کشور سنگینی خواهد کرد.

۴.۱۶ میلیارد دلار	نفت خام	
۲.۰۹ میلیارد دلار	خانوارهای شهری	
۵۷۲ میلیارد دلار	فعالیت‌های دیگر	
۵۰۸ میلیارد دلار	خانوارهای روستایی	
۴۲۱ میلیارد دلار	لوازم خانگی	
۴۰۰ میلیارد دلار	خرده فروشی	
۳۸۵ میلیارد دلار	کشاورزی	
۲۷۸ میلیارد دلار	مواد غذایی	
۲۳۶ میلیارد دلار	بیمه	
۲۲۱ میلیارد دلار	حمل‌ونقل	
۲۰۵ میلیارد دلار	بهداشت و درمان	
۹۸ میلیارد دلار	آب	
۹۳ میلیارد دلار	وسایل نقلیه	
۸۵ میلیارد دلار	پست و مخابرات	
۸۱ میلیارد دلار	فلزات و ماشین‌آلات	
۷۶ میلیارد دلار	منسوجات	
۷۴ میلیارد دلار	برق و گاز طبیعی	
۷۳ میلیارد دلار	آموزش	
۴۴ میلیارد دلار	ماهگیری و دامداری	
۴۲ میلیارد دلار	خدمات مالی	
۳۷ میلیارد دلار	چوب	
۳۷ میلیارد دلار	ساختمان	

۱۰,۲۱
میلیارد
دلار

منبع: محاسبات «امید برای ایران» بر مبنای مدل فزاینده SAM مرکز پژوهش‌های مجلس، سال ۲۰۰۶

نمودار ۲۸: تأثیر فساد بر اقتصاد
درصدهای گوناگون فساد در صنعت نفت تا چه اندازه بر اقتصاد تأثیر منفی می‌گذارد؟



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: محاسبات «امید برای ایران» بر مبنای مدل فزاینده SAM مرکز پژوهش‌های مجلس، سال ۲۰۰۶

سناریوهای ۲ تا ۶ (جدول ۲، صفحه ۷۸) به ما امکان می‌دهد ابعاد سود و زیان ناشی از فساد، سوءمدیریت و بر باد دادن درآمدهای نفتی ایران را اندازه‌گیری کنیم. استفاده از تجربه کشورهای نفت‌خیز مانند نیجریه و عراق به عنوان نقطه مرجع، گویای آن است که بین ۱۵ تا ۵۰ درصد درآمدهای نفتی ممکن است ناپدید شود. دزدیده شود یا به نحوی از انجا بر باد رود (نمودار ۲۸). این درصدها می‌توانند فاجعه‌بار باشند. به عنوان نمونه، «کمیته حل اختلاف نیجریه» درآمدهای ناپدیدشده نفت را بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ در حدود ۱۵ درصد کل درآمد نفتی در نظر گرفت. نوحو ریبادو، رئیس پیشین کمیسیون جرایم مالی و اقتصادی نیجریه (EFCC) برآورد کرد در ۴۰ سالگی که از استقلال این کشور می‌گذرد ۳۸۰ میلیارد دلار «دزدی یا حیف و میل» صورت گرفته است.^{۲۵۳} دست کم نیجریه از امتیاز داشتن یک حسابرسی برخوردار بوده است. ایران این امتیاز را نداشته است.

برداشتی محافظه‌کارانه از سناریوی نیجریه - از دست رفتن ۱۵ درصد از درآمدهای نفتی - می‌تواند به عنوان مبنایی برای ایران به کار رود. شایان ذکر است که نیجریه تقریباً در تمام شاخص‌های مدیریت منابع که مؤسسه اداره منابع ملی (NRGI) منتشر کرده، عملکردی بهتر از ایران داشته است.^{۲۵۴} مقادیر ارائه شده در این تحلیل بر اساس قیمت‌های سال پایه در ترکیب با نرخ رایج برابری ریال-دلار در آن زمان تنظیم شده‌اند.

شش سناریو: اندازه‌گیری سود و زیان

سناریوی اول بر اساس رسوایی بابک زنجانی است - پرونده فساد که با اختلاس درآمدهای نفتی برای کشور در حدود ۲٫۷ میلیارد دلار هزینه در برداشت.^{۲۵۲} زنجانی متهم شد تقریباً ۱۵ درصد از ۱۷٫۵ میلیارد دلار درآمد حاصل از نفت را که باید از طریق شرکت‌های خود به دولت بازمی‌گرداند، بازنگردانده و در اختیار خود گرفته است. با توجه به اثر فزاینده، اگر بنا باشد مردم ایران درآمدهای نفتی را که به ترکیه، مالزی و بقیه شبکه شرکت‌های زنجانی سرازیر شده است بازگردانند، سود خالصی که اقتصاد ایران حاصل می‌کند تنها ۲٫۷ میلیارد دلار نخواهد بود. با استفاده از مدل‌سازی SAM می‌توانیم حلقه‌های ارتباطی را شناسایی کنیم و بدین ترتیب سود خالص هر بخش را مشخص کنیم (نمودار ۲۷). بازپس‌گیری این مبلغ و سرمایه‌گذاری آن در اقتصاد ایران به تأثیر ۴ میلیارد دلاری در بخش نفت خام و سود ۸۲۱ میلیون دلاری در بخش لوازم خانگی منجر خواهد شد. بخش‌های آموزش و بهداشت و درمان نیز در حدود ۲۷۸ میلیون دلار درآمد کسب خواهند کرد. مجموع درآمد خانوارهای ایرانی ۲٫۵ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. جمع زدن سود بخش‌های مختلف، مجموع سود شرکت‌های ایرانی را نمایان می‌سازد. همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، مجموع سودی که به شرکت‌های ایرانی خواهد رسید در حدود ۱۰۲ میلیارد دلار است که تقریباً چهار برابر پولی است که در پرونده فساد زنجانی ناپدید شده است.

حسابرسی اجمالی: تجزیه و تحلیل

خریم‌ها

وزارت خزانهداری ایالات متحده برآورد کرد که ایران بیش از ۱۶۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی خود را به واسطه خریدها از دست داد. با توجه به ضریب فزاینده ماتریس حسابداری اجتماعی، مجموع زیان وارده به اقتصاد برای ۱۶۰ میلیارد دلار، به راحتی به بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌گردد. با در نظر گرفتن این واقعیت که بخش نفت خام، بزرگترین سهم را در تولید ناخالص داخلی دارد، بدترین ضربه را نیز همین بخش با از دست دادن حدود ۲۴۴ میلیارد دلار از درآمدهای خود متحمل می‌شود. تأثیر بر خانوارهای روستایی و شهری به همراه هم بیش از ۱۵۲.۸ میلیارد دلار و تأثیر بر دیگر بخش‌های کلیدی در حد ۲۰۳.۵ میلیارد دلار بود. حتی بدون در نظر گرفتن فساد، ارقام مربوط به خریدها نمایانگر بهایی است که مردم ایران برای برنامه هسته‌ای پرداخته‌اند.

شرکت بازرگانی نفتیران (NICO)

بانک مرکزی ایران مدعی است بیش از ۲۴.۵ میلیارد دلار از ذخایر ارزی آن با نقض قانون و بدون دریافت مجوزهای لازم توسط شرکت بازرگانی نفتیران، بازوی فراساحلی شرکت ملی نفت ایران از حساب این بانک برداشت و مصرف شده است. زنگنه، وزیر نفت این اتهام را رد کرده و ادعا کرد بانک مرکزی این پول را در نوع حساب مناسب واریز نکرده بود. فارغ از این ادعاها، هیچ‌کس نمی‌تواند توضیح دهد این پول اکنون در کجاست. چه کسی این حساب‌ها را کنترل می‌کرد، پول‌ها چگونه منتقل شدند، در کجا و در چه زمانی، در چه پروژه‌هایی و با مجوز چه کسی خرج شدند. هیچ‌کس هم نمی‌داند این پول در چه زمان و چگونه به مردم ایران بازگردانده خواهد شد. با فرض این که این مبالغ با دزدیده شده‌اند و یا بر باد رفته‌اند و با استفاده از شبیه‌سازی‌های این مطالعه، مجموع زیان‌هایی که به دلیل رسوایی شرکت نفتیران بر اقتصاد ایران وارد شده، تنها در این بازه زمانی در حدود ۹۲ میلیارد دلار است. این به معنای بیش از ۲۰ میلیارد دلار زیان برای خانوارهای شهری و روستایی است و زیانی که متوجه بخش‌های خرده‌فروشی، کشاورزی، مواد غذایی، بیمه و حمل‌ونقل می‌شود نیز تقریباً ۲۰ میلیارد دلار است.

چین

قلمرو تاریک دیگری که پیش روی ماست سرنوشت ۲۲.۵ میلیارد

درواقع، هر ۵ درصد کاهش در سطح فساد، به منزله

سود خالص تقریبی ۱۶ میلیارد دلار برای اقتصاد

ایران است.

دلاری است که در اختیار چین قرار دارد. دولت توضیح قانع‌کننده‌ای درباره ماهیت امتیازاتی که وزارت نفت در قالب قرارداد به چین داده، به مردم ایران ارائه نداده است. روشن نیست چند محموله نفت، از طریق کدام مسیرها، با چه قیمت و در چه زمانی به چین ارسال شده است. دولت در مورد اینکه این پول نزد چه کسی نگهداری می‌شود و مردم ایران در ازای آن چه چیزی به دست آورده‌اند نیز توضیح درخوری ارائه نداده است. اگر فرض بر این باشد که این پول به ایران بازخواهد گشت، ۲۲.۵ میلیارد دلار زیان در درآمدهای نفت به معنای ۸۴.۵ میلیارد دلار زیان برای اقتصاد ایران خواهد بود.

بانک‌ها

رئیس بانک مرکزی ایران همچنین ادعا کرد تکلیف ۱۰ میلیارد دلار دیگر که به بانک‌های ایرانی سپرده شده است، مشخص نیست. در این مورد نیز توضیحی درباره چرایی و چگونگی انتقال این مبالغ و اینکه با چه مجوزی و تحت چه شرایطی و به کدام بانک منتقل شدند، در کار نیست. هیچ شفاف‌سازی درباره اینکه بانک‌ها این پول‌ها را به چه کسانی وام داده‌اند و دولت برای بازپس‌گیری آنها چه اقداماتی انجام داده است، به چشم نمی‌خورد. زیان خالص واردشده به اقتصاد ایران از محل این زیان به ۳۷.۵ میلیارد دلار می‌رسد.

پرونده‌های دادگاه

زیان خالص وارده به اقتصاد ایران از محل ۳.۵ میلیارد دلار درآمد نفتی که گفته می‌شود در پرونده‌های دادگاهی گرفتار شده است، ۱۳.۱ میلیارد دلار است.

صندوق تثبیت نفت (OSF)

طبق گزارش بانک جهانی، به جای انباشت ۷۴ میلیارد دلار در صندوق تثبیت نفت بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، این صندوق تنها ۲۹ میلیارد دلار دریافت کرده است - یعنی ۴۵ میلیارد دلار اختلاف. «سازمان ناظر بر درآمد» نیز به رسوایی دیگری اشاره کرد که طی آن ۳۶ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی از دست رفته است. با استفاده

جدول ۲: تأثیر فساد در بخش نفت بر اقتصاد ایران (برحسب میلیارد دلار امریکا)

بخش	سناریو ۱	سناریو ۲	سناریو ۳	سناریو ۴	سناریو ۵	سناریو ۶
میزان رسوایی	۲.۷ میلیارد دلار	۳.۵ میلیارد دلار	۷.۰ میلیارد دلار	۱۰.۵ میلیارد دلار	۱۴.۰ میلیارد دلار	۱۷.۵ میلیارد دلار
زنجانی	%۵ درآمد نفت	%۵ درآمد نفت	%۱۰ درآمد نفت	%۱۵ درآمد نفت	%۲۰ درآمد نفت	%۲۵ درآمد نفت
نفت خام	\$۴,۱۵۵	\$۶,۴۶۱	\$۱۲,۹۲۲	\$۱۹,۳۸۳	\$۲۵,۸۴۴	\$۳۲,۳۰۴
خانوارهای شهری	\$۲,۰۸۹	\$۳,۲۸۴	\$۶,۴۹۷	\$۹,۷۴۵	\$۱۲,۹۹۳	\$۱۶,۲۴۱
فعالیت‌های دیگر	\$۵۷۲	\$۸۹۰	\$۱,۷۸۰	\$۲,۶۷۰	\$۳,۵۶۰	\$۴,۴۵۰
خانوارهای روستایی	\$۵۰۸	\$۷۹۰	\$۱,۵۸۰	\$۲,۳۷۰	\$۳,۱۵۹	\$۳,۹۴۹
لوازم خانگی	\$۴۲۱	\$۶۵۴	\$۱,۳۰۹	\$۱,۹۶۳	\$۲,۶۱۷	\$۳,۲۷۲
خرده فروشی	\$۴۰۰	\$۶۲۲	\$۱,۲۴۳	\$۱,۸۶۵	\$۲,۴۸۷	\$۳,۱۰۸
کشاورزی	\$۳۸۵	\$۵۹۹	\$۱,۱۹۹	\$۱,۷۹۸	\$۲,۳۹۷	\$۲,۹۹۷
مواد غذایی	\$۲۷۸	\$۴۲۲	\$۸۶۴	\$۱,۲۹۶	\$۱,۷۲۹	\$۲,۱۶۱
بیمه	\$۲۳۶	\$۳۶۷	\$۷۳۴	\$۱,۱۰۱	\$۱,۴۶۷	\$۱,۸۳۴
حمل و نقل	\$۲۲۱	\$۳۴۳	\$۶۸۷	\$۱,۰۳۰	\$۱,۳۷۴	\$۱,۷۱۷
بهداشت و درمان	\$۲۰۵	\$۳۱۹	\$۶۳۸	\$۹۵۷	\$۱,۲۷۶	\$۱,۵۹۵
آب	\$۹۸	\$۱۵۳	\$۳۰۶	\$۴۵۹	\$۶۱۳	\$۷۶۶
وسایل نقلیه	\$۹۳	\$۱۴۵	\$۲۹۰	\$۴۳۵	\$۵۷۹	\$۷۲۴
پست و مخابرات	\$۸۵	\$۱۳۲	\$۲۶۵	\$۳۹۷	\$۵۳۰	\$۶۶۲
فلزات و ماشین آلات	\$۸۱	\$۱۲۶	\$۲۵۲	\$۳۷۸	\$۵۰۴	\$۶۳۰
منسوجات	\$۷۶	\$۱۱۹	\$۲۳۸	\$۳۵۶	\$۴۷۵	\$۵۹۴
برق و گاز طبیعی	\$۷۴	\$۱۱۵	\$۲۳۰	\$۳۴۶	\$۴۶۱	\$۵۷۶
آموزش	\$۷۳	\$۱۱۳	\$۲۲۷	\$۳۴۰	\$۴۵۳	\$۵۶۷
ماهگیری و دامداری	\$۴۴	\$۶۸	\$۱۳۶	\$۲۰۳	\$۲۷۱	\$۳۳۹
خدمات مالی	\$۴۲	\$۶۶	\$۱۳۲	\$۱۹۸	\$۲۶۴	\$۳۳۰
چوب	\$۳۷	\$۵۷	\$۱۱۴	\$۱۷۱	\$۲۲۸	\$۲۸۴
ساختمان	\$۳۷	\$۵۷	\$۱۱۵	\$۱۷۲	\$۲۳۰	\$۲۸۷
جمع کل	\$۱۰,۲۱۲	\$۱۵,۸۷۸	\$۳۱,۷۵۵	\$۴۷,۶۳۳	\$۶۳,۵۱۱	\$۷۹,۳۸۹

جدول ۳: سود حاصل از بازگرداندن درآمدهای نفتی (بر حسب میلیارد دلار)

بخش	سناریو ۱	سناریو ۲	سناریو ۳	سناریو ۴	سناریو ۵	سناریو ۶
میزان رسوایی	۲.۷ میلیارد دلار	۳.۵ میلیارد دلار	۷.۰ میلیارد دلار	۱۰.۵ میلیارد دلار	۱۴.۰ میلیارد دلار	۱۷.۵ میلیارد دلار
زنجانی	%۵ درآمد نفت	%۵ درآمد نفت	%۱۰ درآمد نفت	%۱۵ درآمد نفت	%۲۰ درآمد نفت	%۲۵ درآمد نفت
مجموع هزینه‌ها	\$۱۰,۲۱۲	\$۱۵,۸۷۸	\$۳۱,۷۵۵	\$۴۷,۶۳۳	\$۶۳,۵۱۱	\$۷۹,۳۸۹

سناریوی ۱ تأثیر رسوایی زنجانی را نمایش می‌دهد. سناریوهای ۲ تا ۶ تأثیر فساد را بر از دست رفتن ۵ تا ۲۵ درصد درآمدهای نفتی نشان می‌دهد؛ در این میان سناریوی ۴ تأثیر فساد را در صورت از دست رفتن ۱۵ درصد درآمد نفت (نیجریه) نمایش می‌دهد - سرگت ۴۷.۶ میلیارد دلاری علیه مردم ایران.

از تکنیک SAM مجموع زیان‌های ناشی از تاراج صندوق تثبیت نفت بر اقتصاد تقریباً ۳۰۴ میلیارد دلار است.

جدول ۲ تأثیر کلی فساد بر اقتصاد ایران را به تفکیک بخش اقتصاد با استفاده از ماتریکس حسابداری اجتماعی نشان می‌دهد.

جدول ۳ تأثیر خالص سود و زیان اقتصاد را در نتیجه تغییر سطح

اگر درآمدهای نفتی را در محدوده ۷۰ میلیارد دلار فرض کنیم، مشخص خواهد شد که جلوگیری از یک پرونده فساد مانند پرونده زنجانی، به معنای بازبایی ۲.۷ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی از دست رفته و جبران بیش از ۱۰ میلیارد دلار زیان اقتصادی است.

در واقع، هر ۵ درصد کاهش در سطح فساد، به منزله سود خالص تقریبی ۱۶ میلیارد دلار برای اقتصاد ایران است.

قرار گیرد. اما لازمه حرکت در این مسیر اتخاذ رهیافتی جدید نسبت به اداره کشور است. رهیافتی که در آن فرهنگ شفافیت و افزایش جای فرهنگ رازورزی و پرده‌پوشی را بگیرد. این رهیافت همچنین به معنای نهادینه کردن اصلاحاتی است که به منظور افزایش هرچه بیشتر پاسخگویی و شفافیت طراحی شده‌اند. از جمله برنامه‌هایی که به جای پنهان ساختن، به خاطر بر ملا کردن فساد مشوق‌هایی در نظر می‌گیرند.

در حالی که افراد فاسد در نظامی که برای فساد پاداش در نظر می‌گیرد سهم عمده ای دارند. مردم ایران در کل علاقه‌مند به نظام حکومتی هستند که از اعتماد عمومی حفاظت کند.

کاهش فساد، حتی در حد ۵ درصد می‌تواند مزایای اقتصادی فراوانی به دنبال داشته باشد. و پولی که از این طریق به دست می‌آید می‌تواند جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف مورد استفاده

تأثیر بر خانوارها

یک دلار به دست می‌آورند. با احتساب خانوارهای روستایی رقم زیان افزایش می‌یابد. هر یک درصد زیان یا سود در بخش نفت و گاز تقریباً به صورت مستقیم به سود یا زیانی معادل برای خانوارهای شهری و روستایی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر دزدی در بخش نفت و گاز گرچه برای افراد عادی قابل رویت نیست، معادل دزدی از خانه همه مردم ایران است.

بین درآمدهای ناپدید شده نفت و خانوارهای شهری همبستگی مستقیم وجود دارد. ۵٪ زیان در درآمد نفت -۳.۵ میلیارد دلار- به معنای ۳.۲۵ میلیارد دلار زیان برای خانوارهای شهری و ۷۹۰ میلیون دلار زیان برای خانوارهای روستایی است.

بنابراین به ازای هر یک دلار نفتی که دزدیده می‌شود یا بازگردانده می‌شود، خانوارهای شهری، به تنهایی یک دلار از دست می‌دهند یا

فساد به منزله واگذاری سرمایه (Divestment)

صحيح درآمدهای نفتی مردم ایران، وابستگی کشور را به سرمایه خارجی که تحت شرایط دشوار به دست می‌آید کاهش می‌دهد. بدین ترتیب این اقدام برای استقلال سیاسی و اقتصادی ایران ضروری است.

همان گونه که پیشتر گفته شد، برای هر یک دلار که از درآمدهای نفتی از دست می‌رود، زیان وارده به بخش نفت خام تقریباً دو برابر است. دزدی ۲.۷ میلیارد دلاری زنجانی به معنای ۴.۲ میلیارد دلار زیان برای بخش نفت بود. ۵٪ زیان برای درآمدهای نفتی به معنای ۶.۵

میلیارد دلار زیان برای بخش نفت است و ۱۰٪ زیان به معنای ۱۲.۹ میلیارد دلار زیان و ۲۵٪ زیان به مفهوم ۳۲ میلیارد دلار زیان در بخش نفت است -بیش از مجموع سرمایه‌گذاری خارجی که آقای زنگنه در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به دنبال جذب آن بود. نکته ساده است. برای دولتی که به استقلال اقتصادی خود افتخار می‌کند، چشم بستن بر فساد یعنی وابسته کردن ایران به سرمایه‌گذاری خارجی. به بیان دیگر، بهترین و ارزان‌ترین راه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران این است که جلوی فساد در این بخش گرفته شود.

بهترین و ارزان‌ترین راه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران این است که جلوی فساد در این بخش گرفته شود

آن خود می‌کنند. چنین کلاهبرداری‌هایی ضرورتاً به عرضه بخش نفت خام به صورت اوراق قرضه با ریسک بالا (junkbonding) منتهی می‌شود. همان‌گونه که در پرونده زنجانی نشان داده شد. میلیاردها دلار با استفاده از طرح های پونزی (Ponzi) پیچیده، به صورت غیرقانونی از سودآورترین بخش اقتصاد ایران خارج می‌شود و مردم ایران - کارگران و بازنشستگان و سرمایه‌گذاران - می‌مانند و بخش‌های اقتصادی ورشکسته و توخالی.

اگر بخواهیم مقایسه ای بین نفت و آب انجام دهیم، دزدی و منحرف کردن جریان نفت با وجود ارتباط آن با دیگر بخش‌های اقتصاد از قبیل کشاورزی، حمل‌ونقل، بهداشت و درمان و آموزش، مانند آن است که جریان آب را از سمت شهرها و استان‌ها منحرف کنیم و یک باغ اقتصادی شکوفا را به یک کویر مالی تبدیل کنیم. (برای اطلاعات بیشتر درباره متدولوژی استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی در این بخش به ضمیمه ۱ مراجعه نمایید.)

در معرض فساد است. برگرده خود تحمل کنند. چنین سیستمی کارگران و کارمندان را به ناظران منفعل یا شریکان همدست در ویرانی آینده اقتصادی خود تبدیل می‌کند. به جای رعایت مقررات، استانداردها و حفظ کیفیت به منظور تضمین بیشترین بازده سرمایه‌گذاری برای مردم ایران در بخش نفت، کارگران و مدیران بهای فساد سامانند و اهمال‌کاری را می‌پردازند و بار مسؤولیت آن را بر دوش می‌کشند. نتیجه آن که نه تنها دستمزدها افزایش پیدا نکرده و ثابت مانده است، بلکه ارزش‌ها، فرصت‌ها، سرمایه‌گذاری، بازارها، بازده و روحیه کارگران افت کرده است.

یکی از موضوعات بسیار نگران‌کننده، پولشویی درآمدهای ناپدیدشده نفتی از طریق نظام مالی و بانکی بیمار کشور است. خودی‌های رژیم در این نظام بانکی بیمار با استفاده از شرکت‌ها و بنیادهای صوری، دارایی‌های ملی را که با تخفیف‌های بسیار بالا به حراج گذاشته شده‌اند، اغلب با استفاده از وام‌های مشکوک بانکی یا دستکاری صندوق‌های بازنشستگی، خصوصی‌سازی را از

میلیاردها دلار زبانی که به چشم نمی‌آید: هزینه انسانی فساد



«به علاوه، ۲ میلیارد دلار رقم قابل توجهی نیست.»

عزت‌الله یوسفیان ملا، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

جدیدی انجام شده که ارقام جدید را توضیح می‌دهد. به علاوه، ۲ میلیارد دلار رقم قابل توجهی نیست.»^{۲۵۷}

با این حال، حتی ساده‌ترین بررسی بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران نشان می‌دهد جلوگیری از طاعون فساد میلیون‌ها دلار برای این بخش‌ها به ارمغان خواهد آورد.

هر یک میلیارد دلاری که برای مردم ایران سرمایه‌گذاری شود، فواید بیشماری از حیث فرصت‌های شغلی، بهداشت و درمان، آموزش، مسکن و امنیت در بر دارد. به همین منوال، هر یک میلیارد دلاری که از سوی سارقان حکومتی دزدیده می‌شود یا بر باد می‌رود، مانند زلزله‌ای مالی است که بر زندگی، خانواده، خانه و ذهن ایرانیان تأثیر می‌گذارد.

بیکاری: بر باد دادن فرصت‌های شغلی

تأثیر فساد در هیچ کجا ملموس تر و عمیق‌تر از پیش‌بینی‌های اقتصادی تیره و تار مربوط به آینده ایران نیست. فساد میلیون‌ها ایرانی، به ویژه جوانان را به بیکاری و میلیون‌ها تن دیگر را به داشتن مشاغل پاره‌وقت محکوم می‌کند.

سیدمهدی برکچیان بر باد رفتن فرصت طلایی اقتصادی را که نصیب ایران شده بود، به طور خلاصه تشریح کرده است. او اشاره کرد از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ که قیمت نفت به هر بشکه بیش از ۱۰۰ دلار رسیده بود، رشد اقتصادی ایران فقط ۲.۲ درصد و نرخ تورم سالانه ۱۶ درصد بالاتر از میانگین جهانی بود. سرازیر شدن کالاهای وارداتی، عمدتاً از کشور چین به ایران، نه تنها رشد اقتصادی به ارمغان نیآورد، بلکه به سقوط صنایع ایرانی منجر شد و باعث

کوفی عنان در سخنرانی افتتاحیه خود در مجمع ضدفساد سازمان ملل گفت، «فساد طاعونی مودی و خزنده است که تأثیرات فرساینده دامنه‌داری بر جوامع مختلف دارد. فساد دموکراسی و حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند، به نقض حقوق بشر می‌انجامد، بازارها را آشفته می‌سازد، کیفیت زندگی را پایین می‌آورد و به جنایت‌های سازمان یافته، تروریسم و دیگر تهدیدها علیه امنیت بشر فرصت گسترش می‌دهد.»^{۲۵۵}

متأسفانه تمام این تأثیرات فرساینده در ایران به خوبی عیانند. در واقع خسارت وارده به ایران به قدری سنگین است که مقام رهبری با اشاره به فساد اعتراف کرد ایران «۲۰ سال عقب است.»^{۲۵۶} درحالی که جرایم یقه سفید [جرایم عاری از خشونت افراد رده بالا با مقاصد مالی] تحت گروه جنایت علیه بشریت طبقه‌بندی نمی‌شوند، پیامدهای این حرص و آز به حدی شدید است که تنها در مواردی چون جنگ، بیماری‌های همه‌گیر و قحطی می‌توان تأثیرات مشابه آن را دید.

درحالی که سیاستمداران ایران، در زمینه مقصر جا زدن امریکا در غارت منابع ایران به بازیگرانی قابل تبدیل شده‌اند، زبان بزرگ‌تر از دست رفتن ثروت‌های عمومی در داخل ایران را نادیده می‌گیرند.

این برخورد سرسری و سهل‌انگارانه مسؤولان ایران در سخنان عزت‌الله یوسفیان ملا، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس به خوبی آشکار است. یوسفیان اختلاف ۲ میلیارد دلاری در اظهارات رئیس بانک مرکزی درباره پول‌های آزاد شده پس از رفع تحریم‌ها را بی‌اهمیت دانست و گفت: «اطلاع دقیق ندارم، شاید محاسبات



عزت‌الله یوسفیان ملا، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

منبع: اتاق خبر



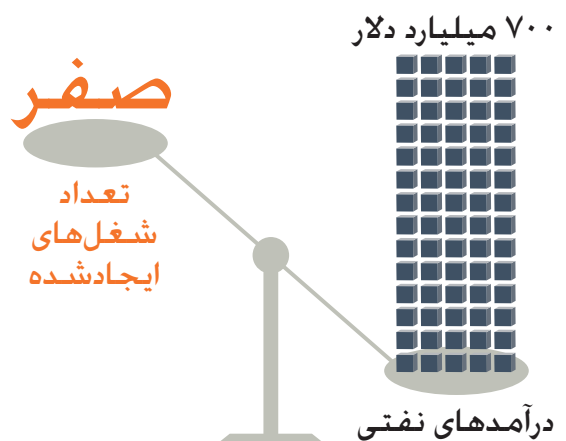
جهت عقربه ساعت از چپ: زنی در حال تکدی در ترافیک تهران. ۲۰۱۶: مردی به دنبال غذا در میان زباله‌ها در تهران. ۲۰۱۶: دستفروشی در تهران. ۲۰۱۶: کودک زنی متکدی در حال گاز زدن مدام. تهران. ۲۰۱۶. امید برای ایران

شد بیش از ۲۵۰۰ شرکت صنعتی بیش از ۵۰۰ هزار تن از نیروهای خود را اخراج کنند. علی‌رغم سرازیر شدن ۷۰۰ میلیارد دلار حاصل از درآمدهای نفتی به داخل کشور از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۳. تعداد کل مشاغل ایجاد شده در ایران در این بازه زمانی برابر با صفر بود (نمودار ۲۹).^{۲۵۸}

بیش از ۶۰ درصد جمعیت ایران زیر ۳۰ سال سن دارد.^{۲۵۹} هیچ گروهی بیش از این گروه در آینده ایران سهم ندارد و هیچ گروهی به اندازه آنان مالک ذخایر و درآمدهای نفتی نیست. اما در کمال تأسف شاهدهیم که جوانان ایران نه تنها از نظام سیاسی ایران کنار گذاشته شده‌اند، بلکه در بازار کار نیز جایی برای آنان نیست. جواد صالحی اصفهانی با بررسی زوال چشم‌انداز اشتغال جوانان در دو دهه گذشته اشاره کرد نرخ بیکاری در میان مردان جوان «از ۱۳.۷ درصد در سال ۱۹۸۴ به تدریج افزایش پیدا کرد و به ۱۹.۲ درصد در سال ۲۰۰۷ رسید و سپس به ۲۳.۴ درصد در سال ۲۰۰۸ افزایش پیدا کرد.»^{۲۶۰} در مورد زنان «نرخ بیکاری بیش از دو برابر افزایش پیدا کرد و از ۱۶.۹ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۳۷.۹ درصد در سال ۲۰۰۷ رسید و در سال ۲۰۰۸ تا ۴۶.۳ درصد افزایش پیدا کرد.»^{۲۶۱}

نمودار ۲۹: مشاغل‌های ایجاد شده در زمان اوج گیری قیمت نفت ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳

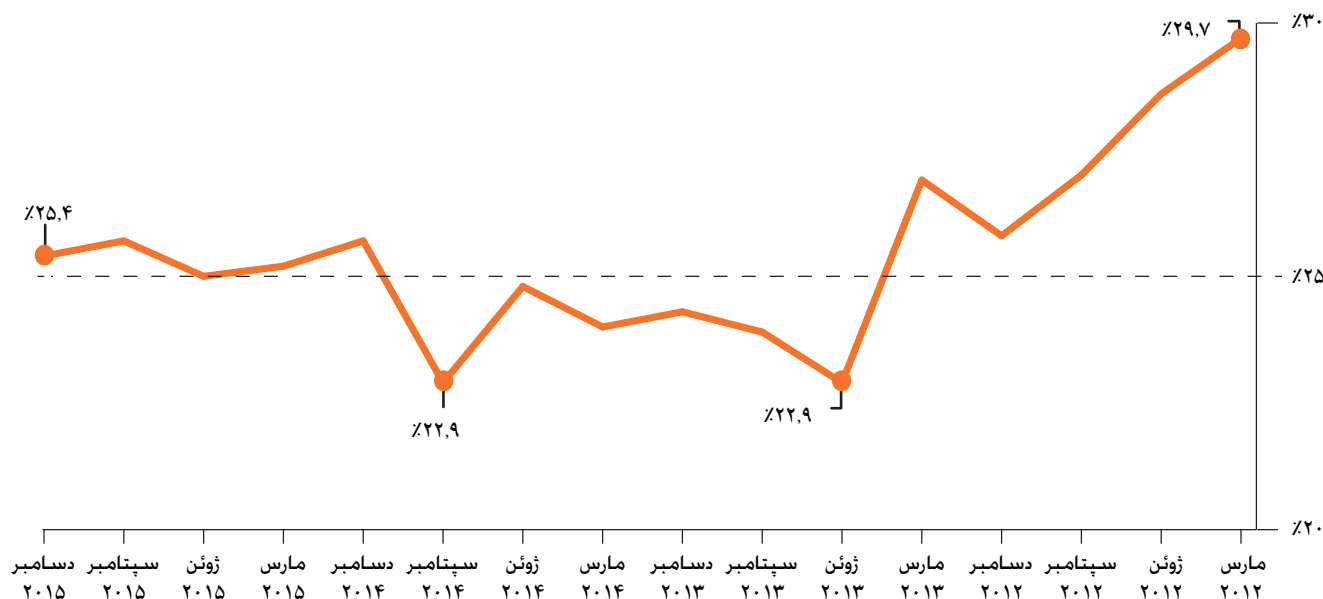
۱۰ میلیارد دلار



گرافیک «نفت من کجاست؟» منبع: دانشگاه فنی شریف، ایران

نمودار ۳۰: بیکاری جوانان ایران

درصد جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ایرانی که فاقد کار هستند اما آماده کار و در جستجوی کار هستند



گرافیک «نفث من کجاست؟»
منبع: مرکز آمار ایران

موضوع در این است که تقریباً ۵۰ سال قبل، در اواسط دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران در حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد و بالاتر از چین و هند بود.

براساس برآوردهای خود جمهوری اسلامی، دولت باید در دو سال ۸.۵ میلیون شغل ایجاد می‌کرد تا نرخ بیکاری را به ۷ درصد در سال ۲۰۱۶ برساند. علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی (که پیشتر عضو شورای عالی کار و معاون پارلمانی وزیر اطلاعات بود) تصریح کرد بیکاری در ایران در ۷ سال آینده به شدت افزایش خواهد یافت. به گزارش خبرگزاری کار ایران، اینلنا، ربیعی گفت در حال حاضر تعداد نیروی کار ۲.۵ میلیون نفر و نرخ بیکاری ۱۰.۲ درصد است اما تا سال ۲۰۲۱ «انتظار داریم نیروی کار به رقم عظیم ۴۲.۵ میلیون نفر برسد که از این میان ۷.۵ میلیون نفر یا ۱۷.۶ درصد بیکار خواهند بود.»^{۲۶۵} ربیعی گلایه کرد که دانشگاه رفته‌ها «کارهایی را که نیاز به استفاده از دست دارند» نمی‌پذیرند و بدین ترتیب اقتصاد را بیشتر به مهاجران افغان وابسته می‌سازند.^{۲۶۶}

موسی‌الرضا ثروتی، نماینده مجلس اظهار داشت تعداد کل بیکاران در ایران ۵ میلیون نفر است و مجلس ۴ هزار میلیارد تومان، کمی بیش از ۱ میلیارد دلار برای ایجاد شغل تخصیص داده است.^{۲۶۷} روزنامه شرق نوشت وزیر کار سه گروه از ارقام را برای محاسبه تعداد مشاغلی که دولت می‌تواند ایجاد کند، ارائه کرده است. گرچه برآورد ربیعی از «مؤسسه مالی بین‌المللی» پایین‌تر است، وی هزینه ایجاد یک شغل را در گروه اول رقمی بین ۲۰ تا ۷۰ میلیون

اصلاحات روحانی تا سال ۲۰۱۴ جلوی بیکاری را نگرفت. نرخ مشارکت نیروی کار تا ۳۷.۲ درصد پایین آمد و نرخ بیکاری کل جمعیت از ۱۰.۴ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۱۱.۴ درصد در ۲۰۱۴ رسید. بیکاری جوانان به میزان قابل توجهی بدتر از نرخ کلی بیکاری بود (نمودار ۳۰). بر اساس گزارش «مرکز آمار ایران»، در میان جوانان بین ۱۵ و ۲۹ ساله، ۲۱.۸ درصد بیکار بودند. این رقم برای زنان جوان در حدود ۴۰ درصد بود.^{۲۶۲} تا سه ماهه سوم سال ۲۰۱۶، نرخ بیکاری به رشد خود ادامه داد و از ۱۲ درصد گذشت. با رشد اقتصادی سالانه بین ۱.۵ تا ۳ درصد که به میزان قابل ملاحظه‌ای کمتر از هدف ۵ درصدی روحانی بود، وزیر کشور ایران، عبدالرضا رحمانی فضلی، پیش‌بینی کرد بیکاری و تورم در کوتاه مدت به دوبرابر افزایش پیدا خواهد کرد.^{۲۶۳}

دلالت‌های ضمنی مربوط به جمعیت‌شناسی هولناک بودند. جمهوری اسلامی باید بیش از ۱ میلیون شغل ایجاد می‌کرد تا بتواند جوانانی را که وارد بازار کار می‌شوند، جذب کند. اما جمهوری اسلامی تنها قادر بود ۳۰۰ هزار شغل ایجاد کند - تقریباً یک شغل به ازای هر سه جوان ایرانی. برای ایجاد ۹۰۰ هزار شغل، نرخ رشد باید بیش از ۸ درصد می‌بود، نه ۳.۷ درصد.^{۲۶۴} درحالی که کشورهای چون بنگلادش، ویتنام، کنیا، چین و هند همگی در سال ۲۰۱۵ از نرخ واقعی رشد تولید ناخالص داخلی ۶.۵ تا ۷.۵ درصد برخوردار بودند، ایران با وجود منابع طبیعی گسترده و نیروی کار تحصیل‌کرده، نسبت به این کشورها عقب بود. طنز تلخ

شغل من کجاست؟

هزینه ایجاد یک شغل بر اساس رده‌بندی وزارت کار ایران

مشاغل گروه ۴ ۱۲۰,۰۰۰ دلار	مشاغل گروه ۳ ۴۵,۰۰۰ دلار	مشاغل گروه ۲ ۲۱,۰۰۰ دلار	مشاغل گروه ۱ ۶,۰۰۰ دلار
------------------------------	-----------------------------	-----------------------------	----------------------------

تعداد مشاغل بر باد رفته به واسطه فساد

فساد	پول ناپدیدشده	مشاغل گروه ۱	مشاغل گروه ۲	مشاغل گروه ۳	مشاغل گروه ۴
شرکت بازرگانی نفتیران (نیکو) ذخایر ارزی بانک مرکزی بدون مجوز و بدون حسابرسی از سوی بازوی فراساحلی شرکت نفت برداشت شد	\$ ۲۴,۵ میلیارد	۴,۱ میلیون	۱,۲ میلیون	۵۴۴ هزار	۲۰۴ هزار
چین تضمین‌ها و اعتبار پروژه‌های مشترک بین شرکت ملی نفت ایران و چین، بخشی از توافقی که به ترکمنچای تشبیه شده	\$ ۲۲,۵ میلیارد	۳,۸ میلیون	۱,۱ میلیون	۵۰۰ هزار	۱۸۸ هزار
بانک‌های ایرانی منابع مسدودشده ایران که بانک مرکزی به پشتوانه آنها به بانک‌های داخلی وام پرداخت کرد و «وضعیت آنها مشکوک است»	\$ ۱۰ میلیارد	۱,۷ میلیون	۴۷۶ هزار	۲۲۲ هزار	۸۳ هزار
احکام دادگاهی و اقدامات قانونی دارایی‌های ایران که به دلیل حکم دادگاه یا اقدامات قانونی مانند بیکگذاری مقرر تفنگداران دریایی در بیروت در سال ۱۹۸۳ مسدود شده‌اند	\$ ۳,۵ میلیارد	۵۸۳ هزار	۱۶۷ هزار	۷۸ هزار	۲۹ هزار
پرونده رسوایی زنجانی سرقت نفت توسط «مافیای نفتی» بابک زنجانی	\$ ۲,۷ میلیارد	۴۵۰ هزار	۱۲۹ هزار	۶۰ هزار	۲۳ هزار
بودجه اشتغالزایی دولت سرمایه‌گذاری پیشنهادی برای اشتغالزایی	۱ میلیارد دلار	۱۶۷ هزار	۴۸ هزار	۲۲ هزار	۸ هزار

نفت من کجاست؟ فساد در بخش نفت و گاز ایران
منبع: مشرق، ۱۰ می ۲۰۱۵؛ شرق، ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۵؛ مردم‌سالاری، ۳ اوت ۲۰۱۵؛ اکسپرس تریبون، ۷ جولای ۲۰۱۲؛ دنیای اقتصاد، ۱۷ ژوئن ۲۰۰۷.

این برنامه‌های دولتی به جای اشتغالزایی برای جوانان ایرانی میلیاردها دلار را به سوی مناطق خاکستری-بخش‌های فاسد بانکداری، مالی و مسکن که خط مقدم رشوه و کلاهبرداری هستند- سرازیر کرد.

فساد یکی از سبب‌های اصلی بیکاری در ایران است. در اقتصاد سالم که در آن درآمدهای نفتی دزدیده نمی‌شوند، بانکها مؤسسات جنایی محسوب نمی‌شوند و نظام قضایی فاسد نیست. سرمایه‌های دولتی و خصوصی می‌تواند صدها هزار و حتی میلیون‌ها شغل ایجاد کند. نرخ رشد ایران پیش از سال ۱۹۷۹ به صورت مداوم یکی از بالاترین نرخ‌های رشد در کل جهان بود. عملاً تمام بخش‌های اقتصاد ایران اشتغالزایی می‌کردند. و این اشتغالزایی چنان شتابی داشت که ایران مثل یک نیروی مغناطیسی جهانی مهندسان و معماران و معلمان و کارگران خارجی را به خود جذب می‌کرد. و در این زمینه بسیار جلوتر از دومی و دیگر کشورهای عربی بود. سرمایه و مغزهای ایرانی در اولین فرصت از کشور فرار نمی‌کردند. بلکه به کشور بازمی‌گشتند. سرمایه‌گذاری می‌کردند و آینده کشور را می‌ساختند.

چنین چشم‌انداز اقتصادی خارج از دسترس مردم ایران نیست. با این حال تا وقتی اقتصاد ایران به جای اداره شدن به شیوه شایسته‌سالاری، در چنگال دزدسالاری اسیر باشد، رشد و شکوفایی اقتصادی فرصت تحقق نخواهند یافت. دزدسالاری در بستر دزدی و خویشاوندسالاری می‌بالد و زمینه رشد خویش را با دامن زدن به جهل و تعصب فراهم می‌کند. شایسته‌سالاری در بستر دانش و اخلاق شکوفا می‌شود. پس برای رشد و شکوفایی خود دانش و اخلاق را از طریق آموزش ارتقا می‌بخشد و با مساوات و انصاف حفظ می‌کند.

با در نظر گرفتن میانگین وزنی اشتغالزایی «مؤسسه مالی بین‌المللی» (IFC) و بسته به بخش اقتصاد، هر ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در اقتصاد، می‌تواند بین ۱۰۰ تا ۶۰۰ شغل ایجاد کند. به همین منوال، هر ۱ میلیارد دلار می‌تواند بین ۱۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کند. بدین ترتیب با توجه به مبلغ دزدی بابک زنجانی، ۲.۷ میلیارد دلار، اگر این مبلغ به ایران بازمی‌گشت و سرمایه‌گذاری می‌شد، اثر بلاواسطه آن می‌توانست ایجاد ۲۷۰ هزار تا ۱ میلیون و ۶۲۰ هزار شغل باشد. مبالغ بزرگتری که شرکت بازرگانی نفتیران مدعی است در پارس جنوبی سرمایه‌گذاری کرده است -۲۴.۵ میلیارد دلار- می‌توانست با احتساب ۱۰۰ شغل به ازای ۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری، ۲.۴۵ میلیون شغل ایجاد کند. و ۲۲.۵ میلیارد دلاری که به عنوان ضمانت مالی در چین مسدود شده، معادل صدور ۲.۲۵ میلیون شغل بوده است.

حتی بدتر از آن، روابط فعلی ایران با چین است که شبیه رابطه سلسله قاجار با قدرتهای خارجی در قرن نوزدهم و اوایل

تومان (تقریباً ۶ تا ۲۱ هزار دلار). در گروه دوم ۱۵۰ میلیون تومان (تقریباً ۴۵ هزار دلار) و در گروه سوم ۴۰۰ میلیون تومان (تقریباً معادل ۱۲۰ هزار دلار) برآورد کرد.

مشرق نیوز بر اساس این ارقام به این نتیجه رسید که دولت در بهترین حالت ۵۷ هزار و در بدترین حالت ۱۰ هزار شغل ایجاد می‌کند. با فرض نرخ بیکاری رسمی ۲.۵ میلیون نفر، دولت در بهترین حالت فقط برای ۲.۲۸ درصد از بیکاران شغل ایجاد خواهد کرد. ۹۷ درصد همچنان بیکار باقی می‌مانند. اگر بخواهیم رقم بیکاری بزرگتر ۵ میلیون نفر را در نظر بگیریم، دولت قادر خواهد بود تنها برای ۱.۱۴ درصد از بیکاران شغل ایجاد کند.^{۲۶۸}

صالحی اصفهانی چنین استدلال کرده است که جامعه مدرن ایران برخورد نسبتاً خشنی با جوانان دارد. ورود به دانشگاه برای جوانان رقابتی است. بازارها انعطاف‌پذیری ندارند و «بسیاری از فرصت‌ها در اختیار افرادی است که ناموفق قلمداد می‌شوند». برای گذار از نوجوانی به بزرگسالی جوانان ایرانی باید از دوره‌ای عبور کنند که صالحی آن را «دوران انتظار برای بلوغ» (waithood) می‌نامد. در این دوران جوانان ایرانی محکوم هستند در برزخ بعد از فراغت از تحصیل انتظار بکشند. دنیایی که در آن شغل، ازدواج و مسکن بیشتر شبیه سراب است تا واقعیت:

چالش‌های فراروی جوانان ایرانی تا بخشی نتیجه انفجار تولد کودکان جدید (baby boom) در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی بود. اما سیستم آموزشی، بازار کار و بازار ازدواج در ایران از تطابق با این افزایش ناگهانی تعداد جوانان عاجز بوده‌اند. درست است که انتقال جمعیتی اغلب گروه‌های بزرگی از جوانان به همراه خود می‌آورد که باید برای شغل و منابع رقابت نمایند. اما از دیگر سو این جوانان با کمک به رشد سریع‌تر نیروی کار و پتانسیل بیشتر برای انباشت سرمایه انسانی، نویدبخش منافع اقتصادی نیز هستند. برای بهره‌برداری از این منافع، نهادهای جامعه باید انعطاف‌پذیر باشند و بتوانند خود را با واقعیت‌های متغیر جمعیتی تطبیق دهند. ارزیابی ما از نهادهای ذریعته ایرانی -مدارس، بازار کار رسمی و ازدواج- این است که آنها به اندازه کافی برای بهره‌برداری از «موهبت جمعیتی» ایران انعطاف‌پذیر نیستند.^{۲۶۹}

یکی از سیاست‌های اشتغالزایی خاص احمدی‌نژاد اعطای وام اشتغال و وام ازدواج بود. در سال ۲۰۰۶ دولت بانک‌های دولتی را مجبور کرد ۱۸ میلیون دلار را به صورت وام کم بهره به کارگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده بدهند. اما بیشتر این وام‌ها تا به امروز به بانک‌ها بازگردانده نشده‌اند. ۲۷۰ دیگر برنامه‌های اعطای وام برای ازدواج و مسکن نیز بر اساس گزارش‌های موجود به دلیل مشکلات اداری و اعتبارات محدود با مشکل روبه‌رو شدند.

بهداشت و درمان: بحران پزشکی ۲ میلیارد دلاری

ادعای یوسفیان مبنی بر این که ۲ میلیارد دلار رقم قابل توجهی نیست، بدون شک حسین علی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس را شگفتزده کرده است. زیرا درخواست‌های مکرر او از احمدی‌نژاد برای رفع کمبودها و کنترل افزایش قیمت‌ها در بخش بهداشت و درمان به جایی نرسیده بود. در واقع زمانی که بسیج اقتصادی -سودبرندگان از خیریم‌ها- میلیون‌ها دلار از اوجگیری قیمت دارو و غذا سود به جیب می‌زد، مرضیه وحید دستجردی، اولین زنی که بعد از انقلاب به سمت وزارت منصوب شده بود، به دلیل اینکه تلاش کرد تا از سهم بخش بهداشت و درمان دولتی در درآمدهای نفتی محافظت کند، از کار برکنار شد. به چه جرمی؟ به جرم اینکه وقتی نتوانست کابینه احمدی‌نژاد را متقاعد کند که سیاست‌های آنان بحران در بخش بهداشت و درمان را به دنبال خواهد داشت، انتقاد خود را به عرصه عمومی برد و گلایه کرد که بانک مرکزی با سوءتخصیص منابع، در حق وزارت بهداشت کم‌فروشی کرده است. به گفته او دولت تنها ۴۱.۵ میلیون دلار از ۲.۵ میلیارد دلار منابع ارزی را که در بودجه برای خرید دارو و تجهیزات پزشکی در نظر گرفته شده بود به وزارت بهداشت تخصیص داده است:

به این نتیجه رسیدم که اگر این موضوع را علنی نکنم از هیچ راهی نمی‌توانم ارز دارو را تأمین کرد چون هرچه در جلسات علنی می‌گفتم تذکر می‌دادند. آقای فلان ارز می‌دهد اما من می‌گفتم ارزی به ما نمی‌دهند و به لوازم آرایشی اختصاص دارد چون در اولویت‌بندی وزارت صنعت، تجهیزات پزشکی اولویت هشتم [است] اما خوراک سگ و دسته بیل اولویت سوم و چهارم...^{۲۷۱}

در اقدامی تلافی‌جویانه، دستجردی را به قربانی کردن بهداشت عمومی در راه واردات لوازم آرایشی متهم کردند. اتهامی که خشم دستجردی را برانگیخت:

من اینها را مرتب به آقایان گزارش دادم اما آنها به این نتیجه رسیدند بنده را عزل کنند و بعد در روزنامه‌های دولتی خود نوشتند که وزارت بهداشت ارز دارو را برای واردات لوازم آرایشی استفاده کرده است و اینجا بود که واقعاً دیدم چقدر انسان [باید بایستد و] ببیند فردی نادرست کار می‌کند.^{۲۷۲}

متعاقباً دستجردی ادعا کرد ۶۵۰ میلیون دلار بودجه ای که به

قرن بیستم است. امتیازاتی که ایران به چین داده است. تأثیری فاجعه‌بار بر بازار کار ایران داشته است. در عمل درآمدهای نفتی ایران تأمین مالی یک چرخه اقتصادی را بر عهده دارد که مردم ایران را دست کم در چهار مرحله فریب می‌دهد. اول اینکه نفت در بازار سیاه و با تخفیف‌های قابل ملاحظه، زیر قیمت بازار به فروش می‌رسد تا در عوض حمایت سیاسی خریداران جلب شود. در مرحله دوم به این دلیل که درآمد حاصل از نفت در نهادهای دولتی و خصوصی فاسدی سرمایه‌گذاری می‌شود که اشتغالزایی و بهره‌وری را سرکوب می‌کنند. در مرحله سوم به این دلیل که سیل کالاهای چینی ارزان قیمت که به بازار ایران سرازیر می‌شود، بنیاد شکننده تولید در ایران را می‌فرساید و تحلیل می‌برد. و در چهارمین مرحله به دلیل این که طبقه تحصیلکرده و حرفه ای ایران مجبور می‌شوند در خارج از کشور به دنبال کار و امنیت بگردند. و در کمال تأسف مرحله پنجم، ششم و هفتم، به دلیل این که بخش‌هایی از بازرگانان، افراد مذهبی و نظامیان به عنوان مزدور سرمایه‌داران خارجی عمل می‌کنند تا در ازای دریافت سهم از درآمد، ذخایر و دارایی‌های نفتی ایران را در اختیار آنان قرار دهند.

شاید این نکته بهتر از هر جا در پرونده خرید دکلهای نفتی موهوم از چین نمود پیدا کرده است. درآمدهای نفتی ایران به سادگی در منطقه خاکستری ناپدید شد تا در کازینوهای جنوب فرانسه بازیافت شود. ایران میدان‌های گازی پارس جنوبی را به وسیله دکلهای موهوم، شغل‌های موهوم، و درآمدهای موهوم که توسط آژانس‌های دولتی موهوم ضمانت شده بود مورد بهره‌برداری قرار داد. در این میان قطر نیز افراد حرفه‌ای صنایع نفت و گاز ایران را تطمیع کرد که در طرف قطری میدان مشترک گازی به کار مشغول شوند. قطر از میلیاردها دلار درآمد حاصل از گاز فراوان میدان گازی مشترک برخوردار شد. اما ایران ترجیح داد هم و غم خود را صرف خارج کردن صدها میلیارد دلار از اقتصاد خود به واسطه یک برنامه اتمی شکست‌خورده کند و ثروت حاصل از استخراج گاز را به رقیبان خود واگذار نماید.

سؤال همچنان باقی است: ۱۶۰ میلیارد دلار درآمد نفتی که به دلیل خیریم‌ها از دست رفت، چه تعداد شغل می‌توانست ایجاد کند؟ و ۶۰ میلیارد دلار ناپدیدشده از پول‌های آزادشده پس از توافق اتمی چند شغل می‌توانست ایجاد کند؟ چه کسی این شغل‌ها و تمامی عواید ناشی از آن از قبیل مسکن، امنیت، غذا، بهداشت و حیثیت را که به همراه درآمدهای نفتی ایران ناپدید شده‌اند از دست داده است؟ و در نهایت چه کسی باید با اصرار بر حسابرسی کامل درآمدهای ایران، مسؤول بازگرداندن این مشاغل از دست رفته و منافع ناشی از آن باشد؟



طبقه آقازاده‌ها. فرزندان انقلابیون ایران که سمت‌های بالای دولتی دارند ثروت نویافته خود را به رخ می‌کشند.

منبع: realiran.ir و صفحه ی فیسبوک Rich Kids of Tehran

وزارت بهداشت را بر دوش می‌کشیدند. مردم عادی. بدون دسترسی به ارز دولتی. هزینه فساد را با خرج کردن پول خود در بازار سیاه دارو پرداخت کردند - بحران دارویی که در آن قیمت فیلم رادیولوژی ۲۴۰ درصد، گاز هلیوم برای ام آر آی ۶۶۷ درصد و فیلتر دستگاه دیالیز کلیه ۳۲۵ درصد افزایش یافت. قیمت یک دوره شیمی‌درمانی تقریباً ۳ برابر شد و به ۶۵ هزار دلار رسید. در این میان بیمارستان‌های دولتی لبریز از بیمارانی بودند که از عهده مخارج بیمارستان‌های خصوصی بر نمی‌آمدند. یک پزشک جوان گلایه کرده بود که «گاهی حتی سرم برای بیمارانی که آب بدن خود را از دست داده‌اند، نداریم.»^{۳۶}

رسانه‌های خبری ایران، مثل همشهری، هزینه‌های این تراژدی را که در آن فساد و بی‌رحمی به صورت روزمره خانواده‌ها را یکی پس از دیگری به ورطه سقوط می‌کشانید، ثبت می‌کردند. این روزنامه به نقل از پدری که نامش را فاش نکرد، نوشت «فرزندش از دنیا رفت چون توان پرداخت هزینه درجه مصنوعی قلب را نداشت.» ناصر کریمی در مقاله‌ای به شدت منقلب‌کننده شرح حال و حکایت‌های استیصال مردم را در برابر بخش دارو و درمان به تصویر کشید:

هوشنگ، پدر یک بیمار سرطانی:

در یکی از داروخانه‌های بزرگ تهران، پدری ۵۳ ساله با دیدن قیمت داروهای دختر نوجوانش که به سرطان معده مبتلاست، سر خود را در میان دستانش گرفت و به زانو درآمد. «وقتی قیمت دارو در عرض یک هفته دو برابر شده، چطور می‌توانم از عهده خرید آن بربیایم؟»^{۳۷}

فاطمه، مادر یک پسر هموفیلی:

در یک مرکز درمانی در تهران، مادر میلاد رستمی ۸

وزارت بهداشت تخصیص داده شده بود کم‌تر از ۲۵ درصد مبلغی بود که برای اداره بیمارستان‌ها و داروخانه‌های دولتی موردنیاز بود.^{۳۳} گزارشی که «دفتر تهران» درباره ایران در دوره خرم‌ها منتشر کرده نشان می‌دهد که دلارهای سوپرسیدار دولتی را صرف واردات کالاهای جملی می‌کردند در حالی که وزارت بهداشت «برای تأمین مایحتاج خود تقلا می‌کرد».^{۳۴} خلیل دقیق داده‌های اداره گمرک نشان داد بانک مرکزی دلارهای دولتی را در اختیار واردکنندگان خودرو قرار داده است:

وقتی وزارت بهداشت برای دریافت دلار بیشتر از دولت تقلا می‌کرد، واردکنندگان خودرو کسب‌وکار پررونقی داشتند. بر اساس داده‌های گمرک ایران، از ماه مارس تا ماه نوامبر ۲۰۱۲ واردکنندگان بیش از ۶۱۷ میلیون دلار ارز با نرخ دولتی را صرف واردات بیش از ۵ هزار دستگاه خودرو کردند. این واردات شامل ۲۷۷ میلیون دلار برای خودروهای کیا و هیوندای، ۱۰۹ میلیون دلار برای خودروهای تویوتا، و در ریف خودروهای لوکس، ۴۱ میلیون دلار برای حدود ۲۰۰ دستگاه پورشه و ۱۰ میلیون دلار برای ۳۵ دستگاه مازراتی بود.

داده‌های گمرک همچنین روشن می‌سازد که از دسامبر ۲۰۱۲ تا زمان لغو دلار سوپرسیدار در ژوئیه ۲۰۱۳، واردکنندگان خودرو از نرخ تبدیل ارز بهتری برخوردار بودند: میانگین نرخ دلار برای واردات خودرو ۲۲،۵۷۰ ریال بود، درحالی که نرخ دلار برای واردات دارو با کد HS ۳۰۰۴۹۰ معادل ۲۴،۴۲۷ ریال بود.^{۳۵}

وقتی فرزندان انقلابیون ایران موسوم به آقازاده‌ها از راندن پورشه‌های خود لذت می‌بردند، مردم ایران باید بار کمبود ۲ میلیارد دلار بودجه در

نمودار ۳۲: تأثیر ۱ میلیارد دلار بر بهداشت و درمان
آنچه ۱ میلیارد دلار می‌تواند برای مردم ایران خریداری کند



گرافیک «نفت من کجاست»
منبع: خبرگزاری مهر، ۱۶ آبان ۱۳۹۴

۵۰ تا ۶۰ درصد کل بودجه ایران از درآمد نفت تأمین می‌شود. بنابراین فساد در بخش نفت بودجه تمام وزارتخانه‌ها را تهدید می‌کند و تمام اقشار جامعه را از خدمات بنیادی محروم می‌سازد. نگاهی گذرا به از دست رفتن منابع مالی در بخش بهداشت و درمان نشان می‌دهد که غارت منابع و درآمدهای نفتی ایران هزینه بخش بهداشت و درمان را میلیون‌ها دلار افزایش می‌دهد. دولت، نه تنها از تأمین نیازهای ضروری یک بخش برای داشتن عملکردی مناسب و روان عاجز بوده، بلکه فرصت‌های پرمفعتی برای خودی‌های نظام ایجاد کرده تا از قبل سرمایه‌گذاری در آسیب‌پذیرترین و درمانده‌ترین بخش جامعه یعنی میلیون‌ها انسان مبتلا به سرطان، بیماری‌های قلبی و دیگر بیماری‌های سخت، سود ببرند. شایان ذکر است رئیس‌جمهوری که ایرانیان را فرا می‌خواند تا به خاطر برنامه هسته‌ای ایران تا حد امکان از خودگذشتگی نشان دهند، عملاً وزیر بهداشت خود را تخریب می‌کرد و به او اجازه اجرای برنامه‌هایش را نداد.

در نظام حکومتی که نماینده واقعی مردم باشد تمام بخش‌های دولتی، تمام خانواده‌ها و فرزندان ایرانی را مانند خانواده و فرزند خود می‌دانند و قدر هر بشکه نفت را به عنوان منبع کسب ارز دیرپا می‌دانند: ارزی که منبع دارو، تربیت پزشکان و متخصصان، امنیت و درآمد مردم ایران است. چنین دولتی با اظهارات یوسفیان ملا، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، مبنی بر قابل توجه نبودن ۲ میلیارد دلار فرسنگ‌ها فاصله دارد و وزارت نفت را برای هر بشکه نفت و بانک مرکزی را برای هر دلاری که به نام مردم ایران به حساب آن وارد می‌شود، مسؤول و پاسخگو می‌داند.

اگر مجلس و دیگر نهادها اولویت درآمدهای نفتی ایران و انسجام و امانت نظام بانکی در برابر فساد فراگیر را تضمین کرده بودند و تنها پرونده زنجانی را کشف و متوقف کرده بودند، می‌توانستند میزان مرگ و میر را در نظام بهداشت و درمان ایران

ساله به دقت مراقب اوست. پسر به بیماری هموفیلی مبتلاست و در حال حاضر بعد از جراحی زانو، دوران نقاهت خود را می‌گذراند. مادر او، فاطمه، می‌داند که اگر پسرش زمین بخورد یا دوباره زانویش زخمی‌شود برای دریافت محصول خونی که برای توقف خونریزی او لازم است، باید در لیست انتظاری طولانی قرار بگیرد.

احمد قویدل، رئیس انجمن هموفیلی ایران گفت، «امیدی نیست، امیدی به سلامتی او نیست.»^{۲۷۸}

رحمتی، پرستار:

هنگام سپیده‌دم در بخش دیگری از تهران، بیماران در حال ترک بخش اورژانس بیمارستانی دولتی هستند. برخی نایلون محتوی دارو در دست داشتند، اما دیگران فرصت ویزیت شدن را پیدا نکرده بودند.

رحمتی گفت: «می‌دائم تا شیفت بعدی من چند نفر از آنان زنده خواهند ماند، من تلاش خود را کردم اما می‌دائم برای آنان کافی نبوده است.»^{۲۷۹}



کودک مبتلا به هموفیلی

منبع: ایستنا



نوزادی که معتاد متولد شده است

منبع: DANA



معتادی با خالکوبی «خودکرده» را تدبیر نیست»

منبع: مجله ی اتلین PC Parsi

پرستار و متخصص، و میلیون‌ها بیمار خورده شود. اگر ۲ میلیارد دلار ذخیره ارزی به جای به تاراج رفتن در ترکیه، مالزی و چین، به طور مناسب در بودجه تخصیص داده می‌شود و از طریق وزارت بهداشت مدیریت می‌شود. می‌توانست به صورت سپری دفاعی از سلامت فرزندان ایران، قلب مادران ایران و آبروی پدران ایران محافظت کند. سرقت نفت مردم، سرقت داروی آنان است.

کاهش دهند (نمودار ۳۲). هیچ‌کس در دولتی که نماینده واقعی مردم باشد اختلاف ۲ میلیارد دلاری را در حساب‌های بانک مرکزی تحمل نمی‌کند. چه رسد به آنکه بخواهد با برکنار کردن وزیر بهداشت به خاطر دفاع از بودجه وزارت بهداشت، زبان‌های ناشی از این اختلاف را مستقیماً بر دوش مردم بگذارد. در هر صورت، هیچ وزیر صادق و امانتداری اجازه نمی‌دهد حق صدها بیمارستان، هزاران پزشک،

مواد مخدر: دینی دیگر

افشار گفت جمعیت ایران ۵ درصد در ۵ سال رشد داشته است. در حالی که مصرف مواد مخدر ۱۰۰ درصد افزایش داشته است.^{۲۸۴} روزنامه واشنگتن پست اعتیاد فراگیر را که دامنگیر جوانان ایرانی شده در قالب داستان یک جوان ۱۸ ساله به نام نریمان به تصویر کشید. نریمان نیز مانند صدها هزار جوان ایرانی به مواد مخدر صنعتی روی آورده بود چون «مواد را تنها جایگزین کار می‌دانست.»

نریمان درحالی که در گورستان عظیم جنوب تهران، موسوم به بهشت زهرا ایستاده بود گفت «ما باید کار داشته باشیم». هر پنج شنبه وقتی بسیاری از خانواده‌ها برای خواندن فاتحه به بهشت زهرا می‌روند، معتادان جوان به آنجا هجوم می‌برند تا حلوا و خرما و شیرینی‌هایی را که مردم برای پخش کردن آورده‌اند و باقیمانده آن را روی قبرها رها کرده‌اند، بردارند. نریمان گفت، «گاهی به عنوان نان خشکی در شهر کار می‌کنم.»

بدبختی و درماندگی نریمان در گفته‌های امیر محمدی نیز

در سال ۲۰۱۳ که ایران با «نرخ رسمی ۲۸ درصدی بیکاری جوانان و تورم ۴۲ درصد در سال» روبه‌رو بود و وضعیت هردو به دلیل خربم‌ها رو به وخامت بود. اکونومیست شیوع اعتیاد در ایران را «دینی دیگر» نامید.^{۲۸۵} این مقاله هشدار داد که سرنویشت کل یک نسل جدید به کاهش بیکاری جوانان بستگی دارد:

اگر رئیس‌جمهور جدید ایران، حسن روحانی، بتواند به وعده‌های خود در زمینه بیکاری جوانان عمل کند و بیماری اقتصاد ایران را درمان کند، شاید بتواند یک نسل از ایرانیان را از درغلتیدن به ورطه تباه‌ترین نسل جهان نجات دهد.^{۲۸۶}

تا سال ۲۰۱۷ آمار و ارقام بهبود پیدا نکرده بود. در یک بازه زمانی ۵ ساله، جمعیت معتادان ایران از ۱ میلیون و ۳۲۵ هزار نفر به ۲ میلیون و ۸۰۸ هزار نفر افزایش پیدا کرده بود.^{۲۸۷} پرویز افشار، یکی از سخنگویان دولت اظهار کرد ارقام حاکی از آن است که مصرف مواد به نسبت رشد جمعیت «کاهش پیدا کرده است».^{۲۸۸} سعید صفاتیان، رئیس کارگروه کاهش تقاضای اعتیاد کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام، با انتقاد از

قرار گیرد. بر اساس برآوردها در آن زمان حدود ۲۰ درصد کل جمعیت شهر معتاد به هروئین بودند.^{۲۸۸}

بحران به حدی عمیق است که عده‌ای از دولت ایران خواسته‌اند خود به کشت خشخاش بپردازد. آذرخش مکرری، معاون آموزشی مرکز ملی مطالعات اعتیاد اشاره کرد که کشور به «یک منبع استراتژیک مواد مخدر» نیاز دارد.^{۲۸۹}

بر اساس گزارش واشنگتن پست، علی‌رغم مبارزه ایران با مواد مخدر بسیاری از ایرانیان فراوانی و در دسترس بودن مواد را توطئه دولت می‌دانند: «بعد از شورش دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۹۹۹، ساکنان یک خوابگاه که پلیس درهای آن را مسدود کرده بود، گفتند به فروشنده‌های مواد اجازه می‌دادند وارد خوابگاه شوند و مواد رایگان به دانشجویان بدهند.»^{۲۹۰}

حتی حمید مطلبی، مأمور ۲۲ ساله نیروی انتظامی که با پارک‌های ملو از معتاد سروکار دارد نیز این تئوری توطئه را قبول دارد: «من فکر می‌کنم این سیاست دولت است که همه جوانان را معتاد کند. این به خاطر نداشتن سیاست و مدیریت است. اگر می‌توانستند شغل کافی و تفریح کافی ایجاد کنند، چرا مردم باید سراغ مواد مخدر می‌رفتند؟»^{۲۹۱}

هم‌مرز بودن با افغانستان، ایران را هم به مقصد و هم به معبری برای تجارت غیرقانونی و عظیم مواد مخدر تبدیل کرده است. هروئین در ایران با قیمت بسیار ارزان به فروش می‌رسد. قیمت هر گرم هروئین با خلوص ۵۰ درصد در ایران تنها ۵ دلار است. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل برآورد کرده است که ۶۰ درصد هروئین و مورفین افغانستان از طریق ایران به مسیر انتقال بالکان می‌رسد. زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان، با اکثریت بلوچ، شاهراه اصلی قاچاق مواد است. برای طالبان و جندالله، دیگر گروه مسلح جدایی‌طلب، مسیرهای تأمین مواد و شبکه‌های توزیع آن سوخت لازم برای فعالیت‌های جنایی و شورش‌های قومی و تروریسم را فراهم می‌کنند.

بیش از ۳۵۰۰ نفر از نیروهای پلیس و سربازان در برخورد با قاچاقچیان



اعتیاد

منبع: خبرگزاری مهر

منعکس می‌شود. مردی ۳۰ ساله که ۱۰ سال است اعتیاد دارد: «کار نداری، خانواده نداری، تفریح نداری. با مواد چند ساعتی همه چیز را فراموش می‌کنی.»^{۲۸۵}

این بدبختی به هیچ وجه محدود به فقرا نیست. نسرین تهرانی، مدیرعامل مرکز ترک اعتیاد آفتاب که یک مرکز سطح بالا به شمار می‌رود، گفت:

معمولاً کسانی که به ما مراجعه می‌کنند تحصیل‌کرده هستند. خودتان را جای آنان بگذارید. اگر تحصیل‌کرده باشید، انتظارات بالایی دارید. وقتی انتظارات شما برآورده نمی‌شود، اولین واکنش افسردگی است. بعد از افسردگی، مصرف مواد شروع می‌شود.^{۲۸۶}

بر اساس مقاله واشنگتن پست، درحالی که نرخ اعتیاد در ایران به ۳ درصد جمعیت بالای ۱۵ سال نزدیک می‌شود «ایران به عنوان پیشرو در اعتیاد سرانه به مواد مخدر از جمله هروئین در جهان، هیچ رقیب جدی پیش رو ندارد.»^{۲۸۷}

وقتی در سال ۲۰۰۳ زمین لرزه شهر بم را ویران کرد، مقادیر زیادی متادون به این شهر فرستاده شد تا در اختیار معتادان به هروئین

نمودار ۳۳: اعتیاد در ایران - محصول تلخ فساد



۱۰\$ میلیارد دلار،
برآورد هزینه سالیانه اعتیاد



اعتیاد، دومین
دلیل مرگ و میر



۵۸ درصد
معتادان کم‌تر از ۳۴ سال
سن



۱,۳ میلیون
ثبت نام شده در برنامه‌های
ترک اعتیاد



۲ میلیون نفر
معتاد

گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: دارینی، علی اکبر «افزایش سوءمصرف مواد در ایران، علی‌رغم اعدام و یورش پلیس»، اسوشیتدپرس، ۱۲ فوریه ۲۰۱۵؛ خواجه پور، بیژن «اعتیاد در ایران قربانی می‌گیرد»، لئونیتور، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۷؛ نوایی، رامینا «بریکینگ بد در تهران: چگونگی شیشه (کریستال مت) به مذاق ایران خوش آمد»، گاردین، ۱۳ می ۲۰۱۴

نمودار ۳۴: یک نفتکش پر از نفت، جان چند معتاد ایرانی را نجات می‌دهد؟

درمان نجات‌بخش
۱۶۷ هزار
معتاد



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: مؤسسه خاورمیانه، اسوشیتدپرس، واشنگتن پست

۲- اگر از جنبه‌های دیگر به موضوع نگاه کنیم، با هزینه درمان و ترک اعتیاد حدود ۵۰ دلار در ماه یا ۶۰۰ دلار در سال، یک نفتکش - با ظرفیت ۲ میلیون بشکه و هر بشکه ۵۰ دلار - می‌تواند برای ۱۶۷ هزار معتاد به مدت یک سال درمان رایگان فراهم کند.

نمودار ۳۵: یک نفتکش پر از نفت، چند ایرانی را از ابتلا به اچ‌آی‌وی نجات می‌دهد؟

جلوگیری از ابتلای
۲۳ هزار ایرانی به
ویروس اچ‌آی‌وی (HIV)



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: مجله پزشکی هلال احمر، ۱۶ ژانویه، ۲۰۱۴

۲- اگر درآمد حاصل از یک نفتکش در مراکز ترک اعتیاد MMT سرمایه‌گذاری شود می‌تواند تنها در یک سال جلوی ابتلای بیش از ۲۳ هزار ایرانی به اچ‌آی‌وی را بگیرد.

دست‌کم یک بار شیشه مصرف کرده‌اند.»^{۲۹۸} دوره آموزشی تولید کریستال مت در منزل با هزینه تنها ۷۰ تا ۱۰۰ دلار تبلیغ می‌شود.^{۲۹۹} حمید صرامی، مدیرکل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر، گفت ۵۸ درصد معتادان کمتر از ۳۴ سال سن دارند. ۹ درصد از معتادان زن هستند و ۲۲ درصد آنان از تحصیلات عالیه بهره‌مند بوده‌اند.^{۳۰۰} بر اساس اظهارات صادق آملی لاریجانی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، ۷۰ درصد زندانیان ایران، به دلیل ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر زندانی شده‌اند.^{۳۰۱} به طور کلی ۱۰ میلیون ایرانی (بستگان معتادان) درگیر مسأله اعتیاد هستند. اعتیاد، بعد از تصادفات جاده‌ای، دومین عامل مرگ و میر در ایران شناخته می‌شود.^{۳۰۲} با وجود اعدام بیش از ۱۰ هزار نفر به جرم قاچاق مواد مخدر، محمدرضا جهانی، جانشین ستاد مبارزه با مواد مخدر، ادعا کرد تعداد معتادان ایران سالانه ۸ درصد افزایش پیدا می‌کند. رئیس نیروی انتظامی نیز اعلام کرد هر سال ۱۳۰ هزار نفر در کشور معتاد می‌شوند، یعنی ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر در روز.

در سال ۲۰۰۳، رئیس‌جمهوری اسبق ایران، محمد خاتمی و وزیر رفاه او، محمدرضا راه چمنی، تعداد معتادان به هروئین را ۱.۲ میلیون نفر و تعداد مصرف‌کنندگان تفتنی مواد را ۸۰۰ هزار نفر اعلام کردند.^{۳۰۳} از هر ۵ ایرانی ۱۵ تا ۶۰ ساله، یک نفر مواد مصرف می‌کند. و ۱۶ درصد آنان مواد تزریق می‌کنند. بر اساس گزارش سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی درباره شیوع ایدز، مصرف تزریقی مواد مخدر عامل اصلی افزایش ابتلا به اچ‌آی‌وی است: «تقریباً یک نفر از هر ۴ نفر [۲۳ درصد] معتاد تزریقی که در یک

تا دندان مسلح کشته شده‌اند. کمال خرازی، وزیر خارجه اسبق ایران در سال ۲۰۰۷ مبارزه با قاچاقچیان را «جنگی تمام عیار» نامید.^{۲۹۲} حتی مراکز مذهبی نیز از این بلا در امان نیستند. قاچاقچیان با به تن کردن لباس زائران [لباس عزاداری عاشورا] از طریق ایران وارد عراق شدند تا عملیات پخش مواد در نجف و کربلا را به انجام رسانند.^{۲۹۳} در مورد سوءمصرف مواد و اعتیاد برآوردها متفاوت است. گزارش جهانی مواد مخدر سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ ادعا کرد ایران یکی از کشورهایایی است که بیشترین میزان مصرف هروئین در جهان را دارند.^{۲۹۴} در سال ۲۰۱۵ گزارش شد جمهوری اسلامی ۲.۲ میلیون معتاد دارد که از این تعداد ۱.۳ میلیون نفر در مراکز رسمی ترک اعتیاد ثبت‌نام کرده بودند.^{۲۹۵} وزارت بهداشت ایران و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل تعداد مصرف‌کنندگان هروئین و تریاک در ایران را «حدود ۳.۷۶ میلیون نفر» برآورد کردند که از این میان «۱.۳۹ میلیون نفر درگیر سوءمصرف مواد و ۱.۱۶ میلیون نفر معتاد هستند»^{۲۹۶} ایرانیان بیشترین مقدار تریاک (خود تریاک، قبل از تبدیل به هروئین) را مصرف کردند، یعنی ۴۲ درصد کل مصرف تریاک جهان (نمودار ۳۳).^{۲۹۷} تولید متامفتامین و استفاده از مواد مخدر صنعتی نیز در ایران به شدت افزایش پیدا کرده است. بر اساس گزارش‌ها ایران چهارمین واردکننده سودو افرین (pseudoephedrine)، ماده اصلی سازنده کریستال مت است. مصرف «شیشه»، نوعی کریستال مت با خلوص بالا، در میان طبقات مختلف اجتماعی در حال گسترش است. به طوری که سازمان رفاه کشور گزارش داد: «بیش از نیم میلیون نفر از افراد بین ۱۴ تا ۴۵ ساله در تهران

مطالعه جدید در پایتخت ایران، تهران، مشارکت کردند. مبتلا به ویروس ایدز بودند.^{۳۰۴} علی‌الخصوص جوانان ایران بسیار آسیب‌پذیر هستند.

در ایران - و دیگر کشورهای منطقه - کسر بزرگی از جوانان، شامل معتادان تزریقی، از نظر جنسی فعال هستند. بخش عمده‌ای از معتادان تزریقی تهران که به دنبال ترک اعتیاد هستند، از نظر جنسی فعال هستند. با این حال تنها نیمی از معتادان تزریقی که در مطالعه سال ۲۰۰۵ شرکت کردند گفتند هنگام نزدیکی از کاندوم استفاده کرده‌اند.^{۳۰۵} این جهل عمومی و عدم استفاده از وسایل جلوگیری، جوانان را تا حد قابل‌توجهی در معرض ابتلا به ویروس ایدز قرار می‌دهد.^{۳۰۶}

هزینه کلی که اعتیاد بر دوش اقتصاد ایران ختمیل می‌کند، سالانه ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است که از این مقدار ۱ میلیارد دلار در سال صرف عملیات ضد مواد مخدر می‌شود.^{۳۰۷}

اگر بخواهیم هزینه فساد را با اعتیاد بسنجیم، آنگاه باید این واقعیت را در نظر داشته باشیم که ۱۰۲ میلیارد دلار زبان خالص (بر اساس خلیل ماتریس حسابداری اجتماعی) ناشی از سرقت نفت زنجانی، کمی بیش از کل هزینه‌ای است که برآورد شده اعتیاد بر اقتصاد ایران ختمیل می‌کند. اگر دولت تمهیداتی جهت پیشگیری از فساد در نظر می‌گرفت، یا اگر راهی برای ردگیری و بازگرداندن ۲۰۷ میلیارد دلار ناپدید شده به ایران پیدا می‌کرد، این مبلغ می‌توانست بودجه عملیات‌های مبارزه با مواد مخدر را تقریباً تا سه برابر افزایش دهد.

یک مطالعه مداخله‌ای درباره ۷ مرکز ترک اعتیاد که از روش جویز متادون (MMT) به مداوای معتادان می‌پرداختند انجام شد که در مجموع ۶۹۴ معتاد برای ترک کردن در آنها ثبت نام کرده بودند و از این تعداد ۴۲ درصد مبتلا به اچ‌آی‌وی بودند. مطالعه به این نتیجه رسید که این مراکز ترک اعتیاد، سالانه با صرف هزینه

۵۴۷ هزار و ۴۲۳ دلار از ابتدای ۱۲۸ نفر به اچ‌آی‌وی جلوگیری به عمل می‌آورند.^{۳۰۸} در صورت عدم مداخله، هزینه کلی معادل ۱۴ میلیون و ۱۷۱ هزار و ۸۱۶ دلار برآورد شد که بدین‌ترتیب نسبت اثربخشی هزینه افزایشی بر هر مورد اچ‌آی‌وی جلوگیری شده، ۱۰۶ هزار و ۳۸۲ دلار و هزینه صرفه‌جویی شده معادل ۱۳ میلیون و ۶۲۴ هزار و ۳۹۲ دلار بود. هزینه کل ۷ مرکز درمان با متادون معادل ۵۴۷ هزار و ۴۲۳ دلار بود. این ۷ مرکز سالانه از ابتدای ۱۲۸ نفر به اچ‌آی‌وی جلوگیری می‌کردند. هر مرکز در سال از ۱۸ مورد ابتلا به اچ‌آی‌وی جلوگیری می‌کرد. به ازای هر ۴،۲۷۷ دلار سرمایه‌گذاری در مراکز MMT، یک ایرانی از ابتلا به اچ‌آی‌وی نجات پیدا کرد.

حال می‌رسیم به رابطه یک نفتکش پر از نفت با گسترش ویروس اچ‌آی‌وی.

اگر ۲۰۷ میلیارد دلار به سرقت رفته توسط زنجانی تنها صرف جلوگیری از شیوع ویروس اچ‌آی‌وی می‌شد، دولت ایران می‌توانست فقط در یک سال جلوی ابتلای بیش از ۶۳۰ هزار ایرانی به ویروس اچ‌آی‌وی را بگیرد.

اگر ۱۰ میلیون خانواده ایرانی که به نوعی با اعتیاد درگیرند، مصرانه از دولت می‌خواستند از درآمدهای نفتی ایران پاسداری کند، ایران می‌توانست برنامه‌های پیشگیری و درمان مواد مخدر خود را گسترش دهد. بدین‌ترتیب نه تنها صدها هزار معتاد را درمان می‌کرد، بلکه نسل‌های آینده را نیز از بلای اعتیاد در امان نگه می‌داشت. با کمال تأسف که شاهد هستیم که فساد فقط وضعیت اعتیاد، ابتلا به اچ‌آی‌وی، افسردگی و یأس را که به صورت روزمره هزاران خانواده ایرانی را در چنبره خود گرفتار کرده‌اند، پیچیده‌تر ساخته است.

مهم‌تر آنکه با سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی ایران در زمینه آموزش و اشتغالزایی برای جوانان، میلیون‌ها دختر و پسر ایرانی از آن بهره‌مند می‌شوند. درآمدهای نفتی ایران به جای تبدیل شدن به کالاهای لوکس برای مافیای نفتی برای جوانان ایران به کار انداخته می‌شود.

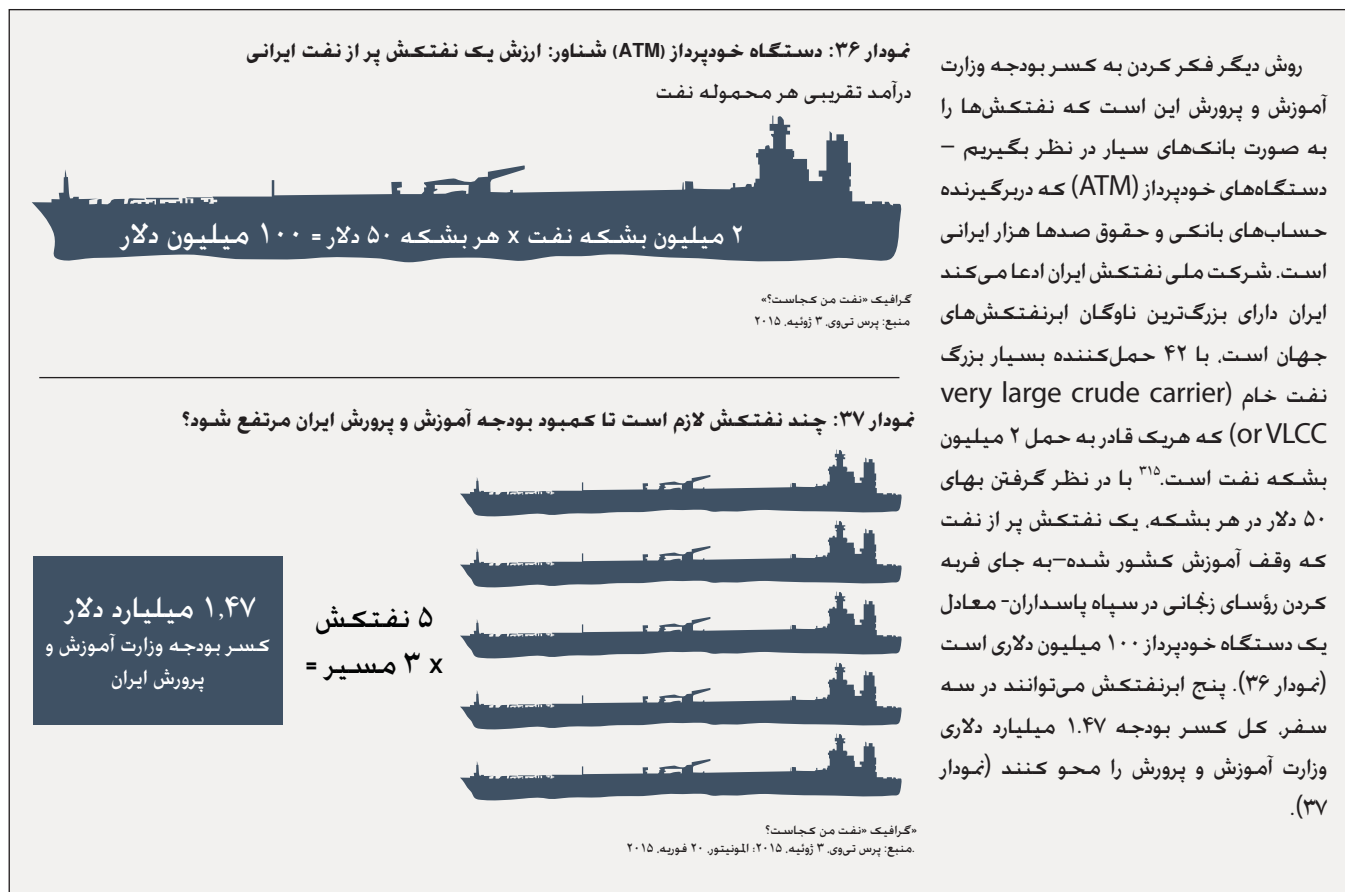
آموزش و پرورش: فریب معلمان با نفتکش

نیست. ۶ هزار معلم در نامه‌ای به علی لاریجانی، رئیس مجلس نوشتند: «بیشتر معلمان ایران قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نیستند و زیر خط فقر زندگی می‌کنند. جایگاه آنان در جامعه آسیب دیده است و انگیزه خود را برای کار از دست داده‌اند.»^{۳۱۰}

به گزارش المونیتور (AL-Monitor) به نقل از وزیر آموزش و پرورش ایران، علی اصغر فانی، ایران بیش از ۱۰۵ هزار مدرسه دارد که در حدود یک میلیون معلم و پرسنل دیگر در آنها به کار

معلمان ایران نیز هزینه فساد در بخش نفت را می‌پردازند. در مبارزات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۳ ایران، حسن روحانی بر این واقعیت صحنه گذاشت: «من صریحاً می‌گویم اگر می‌خواهیم نظام آموزش ایران را نجات دهیم باید اقتصاد ایران را نجات دهیم. هر طرحی که هدف آن بهبود وضع اقتصاد کشور نباشد، دروغین است.»^{۳۰۹}

با این حال وضع معیشتی معلمان ایران به هیچ وجه رضایت‌بخش



روش دیگر فکر کردن به کسر بودجه وزارت آموزش و پرورش این است که نفتکش‌ها را به صورت بانک‌های سیار در نظر بگیریم - دستگاه‌های خودپرداز (ATM) که دربرگیرنده حساب‌های بانکی و حقوق صدها هزار ایرانی است. شرکت ملی نفتکش ایران ادعا می‌کند ایران دارای بزرگ‌ترین ناوگان ابرنفتکش‌های جهان است. با ۴۲ حمل‌کننده بسیار بزرگ نفت خام (very large crude carrier or VLCC) که هر یک قادر به حمل ۲ میلیون بشکه نفت است.^{۳۱۵} با در نظر گرفتن بهای ۵۰ دلار در هر بشکه، یک نفتکش پر از نفت که وقف آموزش کشور شده - به جای فریب کردن رؤسای زنجانی در سپاه پاسداران - معادل یک دستگاه خودپرداز ۱۰۰ میلیون دلاری است (نمودار ۳۶). پنج ابرنفتکش می‌توانند در سه سفر، کل کسر بودجه ۱،۴۷ میلیارد دلاری وزارت آموزش و پرورش را محو کنند (نمودار ۳۷).

اگرچه سخنگوی دولت روحانی از برنامه افزایش بودجه وزارت آموزش و پرورش از ۵،۵۸ میلیارد به ۶،۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ خبر داد و ادعا کرد که حقوق معلمان ۱۴ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. معلمان فریب این بازی با ارقام را نخوردند.

یک خلیلگر مسائل آموزشی در تهران درباره دلیل این بی‌اعتمادی به المونیتور گفت: «امسال نرخ تورم دست کم ۲۵ درصد بوده است و اگر افزایش حقوق را با تورم محاسبه کنیم، و سپس با حقوق سال گذشته مقایسه کنیم، قدرت خرید معلمان ۱۱ درصد کاهش خواهد یافت.»^{۳۱۲}

بررسی میزان دستمزد معلمان در ایران و خامت شرایط کارکنان معمولی دولت را آشکار می‌سازد. حداقل دستمزد معلمان در سال ۲۰۱۴ معادل ۶۰۰ هزار تومان بود که تقریباً معادل ۱۷۵ دلار در ماه است.^{۳۱۳} افزایش حقوق ۱۴ درصدی، حقوق معلمان را به ۶۸۰ هزار تومان می‌رساند که در حدود ۲۰۰ دلار در ماه است.^{۳۱۴} با در نظر گرفتن ۲۰۰ دلار در ماه، یک سرقت نفت ۲ میلیارد دلاری مانند این است که هرماه به مدت ۱۰ ماه، حقوق ۱ میلیون معلم را از آنها به سرقت ببری.

مجلس، قوه قضائیه و بانک مرکزی ایران با ردگیری چند فروند

مشغولند و ۹۸،۵ درصد از بودجه ای که به این وزارتخانه تخصیص داده می‌شود صرف حقوق معلمان و کارمندان می‌شود.^{۳۱۱} اما در سال ۲۰۱۴ وزارت آموزش و پرورش با کسر بودجه ۲۶ درصدی روبه‌رو شد. این وزارتخانه ۱،۴۷ میلیارد دلار کسری داشت که تنها ۶ درصد از ۲۴،۵ میلیارد دلاری است که جهت «سرمایه‌گذاری» از حساب بانک مرکزی خارج شد و شرکت بازرگانی نفتیران هنوز حساب آن را پس نداده است.



اعتراض معلمان

منبع: آسپا، ۲۰۱۵



«نعمات و سفره انقلاب به جای فقرا، نصیب اصحاب زر و زور و تزویر شد.»

اسماعیل عابدی، عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان

به ضرر فقرا و به نفع ثروتمندان انجام شده است و در حالی که بیشتر مدارس کشور فرسوده‌اند و خطرات زیادی آموزگاران و دانش‌آموزان را تهدید می‌کند و معلمان بازنشسته و شاغل (رسمی، آزاد، پیمانی، حق‌التدریس و پیش‌دبستانی) و همچنین کارگران زحمتکش، دغدغه زنده‌ماندن زیر خط فقر را دارند. هر چند روز یکبار خبر از اختلاس و دزدی و غارت از دست‌نخ‌آنان به گوش می‌رسد که اختلاس ۱۳ هزار میلیاردی (تقریباً ۳.۴ میلیون دلار) از صندوق ذخیره فرهنگیان از جمله آن‌هاست.

پس از برجام [ژوئیه ۲۰۱۵] در حالی که مسؤولان جمهوری اسلامی در تریبون‌ها از پایبندی نظام به اعلامیه جهانی حقوق‌بشر و میثاق‌های بین‌المللی سخن می‌رانند، بخش‌هایی از حاکمیت حتی به قانون اساسی که خود تدوین‌گر آن بوده‌اند، وفادار نیستند. آنان با ایجاد فضای امنیتی برای اندک تشکلهای مستقل صنفی کارگران و معلمان و سرکوب جمعاعات مسالمت‌آمیز و پرونده‌سازی برای فعالان صنفی و صدور احکام زندان با اتهاماتی نخب‌ناشده، مانند اقدام علیه امنیت ملی، در دادگاه‌های فرمایشی بدون هیأت منصفه، سعی دارند تضادهای موجود در سطوح مختلف جامعه را کنترل و منتقدان را سرکوب نمایند؛ متأسفانه در روزهایی که گروه‌های حقوق‌بشری و نهادهای بین‌المللی همچون سازمان عفو بین‌الملل، سازمان جهانی کار (ILO) و سازمان جهانی معلمان (EI)، با دقت شرایط کارگران و معلمان را در ایران رصد می‌کنند، دامنه سرکوب کنشگران صنفی افزایش یافته و حتی به مدارس و کارخانه‌ها کشانده شده است.

عابدی در مورد خیانت حکومت به مردم ایران بدون پرده‌پوشی نوشت: «نعمات و سفره انقلاب به جای فقرا، نصیب اصحاب زر و زور و تزویر شد.»

برای مشاهده نامه کامل عابدی به ضمیمه ۵ مراجعه کنید.

نفتکش «شرکت ملی نفتکش ایران» و حصول اطمینان از اینکه این نفتکش‌ها به مشتری‌های قانونی می‌رسد و درآمد حاصل از آن به طور قانونی به حساب بانک مرکزی واریز می‌شود و وارد خزانه می‌گردد، می‌توانستند از حقوق و دستمزد معلمان ایرانی محافظت نمایند.

از آنجا که پاسخگویی و شفافیت چندان در عملیات‌های وزارت نفت به چشم نمی‌خورد - همان‌طور که در پرونده زنجانی و بی‌شمار پرونده‌های دیگر مشهود است - هزاران معلم ایرانی و میلیون‌ها دانش‌آموز آموزش‌ناشنی از ۱.۴ میلیارد دلار کسر بودجه آموزش و پرورش کشور را تحمل کردند. وقتی این معلمان و دانش‌آموزان در کلاس درس در تقلا بودند، ناوگان نفتکش‌های آنان، که اتفاقاً بزرگ‌ترین ناوگان جهان است، به خدمت گرفته شدند تا یکی از بزرگ‌ترین دزدی‌های دریایی تاریخ بشر را به انجام برسانند. نفتکش‌های معلمان تحت پوشش خرم‌ها نفت آنها را به همراه عواید آن - حقوق معلمان - به حساب‌های فراساحلی منتقل می‌کردند. حساب‌هایی که زنجانی و دیگر عوامل فاسد از طرف سارقان حکومتی ایران - مافیای نفتی که در کابینه احمدی‌نژاد صاحب کرسی بود و در کنف حمایت سپاه پاسداران و مقام رهبری اقدامات خود را به انجام می‌رسانید - افتتاح کرده بودند و تحت نظر داشتند.

شاید هیچ‌کس ظلم و بی‌عدالتی اقتصادی را که جمهوری اسلامی در حق معلمان روا داشته است به خوبی اسماعیل عابدی، دبیر ۴۴ ساله که در سال ۲۰۱۶ از سوی وزارت اطلاعات دستگیر شد، به تصویر نکشیده باشد. عابدی در ۲۷ اسفند ۹۶ (۱۸ مارس ۲۰۱۸) در نامه‌ای که از زندان اوین نوشت اعلام کرد در ۲۸ فروردین (۱۷ آوریل) دست به اعتصاب غذا خواهد زد تا علیه نقض حقوق معلمان از سوی جمهوری اسلامی اعتراض کند.

در طول این چهار دهه بیشتر کشورهای دنیا توسعه آموزش را در اولویت برنامه‌های خود قرار دادند ولی در ایران بزرگ‌ترین وزارتخانه کشور با بیش از یک میلیون معلم و میلیون‌ها دانش‌آموز، در هر دوره دارای کسری بودجه بوده و توزیع امکانات رفاهی و آموزشی همواره

پیشگیری از فساد: زنجیره ارزش صنایع استخراجی



در نظام‌های سیاسی که مالکیت منابع طبیعی مانند نفت، برخلاف نظام‌های پادشاهی، مستعمره‌ها و شرکت‌های بزرگ، در اختیار مردم است، مجلس به عنوان حافظ و معتمد منابع و درآمدهای مردم عمل می‌کند. مجلس به عنوان نهاد واجد صلاحیت و اقتدار قانونی، از جانب مردم به مسئولان اجرایی قدرت انعقاد قرارداد اعطا می‌کند. مجلس با تحقیق و بررسی درباره نامزدهای وزارت که مسئول محافظت از منابع و درآمدهای مردم - در این مورد، استخراج و فروش نفت- خواهند بود، کنترل خود را بر قوه مجریه اعمال می‌کند. مجلس همچنین وظیفه تصویب بودجه پیشنهادی، نظارت بر طرح‌ها و کنترل مخارج دولت را بر عهده دارد.

به طور معمول، قوه مجریه مسئولیت پیشنهاد و اجرای نقشه راهبردی اداره بخش نفت و گاز را بر عهده دارد. قوه مجریه دورنما را تعریف می‌کند و حدود و ثغور بخش را از طریق وزارتخانه یا آژانس نفتی - یک ساختار کارکردی سازمانی که بتواند به سیاست‌ها و خط‌مشی دولت جامه عمل بپوشاند- معین می‌کند. وزارتخانه یا آژانس نفتی در جهت تحقق سیاست‌های دولت وارد قراردادهای اکتشاف، تولید، پالایش، فروش و حمل نفت و گاز می‌شود.

در ایران، نظام ولایت فقیه نهادهای قدرت موازی و رقیب ایجاد کرده که هریک داعیه کنترل منابع و درآمدهای ایران را دارند. در نظام مذهبی ایران نیز مانند نظام‌های استعماری، مردم، مجلس و قوه مجریه حق به چالش کشیدن اقتدار افراد، نهادها و سازمان‌های زیر

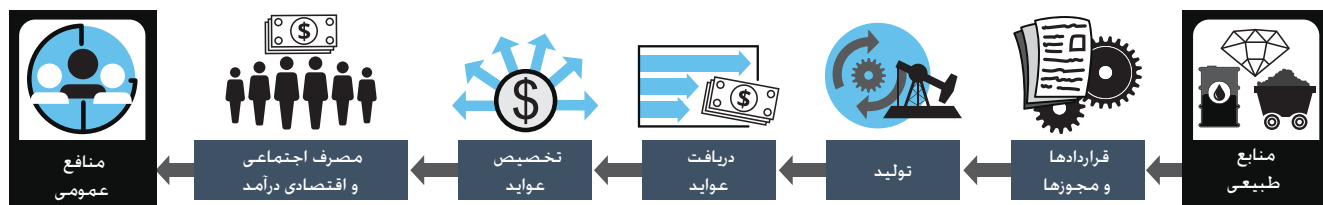
شفافیت و پاسخگویی در بخش نفت و گاز ایران هدفی ساده و مشخص دارد: حصول اطمینان از این که منابع طبیعی ایران در جهت منافع عموم مردم استخراج می‌شوند.

پیش از هر چیز داشتن تصویری روشن از «زنجیره ارزش» ضروری است. دانستن این موضوع کمک می‌کند با شناسایی نقاط آسیب‌پذیر بخش نفت و گاز این بخش را ایمن‌سازیم. با استفاده از مدل‌های ایجاد شده از سوی «برنامه شفافیت صنایع استخراجی» (EITI) می‌توان نقاطی را که دزدی و حیف و میل منابع طبیعی و درآمدهای ایران در آن اتفاق می‌افتد شناسایی کرد. این نقاط از قرار زیر است:

- ۱) قراردادهای و مجوزها
- ۲) تولید
- ۳) دریافت عواید
- ۴) تخصیص عواید
- ۵) مصرف اجتماعی و اقتصادی درآمد

بدون چشم‌انداز فرایند نمی‌توان بخش نفت و گاز را به صورت منسجم مدیریت و کنترل کرد. فرایند نخستین گام در جهت ایجاد کنترل است: تعریف نقش‌ها و مسؤولیت‌ها. محمول کردن آنها به نهادها و حوزه‌های مسؤولیت گوناگون. حصول اطمینان از وجود بازرسی و تعادل در بازاریابی و سیستمی برای گزارش جریان نفت، درآمد و هزینه کرد، حل و فصل اختلاف حساب‌ها و انجام اقدامات اصلاحی.

نمودار ۳۸: زنجیره ارزش EITI - تقویت توان مدیریت در طول زنجیره ارزش صنایع استخراجی



گرافیک «نفت من کجاست»
منبع: برنامه شفافیت صنایع استخراجی (EITI), eiti.org

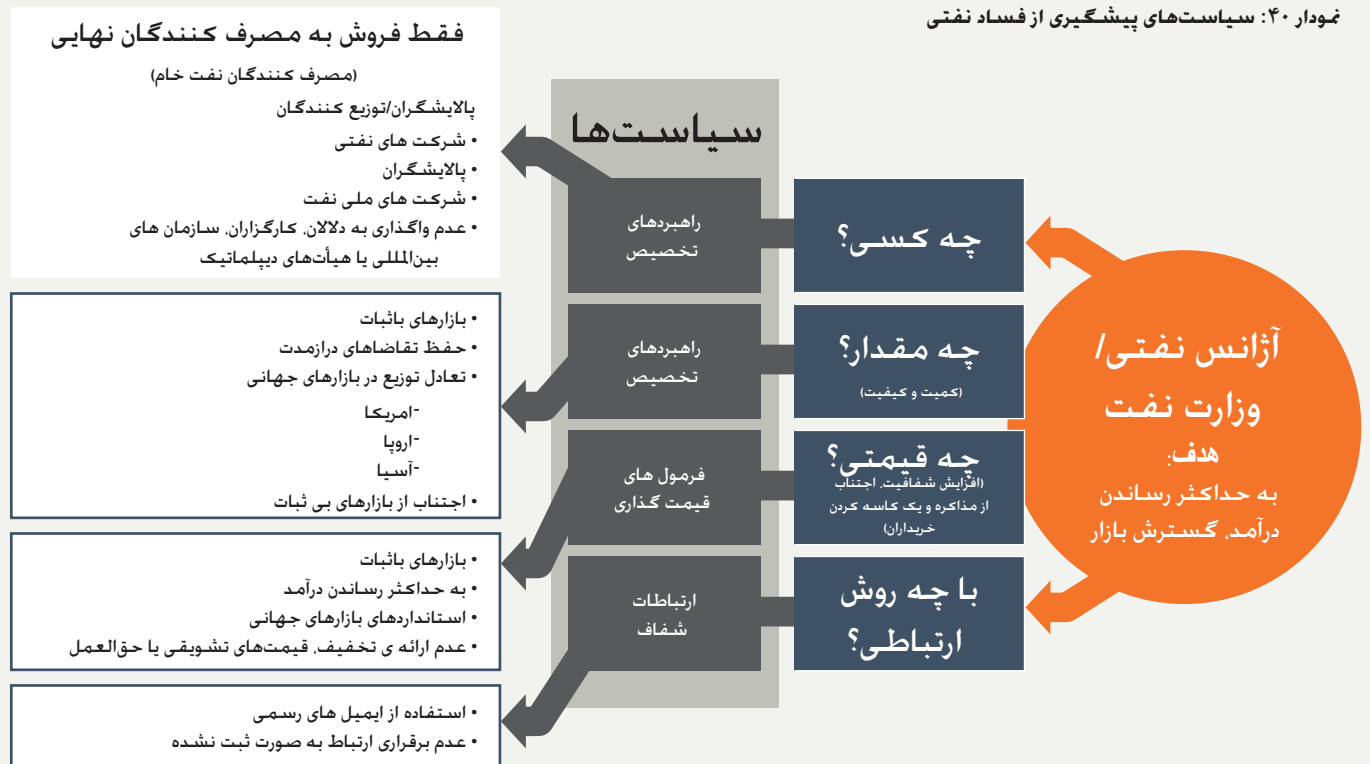
فرایندهای EITI جهت پیشگیری از فساد

نمودار ۳۹: مراجع و ساختارهای قانونی اداره‌کننده فروش نفت



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: گزارش برنامه شفافیت صنایع استخراجی

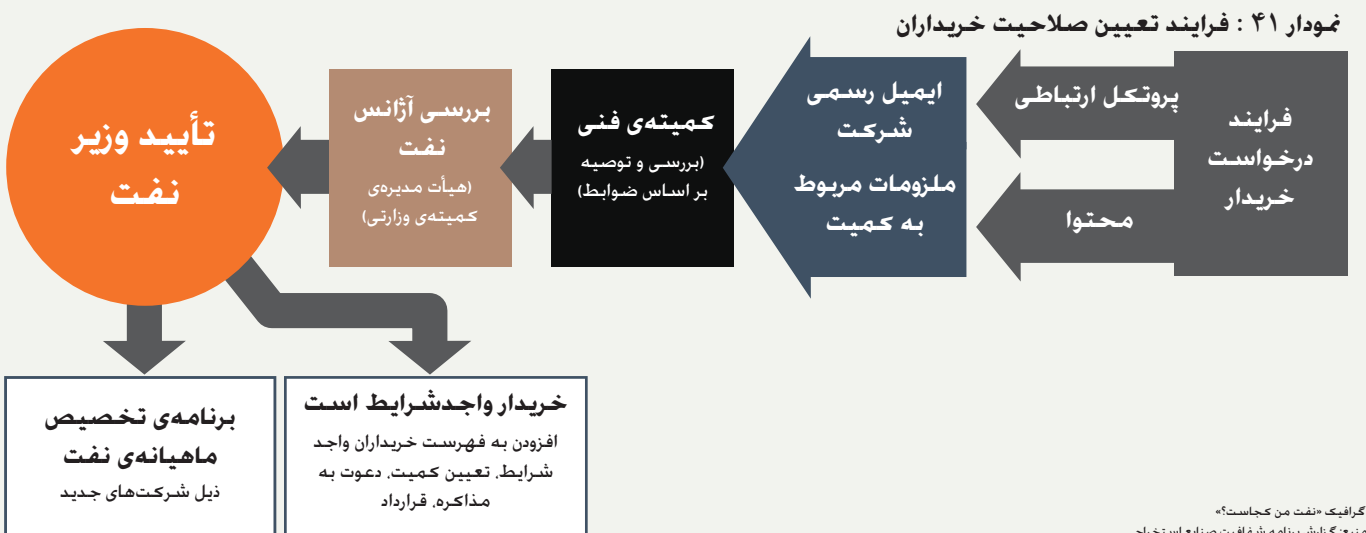
نمودار ۴۰: سیاست‌های پیشگیری از فساد نفتی



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: گزارش برنامه شفافیت صنایع استخراجی

در بازار، فرمولی باثبات برای قیمت‌گذاری و پروتکل‌های ارتباطات شفاف اشاره کرد. این خط‌مشی‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که از تمامیت و امانت وزارت نفت/آژانس نفت محافظت نمایند. حذف واسطه‌ها، محدود کردن ارتباطات به کانال‌های رسمی، برقراری و حفظ روابط درازمدت و داشتن یک شیوه قیمت‌گذاری ثابت احتمال بروز تبانی و فساد را کاهش می‌دهد. همان‌گونه که در پرونده‌های فساد ایران مشهود است، وزارت نفت ایران به گونه‌ای اداره می‌شود که گویی قلمرو خصوصی

سایه مقام رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، را ندارند. تحت انقیاد درآوردن قوای سه‌گانه کشور از سوی عوامل داخلی مانند سپاه پاسداران و شرکای خارجی آنان - خریداران - اقدام کلیدی در جهت به چنگ آوردن پادشاهی نهایی یعنی قراردادهای نفت و گاز است. وزارت نفت یا آژانس نفتی می‌توانند نقشی حیاتی در پیشگیری از فساد ایفا کنند. وزارت نفت خط‌مشی‌های حاکم بر فروش نفت را تدوین و بر اجرای آن نظارت می‌کند. از جمله این خط‌مشی‌ها می‌توان به تعیین ضوابط گزینش خریداران، استانداردهای تخصیص نفت



نمودار ۴۲: اجرای قرارداد

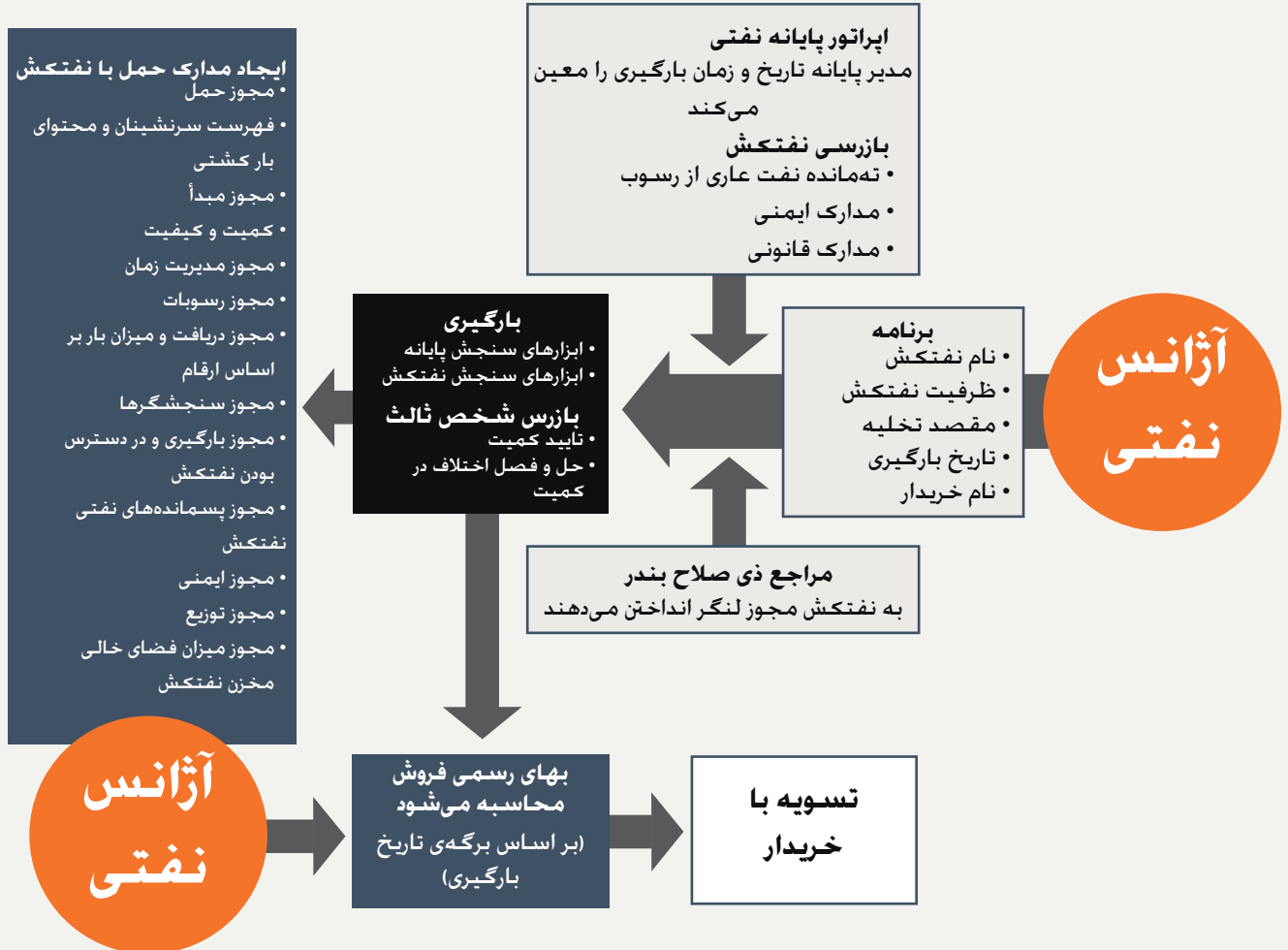


و گاز ایران را تا به این حد آسان ساخته بود. فرایند درخواست رسمی به گونه‌ای است که در آن پیشنهادات از یک شرکت رسمی و از طریق ایمیل رسمی شرکت که قابل ردگیری است ارسال می‌شوند و نه از طریق اقوام، واسطه‌ها و دلالتان غیررسمی. پیشنهادات بر اساس شایستگی که دارند توسط یک کمیته فنی داوری می‌شوند و هیأتی به ریاست وزیر، کلیه افراد کمیته را در برابر فشارهای شخصی و سیاسی محافظت می‌کند. آبرو و صلاحیت افراد، نهادها، دولت‌ها، شرکت‌ها و

احزاب و طوایف قدرتمند است. نه نهادی مردمی متعلق به مردم ایران. همان‌طور که در پرونده‌های فساد مربوط به هاشمی و زنجانی نمایان است، هرج و مرج سازمان‌یافته‌ای که بر بخش نفت و گاز ایران حاکم بود. به صورت هدفمند عمل می‌کرد. سارقان حکومتی در زمینی بی‌صاحب نشو و نما کردند و بالیدند. اغتشاش مرزها و تکثیر نقش‌ها، غیاب خط‌مشی‌های مربوط به قیمت‌گذاری، حجم محموله‌های نفت، انتقال درآمدها از طریق حساب‌های سری و نبود ضوابط برای خریداران واجد شرایط، پنهان کردن تغییر مسیر نفت

فرایندهای EITI جهت پیشگیری از فساد

نمودار ۴۳: فرآیند بارگیری و حمل



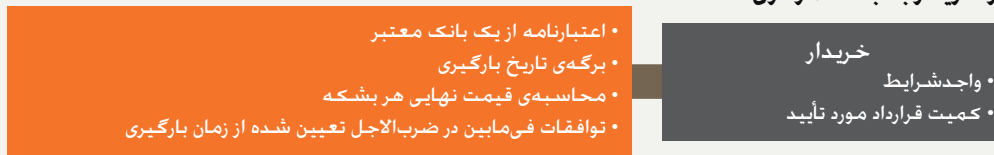
گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: گزارش برنامه شفافیت صنایع استخراجی

تا به امروز هیچ‌کس درباره الگوهای ارتباطی، روش بررسی‌های انجام شده و شیوه تصمیم‌گیری در وزارت نفت ایران توضیحی ارائه نداده است. خواه نفت مردم ایران را به مارک ریچ داده باشند، خواه به زنجانی یا سردار احمدی مقدم، به‌هیچ‌وجه روشن نیست این افراد صلاحیت فروش نفت ایران را داشته‌اند یا خیر. اجرای یک قرارداد به مجموعه‌ای از سازمان‌های داخلی عملیاتی وابسته است - یک مجموعه مربوط به حمل با نفتکش، حجم

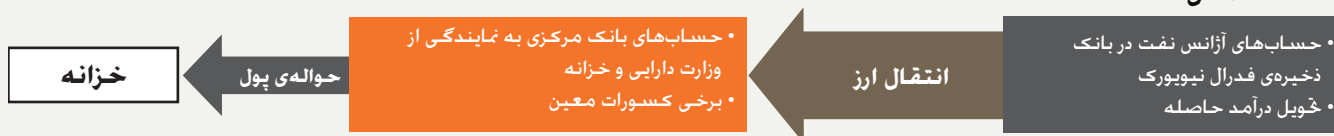
خریداران در معرض خطر قرار نمی‌گیرد و قواعد و استانداردهای حاکم بر تعیین شایستگی، استراتژی و طرحی را به پیش می‌برد که در خدمت منافع ملی باشد. بررسی‌هایی که از سوی کمیته فنی و وزارت انجام می‌گیرد، برای وزیر و نهاد ذیربط او نیز مانند سپر دفاعی عمل می‌کند. وزیر و افراد کمیته و وزارت نفت در یک نظام تصمیم‌گیری فرمایشی بالا به پایین و باری به هر جهت بر اساس ضوابط تصادفی عمل نمی‌کنند.

نمودار ۴۴: فرایند پرداخت

از خریدار به بانک مرکزی

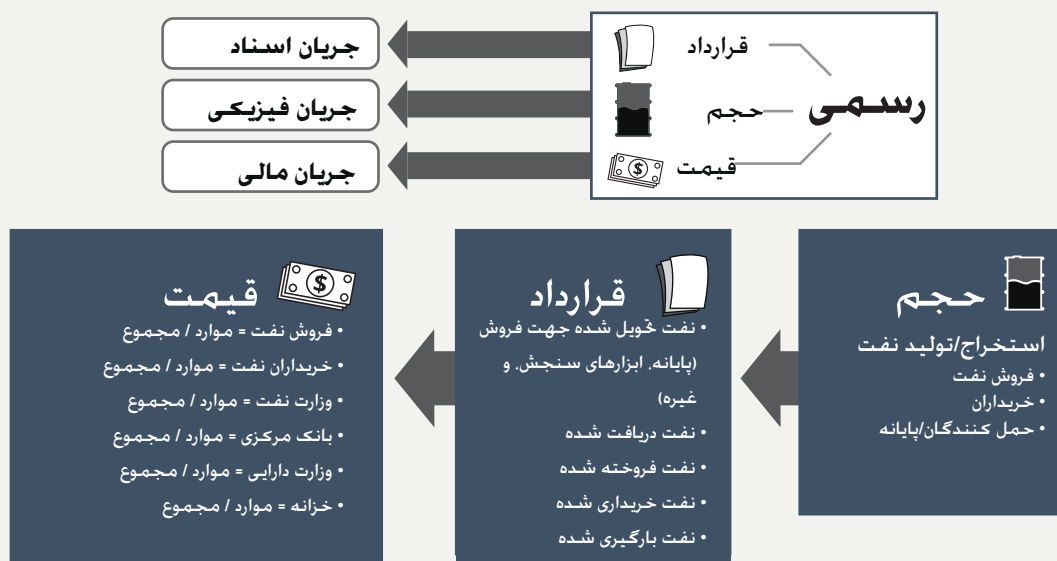


مستندات مالی



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: گزارش برنامه شفافیت صنایع استخراجی

نمودار ۴۵: فرایند مصالحه



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: گزارش برنامه شفافیت صنایع استخراجی

اگر بنا باشد ایرانیان مالکیت نفت خود را دوباره به دست آورند باید بندرها و پایانه‌های بارگیری را در کنترل خود بگیرند. در نبود مدارک، مجوزها و جدول زمان‌بندی که نفت بارگیری شده در بندر را به محموله‌های نفتی، شرکت‌های باربری، نفتکش‌ها، مقصد، حساب‌های بانکی و خریداران مرتبط سازد، ممکن است ایرانیان هرگز نتوانند بازرسی‌ها و کنترل‌های لازم برای پیشگیری از دزدیده شدن نفت را دوباره برقرار سازند. نبود چنین مستنداتی در وزارت نفت یا آژانس نفت باید زنگ خطر را به صدا درآورد. عدم وجود

و تاریخ بارگیری و تأیید مشخصات نفتکش است و دیگری مربوط به تأمین مالی. اعتبارنامه از یک بانک معتبر، مقدار و مقصد پول‌هاست. فرایند فیزیکی بارگیری نفت به داخل نفتکش معمولاً قطاری از اسناد و مجوزها به دنبال دارد؛ نام خریدار، نفتکش، کیفیت، حجم و قیمت نفت، حساب‌های بانکی، و توافقات فی‌مابین و مواردی از این قبیل. هر یک از طرفین معامله برای هر محموله چندین نسخه از مدارک را نزد خود نگاه می‌دارد.

فرایندهای EITI جهت پیشگیری از فساد

نمودار ۴۶: نقاط داده



گرافیک «نفت من کجاست؟»
منبع: گزارش برنامه شفافیت صنایع استخراجی

و ارز همگی چون خانه‌ای پوشالی به نظر می‌رسیدند و طرح‌های کلاهبرداری پونزی (Ponzi) توسط پادوهای باندهای تبهکار مالی به اجرا درمی‌آمد.

ایجاد یک فرایند حل اختلاف به منظور مرتفع کردن اختلاف‌های موجود در حجم، قیمت، محموله و فروش نفت پیچیده نیست. در مورد ایران، موضوع این است که زنجیره تأمین نفت شفاف نیست. در نتیجه هیچ همبستگی روشنی بین قراردادهای حجم‌ها و قیمت‌های دریافت شده برای هر محموله وجود ندارد. این مشکل را می‌توان به آسانی حل کرد. مسأله، پیچیدگی فرایندهای جاری نیست، بلکه ایجاد اخلاف در این فرایندها به صورت عمدی به منظور از بین بردن امکان هرگونه شفافیت و پاسخگویی است.

نهایتاً اینکه، حیاتی‌ترین عنصر در پیشگیری از فساد، حسابرسی است. هر تراکنش (مبادله مالی) مجموعه‌ای از کنش‌ها را باعث می‌شود. تولید داده می‌کند و ردی بر جای می‌گذارد که نهادهای گوناگون در مسیر زنجیره ارزشی نفت را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. با مقایسه حساب‌ها، نه تنها می‌توان اختلاف‌های ناشی

این مستندات نشانه نبود اطلاعات، متخصصان ورزیده یا توان مدیریتی نیست، بلکه اثبات مصونیت از مجازات است.

حتی اگر ایران می‌خواست مبدأ نفت خود را به دلیل خرمی‌ها پنهان سازد، نفت هنوز در تاریخی معین و در مقادیر معین به داخل نفتکش‌های معین بارگیری شده بود و نام خریدار نیز مشخص بود. می‌توان قاطعانه گفت حتی اگر اسناد تقلبی باشند، دولت هنوز توان آن را دارد که اسناد تقلبی محموله‌های واقعی نفت را ردگیری کند و آنها را به افرادی چون زنجانی ارتباط دهد.

ابعاد مالی مبادلات نفتی چندان پیچیده نیست. تعدادی حساب بانکی، پرداخت در مدت زمان معینی بعد از حمل، انتقال بین‌المللی ارز به حساب‌های بانک مرکزی و ارسال پول از بانک مرکزی به خزانه، اینها کل فرایند مالی فروش نفت را تشکیل می‌دهند.

به نظر می‌رسد فرایند اصولی فروش نفت در پرونده‌های فساد ایران، به ویژه در دوران خرمی‌ها دچار زوال شد. فرایندی که باید در حالت عادی خطی باشد، به طرز نومیدکننده‌ای درهم پیچیده و مغشوش شد. قراردادهای اعتبارنامه‌ها، بانک‌های شناخته شده

کسی بر تولید و فروش نفت نظارت می‌کند. تا زمانی که نهادهای دست‌اندرکار فروش نفت از ارائه اطلاعات و مدارک ابتدایی و قابل تأیید به مردم ایران خودداری کنند. فساد به فلج کردن اقتصاد و همچنین روحیه مردم ایران ادامه خواهد داد.

از اشتباه، تصادف و ابزار را برطرف کرد. بلکه می‌توان با گزارش فساد گسترده به مجلس، قوه قضائیه و هیأت وزیران دست به اقدامات اصلاحی زد. در مورد ایران - با میلیاردها دلار درآمد و با وجود اینکه میلیون‌ها نفر در این درآمدها ذینفع هستند - حسابرسی صورت نگرفته است. در مورد شرکت بازرگانی نفتیران (NICO) حتی روشن نیست چه کسی گزارش‌ها را تهیه می‌کند و چه

بازپس‌گیری بخش نفت و گاز ایران

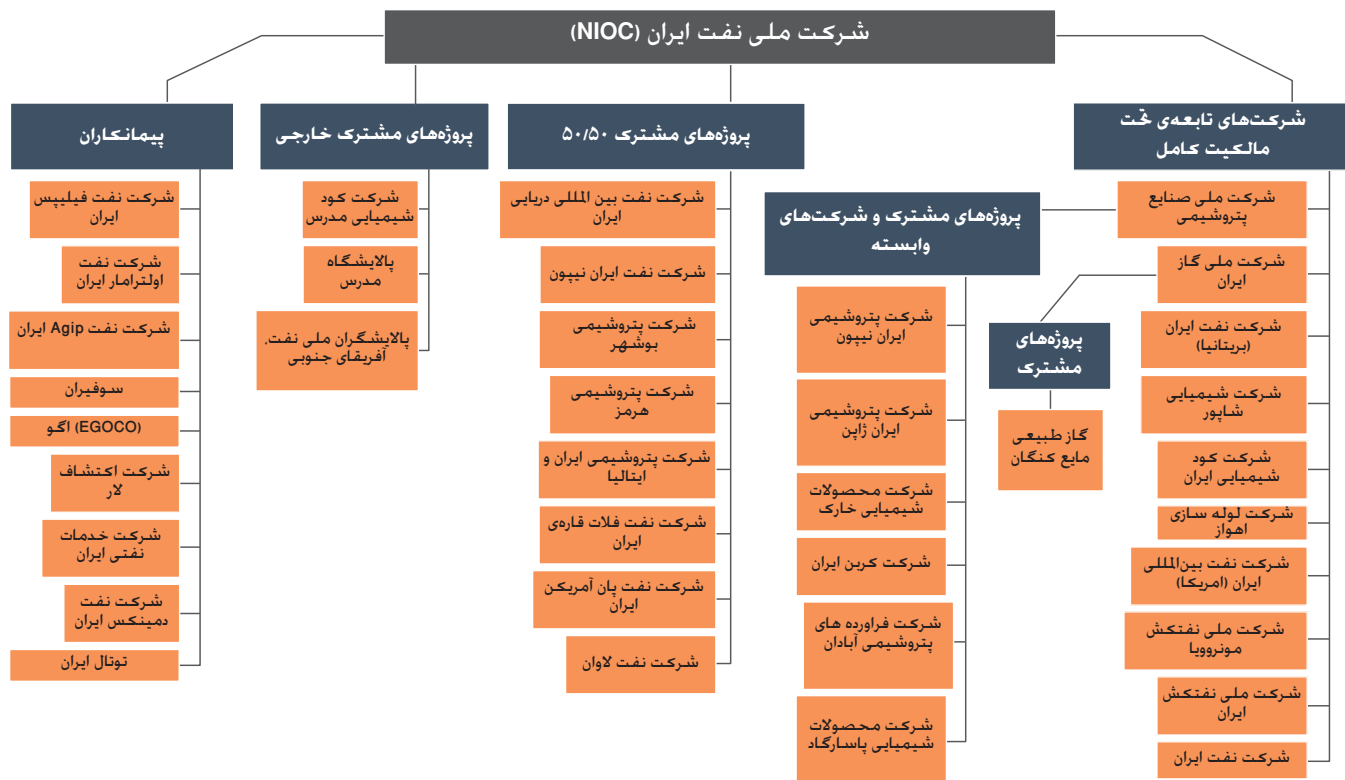
قرارداد کنسرسیونم ۱۹۵۴: قراردادی ۲۵ ساله بود که قاعده کلی سود ۵۰/۵۰ بین یک کنسرسیونم بین‌المللی (شرکای نفتی ایران) و دولت ایران را جا انداخت.

موافقتنامه خرید و فروش ۱۹۷۳: پس از آنکه شرکت ملی نفت به کنسرسیونم هشدار داد که بعد از انقضای قرارداد کنسرسیونم در سال ۱۹۷۹ آن را تمدید نخواهد کرد. سرانجام ایران توانست به اهداف خود از ملی کردن نفت در سال ۱۹۵۱ دست

در حالی که ثروت نفتی ایران در بخش اعظم قرن بیستم طی قراردادهای یک‌سویه امتیازبخش که به تاراج و غارت نفت ایران رسمیت می‌بخشید از دست رفت. ملی شدن نفت تغییراتی را در مدیریت و کنترل عملیات‌های نفتی ایران به دنبال داشت.

دو قرارداد مشخص نشان‌دهنده این تغییر در قراردادهای نفتی ایران است:

نمودار ۴۷: شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۹۷۴. قبل از انقلاب



گرافیک «نفت من کجاست؟»

منبع: «صنعت نفت ایران». انتشارات شرکت ملی نفت ایران. تهران، ۱۹۷۴، ص ۱۶.

پیدا کند. با تهدید ایران مبنی بر اینکه بعد از سال ۱۹۷۹ با اعضای کنسرسیوم همچون «خریداران عادی» رفتار خواهد کرد. «موافقت‌نامه خرید و فروش ۱۹۷۳» نقطه عطفی به شمار می‌آمد. از آن به بعد شرکت ملی نفت ایران «از حق مالکیت، عملیات و مدیریت تام و تمام کل ذخایر هیدروکربن، دارایی‌ها و نظام اداری صنعت نفت در موافقت‌نامه‌ها» برخوردار بود.^{۳۱۶}

این دو موافقت‌نامه بین‌المللی ایران را از ماندابی راکد به کشوری قدرتمند با سیاست و اقتصادی مدرن مبدل کرد. تغییر در اداره نفت و گاز ایران در درآمدهای نفتی ایران در آن زمان مشهود است. مجموع درآمدهای نفتی دولت ایران از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۵۱ در حد ۴۶۴ میلیون دلار بود. اما براساس مقاله دکتر مینا در دایره‌المعارف ایرانیکا بعد از موافقت‌نامه ۱۹۵۴، در دوره زمانی ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۳ این درآمد به ۱۶٫۲ میلیارد دلار (به ازای فروش ۱۵٫۵ میلیارد بشکه نفت) افزایش پیدا کرد و بعد از موافقت‌نامه خرید و فروش سال ۱۹۷۳ از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ مجموع درآمدهای نفتی ایران به ۱۰۴ میلیارد دلار (به ازای فروش ۱۰٫۳ میلیارد بشکه نفت) رسید.^{۳۱۷}

شرکت ملی نفت ایران نه تنها به حق حاکمیت و مالکیت مردم ایران بر نفت خود شکلی نهادی بخشید، بلکه چارچوبی سازمانی و عملیاتی برای تبدیل این مالکیت به دستاوردی اقتصادی برای کشور فراهم کرد. شرکت نفت ابزاری برای تبدیل دستاوردهای سیاسی به منافع اقتصادی فراهم کرد. لازمه این کار انتقال خط‌مشی به عملیات بود. یعنی مدیریت مؤثر و کنترل عملیات‌های پیچیده بخش نفت و گاز ایران.^{۳۱۸}

اکنون بازگردیم به اظهارات بیژن زنگنه، وزیر نفت، در ذم «نابودی» بخش انرژی ایران تا پایان دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد:

یک عده آدم که فهم عمیقی از این حوزه نداشتند، به‌خاطر اجرای اهدافی، دستگاه‌های بزرگ بخش انرژی کشور را به آستانه نابودی کامل رساندند. کار این افراد مثل کسی است که سوار بر یک آمبولانس برای رساندن مریض به مقصد در راه صدها نفر را زیر گرفته و کشته و هزاران دست و پا را شکسته است؛ این دوستان به‌اسم دادن یارانه به مردم دستگاه‌های بزرگ انرژی همچون توانیر، شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی و شرکت گاز را با تخلف از قانون، نابود کردند.^{۳۱۹}

جایگزین کردن ایدئولوژی‌های انقلابی به جای تکنوکرات‌های کاربلد حرفه‌ای، عواقب سنگینی برای آینده بخش انرژی ایران به دنبال دارد. این بدان معناست که فرایندها، عملیات‌ها و سیستم‌هایی که ضامن امنیت و بقای بخش نفت و گاز هستند، مقید و مکلف به نظارت عملیاتی، مالی و قانونی نیستند. اطلاعات قابل ردیابی و عملیات‌ها قابل ردگیری نیستند. نظارت بر تصمیمات ممکن نیست و نحوه عملکرد قابل مدیریت نیست. انعقاد قرارداد، سرمایه‌گذاری، فروش، قیمت‌گذاری، حجم، محموله، مبالغ دریافتی، همه در درون سیاهچاله انجام می‌گیرند. و تمام آنچه نصیب مردم ایران می‌شود، لاشه بخش انرژی است: مجموعه‌ای از سازمان‌های ورشکسته و شرکت‌هایی که تمام دارایی و ارزش خود را از دست داده‌اند. دلیل سقوط این شرکت‌ها حضور افراد مسأله‌داری است که هیچ‌گونه تخصصی در تجارت و صنعت نفت ندارند و به هیچ عنوان واجد شرایط مشارکت در بخش نفت و گاز نیستند.

اگر بنا باشد مردم ایران بخش انرژی را ثبات دهند، مدیریت صحیح این بخش باید به اولویت ملی بدل شود. حداقل وزیر نفت، آقای زنگنه باید توضیح دهد به چه دلیل نهادهای کلیدی بخش انرژی «در آستانه ورشکستگی کامل» هستند. چگونه است که نهادهای مسؤول نظارت و مدیریت و امنیت بخش انرژی از غارت سامانند این بخش سود می‌برند؟ آنچه مسلم است، زیان‌های ناشی از پرونده‌های زنجانی و کرسنت به تنهایی، بازیابی و ممیزی همه جانبه سیستم‌ها و فرایندهای حاکم بر زنجیره ارزش بخش نفت و گاز ایران را ایجاب می‌کند. این پرونده‌ها اطلاعات حیاتی در اختیار ما قرار می‌دهد تا دریابیم سارقان حکومتی چگونه زنجیره تأمین نفت و گاز را ساقط کردند. نادیده گرفتن خط‌مشی و فرایندهای حاکم بر تأیید قراردادها، تعیین صلاحیت مشتریان، و تمام مقررات و فرایندهای دیگر از قبیل بازگیری و حمل نفت تا خویل آن و دریافت بهای آن، به این دلیل صورت می‌گیرد که بخش انرژی ایران در برابر تاراج مافیای نفت و گاز بین‌المللی آسیب‌پذیر شود. در واقع منافع این مافیا ایجاب می‌کند ایران کشوری ناکارآمد و فاسد باشد.

چالش پیش رو مشخص، ساده و روشن است: آیا حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی خواستار حسابرسی کامل بخش نفت و گاز ایران خواهد شد؟



جمع‌بندی یافته‌ها

الف- هزینه اقتصادی فساد و تحریم‌ها

۱) جدال هسته‌ای: نزاع تریلیون دلاری

کل فرصت‌های شغلی ایجاد شده در این بازه زمانی معادل صفر بوده است. با وجود قیمت نفت که هر بشکه بیش از ۱۰۰ دلار بود، سیل کالاهای وارداتی به ایران منجر به ورشکستگی بیش از ۲،۵۰۰ شرکت صنعتی و کاهش ۵۰۰ هزار نیروی کار در بخش صنعت شد.

بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) مجلس ایران، مدل‌های اقتصادی نشان می‌دهند هزینه پرونده‌های فساد و تحریم‌ها برای اقتصاد ایران در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد در حدود ۱ تریلیون دلار بوده است.

۲) فرصت‌های شغلی: معادله میلیارد دلاری

۵) بیکاری جوانان

در حالی که ۶۰ درصد جمعیت ایران را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند، بیکاری در میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ایرانی رقم حیرت‌آور ۲۱.۸ درصد و برای زنان در این گروه سنی ۴۰ درصد است. بر اساس شواهد موجود، بازار کار تنها قادر است برای یک نفر از هر سه جوان ایرانی که وارد بازار کار می‌شوند، کار فراهم کند. تا سال ۲۰۲۱ با نیروی کار ۴۲.۵ میلیون نفری، ۷.۵ میلیون نفر یا ۱۷.۶ درصد جمعیت کشور بیکار خواهند بود.

فساد نوعی از واگذاری سرمایه (divestment) است. مدل‌های اشتغالزایی برای کشورهای با شرایط مشابه ایران گویای آن است که، بسته به بخش اقتصادی، هر ۱ میلیارد دلار درآمد از دست رفته نفتی، اگر در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری شود، می‌تواند بین ۲۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کند.

۳) فرصت‌های شغلی: معادله تریلیون دلاری

بر اساس اظهارات وزیر کار ایران، هزینه ایجاد یک شغل از ۶ هزار تا حدود ۱۲۰ هزار دلار است. با در نظر گرفتن ۶ هزار دلار، ۱ میلیارد دلار می‌تواند بیش از ۱۶۰ هزار شغل ایجاد کند. با در نظر گرفتن ۱۲۰ هزار دلار برای ایجاد یک شغل، با ۱ میلیارد دلار می‌توان بیش از ۸ هزار شغل ایجاد کرد. حتی با احتساب ۱۲۰ هزار دلار برای ایجاد یک شغل، با یک تریلیون دلاری که در دوره احمدی‌نژاد از دست رفت، می‌شد بیش از ۸ میلیون شغل با درآمد مکفی ایجاد کرد.

۶) فساد، رسوایی و فرصت‌های شغلی

بر اساس مدل «مؤسسه مالی بین‌المللی» (IFC) رسوایی ۲.۷ میلیارد دلاری زنجانی برای ایران به بهای از دست رفتن بین ۲۷۰ هزار تا بیش از ۱ میلیون شغل تمام شد. با در نظر گرفتن برآورد ۶۰۰۰ دلار برای ایجاد یک شغل که وزیر کار ایران ارائه داده است، در صورت بازگرداندن مبلغی که در پرونده زنجانی از دست رفت، می‌توان ۴۵۰ هزار شغل ایجاد کرد.

اگر مبلغ ۲۴.۵ میلیارد دلاری که شرکت بازرگانی نفتیران، بازوی فراساحلی شرکت ملی نفت از پول‌های آزاد شده پس از رفع تحریم، از بانک مرکزی برداشت کرد، در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری می‌شد، می‌توانست با در نظر گرفتن ۶۰۰۰ دلار برای ایجاد یک شغل، بیش از ۴ میلیون شغل و با در نظر گرفتن ۱۲۰ هزار دلار برای یک شغل، بیش از ۲۰۰ هزار شغل ایجاد کند.

۴) تصویر اشتغال

سوءاستفاده از درآمدهای نفتی، پایه‌های صنعت ایران را فرسوده کرده است. فساد تأثیر ویرانگری بر کارگران داشته است. با وجود درآمد مازاد بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۳ اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند که تعداد

ب- سرقت نفت و ناهمخوانی حسابها: عایدات حاصل از رفع تحریمها و صندوق توسعه ملی

۱) عدم حسابرسی اموال مسدود شده ایران

دولت روحانی و بانک مرکزی ایران هنوز حسابرسی کاملی از وضعیت اموال بلوکه شده ایران ارائه نداده‌اند. اختلافهای قابل‌توجهی در حسابهای موجود به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که دولت قادر به ردگیری، تعیین تکلیف و حسابرسی دستکم ۶۰ میلیارد دلار از اموال بلوکه شده نبوده است. طبق اعلام وزیر خارجه پیشین ایالات متحده، جان کری، تا آوریل ۲۰۱۶ تنها ۳ میلیارد دلار از اموال مسدودشده ایران به این کشور بازگردانده شده است. اظهارات جان کری موجب تردید درباره ادعای بانک مرکزی ایران در مورد ۲۷ تا ۲۹ میلیارد دلار وجه که قرار بود از محل اموال بلوکه شده به ایران بازگردد، شده است.

۴) بانکهای داخلی

بنا به اعلام بانک مرکزی، دولت مجوز برداشت معادل ریالی ۱۰ میلیارد دلار از محل دارایی‌های مسدودشده ایران را از این بانک صادر کرد. در سال ۲۰۱۵ رئیس بانک مرکزی وضعیت این وجه را که گفته می‌شود به بانکهای مختلف داخلی وام داده شده «مشکوک» توصیف کرد. این موضوع سؤالات جدی درباره سلامت نظام بانکی ایران، میزان فساد در بخش مالی، ماهیت و شرایط وام‌هایی که اعطا شده، و وضعیت ۱۰ میلیارد دلاری که در اختیار پروژه‌های در آستانه ورشکستگی یا انحلال قرار دارد، ایجاد می‌کند. دولت روحانی تا به امروز گزارش شفاف و جامعی درباره چگونگی بر باد رفتن این دارایی‌ها ارائه نداده است.

۲) شرکت ملی نفت ایران (NIOC) و شرکت بازرگانی نفتیران (NICO). میزی ۲۴.۵ میلیارد دلاری

بانک مرکزی، شرکت ملی نفت ایران و سازمان حسابرسی کشور تکلیف حسابرسی ۲۴.۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی را مشخص نکرده‌اند. این مبلغ از سوی شرکت بازرگانی نفتیران که بازوی بازرگانی شرکت ملی نفت محسوب می‌شود برداشت و بدون کسب مجوزهای لازم خرج شده است.

۵) صندوق توسعه ملی ایران

درحالی که هیاهوی بسیار بر سر میزان دستمزد مدیران صندوق توسعه ملی ایران (صندوق تثبیت نفت پیشین) به راه افتاده است، بحران موجود در این نهاد بسیار عمیق‌تر از رسوایی مربوط به حقوق و مزایای نجومی مدیران آن است. از ظواهر امر برمی‌آید که قوانین و مقررات مربوط به سپرده گذاری و برداشت پول از حساب، نادیده انگاشته شده تا غارت اموال صندوق برای پروژه‌های بدون ردیف بودجه و با مطامع شخصی تسهیل گردد. «مؤسسه ناظر بر درآمد» برآورد کرده است بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ باید ۳۶ میلیارد دلار بیش از رقم ذکر شده از سوی دولت به حساب صندوق واریز می‌شد و بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ دولت بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار بدون توجیه اقتصادی روشن از صندوق برداشت کرده است. مردم ایران تا به امروز درباره عملکرد صندوق توسعه ملی در بی‌خبری نگه داشته شده‌اند. صندوق توسعه ملی ایران در فهرست شفافیت که از سوی مؤسسه «ثروت ملی» منتشر می‌شود از ۱۰ امتیاز ۱ امتیاز کسب کرده است. وضعیت صندوق توسعه ملی -که از هر جهت ناتوان است- نشانگر ضعف مفرط ساختاری در این نهاد است. با توجه به ضرورت حفاظت از کشور در برابر نوسانات بازار نفت، چنین سطحی از فساد، سهل‌انگاری و سوءمدیریت درآمدهای نفتی باید باعث نگرانی عمیق دولت و مردم ایران باشد. بررسی همه جانبه صندوق، به انضمام حسابرسی کلیه سپرده‌ها و برداشت‌هایی که از حسابهای آن صورت گرفته، مسأله امنیت ملی است.

۳) قراردادهای نفتی و امتیازات اعطا شده به چین

وضعیت ۲۲.۵ میلیارد از درآمدهای نفتی ایران که به عنوان ضمانت پروژه‌های مشترک به صورت ودیعه در چین گذاشته شده بود، مشخص نیست. گرچه این قراردادها و امتیازات با عهدنامه ننگین «ترکمانچای» مقایسه شده‌اند؛ ماهیت و قانونی بودن آنها و همچنین هویت افراد ذی‌نفع، در حاله‌ای از ابهام فرو رفته است. تاکنون مشخص نشده است که چه کسی به نمایندگی از مردم ایران این حسابها را ایجاد و کنترل می‌کند و این حسابها در کدام بانکها ایجاد می‌شوند. این نکته نیز بر ما پوشیده است که مبلغ ۲۲.۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران برای تضمین کدام پروژه مشترک به کشور چین سپرده شده و احیاناً چه کالاها یا خدماتی و از سوی چه افرادی از چین وارد ایران شده است.

پ- اداره بخش نفت و گاز

۱) نقطه کور مردم ایران

طرح‌های توسعه بخش نفت و گاز ایران را تغذیه می‌کنند نیز بریده شده‌اند. بازگرداندن شفافیت و پاسخگویی به بخش نفت و گاز برای محافظت از منابع ایران ضروری است. ایران باید رشته ارتباط خود را با بازار سیاه بین‌المللی بسیار پیچیده نفت بگسلد. این بازار سیاه، دنیای زیرزمینی تبهکارانه‌ای است که به اندازه بازار غیرقانونی مواد مخدر و اسلحه قدرتمند است. امنیت ملی و آینده اقتصادی ایران بسته به این است که فعالیت‌های بخش نفت را از زیر پرده راز و ابهام بیرون آورد. زیرا این مخفی‌کاری فساد را تسهیل می‌کند و به مصونیت از مجازات پاداش می‌دهد. برای حفظ امنیت ملی و آینده اقتصادی به جای اجازه دادن به پرده‌پوشی، دولت باید دسترسی به اطلاعات را تسهیل کند و ترتیبی اتخاذ کند که نهادهای متعدد داده‌های مربوط به قیمت‌ها، حجم، محموله، خویل، پرداخت‌ها و شرکا را چک کنند، گزارش کنند، مورد حسابرسی قرار دهند و تأیید نمایند.

بخش نفت و گاز ایران در نقطه کور جمعی نگاه داشته شده است. همان‌گونه که در پرونده زنجانی شاهد بودیم، جریان داده‌ها و اطلاعات که برای نظارت بر حرکت نفت و پول در بخش نفت ضروری هستند قطع شده بود. با وجود پرسش و پیگیری رسانه‌ها، دولت و دیگران در بخش نفت و گاز از ارائه حساب‌های مربوط به وضعیت میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی عاجزند. به گونه مشابه، بنیادی‌ترین و ابتدایی‌ترین اطلاعات درباره ساختار مالکیت، توانایی‌ها و عملکرد بازیگران عمده ای چون قرارگاه خاتم‌الانبیا در دسترس نیست. روشن نیست تصمیمات چگونه اتخاذ می‌شوند. قراردادهای چگونه اعطا می‌شوند. سرمایه‌ها چگونه تخصیص می‌یابند. پروژه‌ها چگونه تحت نظارت قرار می‌گیرند و درآمدها چگونه اندازه‌گیری می‌شوند. طرح‌ها و پروژه‌های عمده اقتصادی به مدت چند دهه معطل مانده‌اند. اگر قرار باشد اقتصاد کشور احیا شود، بازیگری و احیای بخش نفت و گاز باید اولویت ملی باشد.

۵) بودجه و خزانه: تخصیص نفت و بدخیمی اقتصادی

بخش قابل‌توجهی از درآمدهای نفتی ایران در بودجه گنجانده نمی‌شود. نفت به بازیگران گوناگونی چون سازمان‌های نیمه‌دولتی، فرماندهان سپاه پاسداران و کنسرسیوم‌های خصوصی واگذار می‌شود که همگی خارج از مجاری رسمی عمل می‌کنند. خزانه و مجلس کنترلی بر بودجه، درآمد و هزینه کرد این سازمان‌ها ندارند. این شکاف در حاکمیت ملی عوارض جدی برای کشور دارد. زیرا حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران را به روی الیگارشی‌ها، شبه نظامیان و تبهکاران باز می‌کند. این گروه‌ها نه تنها قدرت سیاسی خود را جهت استقرار و توسعه قدرت انحصاری خود که منابع ایران را به یغما می‌برد مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند، بلکه از کوتاه کردن دست مردم ایران از حاکمیت ملی و تحت کنترل گرفتن دولت به نمایندگی از عوامل خارجی نیز سود می‌برند. برخی از این نهادها مستقیماً در نقض حقوق بشر، پولشویی، تأمین مالی افراط‌گرایی، اخاذی، قاچاق و دیگر فعالیت‌های مجرمانه و تروریستی دست دارند.

۲) ناشناخته: بازار سیاه در نفت ایران

مقادیر نامعلومی از نفت ایران توسط مافیای نفتی و دیگر عوامل فاسدی که نسبت به مردم ایران تعلق خاطر ندارند، در بازار سیاه به فروش می‌رسد. برخی نفتکش‌ها به صورت تام و کمال از دایره حساب و میزبانی خارج می‌شوند. این کارتل‌های نفتی تهدیدی برای رفاه اقتصادی و امنیت ملی ایران هستند.

۳) سیاست انرژی: اولویت‌ها و سیاست‌ها

اولویت‌های سیاسی و اقتصادی ایران باید بر خط‌مشی انرژی درازمدتی متمرکز کند که عقلانی باشد، نه ایدئولوژیک یا سیاسی. برنامه هسته‌ای ایران تأمین کننده کم‌تر از ۱ درصد انرژی مصرفی کشور است. درحالی که سوخت‌های فسیلی بیش از ۹۹ درصد انرژی کشور را تأمین می‌کند. قرار دادن بخش نفت و گاز و اقتصاد ایران در معرض خریم‌های ویرانگر به نام دفاع از حق غنی‌سازی اورانیوم، خودکشی اقتصادی بود.

۴) تضمین زنجیره درآمد و تأمین نفت

زنجیره تأمین نفت ایران در برابر فساد به شدت آسیب‌پذیر است. شریان‌هایی که جریان فیزیکی نفت و گاز را به خارج از کشور و جریان کالا و درآمد را به داخل کشور متصل می‌کنند، بریده شده‌اند. شریان‌هایی که سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و

۶) سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز

فساد دلیل اصلی افول صنعت نفت و گاز ایران است. به زبان صریح‌تر، بازگشت سرمایه در پروژه‌های نفت و گاز ایران رقت‌انگیز است. طراحی، مدیریت، ساختار، تأمین مالی و

است. میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی در پارس جنوبی ناپدید شده است تا ارزش کل میدان از طریق قراردادهای فاسد که گاز ایران را به یک چهاردهم ارزش واقعی آن قیمت‌گذاری می‌کند. به یغما برود. طرح‌های ایران برای پمپ کردن سالانه ۳۴ میلیارد متر مکعب گاز به برنامه بازیافت نفت خود. به خاطر خط‌مشی‌های کوتاه‌بینانه در معرض خطر قرار گرفته است. همان‌طور که موقعیت ایران مأیوس‌کننده‌تر شده، موقعیت کشورهای دیگر منطقه تقویت شده است. قطر که در میدان گاز پارس جنوبی با ایران سهیم است و از آن برداشت می‌کند. به یک ابرقدرت انرژی در جهان بدل شده است.

ضمانت طرح‌ها و پروژه‌ها بسیار ضعیف است. نتیجه، شرم‌آور است. ایران دارای بزرگ‌ترین منابع گاز جهان است - میدان پارس جنوبی - اما شرکت ملی گاز ایران تقریباً ورشکسته است. همان‌طور که پرونده رسوایی شرکت کرسنت [به صفحه ۳۲ مراجعه کنید] به خوبی نشان داده است. پس از صرف میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ایران برای توسعه پارس جنوبی، مقامات ایران شرکت ملی نفت را به دلیل فساد مورد سرزنش قرار می‌دهند. فساد که منجر به انعقاد قراردادهای درازمدت فاجعه‌بار شد که ایران را ملزم به فروش گاز خود به بهای یک چهاردهم قیمت بازار می‌کند.

۹) سودی که خلیل می‌رود: میدان‌های نفتی ایران

حفظ بهره‌وری میدان‌های نفتی ایران در آینده اقتصادی ایران نقشی حیاتی بر عهده دارد. هر سال میدان‌های نفتی کشور بین ۸ تا ۱۴ درصد از سطح تولید خود را از دست می‌دهند - زبانی عظیم که می‌توان با تزریق مجدد ۳۴ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی به داخل چاه‌های نفت از آن جلوگیری کرد. اما ایران دو «طرح توسعه ملی» آخر خود (۲۰۰۵-۲۰۱۵) برای افزایش ۲ درصدی برداشت نفت را به انجام نرسانده است.^{۳۲} با در اختیار داشتن ۹.۳ درصد ذخایر قطعی نفت خام متعارف جهان، هر ۱ درصد افزایش در نرخ برداشت نفت به معنای ۸۰ میلیارد دلار درآمد بیشتر است.^{۳۳} به جای پیشرفت و افزایش تولید، فساد در بخش نفت و گاز با سرعتی سرسام‌آور زیان روی زیان انباشته می‌کند. سیاست‌گذاران ایران با ایجاد طرح بازیافت و عدم اجرای صحیح آن دهه بعد از دهه، نسل‌های آینده را در معرض خطر قرار می‌دهند.

۷) خط‌مشی و اداره

بر اساس شواهد فراوان گزارش بانک جهانی درباره صنعت نفت و گاز ایران، بینش مشخصی برای این بخش وجود ندارد. اقتدار تاریخی شرکت ملی نفت بنا به مقاصد معلوم ناپدیده گرفته شده و کادر حرفه‌ای آن مشمول پاکسازی شده است. درهای بخش نفت به روی بازیگران جدید باز نشده است؛ بازیگران فاسد و تبهکار و گروه‌های خارجی که از سپاه پاسداران و بنیادهای نیمه‌دولتی تا کنسرسیوم‌های بین‌المللی و داخلی را در بر می‌گیرد. نتیجه این اقدام، جزیه و پاره‌پاره شدن صنعت نفت و گاز ایران بوده است - مانعی جدی بر سر راه توان عملیاتی و تولیدی این بخش. با پیامدهای بسیار منفی برای آینده اقتصاد ایران.

۸) سودی که خلیل می‌رود: پارس جنوبی

علی‌رغم میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری نامعلوم در طی چندین دهه، ایران با بزرگ‌ترین ذخایر گاز در جهان، از به فعل درآوردن توان بالقوه خود و تبدیل شدن به یک ابرقدرت گازی ناتوان بوده

ت- مخاطرات سیاسی ناشی از فساد

۱) افراط‌گرایی

حساسی را در بخش‌های زیرساختی نفت و گاز ایران اشغال کرده بودند، بلکه مقادیر نامعلومی از درآمدهای نفتی ایران را به حساب‌های خارجی که ایران هیچ کنترل و قدرت قضایی در آنها ندارد واریز می‌کردند. افراط‌گرایی به شکل منازعه هسته‌ای، به سارقان حکومتی امکان داد کنترل فروش نفت را به نام دور زدن تحریم‌ها از آن خود کنند. این فعالیت‌های مربوط

ارتباط بین افراط‌گرایی و فساد غیرقابل‌انکار است. درحالی که مردم ایران تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی بودند، دولت روحانی یک گروه شبه‌نظامی اقتصادی وابسته به سپاه پاسداران را به دست داشتن در فساد در ابعادی که در تاریخ ایران بی‌سابقه بود، متهم کرد. فرماندهان سپاه نه تنها پست‌های

خواه با لباس مبدل دفاع از برنامه اتمی ایران باشد یا از طریق شعله‌ور ساختن درگیری‌های داخلی و منطقه‌ای.

به بازار سیاه امنیت و رفاه ایران را تهدید می‌کنند و مافیای نفتی را به تداوم افراط‌گرایی ترغیب می‌کنند. مافیای نفتی برای حفظ منافع خود بحران ایجاد می‌کند و به آن دامن می‌زند.

ث- از خارج کردن نفت از حالت ملی تا احیای صنعت نفت

در دفاتر حسابداری و عملیات‌های بخش نفت و گاز ایران صورت بگیرد - به ویژه در مورد نحوه اداره این بخش در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد.

۳) قوه قضائیه و مجلس: محاکمه پرونده‌های فساد

قوه قضائیه و مجلس ایران نباید فساد مقامات ارشد حکومتی را که مسؤول اداره بخش نفت و گاز ایران بودند، لاپوشانی کنند. تمام پرونده‌های فساد در ایران باید مطابق قانون مو به مو مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند. هرچه مقام مسئولی بالاتر باشد، اعتماد عموم بیشتر خدشه‌دار شده و قانون‌شکنی سنگین‌تر بوده، بنابراین بازجویی کامل و رسیدگی به جرایم اهمیت بیشتری دارد. با این حال، همان‌گونه که از سوی احمدی‌نژاد و دیگران مطرح شده خود قوه قضائیه فاسد است و اغلب اتفاق می‌افتد که بازجویی‌ها و محاکمات را با قصد پنهان‌سازی فساد عظیم بخش نفت و گاز انجام می‌دهد. نه به قصد بر ملا کردن آن.

۱) شفافیت، پاسخگویی و کنترل

عملاً وظیفه ملی و منافع اقتصادی تمام ایرانیان ایجاب می‌کند از طریق مبارزه با فساد نفت خود را باز پس بگیرند. ایدئولوژی انقلابی جمهوری اسلامی نباید ابزاری برای خارج کردن نفت از حالت ملی باشد. بخش نفت و گاز ایران گنجینه‌ای ملی است و مردم ایران حق مالکیت این دارایی را دارند که تریلیون‌ها دلار ارزش دارد. فرایند اعاده و نجات این گنجینه به راه افتادن یک کارزار قدرتمند ضدفساد در تمام سطوح جامعه بستگی دارد. مقامات رسمی و نهادهای ایران وظیفه دارند از بخش نفت و گاز، مخازن، منابع و درآمدهای آن در برابر سارقان حکومتی محافظت کنند. آنان نه تنها باید خواهان شفافیت و پاسخگویی باشند، بلکه باید خط‌مشی‌ها، استانداردها و معیارهای سنجش را تعیین و اعمال کنند تا اعتماد به اداره صحیح، بهره‌وری و آینده بخش نفت و گاز احیا شود.

۲) میزبانی

برداشتن به پرونده‌های باز فساد، اختلاف‌های بزرگ حسابداری، و شکاف‌های سامانند برای اعاده حق حاکمیت ایران بر منابع خود حیاتی است. لازم است مانند نیجریه، یک میزبانی مستقل

ج- فساد هدفمند

۱) فساد تصادفی نیست

فساد در جمهوری اسلامی تصادفی نیست، بلکه ساختاری و سامانند (سیستماتیک) است. یعنی تعمداً و از روی قصد طراحی شده تا سرقت در ابعاد وسیع را تسهیل نماید. درحالی که ثروت بادآورده فساد به جمهوری اسلامی امکان ادامه حیات می‌دهد و عملاً به سارقان حکومتی پاداش می‌دهد و آنان را متحد می‌سازد تا هرچه بیشتر منابع و درآمدهای ایران را به تاراج ببرند. با قرار دادن فرهنگ، بهداشت، اقتصاد و امنیت مردم ایران در معرض آسیب‌های بی‌شمار، مردم را مجازات می‌کند.

۲) فساد ابزار دستیابی به تسلط

فساد، ابزار اعمال فشار و کنترل سیاسی و اقتصادی است - آداب تشرف است که خودی‌ها را از غیرخودی‌ها جدا می‌کند. به ارتشا، اخاذی، زیرمیزی و اختلاس به چشم نقض قانون و اخلاق نمی‌نگرند، بلکه آن را بخش لاینفک و ضروری فرهنگ سیاسی و بازرگانی ایران می‌دانند. در چنین سیستمی، بدون فساد هیچ‌کس در ملک خود نیز احساس امنیت نمی‌کند. بدین‌ترتیب فساد به عنوان ضرورت زندگی قلمداد می‌شود که ضامن بقا است یا اینکه دستکم فرد را از اخلاگری و اخاذی و ضبط اموال و زیان دیگران مصون نگه می‌دارد.

۳) فساد در بطن سیاست و تجارت است

ارتشا، اخاذی، زیرمیزی و اختلاس به بخش‌های جدایی‌ناپذیر و ضمنی فرهنگ سیاسی و بازرگانی ایران تبدیل شده‌اند. عملاً همه مبادلات اقتصادی در معرض فسادند. خودی‌های رژیم، کارچاق‌کن‌ها و دربان‌ها باج‌خواهی می‌کنند و در ازای صدور مجوز، پروانه، سند و قباله و خدمات دیگر «شیرینی» خود را می‌خواهند.

۴) فساد سامانند است

فساد به صورت فعال از طریق ساختارهای اداری و دولتی ترویج می‌شود و بنیان جامعه مدنی را با تشویق فرصت‌طلبی و حمایت از فرهنگ دزدی که بر پایه نقض حقوق فردی و جمعی استوار شده، تضعیف می‌کند. فساد حس هویت و همبستگی ملی ایرانیان را با فرسایش دادن بنیادهای شخصیتی آنان تهدید

می‌کند و کیفیت روابط و حس تعلق به جامعه را در میان آنان به شدت کاهش می‌دهد.

۵) فساد ارزش‌های سنتی را نفی می‌کند

نسل‌های آینده ایران مجبورند در محیطی رشد کنند که در آن ارزش‌های سنتی که سنگ بنای قانونی و اخلاقی سرمایه‌گذاری، رشد، ثبات و امنیت را تشکیل می‌دهند، نقض می‌شوند. ارزش‌هایی چون اعتماد، امانتداری، کرامت، همدلی، شفقت و همبستگی جای خود را به طمع، زیاده‌خواهی، دزدی و فریبکاری می‌دهد که نتیجه آن ورشکستگی و بی‌آبرویی است.

نتیجه‌گیری

امروز ایران در وضعیت بحران است. بحرانی که به هیچ بحران دیگری شباهت ندارد. همان‌گونه که در این مطالعه نشان دادیم، زیان ناشی از فساد در دوران ۸ ساله ریاست جمهوری احمدی‌نژاد ممکن است از یک تریلیون دلار نیز برگزشته باشد. با توجه به فراین

موجود بعید است دولت روحانی بتواند این زیان را جبران کند. درواقع با تصمیم پرزیدنت دانلد ترامپ مبنی بر بازگرداندن خربم‌های ایران -تصمیمی که ممکن بود به جنگ بینجامد- دلایل بسیاری داریم که باور داشته باشیم مافیای نفتی ایران زیر نقاب دور زدن خربم‌ها و محافظت از امنیت ملی، خود را از نو و این بار مهلک‌تر از قبل می‌سازد تا در دهه‌های آینده میلیاردها دلار دیگر از حق مردم ایران را غارت کند.

این مسأله کم اهمیتی نیست. ایران امروز ایران ۴۰ سال قبل نیست. روا نیست مردم ایران با وجود از سر گذراندن بحران گروگان‌گیری، جنگ ایران و عراق، پرونده سلمان رشدی و دادگاه میکونوس، برنامه هسته‌ای ایران و جنگ‌های داخلی سوریه و یمن، یک دهه دیگر در معرض زیان قرار بگیرند.

لفاظی‌های ضدفساد در ایران در جهت حفظ منافع ملی از طریق اصلاحات ساختاری و سامانند بخش نفت و گاز نیست، بلکه ریشه در درگیری‌های جناحی دارد و مافیای نفتی از طریق همین درگیری‌های جناحی است که درآمدهای نفت و گاز را کنترل می‌کند و از آن سود می‌برد. این ناتوانی از کنترل فساد به معنای آن است که درآمدهای نفتی ایران جهت تأمین مالی درگیری‌های یمن، لبنان، سوریه و عراق هزینه می‌شود. یک تراژدی انسانی که ممکن است به زودی دامن ایران را نیز بگیرد.

محاکمه بابک زنجانی نشان داد احمدی‌نژاد و سپاه پاسداران با آنکه وعده داده بودند شر مافیای نفتی دوران رفسنجانی را از

سر کشور کم کنند. خود به غارت منابع کشور پرداختند. اینان نه گرگ‌هایی در لباس میش، بلکه گرگ‌هایی در لباس خود چوپان بودند. درحالی که زنجانی به اتهام فساد به زندان فرستاده شد. رستم قاسمی، از فرماندهان سپاه که به وزارت نفت رسیده بود از

هر اتهامی میرا ماند. بیژن زنگنه، وزیر نفت روحانی -یکی از همدستان مهدی‌هاشمی در پرونده‌های دریافت رشوه از توتال و استات اوپل- تحت تعقیب قرار نگرفت. مجلس و قوه قضائیه شواهد قانونی ارائه شده در بازپرسی‌های نروژ، فرانسه و امریکا درباره این پرونده‌ها را نادیده گرفتند. و به صورت مشابه، درحالی که شواهد قابل‌ملاحظه‌ای درباره ارتباط زنگنه با چند پرونده فساد دوره رفسنجانی وجود دارد، مجلس و قوه قضائیه، هیچ یک مانعی بر سر راه انتصاب وی به وزارت نفت ایجاد نکردند. اتهام به فساد و رفع اتهام از آن، نمایانگر سیستمی ناکارآمد بود که حتی از فرو نشانیدن عداوت در میان خودی‌ها نیز عاجز بود. در نتیجه، تا زمانی که ایران یک دزدسالاری بسته باقی

بماند که در آن قوای سه‌گانه منافع ملی را به رسمیت نمی‌شناسند و برای حفظ آن نمی‌کوشند، فارغ از آنکه کدام جناح بخش نفت و گاز را اداره می‌کند، نمی‌توان اعتماد چندانی به امانت و درستی قراردادهای نفت و گاز ایران داشت.

افراط‌گرایی خامنه‌ای و احمدی‌نژاد نه تنها ایران را در معرض خربم‌ها قرار داد، بلکه دزدی نهادینه شده را تسهیل کرد. آن هم در ابعادی که ایران را در مسیر تبدیل شدن به دولتی ناکارآمد و شکست خورده قرار داد. روحانی نیز با به اصطلاح میان‌روی خود در جهت اصلاح نقایص ساختاری و سامانند که جو مصونیت از مجازات را بر ایران حاکم کرده است، کار چندانی از پیش نبرد. آنچه

آنچه ما شاهد آنیم ثمره تلخ نظریه

ولایت فقیه خمینی است: ایدئولوژی

که به صورت هدفمند با نفی ایده

حاکمیت ملی مردم ایران و ویران کردن

نهادهای مسؤول محافظت از منافع

ملی، زمینه را برای غارت منابع ایران

فراهم کرد.

ما شاهد آنیم ثمره تلخ نظریه ولایت فقیه خمینی است: ایدئولوژی که به صورت هدفمند با نفی ایده حاکمیت ملی مردم ایران و ویران کردن نهادهای مسئول محافظت از منافع ملی، زمینه را برای غارت منابع ایران فراهم کرد.

فساد نمودی از فروپاشی ملت و دولت مدرن ایران و حمله‌ای بی‌سابقه به بنیادهای تمدن و فرهنگ ایران است.

مردم ایران تاوان فساد را پس می‌دهند. آمار و ارقام تکان‌دهنده است.

اگر میانگین وزنی اشتغالزایی «مؤسسه مالی بین‌المللی» (IFC) بانک جهانی را در نظر بگیریم، هر ۱ میلیارد دلاری که از اقتصاد ایران به بیرون مکیده می‌شود، می‌توانست بین ۲۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کند. در کشوری که ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر یا نزدیک خط فقر زندگی می‌کند و انتظار می‌رود ۷،۵ میلیون نفر از نیروی کار ۴۲،۵ میلیون نفری تا سال ۲۰۲۱ بیکار باشند، فساد در ابعادی که در ایران شاهد آنیم حکم اعدام همگانی است: تهدیدی است مرگبار برای ثبات، امنیت و رفاه ایران.

چندین نسل کامل در معرض خطرند.

در سال ۱۹۷۸، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران ۳،۹۶۹ دلار بود. یعنی تقریباً به اندازه ترکیه و کره جنوبی. تقریباً ۴۰ سال بعد از آن تاریخ،

علی‌رغم تریلیون‌ها دلار درآمد نفت ایران، درآمد سرانه ایران راکد مانده و هیچ رشدی نداشته است. درآمد سرانه ترکیه ۲،۵ برابر و درآمد سرانه کره جنوبی ۷ برابر شده است. این بهایی است که ایرانیان برای حکومت ولایتی که از همه جهات آنان را وانهاده است، پرداخت کرده‌اند.

همان گونه که در این مطالعه نشان دادیم بخش نفت و گاز ایران کلید احیای اقتصادی ایران است. این بخش دیگر نباید در نقطه کور جمعی باقی بماند.

ایرانیان باید سخنان معاون اول رئیس‌جمهور، اسحاق جهانگیری، را که در کنفرانسی درباره نفت اظهار کرد پیش چشم داشته باشند:

من می‌توانم به صراحت بگویم هیچ نهادی که از وزارت نفت، نفت گرفت تا بفروشد حتی یک دلار پول آن را به دولت برنگرداند.

چگونه دولتی نفت را به افراد و نهادهایی تخصیص می‌دهد که حتی یک دلار از درآمد آن را بازمی‌گردانند؟ چنین دولتی چه دارد که

به مردمی که نمایندگی آنان را بر عهده دارد عرضه کند؟

بر اساس گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی ایران، تنها در دهه بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، درآمدهای نفتی ایران به رقم سرسام آور ۸۰۰ میلیارد دلار رسید. اما تحت پوشش دور زدن خرم‌ها، به اصطلاح برای دفاع از هر وجب حاکمیت ملی ایرانیان، دولت احمدی‌نژاد در ابعادی بی‌سابقه به فساد آلوده شد. آیا بدون حمایت رهبر ایران چنین چیزی امکان‌پذیر بود؟ در حقیقت سرکوب مردم ایران در سال ۲۰۰۹ زمینه را برای تسلط سپاه پاسداران بر نفت ایران فراهم کرد. نزاع هسته‌ای - دفاع از حق مردم ایران برای غنی‌سازی اورانیوم - توجه مردم را به خود معطوف کرد و از مسائل دیگر منحرف کرد.

به حاشیه راندن مردم بشرط لازم غارت ثروت آنان است.

مقادیر نامعلومی از نفت ایرانیان در بازار سیاه به فروش رفت - و به احتمال قوی همچنان به فروش می‌رود - بدون اینکه میلیون‌ها ایرانی این پرسش ساده را مطرح کنند و برای آن پاسخی بخواهند: «نفت من کجاست؟»

این پرسش، پرسشی تریلیون دلاری است. در کشوری که در آن حداقل دستمزد ماهانه در حدود ۱۸۰ دلار و حداقل دستمزد لازم برای زندگی ۹۰۰ دلار است، این پرسش، پرسشی مهم و حیاتی است.

حاکمیت مردم بر موهبت گرانقدر نفت و گاز با فداکاری‌های فراوان و تحمل هزینه‌های بسیار در طول یک قرن به دست آمد. ارزش این میراث بیش از ۱۷ تریلیون دلار برآورد شده است.

تمام ایرانیانی که حسی از عزت و پیشینه تاریخی دارند، قدر این منبع ارزشمند را می‌دانند. آنان می‌دانند که نه تنها در حفاظت و مدیریت بخش نفت و گاز ایران سهیم هستند، بلکه موظفند در آینده آن سرمایه‌گذاری کنند و بر ارزش آن بیفزایند. هرچه باشد، ثروت ایران امانتی است که باید برای نسل‌های آینده حفظ شود.

اهمیت پرونده زنجانی در واقعیت‌هایی است که بر ملا می‌کند: اینکه مردم ایران توانایی کنترل، نظارت، ردگیری و تأیید قراردادهای، قیمت‌ها، حجم و جریان درآمدهای حاصل از فروش نفت را از دست داده‌اند.

روش‌ها و سازوکارهای تخصیص نفت مردم ایران به افراد و نهادها برای فروش به نمایندگی از وزارت نفت، به طور هدفمند و عمدتاً در وضعیتی غیرشفاف و مبهم باقی مانده است.

اهمیت پرونده زنجانی در

واقعیت‌هایی است که بر

ملا می‌کند: اینکه مردم

ایران توانایی کنترل، نظارت،

ردگیری و تأیید قراردادهای،

قیمت‌ها، حجم و جریان

درآمدهای حاصل از فروش

نفت را از دست داده‌اند.

اما از آنجا که مقامات حکومتی جایگاه و مقام خود را با نشان دادن وفاداری خود به نظام به دست می‌آورند، نه وفاداری به مردم. در سیستم بسته‌ای از چپاول عمل می‌کنند که هدف آن حمایت از مافیای نفتی در برابر مردم است.

نظام و اعوان و انصار آنها - از فرزند رفسنجانی، مهدی، گرفته تا باجناق احمدی‌نژاد، فرمانده سپاه، احمدی مقدم، تا دادستان کل تهران، سعید مرتضوی، تا خود مقام رهبری - در پرونده‌های فساد دست دارند. جالب اینجاست که ائمه جمعه در مورد غارت بیت‌المال سکوت اختیار کرده‌اند.

این رسوایی‌ها و این فرهنگ به هیچ عنوان محدود به وزارت نفت نمانده است. بر اساس اظهارات دادستان کل ایران، غلامحسین محسنی اژه‌ای، بیش از ۵۰۰ نفر شامل ۲۰۰ مقام رسمی از هر سه قوه حکومت، همچنین مدیران ۸ بانک عمده دولتی و خصوصی در تخلف بانکی ۲,۶ میلیارد دلاری که به عنوان «بزرگ‌ترین پرونده اختلاس تاریخ» از آن یاد می‌شود، دست داشتند.

سرطان فساد به سرعت در حال گسترش است. و خسارت‌هایی که وارد می‌کند بسیار سنگین است.

روحانیت و نظامیان، دو ستونی که به صورت تاریخی ضامن اخاد، اخلاق، امنیت و هویت ملت و دولت ایران بوده‌اند، دو نهادی هستند که با تبدیل ایران به یک حکومت دزدسالار، لکه‌دار شده‌اند و حیثیت خود را از دست داده‌اند. رهبران روحانیت و فرماندهان ارشد نظامی سهامداران و سودبرندگان اصلی نظام فساد قلمداد می‌شوند، نظامی که به منظور پنهان ساختن دزدی و غارت ثروت ملت طراحی شده است.

با وجود حضور مردان و زنان باوجدانی که یکی دانستن اسلام با فساد و اختلاس را رد می‌کنند، مجلس و قوه قضائیه نیز وضعیت بهتری از روحانیت و نظامیان ندارند.

هر دو نهاد در دفاع از حاکمیت و مالکیت مردم ایران بر نفت ناتوان بوده‌اند. آنها بخش نفت و گاز ایران را طوری جلوی پای دیگران انداخته‌اند که گویی شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه آن - نهادهایی که مسئول محافظت از حاکمیت ملی و ثروت ایران هستند - لاشه‌ای بیش نیستند. جنون شکار و خوردن هرچه بیشتر

و قدر مسلم زنجانی تنها کسی نیست که از هرج‌ومرج و فساد وزارت نفت بهره‌برداری کرده است. اعضای هیأت دولت احمدی‌نژاد صلاحیت زنجانی را تأیید کردند و مجوز انتقال نفت ایران به نهادهای تحت نظارت او را صادر کردند. قاچاق نفت ایران در دولت روحانی همچنان ادامه دارد.

بنا به مقاله وال استریت ژورنال تحت عنوان «حرکت چراغ خاموش نفتکش‌های ایران، بالا بردن پرچم قرمز خریم‌ها»، در نیمه دوم سال ۲۰۱۶، از ۵۵ محموله فراورده‌های نفتی ایران که توسط دو شرکت ثبت امارات متحده عربی به نام‌های «نفت راه ابریشم منطقه آزاد امارات» و «پتروکمیکس جنرال تریدینگ» انجام شد، ۴۷ محموله در نفتکش‌هایی حمل شدند که «یا سامانه رهگیری (tracking system) رادیویی خود را خاموش کرده بودند یا اطلاعات گمراه‌کننده‌ای درباره مبدأ محموله خود می‌دادند»^{۳۳۲} سیگنال‌های رادیویی ۱۶ فروند از ۴۷ فروند کشتی «کشوری به جز ایران را مبدأ محموله ایرانی خود معرفی می‌کردند. در حالی که تصاویر ماهواره ای نشان می‌داد که در ایران بارگیری شده بودند»^{۳۳۳} بنا به گزارش این مقاله این محموله‌های مبدل «تقریباً یک پنجم صادرات نفت ایران» را در آن زمان تشکیل می‌دادند.

ارتباط بین مردم ایران با محموله‌های نفت خود همچنان قطع باقی ماند. و مافیای نفتی سپاه نیز علاوه بر شرکت‌های زنجانی، به استفاده از امارات متحده عربی به عنوان پایگاهی بین‌المللی برای شرکت‌های صوری دخیل در قاچاق نفت ایران ادامه داد.

نباید شرایط بدین گونه باشد. لازم نیست فساد یکی از واقعیت‌های زندگی باشد.

نظارت بر عملیات‌ها، فروش و قراردادهای نفتی به منظور پیشگیری از ریزش و زیان پیچیده نیست. اما از آنجا که مقامات حکومتی جایگاه و مقام خود را با نشان دادن وفاداری خود به نظام به دست می‌آورند، نه وفاداری به مردم، در سیستم بسته‌ای از چپاول عمل می‌کنند که هدف آن حمایت از مافیای نفتی در برابر مردم است.

حقیقت ماجرا این است که ایران به نظامی دزدسالار تبدیل شده است.

حلقه خودی‌ها که به صورت ویژه به نفت ایران دسترسی دارند، بسیار گسترده است. تعداد بی شماری از وزرا، اعضای بدنه



سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران
منبع: khabarnegar.ir

درآمدهای نفتی که بخش عمده بودجه مملکت را تشکیل می‌دهد نیز عاجز ماند.

نقش قوه قضائیه در پیشبرد فرهنگ مصونیت از مجازات، نقشی به ویژه مسموم و مهلک بود. قوه قضائیه وظیفه خود را محافظت از نظام از طریق لاپوشانی فساد می‌داند. سران قوه قضائیه به جای استنطاق و بازپرسی جدی از سارقان حکومتی و انتظار پاسخگویی از آنان، فساد را در ابعاد عظیم تسهیل کرده‌اند. نهاد مسوول پیشگیری از فساد، خود فاسد شده است. بر اساس اظهارات حسن توکلی، نماینده مجلس، بیش از ۱۷۰ قاضی به دلیل فساد از قوه قضائیه اخراج شدند.^{۳۴}

پرونده کرسنت و بی‌شمار پرونده های فساد دیگر - که هریک از آنان نشان‌دهنده سرقت میلیاردها دلار از ثروت مردم ایران است - همچنان توسط قوه قضائیه از دید مردم پنهان نگاه داشته شده‌اند و این پنهان‌کاری که دزدی‌ها را در بر گرفته است به نام «امنیت ملی» توجیه می‌شود. در این میان معدودی از نمایندگان مجلس مانند توکلی و زاکانی که جرأت تحقیق و تفحص درباره این پرونده‌ها را دارند، به دلیل به چالش کشیدن سارقان «گردن کلفت» حکومتی مورد بی‌مهری و آزار قرار گرفتند.

پای بانک مرکزی نیز در فساد گیر است. این بانک در نظارت بر جریان درآمدهای نفت و حفاظت از حساب‌هایی که ارز حاصل از فروش نفت در آن نهاده می‌شود، کوتاهی کرده است. رویداد مربوط به شرکت بازرگانی نفتیران خود گواه بارز ناکارآمدی بانک مرکزی است. بانک مرکزی به مأموران شرکت بازرگانی نفتیران مجوز داد تا میلیاردها دلار از حساب‌هایی که اسماً تحت کنترل بانک بودند، برداشت کنند. بانک مرکزی تا به امروز توضیح قانع‌کننده‌ای برای ۶۰ میلیارد دلار ناپدید شده عواید حاصل از لغو خرم‌ها - شامل ۱۰ میلیارد دلار وام به بانک‌های ایرانی - ارائه نداده است. روشن نیست چه کسی درآمدهای حاصل از قراردادهای نفتی ایران را ردگیری می‌کند و آنها را تخصیص می‌دهد. این درآمدها شامل صدها میلیارد دلار است که از سوی افراد نامعلوم به نام مردم ایران در بانک‌های خارجی و داخلی نهاده و برداشت می‌شود. و درحالی که هیاهوی بسیار بر سر فیش‌های حقوقی نجومی مقامات حکومت به راه انداخته‌اند، وضعیت میلیاردها دلار که از صندوق ذخیره ملی ایران برداشت شده و به صورت وام در اختیار بانک‌های خصوصی قرار گرفته نامشخص است.

در مورد بخش نفت و گاز ایران اگر بخواهیم تنها به اظهارات بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران بسنده کنیم، آنچه او از وزیر پیش از خود تحویل گرفته چیزی کم از «نابودی» ندارد. قسمت اعظم بخش نفت و گاز، شامل شرکت ملی گاز ایران در آستانه ورشکستگی است - که با توجه به در اختیار داشتن بزرگ‌ترین میدان گاز جهان برای ایران دستاورد مهمی به حساب می‌آید! البته بخش اعظم

در بخش نفت و گاز به حدی بوده که عملاً تمام شریان‌های مالی و قانونی که نفت و درآمدهای نفتی ایرانی در آنها جریان داشت، اکنون شرحه شرحه شده‌اند. جریان نفت به خارج از کشور روان است. اما هیچ یک از افراد یا نهادهایی که محموله‌های نفتی را برای فروش دریافت کرده‌اند، حتی یک دلار به کشور بازنگردانده‌اند. و بنا به دلایل عملی، عملیات بخش نفت و گاز از دید عموم پنهان نگه داشته می‌شود. با وجود پرس‌وجوی مصرانه مطبوعات، اغلب ایرانیان اطلاعات بسیار اندکی درباره شرکت بازرگانی نفتیران (NICO)، نهاد مسوول فروش بخش اعظم نفت ایران دارند. مردم درباره ساختار مالکیت و فعالیت‌های خاتم‌الانبیا و پیمانکاران بی‌شمار دیگری که در بخش نفت فعالیت می‌کنند نیز چیز زیادی نمی‌دانند. اطلاعات مردم درباره افراد ذینفع در قراردادهای پروژه‌های مشترک ایران و چین حتی از اطلاعات آنان درباره خاتم‌الانبیا نیز کم‌تر است. قراردادهای ایران و چین را یکی از وزرای حکومت به قرارداد ترکمانچای تشبیه کرد. کاپیتولاسیون تاریخی که در آن بخش بزرگی از خاک ایران از کشور جدا و ضمیمه خاک روسیه شد.

این کنایه از چشم بسیاری از ایرانیان پنهان مانده است. مردم با شرکت نفت ایران و انگلیس و کنسرسیوم مبارزه کرده‌اند تا حق کنترل تولید و فروش نفت خود را از آن خود کنند. اکنون جمهوری اسلامی ایران مانند یک قدرت استعماری مردم را درباره خط‌مشی‌ها و شیوه‌های حاکم بر تخصیص نفت در بی‌خبری مطلق نگاه می‌دارد. نتیجه همان است که بود. خزانه ایران مکیده و تهی می‌شود. در اوایل قرن بیستم بریتانیایی‌ها به شاه قاجار سهمی ۱۶ درصدی از درآمد نفت اعطا کردند. امروز شرکت توتال به شرکتی به اصطلاح ایرانی ۱۹ درصد از سهم قرارداد پارس جنوبی را اعطا می‌کند.

مقادیر هنگفتی از نفت ایران از طریق شبکه‌ای از نهادها و شرکت‌های تابعه به فروش می‌رسد که مردم ایران روی آنها هیچ کنترل قانونی، مالی یا حتی فیزیکی ندارند. این شرکت‌های زنجیروار - که به منظور پنهان کردن مبدأ و حقوق انتقال نفت مردم ایران طراحی شده‌اند - عملاً حق مالکیت مردم را بر نفت خود نفی می‌کنند. دولت روحانی تا به امروز درباره چگونگی گزینش و تأیید صلاحیت نهادها و افرادی که به عنوان عامل فروش نفت عمل می‌کنند از سوی وزارت نفت، توضیحی ارائه نداده است.

مجلس ایران که زمانی نقشی حیاتی در ملی‌سازی نفت ایران و تأسیس بخش نفت ایران بر عهده داشت، از نقش قانونی خود فاصله گرفته و وظیفه قانونی خود مبنی بر صیانت از ثروت و خزانه مردم ایران را به فراموشی سپرده است. مجلسی که اعضای آن باید نمایندگان مردم باشند، نه تنها از طرح‌های خصوصی‌سازی بسیار مشکوک که بخش نفت را تکه‌تکه کردند، دفاع کرد، بلکه از کنترل

خویشاوندسالاری در جمهوری اسلامی: احمدی‌نژاد در برابر برادران لاریجانی



باقر لاریجانی
مدیرکل مرکز تحقیقات غد و متابولیسم
دانشگاه تهران



محمدجواد لاریجانی
دبیر شورای عالی حقوق بشر قوه قضائیه



صادق لاریجانی
رئیس قوه قضائیه



علی لاریجانی
رئیس مجلس ایران



فاضل لاریجانی
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد
علوم و تحقیقات آیت الله آملی

ایران از کشورهای موسوم به بهره‌ای آسیایی نیز فراتر می‌رفت. براساس نوشته روزنامه کیهان، یکی از بلندگوهای جمهوری اسلامی، برآورد شده که تنها یک قرارداد -پرونده کرسنت- برای مردم ایران در حد ۴۳ میلیارد دلار هزینه داشته است. دفاعیه جمهوری اسلامی در برابر دادگاه بین‌المللی نشان‌دهنده میزان بدبختی مردم ایران است. حکومت انقلابی ایران سعی داشت در دادگاه اثبات کند که مقامات رسمی حکومت که نماینده مردم بودند و مسئولیت حفاظت از منافع مردم ایران را بر عهده داشتند، خود فاسد بودند. از جمله این افراد می‌توان به رکن‌الدین جوادی و میرمعزی از مدیران شرکت ملی نفت ایران و از بسیاری جهات، به وزیر نفت فعلی کشور، بیژن زنگنه اشاره کرد.^{۳۵}

در کمال تأسف باید گفت پرونده کرسنت استثنا نیست. شواهد ده‌ها پرونده دیگر گویای آن است که مقامات ارشد دولت‌های رفسنجانی، احمدی‌نژاد و روحانی به صورت سامانمند مشغول غارت منابع نفت و گاز ایران بوده‌اند. اینها پرونده‌هایی تصادفی یا منفرد نیستند. راه حل این مسأله حذف یک فرد نیست. این مشکل ساختاری و سیستمی و همچنین ایدئولوژیک است. این مشکل ریشه در نقض مفهوم ملت-دولت ایرانی و منحل شدن نظریه شهروندی دارد. نه تنها حق رأی دادن از مردم ایران سلب شده، بلکه آنان حق پرسش از رهبران خود درباره هدایت بزرگ‌ترین مجموعه سرقت‌های نفتی از زمان اکتشاف نفت را

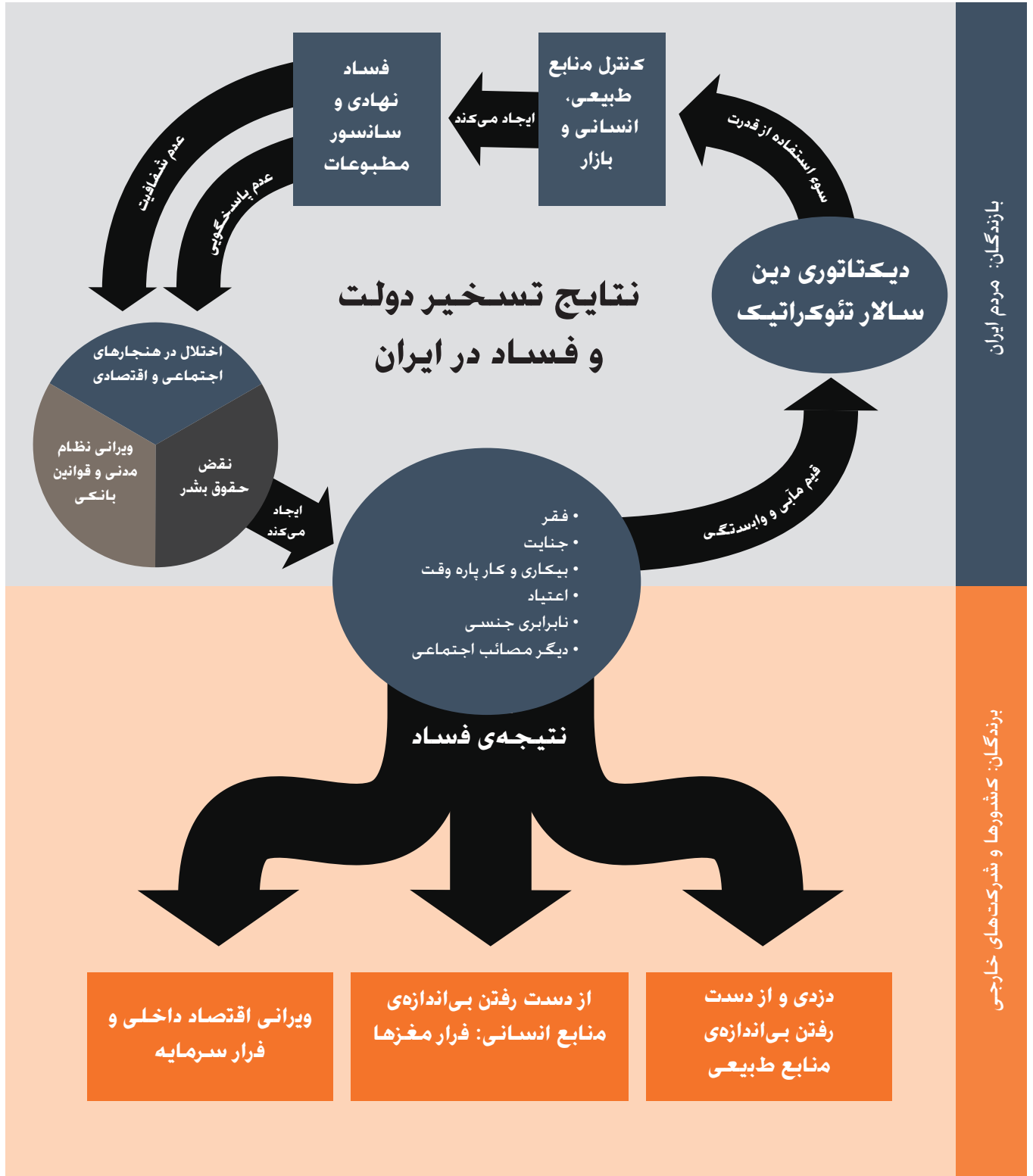
ویرانه‌هایی که زنگنه از آن شکایت دارد تحت رهبری خود او به عنوان مدافع میدان گازی پارس جنوبی و از طریق ارتباطات فاسد او با پرونده ننگین کرسنت ایجاد شده است. قراردادی که خود جمهوری اسلامی برای فسخ آن در دادگاه ادعا کرد طرفه‌های ایرانی امضاکننده قرارداد فاسد بوده‌اند. زنگنه هنوز توضیحی برای میلیاردها دلار از دست رفته ایران ارائه نداده یا طرحی برای تغییر ساختارها، عملیات‌ها و فرایندهایی که اینهمه از آنها انتقاد می‌کند ارائه نداده است.

فارغ از آنکه چه کسی سزاوار سرزنش است، نهادهایی که زمانی به عنوان افتخار ملی یا حتی جهانی مورد تکریم بودند، همگی فلج شده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های عظیم، دارایی‌ها و بخش اعظم نیروی کار حرفه‌ای ایران به دلیل ناتوانی در مدیریت، تلاش‌های فریبکارانه و مجعول خصوصی‌سازی و اختلاس‌های آشکار در وضعیتی مشکوک و نامطلوب به سر می‌برند.

همان‌گونه که بانک جهانی در گزارش خود ذکر کرده، هیچ چشم‌اندازی برای بخش نفت متصور نیست.

اگر این الگو، آنگونه که دولت روحانی وعده داده است معکوس گردد، آنگاه میلیاردها دلار که به واسطه فساد از دست رفته هرگز از ایران خارج نمی‌شود، بلکه دوباره در بخش نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌شود. بخش نفت و گاز به جای ناپدید شدن در منطقه خاکستری دکلهای ناموجود و حساب‌ها و پروژه‌های موهوم می‌تواند سوخت توسعه اقتصادی ایران را فراهم کند. در این صورت بخش نفت و گاز می‌تواند مانند یک نیروی محرکه تمام بخش‌های اقتصاد را از کشاورزی گرفته تا آموزش، بهداشت و درمان تا محیط زیست دوباره به وضعیت سلامت بازگرداند. همان کاری که پیش از انقلاب ۱۹۷۹ در اقتصاد ایران کرده بود و نرخ رشد

روح یک ملت در معرض خطر است



گرافیک «نفت من کجاست؟» منبع: تحلیل‌های امید برای ایران

تهدیدی است برای بقای فرهنگ و تمدن ایرانی.

از دست رفتن کنترل بر درآمدهای نفتی مردم ایران تنها رفاه مردم را تهدید نمی‌کند، صلح و ثبات را نیز تهدید می‌کند. نمی‌توان از معانی ضمنی که فساد در ابعاد جهانی بر جای می‌گذارد چشم‌پوشی کرد. فساد نیروی محرکه افراط‌گرایی است و تأمین مالی تروریسم را بر عهده دارد. مانند برنامه نفت در برابر غذای عراق. یک مافیای نفتی بین‌المللی به بازار سیاه نفت ایران وابسته است که در آن هیچ کنترلی بر نفت و هیچ حسابرسی برای انتقال درآمدهای نفتی وجود ندارد. متأسفانه ناهنجاری‌های اقتصادی در این ابعاد می‌تواند پیامدهای درازمدت و خطرناکی بر ثبات سیاسی کشور داشته باشد. ایران در این میان تنها نیست و دیگر دولت-ملت‌ها نیز ممکن است در دام این باندهای تبهکار بین‌المللی گرفتار شوند.

هنوز فرصتی، ولو اندک، هست که تشخیص دهیم ولایت فقیه نه اصلی الهی است و نه ابدی. برچسب قیمت تریلیون دلاری فساد و تحریم‌ها در یک دهه گذشته نباید در دهه‌های متوالی تکرار شود. گسست آشکار از ولایت فقیه امکان‌پذیر است. انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی بنیادی نیز امکان‌پذیر است. اصلاحاتی که بتواند بخش نفت و گاز را که چند نسل از ایرانیان در طول یک سده بنا کرده‌اند، نجات دهد. شاید شکاکان با اشاره به هرج و مرج و اغتشاش بخش نفت و گاز استدلال کنند که هیچ کاری نمی‌توان از پیش برد. فساد بی‌اندازه بزرگ است. قدرت عوامل فساد بی‌اندازه زیاد است. ریسک بیش از حد بالاست و بازی خطرناک‌تر از آن است که مردم ایران وارد صحنه شوند. چرا باید مردم مالکیت خود بر نفت را باز جویند و برای هر قطره از نفت خود، هر قرارداد، هر پروژه و سرمایه‌گذاری و هزینه‌کرد که به نام آنان انجام شده، انتظار پاسخگویی و حسابرسی داشته باشند؟ شاید منفعل ماندن کم‌خطرتر باشد. اینکه گوشه‌ای بایستی و به سارقان حکومتی اجازه دهی ثروت ایران را ببرند و امیدوار باشی شاید به نشانه حقیر چند خرد و ریز از آن خوان گسترده برای مردم ایران بر جای بگذارند. همان کاری که مدیران شرکت بریتیش پترولیوم در

نیز ندارند. با وجود شواهد فراوان مبنی بر وجود فساد، غفلت و ناکارآمدی در هر سه قوه حکومت، احمدی‌نژاد، و برادران لاریجانی و دیگر مقامات ارشد نظام در این مورد پاسخگو نبوده‌اند. این افراد بخشی از طبقه محافظت شده نظام هستند که تحت حمایت رهبر و همچنین سپاه پاسداران هستند.

فساد تهدیدی برای وضع معیشتی و رفاه میلیون‌ها ایرانی است. مردم قربانیان اصلی فسادند. مردم هستند که بهای فساد را می‌پردازند من‌جمله فرزندان آنان. فرزندان ایران نه تنها با برخورداری از فرصت‌های کمتر و آموزش و بهداشت نامناسب‌تر بهای فساد را می‌پردازند، بلکه به واسطه فساد، درستکاری و عزت نفس و شأن آنان به لرزه درمی‌آید و چه بسا فرو می‌ریزد. نتیجه اینکه مردم ایران نمی‌توانند دست روی دست بگذارند و انتظار داشته باشند دیگران با فساد مقابله کنند. همه ایرانیان باید در اداره بخش نفت و گاز ایران سهیم باشند. آنان باید نسبت به فساد واکنش نشان دهند. نفت آنان به نام آیت‌الله از حالت ملی خارج شده است. به همین ترتیب و این بار به نام مردم ایران، نفت باید از نو ملی شود و مالکیت آن به مردم ایران بازگردد.

همان طور که در این مطالعه نشان داده شد، میلیون‌ها ایرانی هر روز بهای این کژروی‌ها را پرداخت می‌کنند. و به دلیل اینکه سرقت‌های میلیاردی به گونه‌ای است که تصور ابعاد خسارت‌های وارده آن برای اغلب مردم دشوار است، این مقاله نشان می‌دهد هر یک میلیارد دلاری که به واسطه شیوع فساد در کشور از دست می‌رود از حیث از دست رفتن فرصت‌های شغلی، بهداشت و درمان، مسکن و آموزش چه بر سر مردم ایران می‌آورد.

اکنون در نظر بگیرید از دست دادن یک تریلیون دلار، یعنی تقریباً ۸ میلیون فرصت شغلی در طول یک دهه به چه معناست. و تداوم چنین عملکرد اقتصادی دهه از پس دهه، برای آینده و رفاه و امنیت ایران متضمن چه معنایی خواهد بود.

چالش پیش روی مردم ایران این است که تشخیص دهند فساد نمایانگر چیست و چرا همه جنبه‌های زندگی ایرانیان را در برمی‌گیرد. تنها پول نیست که به واسطه فساد در مخاطره قرار می‌گیرد. روح یک ملت در معرض خطر است؛ آینده ایران و شاید بتوان گفت آینده اسلام، دولت اسلامی که که حاکمان ایران مد نظر دارند، بر مبنای از کار انداختن خود ایده دولت و ملت ایرانی به عنوان مفهومی تاریخی است. و به همین ترتیب انحلال دولت بر مبنای ویرانی ایده شهروندی شکل می‌گیرد. انتخابات در ایران مهندسی شده است به گونه‌ای که مردم تنها می‌توانند به سارقان حکومتی رأی دهند و سیستم اقتصادی و سیاسی نیز به گونه‌ای مهندسی شده که مردم ایران حتی قادر به طرح پرسش درباره دزدی‌ها نیستند. چه رسد به آنکه بخواهند مالکیت خود بر نفت را بازپس بگیرند. این تنها تهدیدی برای امنیت ملی نیست.

ما چطور می‌توانیم از چگونگی فروش نفت، محل

خرج شدن پول نفت و افرادی که آن را خرج می‌کنند،

بی‌اطلاع باشیم؟

دوران قاجار می‌کردند. شاید حق با افراد بدبین باشد. معکوس کردن جهت چند دهه غفلت، خرابکاری و فساد شاید عملی دُن کیشوت‌وار باشد. اما انقلاب مشروطه نیز همین طور بود. ملی کردن نفت نیز همین گونه بود. ممکن است منتقدان نیز دلایل خود را داشته باشند؛ چرا باید به یاد و خاطره آنان که تا آخرین قطره خون خود، تا آخرین ذره ثروت و توان خود و خلاصه همه چیز خود را به نام ایران و مردم ایران به مخاطره افکندند، بیاویزیم. وقتی نتیجه از خودگذشتگی و فداکاری آنان به نمایندگی از مردم ایران به طور

کامل معدوم شده است؟ چرا باید برای آینده ایران و مردم ایران سرمایه‌گذاری کنیم؟

پاسخ ساده است. زیرا با وجود اینکه آنان مرده‌اند، رویاها و تعلق‌خاطر آنان، ایران آنان همچنان زنده است. و ایران تنها در قلب یک یا دو انسان زنده نیست. ایران در قلب میلیون‌ها نفر زنده است. هیچ سرقت و فساد نمی‌تواند غرور و کرامت، سرور و نبوغ و روشنی و عشقی را که همچنان از ایران آنان می‌تابد، خاموش سازد.

فراخوان برای انجام اقدامات عملی: اتحاد ملی در برابر فساد

پس چه باید کرد؟ هریک از ما چه می‌تواند بکند؟

مردم ایران باید رابطه بین دولت و جامعه را به طور کامل تغییر دهند و وضعیت خود را از جیره‌خوار دولت به شهروند ارتقا دهند. درست همان‌گونه که پرسیدند «رأی من کجاست؟» تا به سرقت حقوق سیاسی خود پایان دهند. اکنون باید بپرسند «نفت من کجاست؟» و در برابر فساد، یعنی سرقت حقوق اقتصادی خود بسیج شوند. دو پرسش «رأی من کجاست؟» و «نفت من کجاست؟» با یکدیگر مرتبطند. قطع حقوق سیاسی از سوی سارقان حکومتی مقاصد اقتصادی را دنبال می‌کند: سرقت منابع طبیعی ایران، مکیدن میلیاردها دلار از اقتصاد، و باید اضافه کرد، کشیدن شیریه روحیه و سرزندگی مردم.

پس چه باید کرد؟

هریک از ما چه

می‌تواند بکند؟

شدن است - گاه مادری، گاه پدری و گاهی یک فرزند. عملاً تمام ایرانیان، به جز عده‌ای از برگزیدگان متصل به نظام دزدسالار، به صورت روزمره بهای فساد را می‌پردازند. این مردم شاید دزدی نفت را به عنوان هجمه‌ای مستقیم بر وضع معیشت و خانواده خود تجربه نکنند اما نشانه‌ها و عوارض آن را می‌بینند. اپیدمی سقوط اجتماعی و اقتصادی - بیکاری، فقر، کاهش قدرت خرید، اعتیاد، فحشا، طلاق، کارتن‌خوابی - ممکن است به صورت جداگانه به عنوان شکست‌ها و مسائل شخصی قلمداد شود، اما در واقعیت این مسائل، مسائل جمعی و شاهدهی بر مشکلات سیستم است.

امروز ایرانیان این را به خود بدهکارند که ارتباط بین مشکلات اقتصادی خود و فساد هدمند در بخش نفت و گاز را دریابند. این مردم همگی با شرم و حقیر هزینه غارت و چپاول را بر کرده خود حمل می‌کنند. آنچه در این میان غایب است، زبانی است که شکست و زیان را به جای مویه و ناله به عمل ترجمه کند. آموزش سواد اقتصادی به مردم نیازی ضروری است تا اعداد و ارقام نجومی و ابعاد پرونده‌های فساد برای آنان قابل درک شود. هر بشکه نفت، هر محموله نفت، هر قرارداد میلیارد دلاری برای مردم واقعی مسأله مرگ و زندگی، سلامت و بیماری است. ما چگونه می‌توانیم از چگونگی فروش نفت، محل خرج شدن پول نفت و افرادی که آن را خرج می‌کنند، بی‌اطلاع باشیم؟ زمان مطالبه شفافیت و پاسخگویی فرا رسیده است: هر بشکه نفت می‌تواند در زندگی ملت تفاوت ایجاد کند. بگذار ایرانیان به جای فروش کلیه‌هایشان به جنبش «نفت من کجاست؟» بپیوندند. به جای نظاره مادرانی که جواهرات خود را می‌فروشنند، دخترانی که تن خود را می‌فروشند و پسرانی که کرامت و شرف خود را می‌فروشند، بگذار ایرانیان صدای خود را بلند کنند و بپرسند «نفت من کجاست؟».

در یک جنبش ملی برای بازپس‌گیری نفت ایران و بازگرداندن آن

ابعاد دزدی در بخش نفت و گاز ایران، تنها در دوره احمدی‌نژاد برای مردم ایران بیش از ۱ تریلیون دلار خسارت به بار آورده است. با توجه به این واقعیت که میلیون‌ها ایرانی زیر خط فقر زندگی می‌کنند، و میلیون‌ها نفر از طبقه متوسط در آستانه سقوط به زیر خط فقر هستند، متوقف کردن فساد موضوعی جُردی و دانشگاهی نیست که بر عهده کارشناسان مربوطه گذاشته شود. پایان دادن به فساد موضوعی عملی است - برای میلیون‌ها خانوار ایرانی مسأله مرگ و زندگی است.

مادامی که با مردم ایران مانند شهروندان درجه دو - افراد صغیر و مهجوری که وضعیت سیاسی و اقتصادی آنان وابسته به قدرت‌های بالاتر است - رفتار شود، وضع به همین منوال باقی خواهد ماند. همان‌گونه که در زمان تسلط بریتانیا بر صنعت نفت باقی مانده بود، به همین ترتیب، درست در لحظه‌ای که مردم ایران به خود جرأت بدهند و پرسش «نفت من کجاست؟» را مطرح کنند، وضعیت موجود تغییر خواهد کرد.

تار و پود فرهنگ و تمدن ایرانی در برابر چشمان ما در حال نابود

به انرژی و قدرتی که زمانی در اختیار داشت. هرکس نقشی برای ایفا کردن دارد.

۱. رهبران سیاسی

با اطمینان می‌توان گفت ایران به رهبرانی نیاز دارد که مانند رضا شاه، دکتر محمد مصدق و شاه فقید، محمدرضا پهلوی، محوریت بخش نفت و گاز ایران برای حاکمیت ملی، امنیت، بهداشت و درمان، رفاه و آینده مردم ایران را درک کنند. این افراد نه تنها ارزش اقتصادی نفت را درک می‌کردند، بلکه چشم‌اندازی برای آینده نفت داشتند - چشم‌اندازی که منابع و درآمدهای نفتی ایران را به توسعه اقتصادی و سیاسی ملت ایران پیوند می‌داد. نه یک حکومت دین سالار جعلی و فاسد که به یک انقلاب ایدئولوژیک پیوند خورده است. هر رهبر سیاسی ایران وظیفه دارد این سؤال را پیش بکشد و به دنبال پاسخی برای آن باشد: «نفت من کجاست؟»

۲. مراجع دینی

از زمان جنبش تنباکو، مراجع دینی ایران -مراجع شریف و حقیقی، نه مراجع مزدور و نابه‌کار- با عمل کردن به صورت ستون فقرات جنبش‌های اعتراضی در برابر کاپیتولاسیون‌ها، امتیازات اعطا شده و اشغال کشور از سوی بیگانگان از غرور و کرامت ملت دفاع کرده‌اند. روحانیان نه تنها آرای عمومی را علیه سوءاستفاده از قدرت و نفوذ شکل می‌دادند، بلکه مردم را علیه سوءاستفاده از قدرت بسیج می‌کردند - مذهبی بودن به معنای نفی حق مردم نبود، بلکه به معنی به پا خاستن برای حق مردم بود. در زمانه‌ای که فساد در بخش نفت و گاز حرمت دولت، نیروهای نظامی، نهادهای بشردوستانه و حتی دینی را تهدید می‌کند، روحانیان ایران باید استقلال و درستی خود را با ایجاد واکنشی هماهنگ علیه فساد به منصفه ظهور برسانند. انتخاب دیگر روحانیان این است که شأن و جایگاه اجتماعی خود را به مخاطره اندازند و به عنوان سوگلی در خدمت حکومت باشند. امامان جمعه به جای اینکه از مقام معظم دستور بگیرند، باید هر جمعه آگاهی مردم را نسبت به دزدی نفتشان بالا ببرند. از تمام ائمه جمعه شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها دعوت می‌کنیم یا علیه نظام فاسد داد سخن دهند یا کناره‌گیری کنند.

۳. روشنفکران، دانشگاهیان و متخصصان

به علاوه ایران به طبقه‌ای از روشنفکران عرصه عمومی، دانشگاهیان، متخصصان، تکنوکرات‌ها و کارشناسان نیاز دارد که بتوانند مشکل را برای مردم بیان کنند. فقط در این صورت است که میزان، ماهیت و سرمنشأ فساد در بخش

این تنها تهدیدی برای امنیت ملی نیست. تهدیدی

است برای بقای فرهنگ و تمدن ایرانی.

نفت و گاز ایران دیده خواهد شد. باید پرسش‌ها را فرمول بندی کرد. داده‌ها را جمع آوری کرد. گزارش‌ها را آماده کرد. میزبانی و حسابرسی کرد و نتایج را در اختیار دیگران قرار داد. بدون داده‌ها هیچ دانشی در میان نخواهد بود و بدون دانش هیچ فرایند و خط‌مشی در کار نخواهد بود و بدون فرایند و خط‌مشی، شفافیت و پاسخگویی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ هیچ مدیریت و بهره‌وری و عملکردی در میان نخواهد بود. آنان که از نعمت آموزش، استعداد و دانش برخوردارند، وظیفه دارند به نمایندگی از مردم ایران سخن بگویند.

۴. روزنامه‌نگاران و هنرمندان

هیچ گروهی بیش از روزنامه‌نگاران و هنرمندان برای آگاهی‌بخشی به مردم درباره ابعاد دزدی در ایران خود را به مخاطره نیفکنده است. بسیاری از روزنامه‌نگاران، کاریکاتوربست‌ها و هنرمندان پیشرو ایران به خاطر جسارت بیان حقیقت در مقابل قدرت، جسارت به مبارزه طلبیدن سانسور، جسارت شارلاتان خطاب کردن شارلاتان‌ها با به جان خریدن خطر متهم شدن به نقض امنیت ملی و دشنام مقدسات دینی، بهای وحشتناکی پرداخته‌اند. البته دشنام حقیقی این است که سارقان حکومتی از قدرت بلامنازع خود در دولت، دین، اقتصاد و قوای نظامی برای پیشبرد فساد و پنهان کردن دزدی استفاده می‌کنند. با این حال روزنامه‌نگاران و هنرمندان فساد سیستماتیک را بر ملا می‌سازند و پرده‌های متظاهران به دین را پاره می‌کنند تا پرونده‌های فساد را یکی پس از دیگری آشکار کنند. ایرانیان به این افراد مدیونند، زیرا اینان عملاً خود را درگیر جنگ کرده‌اند تا نگذارند هنجارهای فرهنگی و اخلاقی ایران بیش از این در ورطه سقوط بیفتد. بدون روزنامه‌نگاران که به واقعیت‌ها شکل و صورت می‌دهند، و هنرمندان که احساس و تخیل خود را به نبرد علیه فساد می‌آورند، زبان مشترک جمعی ایجاد نمی‌شود. چه رسد به آنکه واکنشی اشتراکی علیه فساد به راه افتد.

۵. اتحادیه‌ها و انجمن‌ها

تمام اتحادیه‌ها و انجمن‌های ایران -خواه اتحادیه وکلا باشد یا اقتصاددانان، معلمان، دانشجویان، کشاورزان، کارگران و

رانندگان اتوبوس- به صورت مستقیم در محافظت از بخش نفت و گاز ایران در برابر غارت سهمیم هستند. قدرت چانه‌زنی عضویت آنان، دستمزدها، قدرت خرید و بازنشستگی آنها همگی در معرض خطر است. کافی است این اقشار افول جایگاه اقتصادی خود را از سال ۱۹۷۹ با وضعیت اقتصادی کره جنوبی و ترکیه مقایسه کنند تا دریابند تداوم اداره غلط منابع نفت و گاز ایران در دهه‌های آتی چه بر سر ایران خواهد آورد.

۶. بخش دولتی

مقامات رسمی دولت و مدیران نیز نقش و در حقیقت وظیفه‌ای دارند. وظیفه آنان این است که از منافع ملت محافظت کنند و در جهت آن حرکت کنند. برخلاف تصور رایج، هم در دوره پهلوی و هم امروز در جمهوری اسلامی، بسیاری از کارمندان متعهد مشغول به کارند که با وجود دستمزدهای پایین، بالاترین استانداردهای اخلاقی را در کار خود رعایت می‌کنند. و درحالی که فشار فوق‌العاده‌ای برای چشم‌پوشی بر فساد و حتی تسهیل فساد در شرکت ملی نفت و دیگر سازمان‌ها و نهادهای دولتی به چشم می‌خورد. مقاومت و بی‌زاری عمیق نسبت به نادیده گرفتن گستاخانه و بوالهوسانه منافع عموم نیز در میان کارمندان دیده می‌شود. برای بسیاری از ایرانیان در داخل یا خارج دولت، هنوز ایران، انسانیت، عدالت و اخلاق در اولویت قرار دارند. برخی بنا به دلایل مذهبی، به عنوان مسلمان، مسیحی، یهودی و بهایی متعهد اینگونه عمل می‌کنند و برخی دیگر به دلایل ملی، به خاطر اینکه میهن‌دوستان پرشوری هستند هنوز به ایران و مردم آن وفادارند. برخی دیگر نیز به عنوان متخصص وظیفه‌شناس به اصول انسانی پایبندند. این مدیران، مهندسان، حسابداران، کارگران، بانکداران و بازرسان، نه تنها سدی در برابر فساد هستند، بلکه بنیادهایی هستند که بخش نفت و گاز ایران روی آنان از نو بنا خواهد شد. از آنجا که این افراد به مردم ایران کم‌فروشی نکرده‌اند، باید آنها را فراخواند، آموزش داد، و به خاطر ایستادن در برابر خویشاوندسالاری، بالا کشیدن اموال مردم، تقلب در قراردادهای، دستکاری مدارک، تغییر مسیر محموله‌ها، خرید دکل‌های موهوم و بسیاری از تخلفات دیگر از آنها تقدیر به عمل آورد. این افراد نه تنها می‌توانند بپرسند «نفت من کجاست؟» بلکه می‌توانند به این سؤال پاسخ نیز بدهند.

۷. بخش خصوصی

بخش خصوصی نیز باید با نشان دادن تفاوت بین کسب‌وکار قانونی و شرکت‌های تبهکاری که با مافیای نفت

و گاز ایران ارتباط دارند، از حیثیت و درستی خود دفاع کند. نباید به مافیای نفت و گاز ایران -خواه افرادی چون بابک زنجانی و رضا ضراب یا پیمانکارهای مرتبط با سپاه پاسداران چون خاتم‌الانبیا یا بنیادهای گوناگون خیریه یا مذهبی که با روحانیان رده بالای رژیم ارتباط دارند- اجازه داد ثروت نفت ایران را به صورت اهرم فشاری برای تک قطبی کردن بقیه اقتصاد ایران به کار ببرند. پرسیدن «نفت من کجاست؟» به معنای اعمال حق حاکمیت ملی و حاکمیت قضایی بر بخش انرژی است؛ یعنی سؤال کردن درباره تعیین صلاحیت‌ها، بازبینی قراردادهای، نظارت بر عملیات‌ها و میزبانی دفاتر حسابداری کلیه افراد حقیقی و حقوقی که در بخش نفت و گاز به کار مشغولند.

۸. جامعه مدنی

اما در نهایت اگر عموم مردم جلوگیری از فساد در ایران را به عنوان اولویت ملی در نظر نگیرند، هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. این بدان معناست که معلمان و کارمندانی که قدرت خرید آنان سال به سال کم‌تر می‌شود، کارگرانی که دستمزدشان داده نمی‌شود، تحصیلکردگانی که کار پیدا نمی‌کنند، خانواده‌هایی که توان پرداخت اجاره ندارند و معتادانی که کلیه خود را می‌فروشند، همه با یک مشکل روبه‌رو هستند، گرچه در سطوح و ابعاد مختلف. این اقشار و گروه‌ها برای بازپس گرفتن شأن و جایگاه خود باید در هماهنگی با یکدیگر سخن بگویند، عمل کنند، سازماندهی کنند و حرکت کنند. چنین تجدید حیاتی وابسته به ذهنیتی جدید است؛ خلیلی جدید از این که دولت چگونه به جای خدمت به مردم ایران آنان را به حاشیه می‌راند. این بدان معناست که باید به جای رنج کشیدن از لکه‌های ننگ گذشته و پناه بردن به انزوا، به عنوان بخشی از جنبش ملی بازپس‌گیری حق مالکیت خود بر بخش نفت و گاز باهم متحد شویم. همان گونه که پیشتر نیز متحد شده ایم. هر قطره نفت، هر وجب از خاک، درآمد حاصل از هر فروش و هر ریال متعلق به مردم ایران است. نه به حلقه حاکم یا بدنه نظام.

ما نمی‌توانیم بدون کشف ارتباط ادبار اجتماعی و اقتصادی خود با دلیل واقعی آن، یعنی غارت بخش نفت و گاز ایران از سوی سارقان حکومتی، علت محنت‌های فردی و ملی خود را درک کنیم. اگر ما مالکیت و نقش خود در بخش نفت و گاز را به دیگران واگذاریم، در انقیاد و ویرانی و تباهی نسل‌های کنونی و آینده ایران همدست خواهیم بود.

ضمیمه ۱:

تحلیل فنی ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM)

برون زا (exogenous) شامل حساب‌های دولتی، حساب‌های سرمایه‌گذاری، و بقیه جهان هستند. برای جزئیات بیشتر به جدول ۵ ضمیمه مراجعه نمایید. ماتریس حسابداری اجتماعی بر اساس متدولوژی RAS با استفاده از «فرایند تنظیم تکراری» تعدیل شده است. RAS معمولاً برای تعدیل SAM‌هایی که مجموع ردیف و ستون را به عنوان کنترل به کار می‌برند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۳۳۷}

ذکر این نکته ضروری است که همه مقادیر اسمی بر اساس تورم و تفاوت در نرخ برابری ارز تنظیم شده است. ماتریکس حسابداری اجتماعی مشابهی برای سال پایه ۲۰۰۶ از سوی فاطمه بزازان در تحلیل یارانه‌های نقدی در ایران مورد استفاده قرار گرفته است.^{۳۳۶} ماتریس حسابداری اجتماعی دارای ۲۰ بخش فعالیت است. عوامل تولید در یک حساب جمع شده‌اند. خانوارها در سطح دهک به صورت خانوارهای روستایی و شهری جمع می‌شوند. حساب‌های

مدل فزاینده مبتنی بر ماتریس حسابداری اجتماعی برای ایران

سناریوها و شبیه‌سازی‌ها

میلیارد دلار افزایش پیدا کند. وقتی سود بخش‌های مختلف را با یکدیگر جمع کنیم به رقم سود کلی اقتصاد ایران می‌رسیم. همان‌طور که در جدول ۱ ضمیمه نشان داده شده است، سود جمیع شده اقتصاد ایران در حدود ۱۰،۲ میلیارد دلار است، یعنی تقریباً چهار برابر پولی که در رسوایی زنجانی از دست رفته است.

سناریوهای ۲ تا ۶ سود حاصل از بازگشت درآمدهای از دست رفته نفتی بین ۵ تا ۲۵ درصد کل درآمد نفت را که در حدود ۷۰ میلیارد دلار بوده است، نشان می‌دهند که بر اساس قیمت‌های کنونی ارز تنظیم شده‌اند. به عنوان نمونه، «کمیت حل اختلاف نیجریه» درآمدهای از دست رفته نفتی کشور را حدود ۱۵ درصد کل درآمد نفت بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ دانست. با در نظر گرفتن نیجریه به عنوان مبنایی برای ایران، افزایش ۱۵ درصدی درآمدهای نفتی به واسطه بازپس‌گیری پول‌های از دست رفته در فساد، در مجموع ۴۷ میلیارد دلار درآمد سالانه برای اقتصاد ایران به ارمغان می‌آورد. بر این اساس بخش آموزش و بهداشت و درمان در حدود ۱۰،۲ میلیارد دلار به دست می‌آورند. خانوارهای ایرانی اعم از شهری و روستایی

در این نوشتار از مدل فزاینده ماتریس حسابداری اجتماعی (برای جزئیات بیشتر به متدولوژی مراجعه نمایید) جهت برآورد سود اقتصادی حاصل از کاهش فساد و سوءمدیریت در ایران استفاده شده است.

جدول ۱ ضمیمه میزان افزایش درآمد بخش‌های مختلف اقتصاد ایران را در سناریوهای مختلف نشان می‌دهد. سناریوی ۱ بازگشت ۲،۷ میلیارد دلار از دست رفته در پرونده فساد زنجانی را شبیه‌سازی می‌کند. بر اساس اثر فزاینده، بخش نفت خام از بازگشت این پول بیشترین سود را می‌برد. سودی که این بخش از طریق درآمد حاصل می‌کند در حدود ۴ میلیارد دلار است. لوازم خانگی و خرده‌فروشی در مجموع ۸۲۱ میلیون دلار درآمد خواهند داشت. بخش آموزش و بهداشت و درمان در حدود ۲۷۸ میلیون دلار درآمد کسب می‌کنند. محصولات چوبی و ساخت‌وساز بخش‌هایی هستند که کمترین تأثیر را از بازگشت پول رسوایی زنجانی می‌گیرند. خانوارهای ایرانی می‌توانند انتظار داشته باشند مجموع درآمدهایشان تا ۲،۵

در مجموع حدود ۱۲ میلیارد دلار کسب خواهند کرد. محصولات چوبی و ساخت‌وساز جزو بخش‌هایی هستند که کم‌ترین تأثیر را می‌گیرند.
جدول ۱ ضمیمه

سود حاصل از بازپس‌گیری درآمدهای نفتی (میلیون دلار)

بخش	سناریو ۱	سناریو ۲	سناریو ۳	سناریو ۴	سناریو ۵	سناریو ۶
	زغانی	% درآمد نفت	% درآمد نفت	% درآمد نفت	% درآمد نفت	% درآمد نفت
میزان رسوایی	۲.۷ میلیارد دلار	۳.۵ میلیارد دلار	۷.۰ میلیارد دلار	۱۰.۵ میلیارد دلار	۱۴.۰ میلیارد دلار	۱۷.۵ میلیارد دلار
نفت خام	\$۴,۱۵۵	\$۶,۴۶۱	\$۱۲,۹۲۲	\$۱۹,۳۸۳	\$۲۵,۸۴۴	\$۳۲,۳۰۴
خانوارهای شهری	\$۲,۰۸۹	\$۳,۲۸۴	\$۶,۴۹۷	\$۹,۷۴۵	\$۱۲,۹۹۳	\$۱۶,۲۴۱
فعالیت‌های دیگر	\$۵۷۲	\$۸۹۰	\$۱,۷۸۰	\$۲,۶۷۰	\$۳,۵۶۰	\$۴,۴۵۰
خانوارهای روستایی	\$۵۰۸	\$۷۹۰	\$۱,۵۸۰	\$۲,۳۷۰	\$۳,۱۵۹	\$۳,۹۴۹
لوازم خانگی	\$۴۲۱	\$۶۵۴	\$۱,۳۰۹	\$۱,۹۶۳	\$۲,۶۱۷	\$۳,۲۷۲
خرده فروشی	\$۴۰۰	\$۶۲۲	\$۱,۲۴۳	\$۱,۸۶۵	\$۲,۴۸۷	\$۳,۱۰۸
کشاورزی	\$۳۸۵	\$۵۹۹	\$۱,۱۹۹	\$۱,۷۹۸	\$۲,۳۹۷	\$۲,۹۹۷
مواد غذایی	\$۲۷۸	\$۴۳۲	\$۸۶۴	\$۱,۲۹۶	\$۱,۷۲۹	\$۲,۱۶۱
بیمه	\$۲۳۶	\$۳۶۷	\$۷۳۴	\$۱,۱۰۱	\$۱,۴۶۷	\$۱,۸۳۴
حمل‌ونقل	\$۲۲۱	\$۳۴۳	\$۶۸۷	\$۱,۰۳۰	\$۱,۳۷۴	\$۱,۷۱۷
بهداشت و درمان	\$۲۰۵	\$۳۱۹	\$۶۳۸	\$۹۵۷	\$۱,۲۷۶	\$۱,۵۹۵
آب	\$۹۸	\$۱۵۳	\$۳۰۶	\$۴۵۹	\$۶۱۳	\$۷۶۶
وسایل نقلیه	\$۹۳	\$۱۴۵	\$۲۹۰	\$۴۳۵	\$۵۷۹	\$۷۲۴
پست و مخابرات	\$۸۵	\$۱۳۲	\$۲۶۵	\$۳۹۷	\$۵۳۰	\$۶۶۲
فلزات و ماشین آلات	\$۸۱	\$۱۲۶	\$۲۵۲	\$۳۷۸	\$۵۰۴	\$۶۳۰
منسوجات	\$۷۶	\$۱۱۹	\$۲۳۸	\$۳۵۶	\$۴۷۵	\$۵۹۴
برق و گاز طبیعی	\$۷۴	\$۱۱۵	\$۲۳۰	\$۳۴۶	\$۴۶۱	\$۵۷۶
آموزش	\$۷۳	\$۱۱۳	\$۲۲۷	\$۳۴۰	\$۴۵۳	\$۵۶۷
ماهگیری و دامداری	\$۴۴	\$۶۸	\$۱۳۶	\$۲۰۳	\$۲۷۱	\$۳۳۹
خدمات مالی	\$۴۲	\$۶۶	\$۱۳۲	\$۱۹۸	\$۲۶۴	\$۳۳۰
چوب	\$۳۷	\$۵۷	\$۱۱۴	\$۱۷۱	\$۲۲۸	\$۲۸۴
ساختمان	\$۳۷	\$۵۷	\$۱۱۵	\$۱۷۲	\$۲۳۰	\$۲۸۷
جمع کل	\$۱۰,۲۱۲	\$۱۵,۸۷۸	\$۳۱,۷۵۵	\$۴۷,۶۳۳	\$۶۳,۵۱۱	\$۷۹,۳۸۹

روشن‌شناسی

نفت خام با دیگر بخش‌های اقتصاد ایران تأثیرات غیرمستقیم نیز داشته باشد. اثر فزاینده عبارت است از مجموع تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم.^{۳۸} بنابراین اثر فزاینده برای محاسبه منفعت کلی که با کاهش فساد و بازگرداندن درآمدهای از دست رفته نفتی نصیب اقتصاد ایران می‌شود، کاربرد دارد.

خلیل ماتریس حسابداری اجتماعی ابزار معمول برای برآورد منفعت اقتصادی است. فساد تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر اقتصاد دارد. یکی از سرمنشأهای اصلی فساد در ایران زیان‌هایی است که به واسطه از دست رفتن درآمد نفت به بار می‌آید. بخش نفت خام مستقیماً تحت تأثیر این گونه فساد است. با این حال درآمدهای از دست رفته نفتی ممکن است به واسطه ارتباط بخش

ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) یک سیستم حسابداری اقتصادی است که تمام تراکنش‌ها و نقل و انتقالات پول بین عوامل یک اقتصاد را ثبت می‌کند.^{۳۳۱} ساختار کلی ماتریس حسابداری اجتماعی در جدول ۴ ضمیمه ارائه شده است. SAM یک ماتریس مربع است که در آن هر حساب ردیف و ستون خود را دارد. هزینه‌کرد در ستون‌ها و درآمد در ردیف‌ها فهرست می‌شود. حسابداری «دو بار ورود» به این معناست که برای هر حساب در SAM، درآمد کل با هزینه‌کرد کل برابر است. چون هر یک از حساب‌ها باید موازنه شود، مجموع ردیف‌ها و ستون‌های متناظر برابر است.^{۳۳۲}

هدف از مدل فزاینده SAM محور این است که از اثرات مستقیم و غیرمستقیم شوک ناحیه تقاضای برون زا بر اقتصاد، برآوردهای کمی ارائه دهد.

ما به منظور برآورد منفعتی که اقتصاد ایران از بازگرداندن درآمدهای ناپدیدشده نفتی به دست می‌آورد، پنج سناریو ساختیم. سناریوی اول بر اساس رسوایی بابک زنجانی است که طی آن حدوداً ۲.۷ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی کشور از دست رفت.^{۳۳۳} زنجانی متهم شد ۲.۷ میلیارد دلار از ۱۷ میلیارد دلار درآمد نفتی را که باید از طریق شرکت‌های خود به دولت بازمی‌گرداند، نزد خود نگاه داشته است. سناریوی ۲ تا ۵ بر اساس برآوردهای دیگر کشورهاست که نشان می‌دهد کشورها درآمدهای نفتی سالانه خود را با کاهش فساد و بازگرداندن درآمدهای از دست رفته نفت بین ۵ تا ۲۵ درصد افزایش می‌دهند. کمیته حل اختلاف نیجریه درآمدهای از دست رفته نفتی را در حد ۱۵ درصد کل درآمدهای نفت کشور بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ اعلام کرد. همچنین شایان ذکر است که نیجریه تقریباً در تمام شاخص‌های مدیریت منابع که مؤسسه اداره منابع ملی (NRGI) منتشر کرده، عملکردی بهتر از ایران داشته است.^{۳۳۴} این بدان معناست که موقعیت ایران بدتر از نیجریه است. ما با نگاهی به تجربه نیجریه رقم ۱۵ درصد را به عنوان سناریوی پایه محافظه‌کارانه برای ایران در نظر گرفتیم. مقادیری که در این تحلیل ارائه شده‌اند بر اساس قیمت‌های سال پایه متناظر در ترکیب با نرخ رایج تبدیل دلار آمریکا به ریال ایران تنظیم شده‌اند.

جدول ۴ ضمیمه: ساختار بنیادین ماتریس حسابداری اجتماعی برای ایران

مجموع	بقیه جهان	سرمایه‌گذاری	دولت	خانوارها	تولید فاکتور	فعالیت‌ها	مجموع
مجموع درآمد فعالیت‌ها							فعالیت‌ها
مجموع درآمد فاکتور						ارزش افزوده	تولید فاکتور
مجموع درآمد خانوار	ارسال پول از خارج		انتقال‌های اجتماعی		فاکتور پرداخت به خانوارها		خانوارها
درآمد دولت	کمک هزینه و وام خارجی			مالیات مستقیم			دولت
مجموع پس اندازها	موجودی کنونی حساب		مازاد سال مالی	پس اندازهای شخصی			سرمایه‌گذاری
خروج ارز از کشور							بقیه جهان
مجموع	ورود ارز به کشور	مجموع سرمایه‌گذاری	مجموع هزینه‌کرد دولت	مجموع مخارج خانوارها	مجموع تولید فاکتور	خروجی ناخالص	مجموع

توجه: هر حساب دو بار نمایش داده می‌شود: یک بار به عنوان ردیف (نشان‌دهنده رسیده‌ها) و یک بار به عنوان ستون (نشان‌دهنده پرداخت‌ها).

محدودیت‌ها

مانند هر تحلیل دیگری، به دلیل میزان جزئیاتی که می‌توانیم از داده‌های در دسترس به دست آوریم، محدودیت‌هایی در رهیافت ما وجود دارد. محدودیت‌های اصلی که بهتر است در یاد داشته

باشیم، عبارتند از:

- یکی از محدودیت‌های عمده SAM این است که ما چنین فرض می‌کنیم «که قیمت‌ها ثابت‌اند و هرگونه تغییر [در

گردش مالی] منجر به تغییرات، نه در قیمت‌ها، بلکه در خروجی فیزیکی می‌شود. این فرض به نوبه خود پیشفرض دیگری را ایجاب می‌کند که بر اساس آن منابع فاکتوری اقتصاد، نامحدود و در دسترس هستند. به گونه‌ای که هر افزایش در تقاضا می‌تواند با افزایش عرضه جبران شود.^{۳۳۳}

- همچنین در SAM فرض بر این است «که روابط ساختاری میان بخش‌ها و خانوارها در اقتصاد از تغییرات برون زای (exogenous) تقاضا تأثیری نمی‌پذیرند. به عبارت دیگر، ضریب‌های ورودی تولیدکنندگان و الگوهای مصرف خانوارها بدون تغییر باقی می‌مانند.»^{۳۳۴}

جدول ۵ ضمیمه: تعداد اجزا و تعاریف

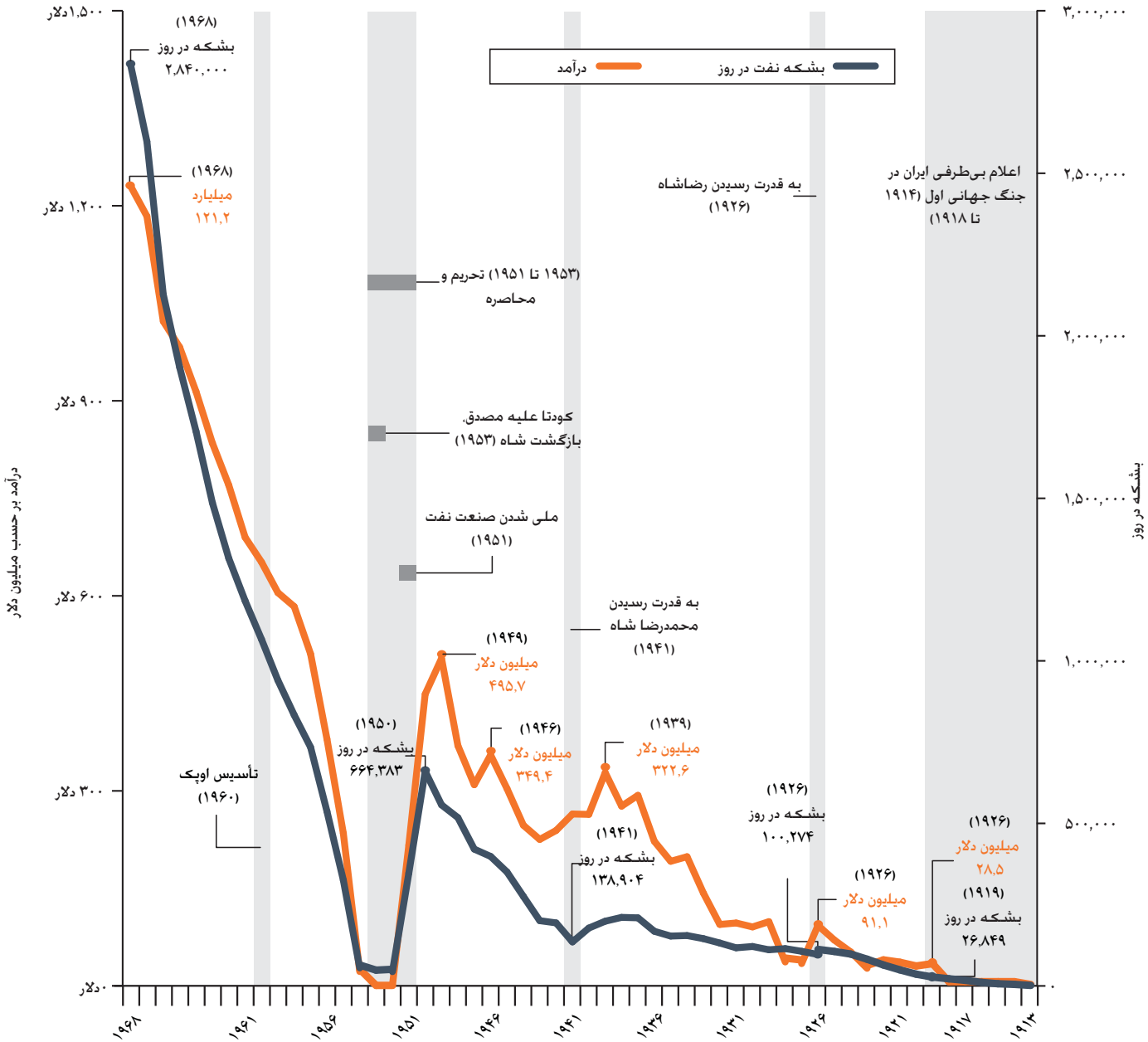
حساب‌های درونزا (Endogenous):
کشاورزی
ماهگیری و دامداری
غذا
منسوجات
چوب
فلزات و ماشین آلات
لوازم خانگی
وسایل نقلیه
گاز طبیعی و برق
ساخت‌وساز
آب
حمل‌ونقل
پست و مخابرات
آموزش
بیمه
بهداشت و درمان
خرده فروشی
خدمات مالی
دیگر فعالیت‌ها
عوامل تولید (کار، سرمایه و زمین)
خانوارها (خانوارهای شهری و روستایی)
حساب‌های برون زا (Exogenous):
دولت
سرمایه‌گذاری
بقیه جهان

برای اطلاعات بیشتر درباره کارکرد مدل فزاینده SAM محور مطالب خوبی^{۳۳۵} از این فرایند را می‌توان در وبسایت بانک جهانی، worldbank.org پیدا کرد. در این وبسایت عبارت «Social Accounting Matrices» را جستجو کنید و پس از ورود به صفحه «Chapter 14 Social Accounting Matrices and SAM-based Multiplier Analysis»^{۳۳۶} را انتخاب کنید.

ضمیمه ۲:

تاریخچه تولید نفت در ایران

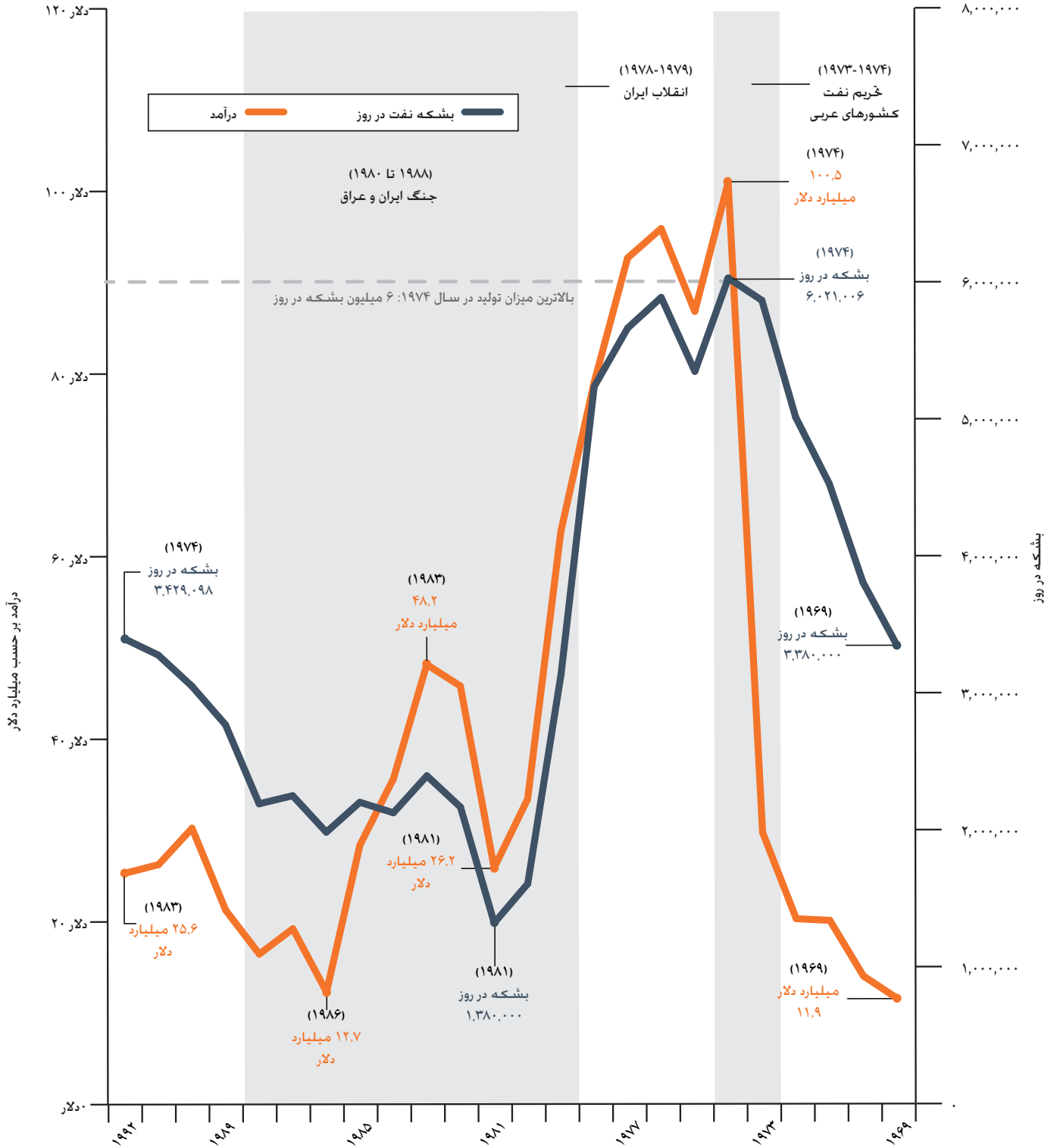
نمودار ۴۹: تولید و درآمد نفت ایران - سال های آغازین (۱۹۶۸ تا ۱۹۱۳)
درآمد با در نظر گرفتن تورم و بر اساس دلار سال ۲۰۱۵ تنظیم شده است



گرافیک: نفت من کجاست؟

توجه: قیمت دلار کنونی به نسبت سال پایه ی ۲۰۱۵ با استفاده از ۱۹۱۳ تا ۱۹۶۲ به دست آمده داده های به روز شده ی مربوط به درآمد از تبدیل پوند به دلار با محاسبه گر تورم اداره ی آمار وزارت کار امریکا محاسبه شد. توجه به نرخ برابری تاریخی از ارقام درآمدهای اوپک که در سال ۱۹۶۹ آغاز شده اند «مقارن صادرات نفت» هستند.
منبع: اداره ی معاین امریکا بلومبرگ، اوپک، علم، مصطفی، «نفت، قدرت، و اصول» انتشارات دانشگاه سیراکوز، ۱۹۹۲ تولید نفت در سال ۲۰۱۶ تا ماه اوت.

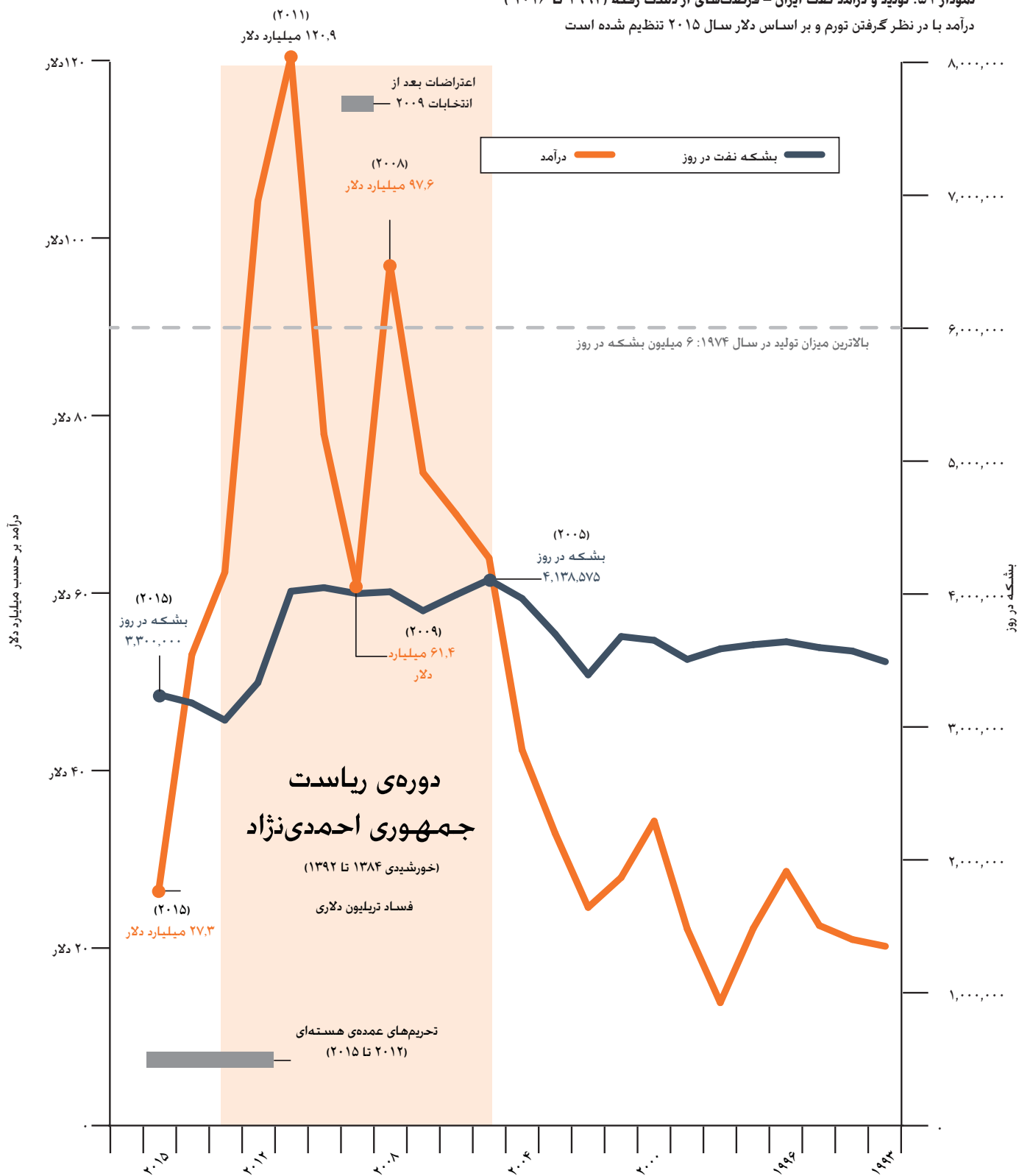
نمودار ۵۰: تولید و درآمد نفت ایران - فراز و فرود (۱۹۶۹ تا ۱۹۹۲)
 درآمد با در نظر گرفتن تورم و بر اساس دلار سال ۲۰۱۵ تنظیم شده است



گرافیک «نفت من کجاست؟»

توجه: قیمت دلار کنونی به نسبت سال پایه‌ی ۲۰۱۵ با استفاده از داده‌های روز شده‌ی مربوط به درآمد از تبدیل پوند به دلار با محاسبه‌ی گر تورم اداری امارت وزارت کار آمریکا محاسبه شد. توجه به نرخ برابری تاریخی از ۱۹۱۳ تا ۱۹۶۲ به دست آمده است. ارقام برآمده‌های اوپک که در سال ۱۹۶۹ آغاز شده اند «مقتضای صادرات نفت» هستند.
 منبع: اداری معادن آمریکا، بلومبرگ، اوپک، علم، مصطفی، «نفت، قدرت، و اصول» انتشارات دانشگاه سپهرکویون، ۱۹۹۲. تولید نفت در سال ۲۰۱۶ تا ماه اوت.

نمودار ۵۱: تولید و درآمد نفت ایران - فرصت‌های از دست رفته (۱۹۹۳ تا ۲۰۱۶)
درآمد با در نظر گرفتن تورم و بر اساس دلار سال ۲۰۱۵ تنظیم شده است



گرافیک «نفت من کجاست؟»
نوجه: قیمت دلار کنونی به نسبت سال پایه ی ۲۰۱۵ با استفاده از ۱۹۱۳ تا ۱۹۶۲ به دست آمده داده‌های به روز شده‌ی مربوط به درآمد از تبدیل پوند به دلار با محاسبه گر تورم اداره ی آمار وزارت کار امریکا محاسبه شد. توجه به نرخ برابری تاریخی از ارقام درآمدهای اوپک که در سال ۱۹۶۹ آغاز شده اند مقایسه صدرات نفت- هستند.

منبع: اداره ی معادن امریکا، بلومبرگ، اوپک، علم مصطفی، «نفت، قدرت، و اصول» انتشارات دانشگاه سیراکیز. ۱۹۹۲. تولید نفت در سال ۲۰۱۶ تا ماه اوت.

ضمیمه ۳:

شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران (NIOC)

شرکت نفت فلات قاره ایران	شرکت خدمات اکتشاف
شرکت ملی حفاری ایران	شرکت کالا نفت لندن. با مسؤولیت محدود
شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب	شرکت پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران	شرکت نفت و گاز اروندان
شرکت ملی نفتکش ایران	شرکت بهره برداری نفت و گاز کارون
شرکت بازرگانی نفت ایران	شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجد سلیمان
شرکت نفت و گاز پارس	شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران
شرکت ملی صادرات گاز ایران	شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون
شرکت نفت خزر	شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری
شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن)	شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی
شرکت منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس	شرکت مطالعه و توسعه نفت و گاز
سازمان بهینه سازی مصرف سوخت ایران	



ضمیمه ۴:

شبکه مالی رضا ضراب

پرداخت ۲,۴ میلیارد دلار از محل سود نفت و گاز ایران که نزد هالک بانک ترکیه نگهداری می‌شد توسط رضا ضراب در سال ۲۰۱۲ به افراد حقیقی و حقوقی در ایران، بر اساس پرونده آتیلا که در دادگاهی در نیویورک بررسی شد.^{۳۷}

نام	تعداد پرداخت‌ها	تاریخ (ها)	مبلغ پرداخت به یورو	مبلغ پرداخت به دلار
آذر رهبر	۱۱	۲۰۱۲/۴/۵	۲۴,۴۳۵,۸۹۶,۵۵	۳۱,۳۱۷,۷۰۴,۷۹
شرکت بادآسا	۱	۲۰۱۲/۵/۲۸	۹۰۴,۰۵۷,۰۰	۱,۱۵۸,۶۶۳,۸۶
بانک کشاورزی	۹	۲۰۱۲/۵/۲۱ تا ۲۰۱۲/۵/۱۱	۲۶,۰۲۴,۷۴۱,۸۵	۳۳,۳۵۴,۰۱۱,۸۲
بانک پاسارگاد*	۱	۲۰۱۲/۳/۹	۲۵,۴۷۵,۳۷۶,۰۰	۳۲,۶۴۹,۹۳۰,۰۰
بانک پاسارگاد	۱۶۶	۲۰۱۲/۸/۱۵ تا ۲۰۱۲/۳/۱۵	۴۵۵,۷۵۷,۲۱۶,۷۸	۵۸۴,۱۱۰,۷۵۴,۴۷
به‌آوران نفیس	۹	۲۰۱۲/۸/۱۵ تا ۲۰۱۲/۶/۴	۱۸,۸۶۶,۸۹۱,۵۰	۲۴,۱۸۰,۳۱۷,۵۵
شرکت بوتان	۳	۲۰۱۲/۶/۲۱ تا ۲۰۱۲/۶/۱۱	۲,۱۱۰,۶۰۱,۲۰	۲,۷۰۵,۰۰۳,۴۸
شرکت دینار	۱۳	۲۰۱۲/۵/۲۳ تا ۲۰۱۲/۵/۱۰	۳۰,۶۴۱,۱۵۴,۳۵	۳۹,۲۷۰,۵۳۰,۷۳
صرافی فراز اعتماد	۲	۲۰۱۲/۵/۲۵	۵,۱۳۳,۹۰۱,۵۰	۶,۵۷۹,۷۴۶,۷۸
فاطمه اورکی	۱	۲۰۱۲/۶/۱۸	۸۳,۱۴۲,۲۰	۱۰۶,۵۵۷,۲۹
فاقی عبیدی	۳	۲۰۱۲/۶/۲۹ تا ۲۰۱۲/۵/۱۰	۹۹۹,۸۳۷,۶۹	۱,۲۸۱,۴۱۸,۹۸
شرکت فلوراسیپار	۱	۲۰۱۲/۵/۴	۲۰۲,۰۸۴,۵۰	۲۵۸,۹۹۶,۹۵
فولاد سبز طبرستان	۳	۲۰۱۲/۶/۲۹ تا ۲۰۱۲/۴/۶	۱,۹۱۰,۸۵۷,۸۰	۲,۴۴۹,۰۰۶,۹۵
گلچین صنعت	۶	۲۰۱۲/۵/۲۵ تا ۲۰۱۲/۵/۱۸	۱۱,۳۱۸,۵۲۳,۰۰	۱۴,۵۰۶,۱۲۴,۶۸
شرکت تضامنی حشمتی و شرکا	۱۱	۲۰۱۲/۵/۱۴ تا ۲۰۱۲/۳/۲۹	۲۹,۹۳۷,۳۸۱,۱۵	۳۸,۳۶۸,۵۵۵,۹۹
شرکت جهان نما	۱۰	۲۰۱۲/۵/۲۹ تا ۲۰۱۲/۵/۱۴	۲۲,۵۷۹,۸۵۳,۴۰	۲۸,۹۳۸,۹۴۹,۷۷
صرافی کارآفرین	۴	۲۰۱۲/۹/۱۳ تا ۲۰۱۲/۸/۲۴	۹,۲۱۰,۹۳۳,۹۰	۱۱,۸۰۴,۹۸۱,۵۸
کاویان پردازش	۹	۲۰۱۲/۵/۲۵ تا ۲۰۱۲/۵/۱۴	۲۱,۶۱۰,۵۴۴,۰۵	۲۷,۶۹۶,۶۵۶,۷۴
کاویان سازه	۳	۲۰۱۲/۵/۱۸	۴,۹۶۲,۲۶۴,۰۰	۶,۳۵۹,۷۷۱,۵۲
توس کاویان	۱	۲۰۱۲/۵/۲۹	۱,۱۴۱,۴۲۴,۲۰	۱,۴۴۲,۸۸۰,۰۷
مجتمع تفریحی ساحل مرمری کیش	۳	۲۰۱۲/۳/۲۷ تا ۲۰۱۲/۳/۱۴	۴,۹۰۲,۱۶۶,۰۰	۶,۲۸۲,۷۴۸,۳۰

نام	تعداد پرداخت‌ها	تاریخ (ها)	مبلغ پرداخت به یورو	مبلغ پرداخت به دلار
مجمع تفریحی ساحل مرمری کیش*	۲	۲۰۱۲/۳/۸ تا ۲۰۱۲/۳/۷	۱۴,۳۸۶,۰۴۹,۱۳	دولار ۱۸,۴۳۷,۵۴۹,۰۰
مسعود جمعی‌پور	۲	۲۰۱۲/۷/۱۲ تا ۲۰۱۲/۵/۲۸	۳,۰۰۰,۵۴۱,۹۰	دولار ۳,۸۴۵,۵۷۵,۵۱
متین باران منافی	۲	۲۰۱۲/۵/۳۰ تا ۲۰۱۲/۵/۱۵	۱,۶۰۲,۱۴۹,۰۰	دولار ۲,۰۵۳,۳۵۷,۴۲
مهدی چمنی	۲	۲۰۱۲/۶/۲۹ تا ۲۰۱۲/۶/۲۷	۲۷۱,۵۰۳,۵۶	دولار ۳۴۷,۹۶۶,۲۹
مهران سلطانی	۳	۲۰۱۲/۱۰/۹ تا ۲۰۱۲/۸/۲	۷۶۴,۸۰۱,۷۸	دولار ۹۸۰,۱۹۰,۶۱
محمد مهدی فرخی	۲	۲۰۱۲/۵/۴	۵,۱۶۴,۰۵۰,۰۰	دولار ۶,۶۱۸,۳۸۵,۹۱
محمد رستمی صفا*	۶	۲۰۱۲/۳/۱۳ تا ۲۰۱۲/۳/۸	۲۲,۴۰۶,۷۱۶,۷۷	دولار ۲۸,۷۱۷,۰۵۳,۲۰
محمد رستمی صفا	۳۷	۲۰۱۲/۴/۳۰ تا ۲۰۱۲/۳/۱۴	۱۰۱,۱۸۶,۷۸۳,۷۰	دولار ۱۲۹,۶۸۳,۷۱۴,۰۳
صنعت پخش مژه	۲	۲۰۱۲/۴/۶	۲,۰۲۹,۸۰۰,۰۰	دولار ۲,۶۰۱,۴۴۶,۴۸
نظیر تجارت آستارا	۱	۲۰۱۲/۵/۱۴	۴۰۴,۱۶۹,۰۰	دولار ۵۱۷,۹۹۳,۹۰
نوآوران سام آذر	۲	۲۰۱۲/۶/۲۵ تا ۲۰۱۲/۶/۱۱	۱,۸۵۵,۶۳۵,۲۰	دولار ۲,۳۷۸,۲۳۲,۱۷
صرافی نوین	۱	۲۰۱۳/۲/۲۷	۶۹۸,۰۶۷,۱۳	دولار ۸۹۴,۶۶۱,۶۸
شرکت پارسیان	۶۳	۲۰۱۲/۷/۱۰ تا ۲۰۱۲/۴/۲۷	۱۵۱,۶۲۹,۸۸۰,۸۰	دولار ۱۹۴,۳۳۲,۹۴۹,۲۴
صرافی پارسیان	۱۶	۲۰۱۲/۴/۵	۲۴,۵۶۵,۷۴۳,۶۹	دولار ۳۱,۴۸۴,۱۲۰,۳۹
صرافی پاسخگو	۳	۲۰۱۲/۷/۱۰ تا ۲۰۱۲/۴/۲۷	۴,۴۲۸,۳۶۶,۹۰	دولار ۵,۶۷۵,۵۱۴,۵۸
شرکت پایداری*	۴	۲۰۱۲/۳/۸ تا ۲۰۱۲/۳/۶	۴,۶۹۴,۳۱۹,۷۹	دولار ۶,۰۱۶,۳۶۷,۰۰
شرکت پایداری	۷	۲۰۱۲/۴/۱۶ تا ۲۰۱۲/۳/۱۶	۱۷,۷۰۶,۰۱۷,۵۵	دولار ۲۲,۶۹۲,۵۱۰,۱۵
شرکت پایدار سرمایه*	۱	۲۰۱۲/۳/۶	۳,۴۰۸,۵۱۷,۴۵	دولار ۴,۳۶۸,۴۴۸,۰۰
شرکت پایدار سرمایه	۱۷	۲۰۱۲/۴/۲۷ تا ۲۰۱۲/۴/۵	۴۶,۳۶۲,۶۴۱,۹۰	دولار ۵۹,۴۱۹,۶۱۳,۶۵
شرکت پایدار قشقم*	۴	۲۰۱۲/۳/۸ تا ۲۰۱۲/۳/۵	۵,۶۴۱,۷۶۴,۱۰	دولار ۷,۲۳۰,۶۳۷,۲۰
شرکت پایدار قشقم	۱۳	۲۰۱۲/۴/۲۰ تا ۲۰۱۲/۴/۲	۳۲,۹۷۸,۶۵۵,۱۰	دولار ۴۲,۲۶۶,۳۳۴,۸۰
شرکت پایدار توسعه	۱۷	۲۰۱۲/۴/۲۶ تا ۲۰۱۲/۴/۵	۴۳,۴۵۱,۱۸۲,۱۵	دولار ۵۵,۶۸۱,۲۰۸,۲۳
شرکت پایه پایدار*	۱	۲۰۱۲/۳/۱۳	۵,۲۹۱,۸۴۲,۹۱	دولار ۶,۷۸۲,۱۶۸,۷۵
شرکت پایه پایدار	۱۰	۲۰۱۲/۴/۲۷ تا ۲۰۱۲/۳/۱۴	۲۱,۰۱۹,۷۱۲,۳۰	دولار ۲۶,۹۳۹,۴۳۰,۸۲
پویاگستر	۱	۲۰۱۲/۵/۱۰	۲,۸۱۱,۷۷۰,۵۰	دولار ۳,۶۰۳,۶۴۰,۹۹
شرکت پویان صنعت	۶	۲۰۱۲/۵/۲۴ تا ۲۰۱۲/۵/۱۴	۱۳,۳۱۰,۵۳۲,۹۰	دولار ۱۷,۰۵۹,۱۳۸,۳۵
شرکت پویان‌تراب	۱۱	۲۰۱۲/۵/۳۰ تا ۲۰۱۲/۵/۱۴	۲۱,۳۸۳,۰۲۷,۶۰	دولار ۲۷,۴۰۵,۰۶۵,۵۱
شرکت قش قشقم*	۲	۲۰۱۲/۳/۱۲ تا ۲۰۱۲/۳/۸	۲,۵۲۳,۴۷۰,۵۵	دولار ۳,۲۳۴,۱۴۸,۰۰
شرکت قش قشقم	۲	۲۰۱۲/۴/۱۷ تا ۲۰۱۲/۳/۲۸	۹,۱۶۴,۰۴۹,۵۰	دولار ۱۱,۷۴۴,۸۹۳,۲۷
شرکت قشقم پایدار	۱۲	۲۰۱۲/۴/۲۷ تا ۲۰۱۲/۳/۲۱	۳۲,۸۲۸,۹۹۵,۲۵	دولار ۴۲,۰۷۴,۵۲۶,۷۰
شرکت قشقم سرمایه	۷	۲۰۱۲/۴/۲۷ تا ۲۰۱۲/۴/۳	۲۷,۱۴۹,۶۹۹,۳۵	دولار ۳۴,۷۹۵,۷۸۷,۷۳
شرکت قشقم توسعه	۱۵	۲۰۱۲/۵/۱۵ تا ۲۰۱۲/۵/۱۴	۵۰,۳۹۴,۸۱۶,۳۰	دولار ۶۴,۵۸۷,۳۵۷,۲۳
رضا عظیمیان	۲	۲۰۱۲/۵/۱۱	۵,۰۴۵,۸۹۳,۷۵	دولار ۶,۴۶۶,۹۵۳,۶۷
شرکت رضوان	۲	۲۰۱۲/۵/۱۴	۳,۲۳۳,۳۵۲,۰۰	دولار ۴,۱۴۳,۹۵۱,۲۲
شرکت صبا سپهر*	۱	۲۰۱۲/۳/۱۳	۸۴۶,۶۹۴,۸۶	دولار ۱,۰۸۵,۱۴۷,۰۰
شرکت صبا سپهر	۱	۲۰۱۲/۳/۲۹	۱,۲۲۳,۳۵۰,۰۰	دولار ۱,۵۶۸,۵۱۹,۲۰
صابر قجرزاده	۱	۲۰۱۲/۴/۶	۳۶۹,۸۴۱,۵۰	دولار ۴۷۳,۹۹۸,۸۵

نام	تعداد پرداختها	تاریخ(ها)	مبلغ پرداخت به یورو	مبلغ پرداخت به دلار
شرکت سهند استیل آریا	۱۰	۲۰۱۲/۵/۱۵ تا ۲۰۱۲/۳/۲۱	۲۲,۹۵۵,۹۰۳,۷۰۰ یورو	۲۹,۴۲۰,۹۰۵,۹۹۹ دلار
شرکت بانک سامان	۴	۲۰۱۲/۶/۲۹ تا ۲۰۱۲/۶/۲۷	۵,۳۸۳,۹۸۸,۰۰۸ یورو	۶,۹۰۰,۲۶۴,۴۹۹ دلار
شرکت صرافى سامان	۱	۲۰۱۲/۱۲/۲۸	۱,۸۵۴,۶۵۴,۸۳۳ یورو	۲,۳۷۶,۹۷۵,۷۱۱ دلار
صنعتگران خاوران	۲	۲۰۱۲/۵/۲۹	۴,۰۳۵,۷۴۹,۸۵۰ یورو	۵,۱۷۲,۳۲۵,۹۷۰ دلار
صنعت قند کردستان	۱	۲۰۱۲/۵/۱۵	۴۰۴,۶۶۶,۵۰۰ یورو	۵۱۸,۶۳۱,۵۱۱ دلار
شرکت سرمایه پایدار	۲۱	۲۰۱۲/۵/۷ تا ۲۰۱۲/۳/۲۷	۵۱,۴۹۳,۸۹۶,۷۰۰ یورو	۶۵,۹۹۵,۹۶۸,۳۵۵ دلار
شرکت سرمایه*	۳	۲۰۱۲/۳/۱۲ تا ۲۰۱۲/۳/۸	۶,۷۱۷,۶۹۲,۲۷۰ یورو	۸,۶۰۹,۵۷۵,۸۰۰ دلار
شرکت سرمایه	۱	۲۰۱۲/۴/۳	۳,۸۰۷,۱۴۸,۰۰۰ یورو	۴,۸۷۹,۳۴۳,۶۷۰ دلار
شرکت سرمایه قشقم*	۱	۲۰۱۲/۳/۱۳	۱,۵۶۶,۳۵۸,۵۰۰ یورو	۲,۰۰۷,۵۲۱,۹۵۰ دلار
شرکت سرمایه قشقم	۲۰	۲۰۱۲/۸/۱۵ تا ۲۰۱۲/۴/۱۰	۵۱,۵۰۸,۸۹۱,۳۵۰ یورو	۶۶,۰۱۵,۱۸۵,۸۹۰ دلار
شرکت سرمایه سرما	۸	۲۰۱۲/۴/۳۰ تا ۲۰۱۲/۳/۲۹	۲۰,۲۲۱,۰۳۶,۷۵۰ یورو	۲۵,۹۱۵,۸۲۶,۶۷۰ دلار
شرکت سرمایه توسعه*	۱	۲۰۱۲/۳/۱۳	۴,۲۳۳,۴۷۴,۳۳۰ یورو	۵,۴۲۵,۷۳۵,۰۰۰ دلار
شرکت سرمایه توسعه	۳۱	۲۰۱۲/۵/۸ تا ۲۰۱۲/۴/۱۰	۷۹,۲۵۶,۸۷۴,۲۵۰ یورو	۱۰۱,۵۷۷,۷۴۹,۹۷۰ دلار
SCT Bankers کیش	۲۰	۲۰۱۲/۷/۱۰ تا ۲۰۱۲/۵/۲۲	۴۱,۲۰۶,۲۵۳,۴۰۰ یورو	۵۲,۸۱۱,۰۴۶,۹۳۰ دلار
شاهین کوشش پارتيكان	۲	۲۰۱۲/۶/۲۵ تا ۲۰۱۲/۵/۲۸	۹۲۹,۳۶۹,۸۰۰ یورو	۱,۱۹۱,۱۰۵,۴۳۰ دلار
شكار افشان كردستان	۳	۲۰۱۲/۴/۶	۸۵۲,۵۱۶,۰۰۰ یورو	۱,۰۹۲,۶۰۷,۵۲۰ دلار
شرکت شكوفامنش	۶	۲۰۱۲/۷/۵ تا ۲۰۱۲/۵/۲۵	۶,۱۴۳,۰۱۰,۰۶۰ یورو	۷,۸۷۳,۰۴۸,۲۵۰ دلار
شرکت طلايه	۱۳	۲۰۱۲/۸/۱۵ تا ۲۰۱۲/۷/۱۰	۲۳,۸۳۴,۲۰۶,۹۰۰ یورو	۳۰,۵۴۶,۵۶۳,۰۰۹ دلار
شرکت گروه تپباد	۳	۲۰۱۲/۶/۲۹ تا ۲۰۱۲/۶/۲۵	۳,۲۹۱,۸۱۱,۴۸۰ یورو	۴,۲۱۸,۹۶۴,۱۹۰ دلار
توسعه سرمایه*	۶	۲۰۱۲/۳/۶	۱۱,۰۲۴,۲۶۸,۳۷۰ یورو	۱۴,۱۲۹,۰۰۰,۰۰۰ دلار
توسعه سرمایه	۱۴	۲۰۱۲/۵/۱۰ تا ۲۰۱۲/۳/۱۶	۳۶,۰۹۱,۷۶۴,۳۵۰ یورو	۴۶,۲۵۶,۱۷۹,۶۷۰ دلار
شرکت توسعه قشقم	۱۳	۲۰۱۲/۴/۲۷ تا ۲۰۱۲/۳/۲۸	۴۴,۹۵۵,۱۶۰,۰۶۰ یورو	۵۷,۶۱۵,۷۴۷,۶۱۰ دلار
شرکت توسعه توس*	۲	۲۰۱۲/۳/۶	۳,۴۱۷,۲۱۲,۶۵۰ یورو	۴,۳۷۹,۵۹۲,۰۰۰ دلار
شرکت توسعه توس	۱۷	۲۰۱۲/۴/۲۷ تا ۲۰۱۲/۳/۱۴	۵۰,۶۸۶,۰۵۵,۸۰۰ یورو	۶۴,۹۶۰,۶۱۷,۶۴۰ دلار
توسعه پایدار*	۱	۲۰۱۲/۳/۱۳	۲,۸۹۴,۰۱۷,۴۱۰ یورو	۳,۵۲۶,۷۲۷,۷۵۰ دلار
توسعه پایدار	۱۲	۲۰۱۲/۵/۱۱ تا ۲۰۱۲/۳/۲۶	۳۱,۴۶۷,۹۲۹,۷۰۰ یورو	۴۰,۳۳۰,۱۴۸,۳۴۰ دلار
شرکت زركام نوش	۴	۲۰۱۲/۵/۲۸	۵,۹۹۹,۶۵۱,۰۰۰ یورو	۷,۶۸۹,۳۱۴,۷۱۰ دلار
زرين دست يكتا	۲	۲۰۱۲/۵/۲۵	۷,۱۷۱,۱۶۴,۰۰۰ یورو	۹,۱۹۰,۷۵۷,۴۰۰ دلار
زينب جيارى	۱	۲۰۱۲/۵/۱۴	۴۰۴,۱۶۹,۰۰۰ یورو	۵۱۷,۹۹۳,۹۰۰ دلار
ژرف انديشان صدرا	۱	۲۰۱۲/۵/۱۸	۴,۱۳۵,۲۲۰,۰۰۰ یورو	۵,۲۹۹,۸۰۹,۶۰۰ دلار
مجموع پرداختها			۱,۰۹۱۱,۳۸۷,۹۶۷,۶۶۰ یورو	۲,۴۴۹,۵۰۴,۱۰۴,۰۳۰ دلار

توجه: اطلاعات به کار رفته در این ضمیمه برگرفته از اسنادی هستند که دولت امریکا منتشر کرده و در دادگاه ضراب استفاده شده است.^{۳۷} به جز دریافت‌کنندگانی که با ستاره مشخص شده‌اند. بقیه پرداختها به یورو صورت گرفته است. ممکن است به دلیل گرد کردن اعداد مواردی از خطا مشاهده شود. در این جدول، یورو با استفاده از نرخ میانگین ماه می ۲۰۱۲ به دلار تبدیل شده که معادل ۱,۲۸۱۶۲۷ دلار به ازای هر یک یورو بوده است. همین نرخ برابری برای تبدیل موارد انگشت شمار پرداخت‌های دلاری به یورو مورد استفاده قرار گرفت. نشانی وبسایت آن از قرار زیر است: <http://www.x-rates.com/average/?from=EUR&to=USD&amount=1&year=2012>

* دریافت‌کنندگانی که به جای یورو، دلار دریافت کردند.

ضمیمه ۵:

نامه نروزی از زندان اوین^{۳۳۸}



نوروز ۹۷ چهلمین نوروز پس از انقلاب است. انقلابی که با وعده عبور از دیکتاتوری، استقرار دموکراسی، ایجاد شفافیت و جلوگیری از انباشت ثروت در دست طبقه‌ای خاص در سال ۵۷ به وقوع پیوست. انقلابی که به گفته روحانیون و برخی گروه‌های سیاسی قرار بود در ایران پیام‌آور صلح و آزادی و پایان‌دهنده فقر و تبعیض باشد. به‌گونه‌ای که مردم علاوه بر آب و برق مجانی دارای حقوقی چون آزادی اندیشه و بیان، آموزش و پرورش رایگان و برابر، تشکیل انجمن و اتحادیه، اعتراض و اعتصاب، جمع و راهپیمایی و تساوی در برابر قانون باشند.

اما این آرمان‌ها در حد شعار باقی ماند و نعمات و سفره انقلاب به جای فقرا، نصیب اصحاب زر و زور و تزویر شد و در این مدت گروه‌هایی به میدان آمدند که با تبلیغات رسانه‌ای حکومت، با وعده بهبود وضعیت معیشت و منزلت، اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم را دستمایه جذب آرا قرار داده و تمام مدت مشغول ثروت‌اندوزی از بیت‌المال بودند و حالا به یمن رقابت‌های جناحی، پرده از اسرار هم برمی‌دارند.

در طول این چهار دهه بیشتر کشورهای دنیا توسعه آموزش را در اولویت برنامه‌های خود قرار دادند ولی در ایران بزرگ‌ترین وزارتخانه کشور با بیش از یک میلیون معلم و میلیون‌ها دانش‌آموز، در هر دوره دارای کسری بودجه بوده و توزیع امکانات رفاهی و آموزشی همواره به ضرر فقرا و به نفع ثروتمندان انجام شده است و در حالی که بیشتر مدارس کشور فرسوده‌اند و خطرات زیادی آموزگاران و دانش‌آموزان را تهدید می‌کند و معلمان بازنشسته و شاغل (رسمی، آزاد، پیمانی، حق‌التدریس و پیش‌دبستانی) و همچنین کارگران زحمتکش، دغدغه زنده ماندن زیر خط فقر را دارند. هر چند روز یکبار خبر از اختلاس و دزدی و غارت از دست‌رخ‌ آنان به گوش می‌رسد که اختلاس ۱۳ هزار میلیاردی از صندوق ذخیره فرهنگیان از جمله آن‌هاست.

پس از برجام در حالی‌که مسئولان جمهوری اسلامی در تریبون‌ها از پایبندی نظام به اعلامیه جهانی حقوق‌بشر و میثاق‌های بین‌المللی سخن می‌رانند، بخش‌هایی از حاکمیت حتی به قانون اساسی که خود تدوین‌گر آن بوده‌اند، وفادار نیستند. آنان با ایجاد فضای امنیتی برای اندک تشکلهای مستقل صنفی کارگران و معلمان و سرکوب جماعات مسالمت‌آمیز و پرونده‌سازی برای فعالان صنفی و صدور احکام زندان با اتهاماتی نخ‌ناشده، مانند اقدام علیه امنیت ملی، در دادگاه‌های فرمایشی بدون هیأت منصفه، سعی دارند تضادهای موجود در سطوح مختلف جامعه را کنترل و منتقدان را سرکوب نمایند؛ متأسفانه در روزهایی که گروه‌های حقوق‌بشری و نهادهای بین‌المللی همچون سازمان عفو بین‌الملل، سازمان جهانی کار (ILO) و سازمان جهانی معلمان (EI) با دقت شرایط کارگران و معلمان را در ایران رصد می‌کنند، دامنه سرکوب کنشگران صنفی

افزایش یافته و حتی به مدارس و کارخانه‌ها کشانده شده است.

عده‌ای از کار به دستان با اعمال فشار به دستگاه قضایی در صدور کیفرخواست و حکم، رد اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور، رد آزادی مشروط و حتی در دادن مرخصی به زندانیان دخالت کرده و فراتر از قانون حرکت می‌کنند و متأسفانه قاضی، دادستان و عوامل قضایی، تحت امر آنها هستند.

اینجانب ضمن اعلام همبستگی با تمام معلمان و کارگران جهان، به عنوان یک آموزگار و عضو هیأت مدیره تشکل قانونی کانون صنفی معلمان تهران، دارای مجوز از وزارت کشور نسبت به عواقب شوم برخوردهای سلیقه‌ای و غیرقانونی در قوه قضائیه هشدار می‌دهم و در اعتراض به نقض گسترده حقوق شهروندی معلمان و کارگران ایران و با درخواست مشخص برگزاری دادگاه علنی و برخورداری از حقوق قانونی در پرونده‌ام همچون استفاده از حق مرخصی طبق ماده ۵۲۰ و مرخصی استعلاجی جهت درمان، (که اکنون به شکل غیرقانونی مسدود شده است) از تاریخ سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ اعتصاب غذا خواهم کرد. بدیهی است عواقب ناشی از این اعتصاب غذا بر عهده قوه قضائیه است.

اسماعیل عبدی

زندانی اوین، بند ۴ سالن ۴

فروردین ۱۳۹۷

اسماعیل عبدی دبیر ۴۴ ساله آموزش و پرورش و دبیر سابق کانون صنفی معلمان است. وی در حال گذراندن ۶ سال زندان به اتهام تبلیغ علیه نظام و توطئه علیه امنیت ملی است.

برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به وبسایت «مرکز حقوق بشر ایران» به نشانی www.IranHumanRights.org مراجعه نمایید.

پی‌نوشت

- ۱ «در باب پنجاهمین سالگرد ملی شدن صنعت نفت» فصلنامه آزادی، شماره‌های ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۲۰۰۱، ص. ۲۱۷.
- ۲ «مدیر مرکز آمار: ۱۰ میلیون نفر زیر خط مطلق فقر و ۳۰ میلیون نفر دیگر زیر خط نسبی فقر زندگی می‌کنند» عصر ایران، ۸ خرداد ۱۳۸۹.
- ۳ «ایران حدود ۱۱ میلیون حاشیه‌نشین دارد» ایرنا، ۱۸ خرداد ۱۳۹۵، آرشیو شده در <https://web.archive.org/web/201606224054/http://www.irna.ir/fa/news/82102055/> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۷ اوت ۲۰۱۷.
- ۴ بی‌ژان، میثم. «خسته از حرف مردم ایران به دنبال راهکارهای عملی در زمینه شغل» المونیتور، ۳ ژوئیه ۲۰۱۶، <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/07/iran-unemployment-job-creation-rouhani-final-year.html> وبسایت در تاریخ ۲۷ اوت ۲۰۱۷.
- ۵ همان.
- ۶ «ما در کشور ۲،۲ میلیون نفر معتاد داریم که مصرف‌کننده روزانه‌اند» فارس نیوز، ۳ مهر ۱۳۹۱.
- ۷ کالابریز جان. «جنگ ایران علیه مواد مخدر: آیا ایران سنگر را نگه می‌دارد؟» مؤسسه خاورمیانه، ۱ دسامبر ۲۰۰۷، <https://www.mei.edu/content/irans-war-drugs-holding-line> دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۸ «نزدیک به ۳ میلیون نفر در ایران معتاد هستند» بی‌بی‌سی فارسی، ۲۵ ژوئن ۲۰۱۷، <http://www.bbc.com/persian/iran-40400293> دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۹ «نرخ انتقال HIV/AIDS از طریق تماس جنسی در ایران دوبرابر شده است» بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۶، http://www.bbc.com/persian/2016/science/2016/07/160713_u04_iran_hiv_aids دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷. مصاحبه با دکتر سیاری، معاون وزیر بهداشت.
- ۱۰ «بیش از ۶۰۰۰۰۰ نفر وارد زندان‌های کشور می‌شوند» مهر نیوز، ۱۳ دی ۱۳۹۳.
- ۱۱ برکچیان، سیدمهدی. «آیا ایران وارد "عصر جدید" سیاست‌های اقتصادی شده است؟» المونیتور، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۵.
- ۱۲ «ایرانیان در یک دهه گذشته ۱۵ درصد فقیرتر شده‌اند» بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۷.
- ۱۳ «نقطه جوش آسیب‌های اجتماعی» دنیای اقتصاد، ۲۶ خرداد ۱۳۹۵.
- ۱۴ مک فارلن، سارا. و بنوا فوکن (Benoit Faucon). «حرکت چراغ خاموش نفتکش‌های ایران، بالا بردن پرچم قرمز خرم‌ها» وال استریت ژورنال، ۶ ژوئیه ۲۰۱۷، <https://www.wsj.com/articles/ships-exporting-iranian-oil-go-dark-raising-sanctions-red-flags-1499333402> وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۵ «شش چارت که اعتراضات ایران را توضیح می‌دهند» بی‌بی‌سی نیوز، ۴ ژانویه ۲۰۱۸.
- ۱۶ «بیانیه کارگران مستقل درباره حداقل حقوق». بیانیه از طرف شش تشکل کارگری ایران: اتحادیه آزاد کارگران ایران. کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری ایران. کانون مدافعان حقوق کارگر. کمیته هماهنگ‌کننده کمک به تشکیل سازمان‌های کارگری. اتحادیه کارگران نینگر هفت تبه. سندیکای نقاشان استان البرز، ۲۱ فوریه ۲۰۱۵.
- ۱۷ همان.
- ۱۸ صادقی، فرشته. «آیا رسوایی فیش‌های حقوقی به برکناری روحانی می‌انجامد؟» المونیتور، ۴ ژوئیه ۲۰۱۶، <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/07/iran-payslip-leaks-rouhani-administration-criticism-ndf.html> دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۹ «شنود انگلا مرکل روزنه‌ای به شبکه عظیم جاسوسی» نیویورک تایمز، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۳.
- ۲۰ «دوازده ماه پس از اظهار نظر جنجالی محمود احمدی‌نژاد در مورد اسکله‌های غیرقانونی چه اتفاقی رخ داد؟» خبر آنلاین، ۳ تیر ۱۳۹۱.
- ۲۱ گفت‌وگو با افسنین مولوی، نویسنده «روح ایران».
- ۲۲ همان.
- ۲۳ به بخش تقدیر و تشکر و منابع ذکر شده در پی‌نوشت مراجعه نمایید.
- ۲۴ «ایران تا ماه مارس ۴،۶ میلیارد دلار برای احیای واحدهای تولیدی پرداخت خواهد کرد» تهران تایمز، ۷ ژوئن ۲۰۱۶.
- ۲۵ بی‌ژان، میثم. «خسته از حرف مردم ایران به دنبال راهکارهای عملی در زمینه شغل» المونیتور، ۳ ژوئیه ۲۰۱۶، <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/07/iran-unemployment-job-creation-rouhani-final-year.html> وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۶ «اولین مناظره ریاست‌جمهوری: برخورد بین قالیباف، جهانگیری و روحانی، سکوت رئیس» بزرگ‌ها، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶، <http://www.bartarinha.ir/fa/news/521366/>
- ۲۷ نوروزی، سیاوش. «وعده‌های انتخاباتی، پارانه ۲۵۰ هزار تومانی تا چه حد عملی است؟» بی‌بی‌سی فارسی، ۳۰ آوریل ۲۰۱۷.
- ۲۸ «وعده رئیس: ۱،۵ میلیون شغل در روز» عصر ایران، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- ۲۹ «گاف قالیباف درباره ایجاد ۵ میلیون شغل» دنیای اقتصاد، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.
- ۳۰ بر اساس گزارش بانک جهانی، سهم نفت ایران، به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، ۲۵،۱ درصد در سال ۲۰۱۱ و ۲۲،۸ درصد در سال ۲۰۱۳ بوده است.
- سهم نفت به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی (سهم نفت را به عنوان تفاوت بین مقدار تولید نفت خام به قیمت جهانی و مجموع هزینه‌های تولید در نظر می‌گیرد) <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PETR.RT.ZS>
- ۳۱ استیونس، پال. «چشم‌انداز آینده بخش نفت و گاز ایران» چتم هاوس، مارس ۲۰۱۵، <https://www.chathamhouse.org/publication/prospects-irans-oil-and-gas-sector> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۲ «بانک داده جهانی، شاخص‌های توسعه جهانی» بانک داده جهانی، بانک جهانی، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶، <http://databank.worldbank.org/> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶.
- ۳۳ «هزینه ایجاد یک شغل چقدر است؟» مشرق نیوز، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴، <https://www.mashreghnews.ir/news/414574/> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.

- ۶۸ «روسیه ساخت نیروگاه اتمی بوشهر ۲ را در ایران آغاز می‌کند.» راشا نودی. ۳۱ اکتبر ۲۰۱۷. <https://www.rt.com/business/408341-russia-iran-bushehr-construction/amp/> وبسایت در تاریخ ۱۹ ژانویه ۲۰۱۸.
- ۶۹ گاترمن استیو (Guterman, Steve). «ایران می‌گوید روسیه می‌تواند به ازای دریافت نفت برای ایران راکتور هسته‌ای بسازد.» رویترز ۱۷ فوریه ۲۰۱۴. <https://www.reuters.com/article/us-russia-iran-oil/iran-says-russia-could-build-nuclear-reactor-in-exchange-for-oil-idUSBREA1G0DM20140217> در تاریخ ۱۹ ژانویه ۲۰۱۸.
- ۷۰ همان.
- ۷۱ «میلیارد ایرانی، بایک زنجانی، به دلیل اختلاس محکوم شد.» گاردین. ۶ مارس ۲۰۱۶. <https://www.theguardian.com/world/2016/mar/06/iranian-billionaire-babak-zanjani-sentenced-to-death-embezzlement> به وبسایت در تاریخ ۱۹ ژانویه ۲۰۱۸.
- ۷۲ «چه کسی ۱۲ نفرکشتی غول‌پیکر را به بایک زنجانی داد؟» آفتاب نیوز. ۱۵ ژانویه ۲۰۱۷.
- ۷۳ همان.
- ۷۴ همان.
- ۷۵ میرکاظمی درباره خسارت‌های ساختاری: «کرسنت یک قرارداد واقعاً ننگین بود که نه تنها منافع ملی را در آن مقطع حفظ نمی‌کرد، بلکه در طول ۵۰ سال پس از آن همه قراردادهای صادرات گاز ما را تحت تأثیر قرار می‌داد. اگر یک قیمت غیرعقلانی تشخیص بدهند، همان می‌شود پایه برای تمام توافقات. وقتی توافقی امضا می‌کنید که به کشورهای همسایه گاز صادر کنید، به آنها اطمینان می‌دهید قیمتی که از آنها مطالبه می‌کنید از قیمتی که از دیگر کشورها می‌گیرید بالاتر نیست. این تضمینی است که در مفاد توافق گنجانده شده است. وقتی به شرکتی مانند کرسنت قیمت پایین می‌دهید، نه تنها درآمد حاصل از آن قرارداد را کاهش می‌دهید، بلکه بر صادرات شما به دیگر کشورها نیز تأثیر می‌گذارد و هزینه‌های سنگینی را به کشور خمیل می‌کند.» «مصاحبه با دکتر سید مسعود میرکاظمی.» رجانپوز ۲۵ مرداد ۱۳۹۴. www.rajaneews.com/node/219716 وبسایت در تاریخ ۷ اوت ۲۰۱۷.
- ۷۶ «چه کسی پشت "فساد نفتی" در طول هشت سال وزارت زنگنه بود؟» خبرگزاری فارس. ۲۴ مرداد ۱۳۹۲. دسترس‌ی به سایت از طریق مونیتورینگ جهانی بی‌بی‌سی.
- ۷۷ «پرونده کرسنت به انتها نزدیک می‌شود.» خبرگزاری تسنیم. www.tasnim.com. ۱ آوریل ۲۰۱۴. <http://tn.ai/325777> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۷ اوت ۲۰۱۷.
- ۷۸ «مصاحبه با دکتر سیدمسعود میرکاظمی.» رجانپوز. ۱۶ اوت ۲۰۱۵. www.rajaneews.com/node/219716 دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۷ اوت ۲۰۱۷.
- ۷۹ همان.
- ۸۰ همان.
- ۸۱ همان.
- ۸۲ «شرکت ملی نفت ایران در مقابل شرکت بین‌المللی نفت کرسنت با مسئولیت محدود و همکاران.» EWHC ۲۰۱۶. ۵۱۰ دادگاه بازرگانی دیوان عالی عدالت. شعبه کوپینز پنج (Queen's Bench). ۳ آوریل ۲۰۱۶. پاراگراف ۱۱۰۵. مؤسسه اطلاعات قضایی بریتانیا و ایرلند. <http://www.bailii.org/ew/cases/EWHC/Comm/2016/510.html> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۸۳ «شرکت ملی نفت ایران در مقابل شرکت بین‌المللی نفت کرسنت با مسئولیت محدود و همکاران.» EWHC ۲۰۱۶. ۵۱۰ دادگاه بازرگانی دیوان عالی عدالت. شعبه کوپینز پنج (Queen's Bench). ۳ آوریل ۲۰۱۶. پاراگراف ۱۱۰۶. مؤسسه اطلاعات قضایی بریتانیا و ایرلند. <http://www.bailii.org/ew/cases/EWHC/Comm/2016/510.html> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۸۴ کائوری، ویدیا (Kauri, Vidya). «شرکت نفت ایران در رد کردن حکم دادگاه شکست خورد.» قانون ۳۶۰. ۲۹ مارس ۲۰۱۶. <https://www.law360.com/articles/777534/iran-oil-co-loses-bid-to-set-aside-arbitration-award>
- ۸۵ همان.
- ۸۶ «شرکت ملی نفت ایران در مقابل شرکت بین‌المللی نفت کرسنت با مسئولیت محدود و همکاران.» EWHC ۲۰۱۶. ۵۱۰ دادگاه بازرگانی دیوان عالی عدالت. شعبه کوپینز پنج (Queen's Bench). ۳ آوریل ۲۰۱۶. مؤسسه اطلاعات قضایی بریتانیا و ایرلند. <http://www.bailii.org/ew/cases/EWHC/Comm/2016/510.html> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۸۷ «خسارت قرارداد کرسنت تاکنون ۴۳ میلیارد دلار، کیهان. ۱۷ مهر ۱۳۹۵. <http://kayhan.ir/fa/news/87476/> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۱۷.
- ۸۸ همان.
- ۸۹ «قرارداد کرسنت یک قرارداد حرفه‌ای و درجه یک بود.» خبرگزاری فارس. ۳ اکتبر ۲۰۱۶. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950712000719> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۹۰ «ایران: سرزنش ۶۶ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی نامعلوم است.» روز آنلاین. ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹. <http://www.roozonline.com/english/news3/newsitem/archive/2009/october/26/article/fate-of-66-billion-in-oil-revenues-unknown.html> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۹۱ «چگونه ۲۲ میلیارد دلار از کشور خارج شد؟ افشاگری جهانگیری از پشت پرده فساد ارز.» تابناک نیوز. ۲۷ ژانویه ۲۰۱۵.
- ۹۲ صفری، زینب. «حکم‌های صادرشده علیه احمدی‌نژاد اجرا نشده‌اند.» اعتماد. ۱۴ تیر ۱۳۹۵.
- ۹۳ بزرگمهر، جمه. «ایران جشن می‌گیرد. اما چالش‌های پیش روی روحانی همچنان باقی است.» فایننشال تایمز. ۳ آوریل ۲۰۱۵.
- ۹۴ همان.
- ۹۵ همان.
- ۹۶ «تأیید و نظارت در جمهوری اسلامی ایران با توجه به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۱۵).» گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶.
- ۹۷ کمالی دهقان، سعید. «مذاکره کننده اصلی توافق هسته‌ای با استیضاح پرتشور مردم در تهران روبه‌رو شد.» گاردین. ۳ آوریل ۲۰۱۵.
- ۹۸ «شهادت مکتوب ادم جی. زوبین (Adam J. Szubin). که در بخش اطلاعات مالی و توریسم، کمیته بانکداری مسکن و امور شهری ایالات متحده به عنوان بخشی از وزارت خزانه‌داری خدمت می‌کند.» وزارت خزانه‌داری امریکا. ۵ اوت ۲۰۱۵. گلدستون، ریک (Gladstone, Rick). «اندازه گیری ارزش لغو خریدها برای ایران دشوار است.» نیویورک تایمز. ۵ اوت ۲۰۱۵. امیر مکرری، سیروس و بیگلری، حمید. «سود بادآورده برای ایران؟ پایان خریدها و اقتصاد ایران.» فارین افرز نوامبر/دسامبر ۲۰۱۵.
- ۹۹ بل، اولیور (Bell, Oliver). «ایران - رفع سوءتفاهمات. اما پذیرش چالش‌ها.» شرکت تی. رو پرایس اسوسیتیز T. <https://www.4qual.troweprice.com/gis/fai/us/en/insights/articles/2016/q1/iran-dispelling-the-misconceptions-but-accepting-the-challenges.html> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۰۰ دابن ریچارد (Dobbs, Richard). «ایران: فرصت تریلیون دلاری؟» مؤسسه جهانی مکنزی. ژوئن ۲۰۱۶.
- ۱۰۱ «ایران به دنبال مناسبات اقتصادی به ارزش ۶۰۰ میلیارد دلار با چین.» The National. ۲۳ ژانویه ۲۰۱۶. <https://www.thenational.ae/iran-seeks-economic-ties-worth-us-600-billion-with-china-1.178051> دسترس‌ی به وبسایت در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۷.
- ۱۰۲ امیر مکرری، سیروس و حمید بیگلری. «سود بادآورده برای ایران؟ پایان خریدها و اقتصاد ایران.» فارین افرز نوامبر/دسامبر ۲۰۱۵.
- ۱۰۳ همان. همچنین نگاه کنید به فروهر کامبیز: «فرستاده ایران در نیویورک به دنبال شکار میلیاردها دلار.» بلومبرگ بیزنس. ۲۶ اکتبر ۲۰۱۵.

۱۰۴ «توافق اتمی ایران به واقعیت تبدیل می‌شود» اکونومیست، ۱۴ ژانویه ۲۰۱۶، <http://www.economist.com/blogs/graphicdetail/2016/01/graphics-iran-sanctions-and-nuclear-deal> وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.

۱۱۶ همان، صص ۳-۴.

۱۱۷ همان، ص ۴.

۱۱۸ بزرگمهر، جمه. «ایران جشن می‌گیرد، اما چالش‌های پیش روی روحانی همچنان باقی است» فایننشال تایمز ۳ آوریل ۲۰۱۵، نقل قول، آن گونه که در فایننشال تایمز در داخل گیومه آمده «متحدان پیامبر» است که در این نوشتار با توجه به اصل فارسی آن سلمان و ابوذر نوشته شد.

۱۱۹ «بانکها فاسدترین نهادهای ایران هستند: شهرداری‌ها، قوه قضائیه و پلیس نیز در مرتبه بعد قرار دارند» iPOS (شرکت نظرسنجی درباره اطلاعات و آرای عمومی)، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶، <https://www.ipos.me/en/2016/01/20/corruption/polls/2016/01/20/corruption/> وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.

۱۲۰ همان.

۱۲۱ همان.

۱۲۲ «رتبه اقتصادی» گروه بانک جهانی، انجام کسب‌وکار (Doing Business)، ژوئیه ۲۰۱۵، <https://web.archive.org/web/20150705001806/http://www.doingbusiness.org/rankings> وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.

۱۲۳ «انجام کسب و کار ۲۰۱۶: اندازه گیری کیفیت مقررات و بهره‌وری» گروه بانک جهانی، ویرایش سیزدهم، ۲۰۱۶، <http://www.doingbusiness.org/~media/WBG/DoingBusiness/Documents/Annual-Reports/English/DB16-Full-Report.pdf> وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.

۱۲۴ «نمایه فساد در سال ۲۰۱۵» سازمان شفافیت بین‌الملل، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۶، <http://www.transparency.org/cpi2015> وبسایت در تاریخ ۷ مارس ۲۰۱۶.

۱۲۵ همان.

۱۲۶ «احمد توکل: فساد ساختاری جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند» بی‌بی‌سی فارسی، ۹ دسامبر ۲۰۱۵، http://www.bbc.com/persian/iran/2015/12/151209_i45_iran_systemic_corruption_tavakkoli وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.

۱۲۷ همان.

۱۲۸ «ما ۸.۵ میلیارد دلار بدهی نفتی داریم» مردم سالاری، ۳ اوت ۲۰۱۵، <http://archive.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=224692>

۱۲۹ مالونی، سوزان (Maloney, Suzanne)، اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب تاکنون، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۵، ص ۴۰۴.

۱۳۰ «رئیس پیشین بانک مرکزی ملاقات با ضراب را انکار کرد» المونیتور، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۷، <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/12/iran-central-bank-bahmani-zarrab-trial-sanctions-turkey.html> تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۱۷.

۱۳۱ همان.

۱۳۲ «ضرب الاجل ۴۸ ساعته احمدی‌نژاد به قوه قضائیه» یوتیوب، کاربر «منوچهر لنزیران۲»، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۷، <https://www.youtube.com/watch?v=x19YV0O6O70> تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۷.

۱۳۳ صفحه آخر، «داستان پرونده ۲ میلیارد یورویی احمدی‌نژاد از مجتبی خامنه‌ای» بخش فارسی صدای آمریکا، یوتیوب، کاربر «شبکه تصویری ایرانیان» ۱ دسامبر ۲۰۱۷، <https://www.youtube.com/watch?v=9ijzJDKTJqo> تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۷.

۱۳۴ مالونی، سوزان (Maloney, Suzanne)، اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب تاکنون، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۵، ص ۴۰۴.

۱۳۵ همان، ص ۴۰۵.

۱۳۶ برنوتو، گرگ (Bruno, Greg) و همکاران، «سپاه پاسداران ایران» شورای روابط خارجی، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳، <http://www.cfr.org/iran/irans-revolutionary-guards/p14324> وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.

۱۳۷ زندگی، رضا، «حضور سپاه پاسداران در قراردادهای اقتصادی» شرق، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۶، آرشیو شده در <https://web.archive.org/web/20060703144054/http://sharghnewspaper.com/850405/html/index.htm> وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.

۱۳۸ «فریدیک (Frederic) و همکاران، اوجگیری پاسداران: ارزیابی نقش داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مؤسسه پژوهشی دفاع ملی RAND، ۲۰۰۹، https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2008/RAND_MG821.pdf وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.

۱۳۹ همان.

۱۴۰ مدیر مرکز منبع باز اطلاعات ملی (OSC) تقریباً ۲۰۰۷، نقل قول در وی، فریدیک (Wehrey, Frederic) و همکاران، اوجگیری پاسداران: ارزیابی نقش داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مؤسسه پژوهشی دفاع ملی RAND، ۲۰۰۹، https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2008/RAND_MG821.pdf وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.

۱۴۱ مالونی، سوزان (Maloney, Suzanne)، اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب تاکنون، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۵، ص ۴۰۵.

۱۰۴ «توافق اتمی ایران به واقعیت تبدیل می‌شود» اکونومیست، ۱۴ ژانویه ۲۰۱۶، <http://www.economist.com/blogs/graphicdetail/2016/01/graphics-iran-sanctions-and-nuclear-deal> وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.

۱۰۵ «خامنه‌ای از مشکلات اقتصادی شکایت می‌کند، روحانی از دولت خود دفاع می‌کند» رادیو فردا، ۲۰ مارس ۲۰۱۷، https://www.radiofarda.com/a/f6_iran_khamenei_rouhani/28380157.html

۱۰۶ همان.

۱۰۷ همان.

۱۰۸ گئوئت، نیکول (Gaouette Nicole)، «روحانی مقابل ترامپ می‌ایستد» CNN Politics، ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷، <http://www.cnn.com/2017/09/20/politics/iran-rouhani-trump-nuclear/index.html> وبسایت در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۷.

۱۰۹ استار، باربرا (Starr, Barbara)، زاکاری کوهن (Zachary Cohen) و رایان براون (Ryan Browne)، «متین: ماندن در توافق ایران به نفع امنیت ملی امریکاست» CNN Politics، ۳ اکتبر ۲۰۱۷، <http://www.cnn.com/2017/10/03/politics/mattis-iran-nuclear-deal-national-security/index.html> وبسایت در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۷.

۱۱۰ موللو، کارول (Morello, Carol) و جولیا ویتکوفسکایا (Julie Vitkovskaya)، «۵ دلیل نفرت ترامپ از توافق اتمی ایران» واشنگتن پست، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷، <https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2017/10/12/5-reasons-why-worldviews/wp/2017/10/12/5-reasons-why-worldviews-why-trump-hates-the-iran-deal/> وبسایت در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۷.

۱۱۱ لو، جیکاب جی. (Lew, Jacob J.)، «شهادت وزیر خزانه‌داری جیکاب جی. لو در برابر کمیته روابط خارجی سنا درباره توافق اتمی ایران» وزارت خزانه‌داری آمریکا، ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۵، <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl0129.aspx> وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.

۱۱۲ همان.

۱۱۳ «خریم‌ها: ایران تا چه حد مضر است؟» ایران پرایمر، مؤسسه صلح ایالات متحده، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۳، <http://iranprimer.usip.org/blog/2013/nov/18/sanctions-how-much-iran-hurting> به وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.

۱۱۴ «شهادت معاون وزیر در اطلاعات مالی و ترویسوم، دیوید اس. کوهن» وزارت خزانه‌داری آمریکا، ۱۵ می ۲۰۱۳، <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl1943.aspx> وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.

۱۱۵ لو، جیکاب جی. (Lew, Jacob J.)، «شهادت وزیر خزانه‌داری جیکاب جی. لو در برابر کمیته روابط خارجی سنا درباره توافق اتمی ایران» وزارت خزانه‌داری آمریکا، ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۵، <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl0129.aspx> وبسایت در تاریخ ۸ اوت ۲۰۱۷.

۱۱۶ بزدوانت، اولیویه (Basdevant, Olivier) و رابرت بلوت ووگل (Robert Blotevogel)، «جمهوری اسلامی ایران: گزیده ای از مسائلی» صندوق بین‌المللی پول، گزارش کشورها، شماره ۱۵/۳۵، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵، <https://www.imf.org/external/pubs/ft/>

- ۱۴۲ همان.
- ۱۴۳ کار فروزنده به عنوان رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان در ۳ دسامبر ۲۰۰۴ آغاز شد. در ۲ دسامبر ۲۰۰۹ وی در سمت خود ابقا شد. او در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۴ از مقام خود استعفا داد. فروزنده از ۲۰ اوت ۱۹۹۳ تا ۱۹ اوت ۱۹۹۷ وزیر دفاع بود.
- ۱۴۴ رسولتی، نرگس. «سه کنسرسیوم برای دور زدن تحریم‌ها تشکیل شده است.» ۲۲ تیر ۱۳۹۱.
- ۱۴۵ همان.
- ۱۴۶ همان.
- ۱۴۷ همان.
- ۱۴۸ جعفری، م. ع. «مأموریت اصلی سپاه پاسداران این است که با دشمنان داخلی مبارزه کند.» میزان نیون ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۷. نقل قول شده در وی. فردریک (Wehrey, Frederic) و همکاران. اوجگیری پاسداران: ارزیابی نقش داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مؤسسه پژوهشی دفاع ملی RAND. ۲۰۰۹. https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2008/RAND_MG821.pdf دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۴۹ نیایش، امید. «شفافیت بین‌الملل: ایران در ارزیابی عمومی فساد در جایگاه ۱۴۴ قرار گرفت.» Trend News Agency. ۱۳ دسامبر ۲۰۱۳. <http://en.trend.az/iran/2217765.html> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۵۰ اودینت، پیر (Audinet, Pierre). و همکاران. «سرمایه‌گذاری در نفت خاورمیانه و آفریقا: نهادها، مشوق‌ها و شرکت‌های ملی نفت.» بانک جهانی. شماره گزارش MNA-۴۰۴۰۵. اوت ۲۰۰۷. ص. ۵۶. <http://documents.worldbank.org/curated/en/493361468110688778/Investing-in-oil-in-the-Middle-East-and-North-Africa-institutions-incentives-and-the-national-oil-companies> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۵۱ همان.
- ۱۵۲ همان.
- ۱۵۳ «شرکت ملی گاز ایران ورشکسته شده است.» هشتم صبح. ۲۷ اکتبر ۲۰۱۳. <http://bam.af/1392/08/27/> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۵۴ کلاین، ناومی (Klein, Naomi). دکترین شوفک: اوج گیری سرمایه داری فاجعه. متروپولیتن بوکس. ۲۰۱۰. برای بررسی کتاب «دکترین شوک» نگاه کنید به استیگلیتز، جوزف. «Bleakonomics». نیویورک تایمز. ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۷.
- ۱۵۵ چویکالپ، مسوت [مسعود] (Çevikalp, Mesut). «ایران به دنبال پول خود در ترکیه می‌رود.» Today's Zaman (زمان امروز). ۴ می ۲۰۱۴. https://web.archive.org/web/20150619001842/http://www.todayszaman.com/anasayfa_iran-will-go-after-its-money-in-turkey_346687.html دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۵۶ رحمان‌پناه، غزل. «بابک زنجانی: چه کسی از بسیج اقتصادی می‌ترسد؟» The Financial Crime Blog (بلاگ جرایم مالی). مؤسسه مطالعات بین‌المللی میدلمیری در مونتری. ۲۵ آوریل ۲۰۱۴. <http://sites.mis.edu/misfinancialcrime/2014/04/25/babak-zanjani/> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۶.
- ۱۵۷ اردبرینک، توماس (Erdbrink, Thomas). «تحریم‌های ایران برای این سرمایه‌دار مثل طلا بود.» نیویورک تایمز. ۴ اکتبر ۲۰۱۳. <http://www.nytimes.com/2013/10/05/world/middleeast/to-this-tycoon-iran-sanctions-are-like-gold.html> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۶.
- ۱۵۸ زنجانی با رستم قاسمی، فرمانده سپاه پاسداران و وزیر نفت پیشین ایران در ارتباط بوده است. اتولنگی، امانوئل (Ottolenghi, Emanuele) و سعید قاسمی‌نژاد. «چه کسی از بابک زنجانی می‌ترسد؟» حریت دیلی نیوز (Hürriyet Daily News). ۲۰ ژانویه ۲۰۱۴. <http://www.hurriyetdailynews.com/whos-afraid-of-babak-zanjani.aspx?pageID=449&NID=61262> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷. اردبرینک، توماس. «تحریم‌های ایران برای این سرمایه‌دار مثل طلا بود.» نیویورک تایمز. ۴ اکتبر ۲۰۱۳. <http://www.nytimes.com/2013/10/05/world/middleeast/to-this-tycoon-iran-sanctions-are-like-gold.html> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۶.
- ۱۵۹ رحمان‌پناه، غزل. «بابک زنجانی: چه کسی از بسیج اقتصادی می‌ترسد؟» The Financial Crime Blog (بلاگ جرایم مالی). مؤسسه مطالعات بین‌المللی میدلمیری در مونتری. ۲۵ آوریل ۲۰۱۴. <http://sites.mis.edu/misfinancialcrime/2014/04/25/babak-zanjani/> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۶.
- ۱۶۰ فقیهی، روح‌الله. «سقوط دو آبر سرمایه‌دار ایرانی.» المونیتور، نبض ایران (Iran Pulse). ۹ می ۲۰۱۶. <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/05/iran-babak-zanjani-reza-zarrab-corruption-cases.html> وبسایت در تاریخ ۱۰ می ۲۰۱۶.
- ۱۶۱ «زنجانی: من ۲۲ میلیارد یورو پول نقد دارم.» تهران تایمز. ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵. http://www.tehrantimes.com/index_View.asp?code=250739 دسترسی به وبسایت در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۱۶.
- ۱۶۲ اردبرینک، توماس. «تحریم‌های ایران برای این سرمایه‌دار مثل طلا بود.» نیویورک تایمز. ۴ اکتبر ۲۰۱۳. <http://www.nytimes.com/2013/10/05/world/middleeast/to-this-tycoon-iran-sanctions-are-like-gold.html> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۶.
- ۱۶۳ همان.
- ۱۶۴ همان.
- ۱۶۵ واینثال، بنجامین (Weinthal, Benjamin). «ایران به خاطر شکستن تحریم‌ها از سوی ترکیه، ۲۰ میلیارد دلار به دست آورد.» جروزالم پست. ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۵. <http://www.jpost.com/Middle-East/Iran/Iran-secured-as-much-as-20b-from-Turkey-breaking-sanctions-410057> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۶.
- ۱۶۶ محاسبه‌گر تبدیل ارز در ۱۰ سال گذشته، بانک کانادا. <http://www.bankofcanada.ca/rates/exchange/10-year-converter> وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۶.
- ۱۶۷ آکین، آردا. «در گزارش رسمی پرونده رسیدگی به فساد ترکیه، سند ارتباط ایران موجود است.» حریت دیلی نیوز (Hürriyet Daily News). ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۵. <http://www.hurriyetdailynews.com/iran-link-documented-in-official-report-for-turkeys-corruption-probe.aspx?pageID=&NID=85517> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۶۸ «با فاش شدن جزئیات جدید از تجارت طلا، ترکیه پرونده‌های اختلاس را مورد بازبینی قرار می‌دهد.» زمان امروز. ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۵. آرشیو شده در https://web.archive.org/web/20150814172936/http://www.todayszaman.com/anasayfa_turkey-revisits-graft-files-as-courier-exposes-details-of-gold-trade_39401.html وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۶۹ «روسیه "مدرک" ارائه کرد که اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، نفت داعش را از مرز سوریه به صورت قاچاق به داخل ترکیه منتقل می‌کند.» ایندپندنت. ۴ دسامبر ۲۰۱۵. <http://www.independent.co.uk/news/world/europe/russia-releases-proof-turkey-is-smuggling-isis-oil-over-its-border-a675651.html> تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.

- ۱۷۰ باتلر دارن (Butler, Daren) و همپرا پاموک. «با دستگیری رئیس هالک بانک ترکیه در آمریکا، سهام این بانک سقوط کرد». رویترز، ۲۹ مارس ۲۰۱۷. <http://www.reuters.com/article/us-usa-turkey-banker-turkiye-halk-bk-idUSKBN1700D7> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۷۱ فیلکینز دکستر (Filkins, Dexter). پرنده‌های اسرارآمیز با حضور ترکیه، ایران و رودی جولیان. نیویورکر، ۱۴ آوریل ۲۰۱۷. <https://www.newyorker.com/news/news-desk/a-mysterious-case-involving-turkey-iran-and-rudy-giuliani> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۸.
- ۱۷۲ وایزر بنجامین (Weiser, Benjamin) و پتریک کینگزلی (Patrick Kingsley). «چرا جولیان جلسه‌ای مخفی با رهبر ترکیه برگزار کرد؟» نیویورک تایمز، ۲۰ آوریل ۲۰۱۷. <https://www.nytimes.com/2017/04/20/nyregion/rudy-giuliani-reza-zarrab-iran-sanctions-case.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۸.
- ۱۷۳ هریس، گاردینر (Harris, Gardiner). «سنای رفس تیلرسون از ترکیه با فهرستی از شکایات روبه‌رو شد.» نیویورک تایمز، ۳۰ مارس ۲۰۱۷. <https://www.nytimes.com/2017/03/30/world/europe/rex-tillerson-turkey.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۷۴ فیلکینز دکستر (Filkins, Dexter). پرنده‌های اسرارآمیز با حضور ترکیه، ایران و رودی جولیان. نیویورکر، ۱۴ آوریل ۲۰۱۷. <https://www.newyorker.com/news/news-desk/a-mysterious-case-involving-turkey-iran-and-rudy-giuliani> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۸.
- ۱۷۵ «رئیس‌جمهوری ایران». www.eghtesadonline.com، ۱۹ می ۲۰۱۶.
- ۱۷۶ آوایی، کوروش. «ایران هنوز در تلاش برای خلاصی از فساد دوره احمدی‌نژاد.» <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/12/iran-ahmadinejad-legacy-corruption.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۷۷ محمدی، حسین. «دادستان کل ایران اعلام کرد: هر سه قوه حکومت فاسدند.» روز آنلاین، ۲۳ می ۲۰۱۴. <http://www.roozonline.com/english/news3/newsitem/article/all-three-branches-of-government-are-corrupt.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۷۸ همان.
- ۱۷۹ «در جریان استماع پرونده، نام تعدادی از مقامات دولت و مجلس نیز ذکر شد. حمید پورمحمدی، معاون بانک ملی که با معاون رئیس‌جمهور، اسفندیار رحیم مشایی نیز نسبت دارد. یکی از این افراد بود. نام حمید بهبهانی و یکی از معاونان وزیر معدن نیز در جلسات دادگاه مربوط به این پرونده ذکر شد. به نام یکی از اعضای سابق شورای قدرت‌مند نگهبان، محمد جهرمی که پیشتر ریاست بانک صادرات را بر عهده داشت نیز در پرونده اشاره شده است. به علاوه نام ۱۷ تن از نمایندگان مجلس نیز در این پرونده آمده است. مهدی فراهانی، نماینده دادستان کل، در جلسات دادگاه به اختصار گفته بود که برخی از نمایندگان مجلس، اعضای سابق قوه قضائیه، مأموران امنیت و اطلاعات و اعضای سازمان خصوصی‌سازی بانکها نیز جزو متهمان هستند.» محمدی، حسین.
- ۱۹۳ «دادستان کل ایران اعلام کرد: هر سه قوه حکومت فاسدند.» روز آنلاین، ۲۳ می ۲۰۱۴. <http://www.roozonline.com/english/news3/newsitem/article/all-three-branches-of-government-are-corrupt.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۹۴ محمدی، حسین. «دادستان کل ایران اعلام کرد: هر سه قوه حکومت فاسدند.» روز آنلاین، ۲۳ می ۲۰۱۴. <http://www.roozonline.com/english/news3/newsitem/article/all-three-branches-of-government-are-corrupt.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۹۵ همان.
- ۱۹۶ اردبرینک، توماس. «حکم دادگاه‌های آمریکا در مورد خسارت مپ‌گذاری سال ۱۹۸۳ در بیروت، ایران را برآشفته کرده است.» نیویورک تایمز، ۲۷ آوریل ۲۰۱۶.
- ۱۹۷ همان.
- ۱۹۸ همان.
- ۱۹۹ همان.
- ۲۰۰ کریمی، آرشد. «۲ میلیارد دلار مصادره شده می‌تواند برای احمدی‌نژاد مشکلات قانونی به همراه داشته باشد.» <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/08/mahmoud-ahmadinejad-hassan-rouhani-2-billion-us-bonds.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۰۱ کریمی، آرشد. «برای مصادره ۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران از سوی آمریکا، چه کسی را باید سرزنش کرد؟» <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/04/ahmadinejad-us-supreme-court-iran-terror-2-billion.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۰۲ کریمی، آرشد. «۲ میلیارد دلار مصادره شده می‌تواند برای احمدی‌نژاد مشکلات قانونی به همراه داشته باشد.» <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/08/mahmoud-ahmadinejad-hassan-rouhani-2-billion-us-bonds.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۰۳ اردبرینک، توماس. «اروپا می‌گوید مقررات آمریکا مانع تجارت اروپا با ایران است.» نیویورک تایمز، ۱۶ آوریل ۲۰۱۶.
- ۲۰۴ «ایران: سرزنش ۶۶ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی نامعلوم است.» روز آنلاین، ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹. <http://www.roozonline.com/english/news3/newsitem/archive/2009/october/26/article/fate-of-66-billion-in-oil-revenues-unknown.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۰۵ «چگونه ۲۲ میلیارد دلار از کشور خارج شد؟ افشاگری جهانی‌گیری از پشت پرده فساد ارز.» تابناک نیوز، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۵.
- ۲۰۶ اردبرینک، توماس. «حکم دادگاه‌های آمریکا در مورد خسارت مپ‌گذاری سال ۱۹۸۳ در بیروت، ایران را برآشفته کرده است.» نیویورک تایمز، ۲۷ آوریل ۲۰۱۶.
- ۲۰۷ حبیب‌زاده، شکوفه. «کل ذخیره ارزی بانک مرکزی ۸۹٫۷ میلیارد دلار است.» شرق، ۳۰ تیر ۱۳۹۴. http://sharghdaily.ir/?News_Id=68533 دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ می ۲۰۱۷.
- ۱۸۱ «آیت‌الله خامنه‌ای درباره اختلاس بزرگ: رسانه‌ها قضیه را کش ندهند.» رادیو فردا، ۳ اکتبر ۲۰۱۱. <http://www.radiofarda.com/articleprintview/24347306.html> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۸۲ همان.
- ۱۸۳ همان.
- ۱۸۴ ضابط و مصادره اموال منقول و غیرمنقول در ایران بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی صورت می‌گیرد. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۹۷۹ (آخرین اصلاحیه در ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۹)» سازمان جهانی مالکیت معنوی. <http://www.wipo.int/wipolex/en/details.jsp?id=7697> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۸۵ استکلو، استیو (Stecklow, Steve) و همکاران. «خامنه‌ای امپراتوری مالی عظیمی را خت کنترل دارد که حاصل مصادره اموال است.» رویترز، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳. <http://www.reuters.com/investigates/iran/#article/part1> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۸۶ همان.
- ۱۸۷ همان.
- ۱۸۸ استکلو، استیو (Stecklow, Steve) و همکاران. «برای گسترش تسلط خامنه‌ای بر اقتصاد، ایران قوانین خود را بسط داد.» رویترز، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳. <http://www.reuters.com/investigates/iran/#article/part3> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۱۸۹ همان.
- ۱۹۰ همان.
- ۱۹۱ همان.
- ۱۹۲ استکلو، استیو (Stecklow, Steve) و همکاران. «برای گسترش تسلط خامنه‌ای بر اقتصاد، ایران قوانین خود را بسط داد.» رویترز، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳. <http://www.reuters.com/investigates/iran/#article/part3> دستبرسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۰۱ رویترز در نشانی زیر قابل دسترس است: http://www.reuters.com/investigates/iran/images/part3/doc_cofounder_eng.png متن نامه اصلی به فارسی در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی، ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۹ موجود است: http://www.bbc.com/persian/iran/2009/09/090929_he_karoubi_hasehmi.shtml

- ۲۰۸ برآوردهای دیگر کمیته برنامه و بودجه مجلس این رقم را تا ۱۰۷ میلیارد دلار برده است.
- ۲۰۹ حبیبی، نادر. «ایران با دارایی‌های خارجی خود که به تازگی آزاد شده است، چه خواهد کرد؟» نیوزویک، ۱۳ اوت ۲۰۱۵. <http://www.newsweek.com/what-will-iran-do-its-newly-released-foreign-assets-362480>
- ۲۱۰ در بخش دیگری از این مطالعه، از ارقام اشتغالزایی دولت استفاده خواهیم کرد.
- ۲۱۱ «۶٫۵ میلیون نفر در کشور بیکارند/ رشد اقتصادی هیچ شغلی ایجاد نکرده است.» فارس نیوز، ۵ ژوئن ۲۰۱۶. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950316000110> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۱۷.
- ۲۱۲ حبیب‌زاده، شکوفه. «کل ذخیره ارزی بانک مرکزی ۸۹٫۷ میلیارد دلار است.» شرق، ۳۰ تیر ۱۳۹۴. http://sharghdaily.ir/?News_Id=68533 دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ می ۲۰۱۷.
- ۲۱۳ همان.
- ۲۱۴ «ما ۸٫۵ میلیارد دلار بدهی نفتی داریم.» مردم سالاری، ۳ اوت ۲۰۱۵. <http://archive.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=224692> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۱۷.
- ۲۱۵ همان.
- ۲۱۶ همان.
- ۲۱۷ همان.
- ۲۱۸ «دارایی‌های مسدودشده ایران بین ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار.» خبرگزاری تسنیم، ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۵. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/04/26/803087> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۱۹ «ترکمنچای نیو.» شرق، ۶ مرداد ۱۳۹۴. <http://www.sharghdaily.ir/1394/05/06/Main/PDF/13940506-2357-1-1.pdf>
- ۲۲۰ «ما ۸٫۵ میلیارد دلار بدهی نفتی داریم.» مردم سالاری، ۳ اوت ۲۰۱۵. <http://archive.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=224692> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۱۷.
- ۲۲۱ «دادگاه آمریکایی ایران را به دلیل حمله ۱۹۸۳ لبنان ۸۱۳ میلیون دلار جریمه کرد.» اکسپرس تریبون، ۷ ژوئیه ۲۰۱۲. <http://tribune.com.pk/story/404947/us-court-fines-iran-813m-for-1983-lebanon-attack/> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۲۲ بزرگمهر، جمه. «رسوایی فیش‌های حقوقی برخی مدیران بانک‌ها را مجبور به استعفا کرد.» فایننشال تایمز، ۵ ژوئیه ۲۰۱۶.
- ۲۲۳ همان.
- ۲۲۴ «ایران برای پایان دادن به رسوایی دستمزد‌ها را پنهان می‌کند.» المونیور، ۲ ژوئیه ۲۰۱۶. <http://www.al-monitor.com/pulse/afp/2016/07/iran-politics-economy-wages.html> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۲۵ بزرگمهر، جمه. «رسوایی فیش‌های حقوقی برخی مدیران بانک‌ها را مجبور به استعفا کرد.» فایننشال تایمز، ۵ ژوئیه ۲۰۱۶.
- ۲۲۶ مالونی، سوزان (Maloney, Suzanne). اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب تاکنون. انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۵، ص. ۲۹۱.
- ۲۲۷ کرامارنکو، ویتالی (Kramarenko, Vitaliy) و همکاران. «جمهوری اسلامی ایران: گزینه‌ای از مسائلی.» صندوق بین‌المللی پول. گزارش کشورها. شماره ۲۸۵/۰۸. اوت ۲۰۰۸. <https://www.imf.org/en/Publications/CR/Issues/2016/12/31/Islamic-Republic-of-Iran-Selected-Issues-22282> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۲۸ کلر، جنیفر (Keller, Jennifer) و همکاران. «چشم‌اندازها و توسعه اقتصادی سال ۲۰۰۶: بازارها در عصر جدید نفت.» بانک جهانی، ۲۰۰۶. <http://documents.worldbank.org/curated/en/471231468110061485/Financial-markets-in-a-new-age-of-oil> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۲۹ کرامارنکو، ویتالی (Kramarenko, Vitaliy) و همکاران. «جمهوری اسلامی ایران: گزینه‌ای از مسائلی.» صندوق بین‌المللی پول. گزارش کشورها. شماره ۲۸۵/۰۸. اوت ۲۰۰۸. <https://www.imf.org/en/Publications/CR/Issues/2016/12/31/Islamic-Republic-of-Iran-Selected-Issues-22282> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۳۰ آموزگار، جهانگیر. «صندوق تثبیت نفت ایران: نام بی‌مسما.» پژوهش‌های اقتصادی خاورمیانه (Middle East Economic Survey). شماره ۴۸، ۲۱ نوامبر ۲۰۰۵.
- ۲۳۱ مهدوی، پاشا. «نفت، استبداد، انقلاب و حکومت ولایی: مطالعه‌ای درباره شرکت ملی نفت ایران. در نفت و اداره آن: شرکت‌های دولتی و تأمین انرژی جهان. تألیف دیوید جی. ویکتور (David G. Victor) و همکاران. انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۲، ص. ۲۵۱. «سهام خالص در صندوق تثبیت نفت - بانک مرکزی ایران ۲۰۰۹/۲۰۰۸.» صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸.
- ۲۳۲ مهدوی، پاشا. «نفت، استبداد، انقلاب و حکومت ولایی: مطالعه‌ای درباره شرکت ملی نفت ایران. در نفت و اداره آن: شرکت‌های دولتی و تأمین انرژی جهان. تألیف دیوید جی. ویکتور (David G. Victor) و همکاران. انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۲، ص. ۲۵۱.
- ۲۳۳ پالسن، آنا ال. (Paulson, Anna L). «افزایش سرمایه: نقش صندوق ذخیره ملی.» Chicago Fed Letter، ژانویه ۲۰۰۹، ص. ۲. https://www.chicagofed.org/digital_assets/publications/chicago_fed_letter/2009/cfjanuary2009_258.pdf دسترسی به وبسایت در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۱۶. مقاله آماری از مؤسسه صندوق ذخیره ملی نقل می‌کند: www.swfinstitute.org.
- ۲۳۴ دور، لوسیا (Dore, Lucia). «دارایی‌های خالص خارجی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در حال گذر از یک تریلیون دلار.» خلیج تایمز، ۹ سپتامبر ۲۰۰۷. <http://www.khaleejtimes.com/business/net-foreign-assets-of-gcc-set-to-surpass-1-trillion> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۴ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۳۵ آموزگار، جهانگیر. «صندوق تثبیت نفت ایران: نام بی‌مسما.» پژوهش‌های اقتصادی خاورمیانه (Middle East Economic Survey). شماره ۴۸، ۲۱ نوامبر ۲۰۰۵.
- ۲۳۶ مالونی، سوزان (Maloney, Suzanne). اقتصاد سیاسی ایران از انقلاب تاکنون. انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۵، ص. ۲۹۱.
- ۲۳۷ هویتی، آنتوان (Heuty, Antoine). «بم ساعتی؟ مدیریت نفت و گاز ایران.» مؤسسه ناظر بر درآمد، فوریه ۲۰۱۲، ص. ۱. https://resourcegovernance.org/sites/default/files/documents/rwi_bp_iran21.pdf دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۴ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۳۸ «تابه شفافیت لینابورگ-مادوئل.» مؤسسه صندوق ذخیره ملی (SWFI)، ۲۰۱۷. <http://www.swfinstitute.org/statistics-research/linaburg-maduell-transparency-index> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۳۹ مهدوی، پاشا. «نفت، استبداد، انقلاب و حکومت ولایی: مطالعه‌ای درباره شرکت ملی نفت ایران. در نفت و اداره آن: شرکت‌های دولتی و تأمین انرژی جهان. تألیف دیوید جی. ویکتور (David G. Victor) و همکاران. انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۲، ص. ۲۵۱.
- ۲۴۰ هویتی، آنتوان (Heuty, Antoine). «بم ساعتی؟ مدیریت نفت و گاز ایران.» مؤسسه ناظر بر درآمد، فوریه ۲۰۱۲، ص. ۱. https://resourcegovernance.org/sites/default/files/documents/rwi_bp_iran21.pdf دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۴۱ آموزگار، جهانگیر. «صندوق تثبیت نفت ایران: نام بی‌مسما.» پژوهش‌های اقتصادی خاورمیانه (Middle East Economic Survey). شماره ۴۸، ۲۱ نوامبر ۲۰۰۵.
- ۲۴۲ «رهبران نیجریه ۳۸۰ میلیارد دلار "به سرقت بردند"» بی‌بی‌سی نیوز، ۲۰ اکتبر ۲۰۰۶. <http://news.bbc.co.uk/2/hi/africa/6069230.stm> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷. ریادو به بی‌بی‌سی گفت رقم ۳۸۰ میلیارد دلار «به آسانی» با مشاهده اسناد بانک مرکزی و وزارت دارایی نیجریه محاسبه شده است. همچنین نگاه کنید به کنتسورس، کریستینا (Katsouris, Christina) و آرون سین (Sayne). «نفت خام جهانی نیجریه: انتخاب‌های بین‌المللی جهت مبارزه با صادرات نفت مسروقه.» چتم هاوس (مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل)، سپتامبر ۲۰۱۳. <https://www.chathamhouse.org/publications/papers/view/194254> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۴۳ روند، جفری (Round, Jeffrey). ماتریس‌های حسابداری اجتماعی و تحلیل ضریب فراینده SAM محور. فنون و ابزارهای ارزیابی تأثیر ختم‌مشی‌های اقتصادی بر فقر. تألیف فرانسیس بورگینیون (Francois Bourguignon) و لویییز پیرا داسیلوا (Luiz Pereira da Silva). انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۳، ص. ۳۱۰-۳۲۴.
- ۲۴۴ برینزنگر، کلمنس (Breisinger, Clemens). مارسل توماس (Marcelle Thomas) و جیمز ترلو (James Thurlow). تحلیل ماتریس‌های حسابداری اجتماعی و ضریب فراینده: مقدمه و تمرین. مؤسسه پژوهش ختم‌مشی بین‌المللی غذا (IFPRI). واشنگتن، دی سی، ۲۰۰۹، ص. ۱۷. <https://www.ifpri.org/publication/social-accounting-matrices-and-multiplier-analysis> دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۸.

- ۲۴۵ «ماتریس حسابداری اجتماعی ملی ۲۰۰۶». مرکز پژوهش‌های مجلس. ۲۰۱۲. <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/827435> «بهنگام سازی جدول داده- ستانده. ماتریس حسابداری اجتماعی و طراحی الگوی CGE و کاربردهای آنها در سیاست‌گذاری اقتصادی - اجتماعی ۶. پایه‌های آماری ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵. تهیه و تدوین آقای سیدهای موسوی نیک. آقای رضا وفايي يگانه. آقای مجتبی اسفندیاری کلوکن. خانم زهرا ذاکری. آقای مهدی کرمی دی ماه ۱۳۹۱.
- ۲۴۶ پارا. خوان کارلوس (Parra, Juan Carlos) و کونتین ودن (Quentin Wodon). «مقایسه تأثیر شوک قیمتی غذا و انرژی بر مصرف‌کنندگان: تحلیل ماتریس حسابداری اجتماعی برای غنا» بانک جهانی. اکتبر ۲۰۰۸. https://www.unicef.org/wcaro/wcaro_WB_Ghana.pdf WB__Ghana.pdf دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۱۸.
- ۲۴۷ SAM تصویری کلی از اقتصاد فراهم می‌آورد. اقتصاد به عنوان یک کل درازمدت (۲۰ تا ۵۰ سال) ممکن است تنها تغییرات ساختاری را از سر بگذراند. بنابراین می‌توانیم فرض کنیم که عوامل اقتصادی در کوتاه مدت و میان مدت ثابت باقی می‌مانند. به همین دلیل بیشتر کشورها ماتریس حسابداری اجتماعی خود را هر ۵ یا حتی ۱۵ سال یک بار منتشر می‌کنند. تهیه ماتریس حسابداری اجتماعی به منابع و هزینه‌های زیادی احتیاج دارد.
- ۲۴۸ بریزنگر. کلمنس (Breisinger, Clemens). مارسل توماس (Marcelle Thomas). و جیمز ترلو (James Thurlow). تحلیل ماتریس‌های حسابداری اجتماعی و ضرب فراینده: مقدمه و تمرین. مؤسسه پژوهش خط‌مشی بین‌المللی غذا (IFPRI). واشنگتن. دی سن. ۲۰۰۹. <https://www.ifpri.org/publication/social-accounting-matrices-and-multiplier-analysis> and-multiplier-analysis دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۸.
- ۲۴۹ «ماتریس حسابداری اجتماعی ملی ۲۰۱۲». مرکز پژوهش‌های مجلس. ۱۳ اکتبر ۲۰۱۱. <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/823121> «بهنگام‌سازی جدول داده- ستانده. ماتریس حسابداری اجتماعی و طراحی الگوی CGE و کاربردهای آنها در سیاست‌گذاری اقتصادی - اجتماعی» ارزیابی روش جاری کشور در تفکیک انواع واردات با توجه به نتایج جدول داده- ستانده و مشاهدات اقتصاد کلان. تهیه و تدوین آقای مجتبی اسفندیاری کلوکن. آقای رضا وفايي يگانه. آقای سیدهای موسوی نیک. دی ماه ۱۳۹۰.
- ۲۵۰ بزرگی اثر فراینده. به دلیل نرخ ارز و تنظیم قیمت‌ها ممکن است برای هر مورد رسوایی متفاوت باشد.
- ۲۵۱ «ایران: سرنویشت ۶۶ میلیارد دلار درآمدهای نفتی نامعلوم است». روز آنلاین. ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹. <http://www.roozonline.com/english/news/3/newsitem/archive/2009/october/26/article/fate-of-66-billion-in-oil-revenues-unknown.html> unknown.html دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۳ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۵۲ «میلیاردر ایرانی. بایک زنجانی. "دستگیر شد"». بی‌بی‌سی نیوز. ۳۰ دسامبر ۲۰۱۳. <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-25551849> news/world-middle-east-25551849 دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۵۳ «هرمان نیجره ۳۸۰ میلیارد دلار "به سرقت برند"». بی‌بی‌سی نیوز. ۲۰ اکتبر ۲۰۰۶. <http://news.bbc.co.uk/2/hi/africa/6069230.stm> وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷. ریبادو به بی‌بی‌سی گفت رقم ۳۸۰ میلیارد دلار «به آسانی» با مشاهده اسناد بانک مرکزی و وزارت دارایی نیجره محاسبه شده است.
- ۲۵۴ «شاخص اداره منابع». مؤسسه اداره منابع طبیعی. ۲۰۱۷. <http://www.resourcegovernance.org> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۵۵ کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد. نیویورک: 2004 پیشگفتار ص. https://www.unodc.org/unodc/en/corruption/tools_and_publications/UN-convention-against-corruption.html دست‌نویس به وبسایت در تاریخ 25 اوت 2017.
- ۲۵۶ «نقطه جوش آسیب‌های اجتماعی» دنیای اقتصاد. ۲۶ خرداد ۱۳۹۵.
- ۲۵۷ حبیب‌زاده. شکوفه. «کل ذخیره ارزی بانک مرکزی ۸۹.۷ میلیارد دلار است». شرق. ۳۰ تیر ۱۳۹۴. http://sharhgdaily.ir/?News_Id=68533 وبسایت در تاریخ ۲۸ می ۲۰۱۷.
- ۲۵۸ برکچیان. سیدمهدی. «آیا ایران وارد "عصر جدید" سیاست‌های اقتصادی شده است؟» المونیتور. ۲۳ اکتبر ۲۰۱۵. <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/10/iran-economy-management.html> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۵۹ معماریان. امید. و تارا نسوادرانی. «جوانان» ایران پرایمر. مؤسسه صلح ایالات متحده. اوت ۲۰۱۵. <http://iranprimer.usip.org/resource/youth> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۶۰ صالحی اصفهانی. جواد. «جوانان ایران در زمان بحران اقتصادی». مطالعات ایران. نوامبر ۲۰۱۱. ص. ۱۳-۱۲. https://www.researchgate.net/publication/264876957_Iranian_Youth_in_Times_of_Economic_Crisis دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- همان. ص. ۱۳.
- ۲۶۱ «گزنده‌ای از نتایج آمارگیری نیروی کار». مرکز آمار ایران. پاییز ۲۰۱۴. <http://www.amar.org.ir/english/Latest-Releases-Page/articleType/ArticleView/articleId/1722>
- ۲۶۲ بی زائر میثم. «خسته از حرف. مردم ایران به دنبال راهکارهای عملی در زمینه شغل». المونیتور. ۳ ژوئیه ۲۰۱۶. <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/07/iran-unemployment-job-creation-rouhani-final-year.html> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۶۴ «هزینه ایجاد یک شغل چقدر است؟» مشرق نیوز. ۲۰ اردی بهشت ۱۳۹۴. <https://www.mashreghnews.ir/news/414574/> وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۶۵ «وزیر کار به همه هشدار می‌دهد. نرخ بیکاری "افزایش خواهد یافت"». ایران تایمز. ۱۴-۱۲ سپتامبر ۲۰۱۴. <http://iran-times.com/unemployment-will-rise-labor-minister-warns-all> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۶۶ همان.
- ۲۶۷ «آمار بیکاران به ۵ میلیون نفر رسید». مشرق نیوز. ۳۰ خرداد ۱۳۹۴. <https://www.mashreghnews.ir/news/430982/> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۶۸ «هزینه ایجاد یک شغل چقدر است؟» مشرق نیوز. ۲۰ اردی بهشت ۱۳۹۴. <https://www.mashreghnews.ir/news/414574/> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۶۹ صالحی اصفهانی. جواد و دنیل اگل (Daniel Egel). «وانهادگی جوانان در ایران: وضعیت تحصیل اشتغال و تشکیل خانواده». Middle East Youth Initiative. شماره ۳. سپتامبر ۲۰۰۷. <http://www.meyi.org/publication-youth-exclusion-in-iran-the-state-of-education-employment-and-family-formation.html> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۷۰ صالحی اصفهانی. جواد. «جوانان ایران در زمان بحران اقتصادی». مطالعات ایران. جلد ۴۴. شماره ۲۴.۶ اکتبر ۲۰۱۱. <https://doi.org/10.1080/00210862.2011.57.0510> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۱۸.
- ۲۷۱ «دلیل عزل وزیر اسبق بهداشت از زبان خودش: دعوی لفظی احمدی‌نژاد و دست‌چردی بر سر سهم سلامت». خبرگزاری فارس. ۱۹ اردی بهشت ۱۳۹۳. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930219000165> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۷۲ همان.
- ۲۷۳ همان.
- ۲۷۴ اجیری. ندیز حسن‌زاده. «ایران تخت خیریم‌ها: پولی برای دارو نیست اما خودروهای لوکس فراوان است». گاردین. ۲۶ اوت ۲۰۱۵. <http://www.theguardian.com/world/iran-blog/2015/aug/26/iran-medicine-money-to-buy-porsche-maserati> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۱۸.
- ۲۷۵ همان.
- ۲۷۶ کریمی. ناصر. «بحران پزشکی ایران با ریب زدن اقتصاد. عمیق‌تر شده است». اسوشیتهدپرس. اخبار امریکا و گزارش‌های جهان. ۸ ژانویه ۲۰۱۳. <https://www.usnews.com/news/world/articles/2013/01/08/irans-medical-crisis-deepens-as-economy-sputters> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۷۷ همان.
- ۲۷۸ همان.
- ۲۷۹ همان.
- ۲۸۰ «دینی دیگر: چرا این همه جوان ایرانی به مواد مخدر صنعتی روی می‌آورند». اکونومیست. ۱۷ اوت ۲۰۱۳. <https://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21583717-why-so-many-young-iranians-are-hooked-hard-drugs-other-religion> دست‌نویس به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۸۱ همان.

- ۲۸۲ «نزدیک به ۳ میلیون نفر در ایران معتاد هستند.»
بی‌بی‌سی فارسی، ۲۵ ژوئن ۲۰۱۷، <http://www.bbc.com/persian/iran-40400293>
در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۸۳ همان.
- ۲۸۴ همان.
- ۲۸۵ ویک، کارل (Vick, Karl). «مخدرهای مردم ایران.»
واشنگتن پست، ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۵، <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2005/09/22/AR2005092202287.html>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۸۶ همان.
- ۲۸۷ همان.
- ۲۸۸ همان.
- ۲۸۹ همان.
- ۲۹۰ همان.
- ۲۹۱ همان.
- ۲۹۲ کالابریز جان. «جنگ ایران علیه مواد مخدر: آیا ایران سنگر را نگه می‌دارد؟» مؤسسه خاورمیانه، ۱ دسامبر ۲۰۰۷، <https://www.mei.edu/content/irans-war-drugs-holding-line>
دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۹۳ همان.
- ۲۹۴ معماریان، امید. و تارا نلسوادراتی. «جوانان» ایران پرایمر، مؤسسه صلح ایالات متحده، اوت ۲۰۱۵، <http://iranprimer.usip.org/resource/youth>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۹۵ دارینی، علی اکبر «افزایش سوءمصرف مواد در ایران، علی رغم اعدام و پورش پلیس.» اسوشیتدپرس، ۱۲ فوریه ۲۰۱۵، <https://apnews.com/efe75765012d4152b2fed720fode725a/drug-abuse-iran-rising-despite-executions-police-raids>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۹۶ کالابریز جان. «جنگ ایران علیه مواد مخدر: آیا ایران سنگر را نگه می‌دارد؟» مؤسسه خاورمیانه، ۱ دسامبر ۲۰۰۷، <https://www.mei.edu/content/irans-war-drugs-holding-line>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۹۷ معماریان، امید. و تارا نلسوادراتی. «جوانان» ایران پرایمر، مؤسسه صلح ایالات متحده، اوت ۲۰۱۵، <http://iranprimer.usip.org/resource/youth>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۹۸ دارینی، علی اکبر «افزایش سوءمصرف مواد در ایران، علی رغم اعدام و پورش پلیس.» اسوشیتدپرس، ۱۲ فوریه ۲۰۱۵، <https://apnews.com/efe75765012d4152b2fed720fode725a/drug-abuse-iran-rising-despite-executions-police-raids>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۲۹۹ «دینی دیگر: چرا این همه جوان ایرانی به مواد مخدر صنعتی روی می‌آورند.» اکونومیست، ۱۷ اوت ۲۰۱۳، <https://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21583717-why-so-many-young-iranians-are-hooked-hard-drugs-other-religion>
تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۰۰ خواجه‌پور، بیژن. «اعتیاد در ایران قربانی می‌گیرد.» المونیتر، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳، <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/11/drug-addiction-costs-iran.html>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۰۱ «۷۰ درصد زندانیان زندان‌ها مربوط به جرائم مواد مخدر هستند» خبرگزاری تسنیم، ۲ تیر ۱۳۹۴.
- ۳۰۲ خواجه‌پور، بیژن. «اعتیاد در ایران قربانی می‌گیرد.» المونیتر، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳، <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/11/drug-addiction-costs-iran.html>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۰۳ کالابریز جان. «جنگ ایران علیه مواد مخدر: آیا ایران سنگر را نگه می‌دارد؟» مؤسسه خاورمیانه، ۱ دسامبر ۲۰۰۷، <https://www.mei.edu/content/irans-war-drugs-holding-line>
دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۰۴ زمانی، سامان. و همکاران. «شیوع بالای آج‌آوی مرتبط با زندان، در میان معتادان تزریقی در تهران، ایران.» مجله ایدز، ژوئیه ۲۰۰۶، جلد ۴۲، شماره ۳، صص. ۳۴۲-۳۴۶، http://journals.lww.com/jaids/Fulltext/2006/07000/High_Prevalence_of_HIV_Infection_Associated_With_12.aspx
۲۸ اوت ۲۰۱۷، نقل قول شده در کالابریز جان. «جنگ ایران علیه مواد مخدر: آیا ایران سنگر را نگه می‌دارد؟» مؤسسه خاورمیانه، ۱ دسامبر ۲۰۰۷، <https://www.mei.edu/content/irans-war-drugs-holding-line>
دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۰۵ زمانی، سامان. و همکاران. «شیوع بالای آج‌آوی مرتبط با زندان، در میان معتادان تزریقی در تهران، ایران.» مجله ایدز، ژوئیه ۲۰۰۶، جلد ۴۲، شماره ۳، صص. ۳۴۲-۳۴۶، http://journals.lww.com/jaids/Fulltext/2006/07000/High_Prevalence_of_HIV_Infection_Associated_With_12.aspx
۲۸ اوت ۲۰۱۷، نقل قول در اصل از مرجع پرائزنی درون متنی برای نقل قول از این متن استفاده کرده است.
- ۳۰۶ «خاورمیانه و شمال آفریقا، به روز رسانی EPI ۲۰۰۶» برنامه مشترک سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی درباره آج‌آوی/ ایدز، http://data.unaids.org/pub/EpiReport/2006/10-Middle_East_and_North_Africa_2006_EpiUpdate_eng.pdf
دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷، «به صورت عامتر ۲۸ درصد از جوانان مذکر ۱۵ تا ۱۸ ساله که در یک مطالعه دیگر شرکت کردند، از نظر جنسی فعال بودند. با این حال، نیمی از آنان هرگز کاندوم ندیده بودند. و کم‌تر از نیمی از آنان می‌دانستند که کاندوم می‌تواند از عفونت‌هایی که از طریق تماس جنسی منتقل می‌شود، جلوگیری کند.» (به نقل از محمدی، مر. و همکاران. «میزان آگاهی، رفتار و طرز برخورد نوجوانان مذکر ایرانی درباره باروری.» چشمداندازهای بین‌المللی تنظیم خانواده، ۲۰۰۶، جلد ۳۲، شماره ۱، صص. ۳۵-۴۴).
- ۳۰۷ نوایی، رامینا. «بریکینگ بد در تهران: چگونه شیشه (کریستال مت) به مذاق ایران خوش آمد.» گاردین، ۱۳ می ۲۰۱۴، <https://www.theguardian.com/world/2014/may/13/breaking-bad-tehran-iran-crystal-meth-methamphetamine>
دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۰۸ کشتکاران، علی. و همکاران. «میزان مقرون به صرفه بودن درمان معتادان با جویز متادون MMT در پیشگیری از آج‌آوی در میان مصرف‌کنندگان مواد مخدر در شیراز، جنوب ایران.» مجله پزشکی هلال احمر، ۲۶ دی ۱۳۹۲، <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3964432/>
۲۰۱۷.
- ۳۰۹ «معلمان ایران به بوجه روحانی اعتراض کردند.» المونیتر، ۲۰ فوریه ۲۰۱۵، <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/02/iran-teachers-budget-protest.html>
دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۱۰ همان.
- ۳۱۱ همان.
- ۳۱۲ همان.
- ۳۱۳ همان.
- ۳۱۴ همان.
- ۳۱۵ «ناوگان آبرتانکرهای ایران، بزرگ‌ترین در جهان.» پرس تی وی، ۳ ژوئیه ۲۰۱۵، <http://www.presstv.com/Detail/2015/07/03/418583/iran-oil-tanker-fleet-sardashti-exports>
دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۱۶ مینا، پرویز. «موافقت‌نامه‌های نفتی در ایران (۱۹۰۱ تا ۱۹۷۸)» دایره‌المعارف ایرانیکا، <http://www.iranicaonline.org/articles/oil-agreements-iran>
دسترسی به سایت در تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۷.
- ۳۱۷ همان.
- ۳۱۸ همان.
- ۳۱۹ «شرکت ملی گاز ایران ورشکسته شده است.» هشت صبح، ۲۷ اکتبر ۲۰۱۳، <http://bam.af/1392/08/27/>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۲۰ خاتین اوغلو، دالغا. «ایران امیدوار است نرخ برداشت نفت را دوباره برساند.» Trend News Agency، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۵.
- ۳۲۱ همان.
- ۳۲۲ مک فارلن، سارا. و بنوا فوکن (Benoit Faucon). «حرکت چراغ خاموش نفتکش‌های ایران، بالا بردن پرچم قرمز خرم‌ها.» وال استریت ژورنال، ۶ ژوئیه ۲۰۱۷، <https://www.wsj.com/articles/ships-exporting-iranian-oil-go-dark-raising-sanctions-red-flags-1499333402>
دسترسی به وبسایت ۲۸ اوت ۲۰۱۷.
- ۳۲۳ همان.
- ۳۲۴ «۱۷۰ قاضی از قوه قضائیه تصفیه شدند.» عصر ایران، ۱۳ اردی بهشت ۱۳۹۵.
- ۳۲۵ «خسارت قرارداد کرسنت تاکنون ۴۳ میلیارد دلار.» کیهان، ۱۷ مهر ۱۳۹۵، <http://kayhan.ir/fa/news/87476/>
دسترسی به وبسایت در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۷.

از کلیه افراد و سازمان‌هایی که خطر فساد را برای کشور تشخیص می‌دهند دعوت می‌کنیم از نفوذ خود برای نشر این موضوع استفاده کنند و ایده‌های خود را برای مبارزه با این اپیدمی در ایران با ما به اشتراک بگذارند.

جهت دانلود نوشتار حاضر و دنبال کردن فعالیت‌ها و رویدادهای مشابه لطفاً به وبسایت ما به نشانی زیر مراجعه نمایید:

www.WhereIsMyOil.org

یا با این نشانی با ما تماس بگیرید: whereismyoil@omidforiran.org

مسیر ما مسیر نفت نیست. نفت برای ما اهمیت ندارد. ملی‌سازی نفت برای ما اهمیت ندارد. اشتباه است. هدف ما اسلام است. هدف ما نفت نیست. اگر کسی نفت را ملی کرد و اسلام را کنار گذاشت، چرا از او تبعیت کنیم؟

روح‌الله خمینی

می‌گویند اتاق تاریک دارید. بله، ما برای دشمنان ملت اتاق تاریک داریم وگرنه برای نظام همه موارد روشن است، روزی که سختی‌ها بگذرد می‌گوییم چه کردیم.

بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت